

ویژه صنعت و معدن

روزنامه اقتصادی صبح ایران



www.jahanesanat.ir

ویژه نامه روز صنعت و معدن سال ۱۴۰۲

گفت و گوهایی با:

دکتر «حسین مدرس خیابانی»  
آرامش مردم در گرو آرامش بازار

دکتر «افشار فتح‌اللهی»  
مدیریت غلط منابع مالی؛ چالش اصلی تولید

مهندس «محمود حید شیخ‌زاده»  
لزوم بهره‌گیری وزیر جدید صمت از مدیران شجاع و تصمیم‌گیر

دکتر «حسین ساسانی»  
تله‌های ذهنی مانع پیشرفت مدیران صنایع

دکتر «جهانبخش سنجابی شیرازی»  
ضرورت تغییر نگاه مسوولان به پیشبرد پیشران‌های اقتصادی

مهندس «امین مقدم»  
متأسفانه دیده نمی‌شویم!

مهندس «حسام بیگدلو»  
افت نرخ تشکیل سرمایه در صنعت شوینده



# هزارتوی تولید







۱۰ تیر ماه روز

# صنعت و معدن

بر همه تلاشگران عرصه  
صنعت و معدن مبارک باد



## پیام مدیر عامل شرکت معدنی و صنعتی چادرملو

به مناسبت روز ملی صنعت و معدن

فرصت‌های نسبی کشور از جمله ذخایر و مواد متنوع و سرشار معدنی، نیروی انسانی متخصص، دسترسی به آب‌های آزاد و منابع انرژی، ظرفیت بالایی برای توسعه اقتصادی و قرار گرفتن در ردیف کشورهای صنعتی جهان را برای ایران اسلامی فراهم نموده است که می‌توان با استفاده از فناوری‌های نوین، هوشمند سازی، مدیریت صحیح، و بهره‌برداری اصولی، به رشد و توسعه این بخش از اقتصاد کشور بیاندیشیم.

فرا رسیدن این روز را به تمامی فعالان بخش معدن و صنایع معدنی کشور

صمیمانه تبریک عرض می‌نمایم.



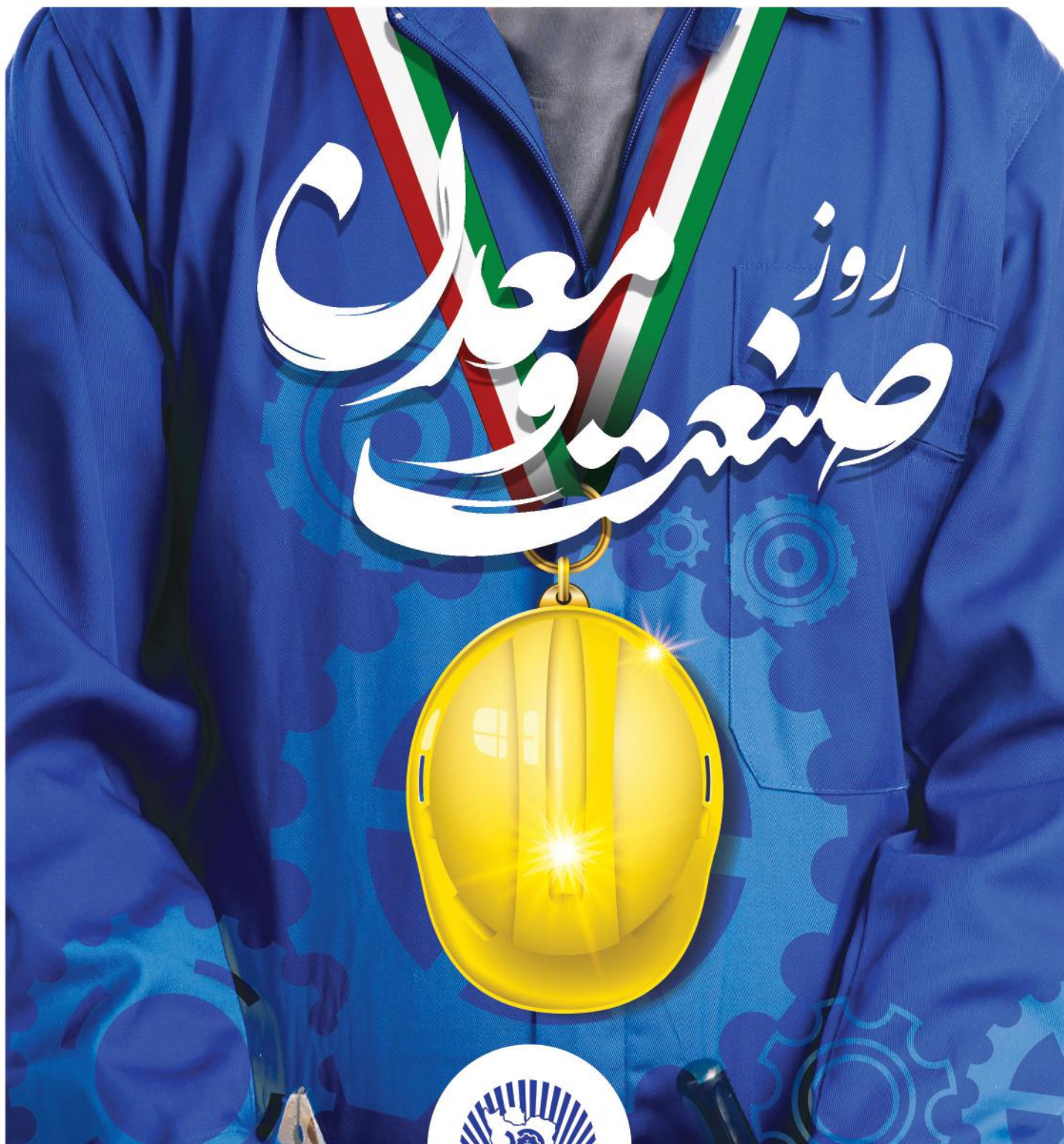


Industry  
& Mine  
Day روز  
صنعت  
و معدن



دهم تیر ماه، روز صنعت و معدن گرامی باد





بانک تجارت

مدیریت روابط عمومی و ارتقاء سرمایه اجتماعی

بانک تجارت، حامی برتر فعالان عرصه صنعت و معدن





## خطوط تولید:

- \* آمپول
- \* پریفیلد
- \* ویال غیر بتالاکتام
- \* کارتریج تزریقی
- \* ویال لیوفیلیزه
- \* مایعات خوراکی
- \* قرص جوشان
- \* سوسپانسیون خوراکی
- \* سوسپانسیون تزریقی
- \* قرص و کپسول
- \* سافت ژل



# اکسیر روبه تعالی



**اکسیر**  
شرکت داروسازی «اکسیر»  
سلامتی رویا نیست



**EXIR**  
PHARMACEUTICAL CO.  
Health is not a dream



**TPICO** شرکت سبک‌کامی تبین ارجامی (ش)

روابط عمومی کارخانجات داروسازی اکسیر [exir.co.ir](http://exir.co.ir)



# IMIDRO

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران  
IRANIAN MINES AND MINING INDUSTRIES DEVELOPMENT  
AND RENOVATION ORGANIZATION  
روابط عمومی و امور بین الملل



## ایمیدرو

راهبر توسعه معدن و صنایع معدنی  
تسهیل‌گر توسعه دانش و هوشمندسازی

### خلاصه عملکرد و برنامه‌ها

ایمیدرو (سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران) پس از سیاست‌های خصوصی‌سازی، توسعه بخش معدن و صنایع معدنی را در جایگاه "بستر ساز و تسهیل‌گر" به عنوان مأموریت پیگیری می‌کند.

- سرمایه‌گذاری از ابتدای فعالیت تا پایان ۱۴۰۱: ۲۲٫۸ میلیارد دلار (۲۲۳ طرح)
- برنامه هوشمندسازی و تحول دیجیتال: تدوین سند ورود به انقلاب صنعتی نسل چهارم
- اقدامات شاخص حوزه دانش: بومی‌سازی تولید بوهمیت از نفلین سینیت، احداث واحد نیمه صنعتی ساخت پایه کاتالیست HDS (نفتا) اکستروود و برنامه بومی‌سازی کامل خط تولید هیدرات های ویژه
- جذب سرمایه از بخش خصوصی: ۹ میلیارد دلار (از سال ۱۳۹۴)، طرح های تکمیل شده: ۴ میلیارد دلار
- ارزش و تعداد طرح‌های جاری: ۱۴۴۳ میلیارد تومان و ۴۴۹۶ میلیون دلار در ۳۹ طرح مشارکتی و مستقیم
- تکمیل طرح‌های شاخص امسال: سه کارخانه فولادسازی (سفید دشت، نی ریز و قائنات)، بزرگ ترین طرح تولید کنسانتره روی خاورمیانه در معدن مهدی آباد
- برق: راهبری تامین حداقل ۱۰هزار مگاوات نیروگاه جدید با سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ
- آب: راهبری راه اندازی خط نخست انتقال آب از خلیج فارس به هرمزگان، کرمان و یزد
- برنامه جدید: احداث خطوط ۲ تا ۴ برای انتقال آب به نوار شرقی و استان‌های مرکزی
- تنوع بخشی در تامین مالی: انتشار گواهی سپرده شمش طلا و فعال‌سازی آن در بورس کالا، با هدف جمع آوری نقدینگی جامعه به سمت تولید و توسعه
- طرح توسعه گوه‌رسنگ: تدوین سند توسعه، آغاز مطالعات اکتشافی، تجهیز و راه اندازی آزمایشگاه‌ها و راه‌اندازی مراکز آموزشی
- اکتشاف: فعالیت در ۴۸۹ هزار کیلومتر مربع، مساحت فعلی در اختیار: ۷۲ هزار کیلومتر مربع
- نتایج: کشف ذخایر جدید: معادل ۲۸ میلیارد دلار



تولیدکننده سیم و کابل



# BEHSIM

WIRE & CABLE



**دفتر مرکزی:** اصفهان، خیابان چهارباغ

عباسی، کوچه کازرونی، شماره ۵۳۴

تلفن: ۰۳۱-۳۲۲۰ ۲۲۲۷ - ۱۴-۳۲۲۰ ۲۰۰۰

نمبر: ۰۳۱-۳۲۲۰ ۳۷۵۴

تلفن واحد فروش: ۰۹۱۰ ۱۱۹ ۶۰۰۱

**نشانی کارخانه:** اصفهان، شهرک صنعتی مورچه خورت، فاز ۳

[www.Behsim.com](http://www.Behsim.com)

[Behsim.Wire.Cable](https://www.instagram.com/Behsim.Wire.Cable)





# شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات

(سهامی عام)



## چشم انداز:

تبدیل شدن به برترین شرکت سرمایه‌گذاری تخصصی در امور معادن و صنایع معدنی در منطقه خاورمیانه تا سال ۱۴۰۴.

## ماموریت:

ما می‌خواهیم به عنوان شرکت سرمایه‌گذاری تخصصی معدن و صنایع معدنی با سرمایه‌گذاری محوری در فعالیتهای معدنی و فرآوری مواد معدنی ضمن نقش آفرینی در توسعه و بازرگانی بخش معدن با پاسخگویی به نیازهای مشتریان و ذی‌نفعان خود، بازده حداکثری را برای سهامداران خود به ارمغان می‌آوریم.

## استراتژیهای کلان:

- دستیابی به بازدهی سالانه سرآمد بازار سرمایه کشور
- کسب عنوان بزرگترین پایگاه اطلاعاتی معادن ایران، خاورمیانه و کشورهای مشترک المنافع (CIS)
- کسب برند تخصصی سرمایه‌گذاری و تجارت معدن
- افزایش وفاداری سهامداران و مشتریان با خلق ارزشهای ویژه
- تقویت سرمایه‌های انسانی متناسب با قابلیت‌های ضروری مورد نیاز توسعه و حیات شرکت

## راهبردهای شرکت:

- افزایش بازده سبد سهام موجود
- نوآوری در مدل کسب و کار و سرمایه‌گذاری شرکت
- افزایش بهره‌وری شرکتهای تابعه و وابسته
- تحول در فرآیندهای شرکت

**Mines and Metals**  
Development Investment Company

www.mmdic.ir

نشانی: تهران، بلوار آفریقا، خیابان اسفندیار، پلاک ۳

فاکس: ۲۲۰۴۶۱۶۶

تلفن: ۷۱۱۲۵۰۰۰



دهم تیرماه روز صنعت و معدن گرامی باد

## نخستین شرکت پروژه محور بازار سرمایه



شرکت تجلی توسعه معادن و فلزات (سهامی عام)

TAJALI Mines & Metals Development Co.

اکتشاف، استخراج، کانه آرایی، فرآوری و کلیه اقدامات مرتبط

مشارکت و سرمایه گذاری در حوزه معادن و فلزات

خدمات مشاوره ای، مهندسی، پیمانکاری، مدیریت...

تامین منابع مالی پروژه شرکت های سرمایه پذیر



۰۲۱-۴۳۹۷۱۲۲۱



info@tajalimmd.ir



www.tajalimmd.ir

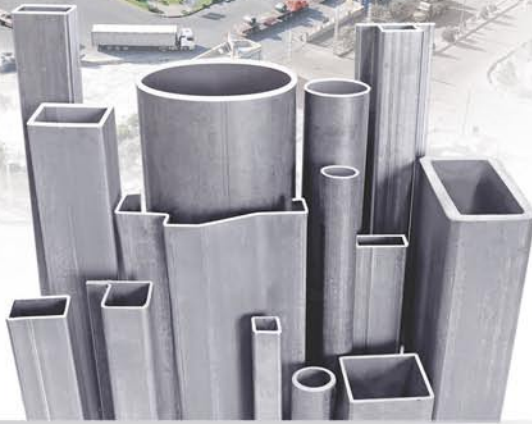




تبریز- کیلومتر ۳۵ جاده آذر شهر- شهرک صنعتی شهید سلیمی  
www.mehrsahand.com

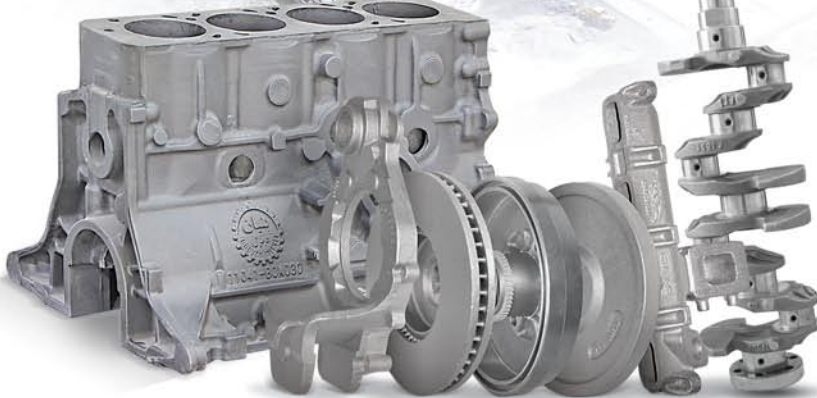


فولاد مهر سهند  
FULAD MEHR  
تولید انواع آهن آلات،  
مقاطع صنعتی و ساختمانی  
۰۴۱-۵۹۹۵



صنایع ریخته‌گری سهند آذرین  
SAHAND AZARIN  
Foundry Industries Co.

ریخته‌گری انواع چدن  
داکتیل، خاکستری و آلیاژی  
۰۴۱-۳۴۳۲۸۲۹۴



دهم تیرماه روز صنعت و معدن گرامی باد.



# صنایع آهن و فولاد سرمد ابرکوه



۱  
ظرفیت تولید  
**۱۴۵ هزار تن**  
انواع میلگرد آجدار  
از سایز ۸ الی ۳۲

۲  
بهره‌گیری از  
تکنولوژی‌های  
روز دنیا

۳  
دومین برند  
بر تر و مطرح  
بازار فولاد

تولید آهن اسفنجی  
**۱,۲۰۰**  
میلیون تن  
خرداد سال ۱۴۰۴

فولادسازی  
**۴۰۰**  
هزار تن  
پایان سال ۱۴۰۳

کلاف‌سازی  
**۱۴۵**  
هزار تن  
پایان سال ۱۴۰۲

طرح‌های  
توسعه‌ای  
شرکت آهن  
و فولاد سرمد



دستیابی به بالاترین ظرفیت تولید از آغاز بهره‌برداری شرکت تاکنون

بیشترین فروش محصول از بدو تاسیس شرکت

عرضه بیش از ۶۵۰ هزار تن میلگرد در بورس کالا

تولید اولین محصول میلگرد A۴ و اخذ استانداردهای لازم

بومی‌سازی قطعات و تجهیزات واحد نورد و برنامه‌ریزی جهت تولید قطعات و تجهیزات واحدهای فولادسازی و احیاء مستقیم

دستاوردهای  
شرکت  
در سال ۱۴۰۱

آدرس کارخانه: ابرکوه کیلومتر ۱۵ جاده ابرکوه به یزد • کدپستی: ۸۹۳۴۱۷۱۸۴۶ • تلفن: ۳ - ۳۲۸۱۶۶۱۲ (۰۳۵)  
دفتر مرکزی: تهران، میدان صنعت، بلوار خوردین، ضلع شمالی چهارراه دادمان، خیابان توحید یک، پلاک ۱۴  
کدپستی: ۱۴۶۶۹۹۳۶۶۱ • تلفن: ۷۲۳۷۹۰۰۰ (۰۲۱) • فکس: ۷۲۳۷۹۹۹۹ (۰۲۱)



# قالے سلیمان

جهان پسندید هنر نصف جهان را



S O L O M O N C A R P E T



دفتر مرکزی: تهران، خیابان سهروردی شمالی  
خیابان خرمشهر (آبادانا)، پلاک ۵۷



☎ ۰۲۱-۴۳۴۳۴۰۰۰





سلمان خان  
salmankhan

# یک قهوه، هزار خاطره

دفتر فروش و نمایندگی:

۰۲۱-۲۸۴۲۵۱۸۸

[www.salmankhan.ir](http://www.salmankhan.ir)

@salmankhanco

۰۹۱۳۱۴۰۶۹۲۱

کارخانه: کرمان - شهرک صنعتی شماره ۲ - صنایع غذایی سلمان رحیمی

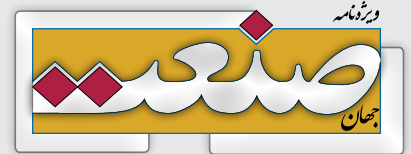


۱۱	آرزوی محال توسعه صنعتی
۱۱	لزوم تامین زیرساخت‌ها و حمایت از کسب و کارها
۱۲	آرامش مردم در گرو آرامش بازار
۱۴	مدیریت غلط منابع مالی؛ چالش اصلی تولید
۱۶	نقش تعامل سازنده استان‌ها در مهار تورم و رشد تولید
۱۸	لزوم بهره‌گیری وزیر جدید صمت از مدیران شجاع و تصمیم‌گیر
۲۰	نگاهی به چگونگی اثرگذاری پول داغ در اقتصاد ایران
۲۱	حرکت بر محور دانایی، زیربنای توسعه‌یافتگی
۲۲	ماشین رانت در فرآیند خصوصی‌سازی
۲۴	تولید قربانی سیاست‌های غلط
۲۸	چرا به مقصود نمی‌رسیم؟!
۳۰	تله‌های ذهنی مانع پیشرفت مدیران صنایع
۳۲	متاسفانه دیده نمی‌شویم!
۳۵	بلا تکلیفی وزارتخانه متولی تولید؛ ادغام یا تفکیک؟
۳۶	ضرورت تغییر نگاه مسوولان به پیشبرد پیشران‌های اقتصادی
۳۹	قواعد توسعه صنایع غذایی در بازارهای جهانی
۴۰	راهکار تشویق بخش خصوصی به افزایش سرمایه‌گذاری
۴۲	هشت پروژه پیشران تحت راهبری شرکت «ومعادن»
۴۳	اهمیت نمایندگان فرانچایز و توسعه کسب و کار
۴۴	میدان‌داری بخش خصوصی راهی به سوی شکوفایی اقتصادی
۴۶	شبکه بانکی در خدمت تولید نیست
۴۸	فرصت بی نظیر سرمایه‌گذاری در معادن ایران
۵۰	قیمت‌گذاری دستوری مانع رشد تولید
۵۲	به داد تولید برسیم تا محتاج واردات نشدیم!
۵۴	سوءمدیریت، عامل کمبود تجهیزات پزشکی
۵۶	اصلاح نگاه و تفکر مسوولان لازمه توسعه پایدار در صنعت و تولید
۵۷	نوسانات ارزی بالای جان فعالان صنعتی
۵۸	دستورالعمل‌های خلق الساعه عامل سردرگمی صنایع
۶۱	عدم توفیق توسعه صنعتی با تشکیل وزارت بازرگانی
۶۲	آغاز کاهش تولید در برخی از واحدهای تولیدی
۶۴	آزیر خطر کمبود مواد اولیه
۶۶	لزوم به‌کارگیری دانش و تکنولوژی روز برای رقابت در بازار
۶۸	معدن نیازمند تربیت مدیران شایسته و حرفه‌ای
۷۰	نمی‌توان حکم واحدی برای همه کالاها صادر کرد
۷۲	پیشنهاد همکاری با جوانان کارآفرین به وزیر جدید صمت
۷۳	ظرفیت‌ها و چالش‌های تولید فولاد سبز در منطقه منا
۷۶	رواج ناامیدی در جوانان
۷۸	چرا جهان هنوز به تجارت نیاز دارد؟



طرح جلد: ثنا حسین‌پور

روزنامه  
صنعت و معدن



**مدیر مسوول:** محمدرضا سعدی  
**قائم مقام مدیر مسوول:** سمانه‌سادات خرمگاه  
**سر دبیر ویژه‌نامه:** نسترن یوسف بکیان  
**دبیر ویژه‌نامه:** فاطمه رحیمی  
**دبیر اجرایی:** محمود مختاریان  
**همکاران ویژه‌نامه:** مهدیه بهارمست - منیر حضوری  
 محمدرضا ستاری - نسیم سوران - افسانه حسنی  
 سپیده‌سادات خرمگاه - نازنین یوسف بکیان  
**مدیر روابط عمومی:** غلامرضا غفارزاده  
**بازرگانی:** رومینا پاکزاد - آمنه هاشمی  
**مدیر فنی و هنری:** بهروز حاتمی امین  
**صفحه آرایی:** مهدی میرعبدل برزی - سمیه حاتمی امین  
**عکس:** احسان کاظمی - مهدی فرهادی‌فر  
**ویراستاری:** سارا غفاری - مزده کلهر - نازنین حاتمی  
 کیومرث عبیدی  
**حروفچینی:** مهشید فرجی - اعظم متولی  
**امور انفورماتیک:** سجاد رسولی - بابک حیدری  
**تدارکات و توزیع:** محمد مرادیان - جعفر رضایی  
 نورالدین کرامتی - مهدی میرزاپور - حامد شعبانی  
 علیرضا سپهرزاد - منصور خلدادوست - کریم درنواز

**نشانی:** خیابان شیخ بهایی جنوبی  
 روبه‌روی مسجد بقیه‌الله - بن‌بست سامان - پلاک ۴  
**تلفن:** ۸۸۰۶۰۳۱۷-۸۸۰۴۹۶۵۰  
**نمبر:** ۸۸۲۱۰۷۶۳  
**سازمان آگهی‌ها:** ۸۸۰۵۰۲۸۶۸۸۰۵۰۶۸۴  
**www.jahanesanat.ir**  
**پیامک:** ۳۰۰۰۸۳۸۸  
**لیتوگرافی و چاپ:** پیمان نواندیش



## لزوم تامین زیر ساخت‌ها و حمایت از کسب و کارها

آرمان خالقی

قائم‌مقام دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران



هر چند صنعت و تولید در کشور ما سال‌هاست با تحریم دست و پنجه نرم می‌کند و این جنگ اقتصادی شرایط را برای تصمیم‌گیری‌های بلندمدت دشوار کرده، اما می‌توان با تکیه بر سازوکارهای مقلبه با تحریم‌ها و کاهش اثرات و همچنین تمرکز بر پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، در این اوضاع پیچیده اقتصادی نیز گشایش ایجاد کرد. در این راستا لازم است تأکیدات مقام معظم رهبری در ارتباط با مهار تورم و رشد تولید به صورت ویژه مورد توجه مسوولان کشور قرار گیرد تا بتوان از طریق هدایت نقدینگی‌های سرگردان در جامعه به سمت بخش تولید، هم مشکل نقدینگی واحدهای تولیدی را حل کرد و هم اینکه در جهت کاهش تورم گام برداشت. مشکل اصلی واحدهای تولیدی در مرحله نخست نقدینگی، تورم و روابط اقتصادی محدود با سایر کشورهاست و در واقع می‌توان گفت که تورم دلیل اصلی راکد شدن صنایع به حساب می‌آید. همچنین نبود زیرساخت‌ها، نداشتن مواد اولیه، نبود سرمایه در گردش و عدم توانایی در پرداخت تسهیلات در سال‌های گذشته تعطیلی و رکود یا نیمه‌فعال شدن بسیاری واحدهای تولیدی را رقم زده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد اکنون ۱۲۰ هزار میلیارد تومان سرمایه معطل و راکد در کشور وجود دارد که اگر به سمت و سوی درست هدایت شود، نه تنها بخش تولید را فعال خواهد کرد، بلکه موجب ایجاد اشتغال خواهد شد.

از طرفی یکی از الزامات ایجاد رونق در تولید، افزایش تقاضای خرید در بازار است. در شرایط فعلی با توجه به پایین بودن قدرت خرید مردم، تقاضای خرید در بازار کاهش یافته و همین مساله بر میزان تولید کالاها نیز تأثیر داشته است. این در حالی است که کاهش تقاضای مردم، کوچک شدن بازار در حوزه بین‌المللی را نیز به دنبال دارد و در نهایت موجب کوچک شدن واحدهای تولیدی و در نتیجه تضعیف بازار خواهد شد. البته در این زمینه دولت با کمک بخش خصوصی و فعالان اقتصادی به طور جدی پیگیری رفع مشکلات واحدهای تولیدی است و برنامه‌ریزی خوبی در این زمینه شده، اما تامین زیرساخت‌ها و حمایت از کسب و کارها و بنگاه‌های کوچک از مواردی هستند که باید به صورت ویژه مورد توجه آقای دکتر علی‌آبادی وزیر جدید صمت قرار گیرند. در واقع از آنجا که وزارت صمت سیاستگذار و بستر ساز تولید است، باید از نظر فیزیکی نسبت به ساخت شهرک‌های صنعتی یا تامین آب و برق و گاز برای واحدها اقدام کند. اکنون بی‌ثباتی‌های اقتصادی، عملکرد سیستم‌های بانکی و تامین نقدینگی به عنوان مانع و ترمز تولید عمل می‌کنند که در این راستا نیز باید از سوی دستگاه‌های مربوطه اقدامات جدی در دستور کار قرار گیرد. از سوی دیگر تولیدکنندگان باید برای اصلاح قیمت تمام‌شده در راستای افزایش قدرت رقابت در بازارهای جهانی، توجه ویژه‌ای به بهره‌وری داشته باشند، اما لازم است دولت نیز در این بخش انگیزه لازم را ایجاد کند.

در این میان باید به این نکته توجه داشت که مهار تورم یکسری اصول علمی دارد که دولت باید به این اصول پایبند و وفادار باشد و به مردم و فعالان اقتصادی نیز اعلام کند که مهار تورم به چه شکل و چگونه و در چه حوزه‌هایی انجام خواهد شد. دولت با استفاده از اقتصاددانان و فعالان و صاحب‌نظران این حوزه باید سیاست‌هایی که در مهار تورم در دنیا موثر و موفق بوده را به عنوان راهکارهای اساسی ببیند و برای اینکه این سیاست‌ها محقق شود، برنامه خود را در این راستا تنظیم کند. متأسفانه اکنون در کشور ما شاخص کسب و کار مطلوب نیست و توان اقتصادی خوبی نداریم اگر شاخص ما مطلوب باشد، سرمایه‌گذاران خارجی هم به کشور می‌آیند و سرمایه‌گذاری می‌کنند. این در حالی است که بررسی‌ها در این حوزه نشان می‌دهد که ایران به جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موفقیتی نداشته، در صورتی که می‌توان با تمرکز بر این حوزه و توسعه زیرساخت‌ها، موجب رشد تولید و افزایش رفاه زندگی مردم شد.

بعثت با تکلیفی و روزمرگی در این صنعت شده است. مدیری که هنوز جوهر حکم او خشک نشده باید صندلی خود را به دیگری واگذار کند، در چنین شرایطی چگونه می‌توان انتظار داشت که آن مدیر دل به سیاست‌گذاری بلندمدت ببندد؟ چطور می‌توان انتظار داشت مدیری که عمر مدیریتی کوتاه است، از همان فرصت کوتاه برای زد و بند و رانت استفاده نکند؟

بدرتر از همه انتصاب مدیرانی است که با سفارش و لابی از مجلس یا گروه‌های سیاسی به صندلی مدیریت می‌رسند؛ آنها که دیگر نه درد صنعت را می‌شناسند و نه می‌دانند چگونه باید سیاست‌گذاری کنند.

دولت سیزدهم این روزها وارد نیمه دوم عمر مدیریتی خود شده است. در بخش صنعت، با تغییراتی که ایجاد شده می‌توان گفت که عملاً نیمی از فرصت دولت سیزدهم برای حرکت در مسیر توسعه صنعتی و احیای صنایعی که به محاق رفته‌اند، از دست رفته است.

در نیمه دوم فرصت پیش روی دولت سیزدهم، کم است و فرصت اصلاح کوتاه، شاید اگر وزیر تازه‌نفس چهار سال زمان در اختیار داشت که می‌توانست با تشکیل گروه مشورتی از فعالان رشته‌های صنعتی و دانشوران حوزه صنعت، معدن و تجارت برای حل مشکلاتی که گرفتار این بخش از اقتصاد ایران شده، اقدام کند جای امیدواری بیشتری بوده، اما واقعیت این است که زمان از دست رفته است.

در این فرصت کوتاه، برای آقای عباس علی‌آبادی انتخاب‌های زیادی باقی نمانده است. نخست باید تکلیف مسیر اشتباه دولتی کردن بیشتر صنعت را روشن و سیاست‌گذاری از این مسیر را مسدود کند. انتظار بخش صنعت و معدن از وزیر جدید این است که از حجم دخالت‌های دولت در این بخش بکاهد و یکبار برای همیشه تکلیف قیمت‌گذاری‌های دستوری و بدون توجه به واقعیت‌های بازار را روشن کند.

دومین انتظار فعالان بخش صنعت از وزیر جدید این است که آنچه ابلاغ می‌کند یا ابلاغ می‌شود را اجرا کند، نه آنکه مسیر سیاست‌گذاری از اجرا فرسنگ‌ها فاصله داشته باشد.

سوم، آقای علی‌آبادی به عنوان یک مدیر صنعتی به خوبی می‌داند که صنایع کشور بنگاه تولید رانت نیستند، بنابراین از انتصاب مدیران سفارشی‌پرهیز کند که نتیجه چنین تصمیم‌هایی در سال‌های گذشته بسیار زیانبار بوده است. در شرایطی که دنیا به سوی به کارگیری هوش مصنوعی برای توسعه صنعتی حرکت می‌کند و توسعه صنعت در کشورهای همسایه ایران شتابان است، عجیب است که گروهی همچنان اصرار به سیاست‌گذاری دستوری دارند و تلاش می‌کنند که صنعت و اقتصاد دستوری‌تر شود.

بی‌تردید حرکت در چنین مسیری به قهقرا بردن صنعت کشور است، آن هم درست در شرایطی که اقتصاد ایران گرفتار معضل تحریم‌هاست؛ تحریم‌هایی که اگر ادامه یابد، توسعه صنعتی برای ایران را برای همیشه به محاق می‌برد و صنعتی شدن ایران را باید در کتاب‌ها جست‌وجو کرد.

روز صنعت، اگر چه در نماد بیرونی هر ساله با هدف تقدیر از فعالان بخش صنعت برگزار می‌شود و فرصتی برای بازخوانی نتایج تصمیمات سیاستگذاران است، اما خروجی این مراسم در تمام‌سال‌های گذشته به بهبود حال صنایع کشور و مسیر توسعه صنعتی ختم نشده است.

نگاهی به وضعیت صنایع کشور به خصوص در یک دهه اخیر بیانگر حال نزار این بخش از اقتصاد ایران است که چگونه با بی‌برنامگی و تصمیم‌های خلق‌الساعه از یک موتور پرتوان برای توسعه کشور تبدیل به معضلی برای اقتصاد ایران شده است.

امروز بدون استثنا همه بخش‌های صنعتی کشور به نوعی گرفتار روزمرگی و دست و پا زدن برای ماندن هستند؛ از صنعت خودرو گرفته تا فولاد، از صنایع غذایی تا صنعت دارو، پای صحبت فعالان هر رشته صنعتی که بنشینید، با نبوهی از مشکلات ریز و درشت مواجه می‌شوید که ریشه همه آنها در سیاست‌گذاری‌های اشتباه دولت، اقتصاد دستوری و دخالت‌های سیاستگذاران است که به دنبال توزیع رانت در این صنعت هستند. به روشنی پیداست که صنایع کشور همانند دیگر بخش‌های اقتصاد ایران از نبود منابع مطمئن برای سرمایه‌گذاری رنج می‌برند. صنایعی که با وجود مشقت‌های بسیار توانستند صنعت خود را سرپا نگه دارند، امروز با وجود شرایط تحمیلی تحریم‌ها، با نبوهی از قوانین و مقررات دست‌وپاگیر روبه‌رو هستند.

صنایعی هم که از این تندبادهای توانستند جان سالم به در ببرند، برای فروش محصول خود در داخل کشور با قیمت‌های منصفانه-نه حتی آنچه بازار تعیین کند- دچار مشکل هستند. صنایع صادرات‌محور در حوزه صادرات گرفتارند؛ آنها اسیر تحریم‌ها شده‌اند، به طوری که حتی نمی‌توانند ارز حاصل از صادراتشان را وارد کشور کنند. در واقع، صنایع امروز با محصولشان دست‌مایه قیمت‌گذاری‌های دستوری دولتی‌هاست یا در خارج از کشور در باتلاق تحریم‌ها گیر کرده است.

چنین تصویری مختص به امروز صنعت نیست. ساختار اقتصاد دولتی شرایطی ایجاد کرده که صنایع کشور به جای آنکه تمرکز سیاست‌گذاری برای آنها حرکت شتابان در مسیر توسعه صنعتی باشد، تبدیل به حیاط خلوتی برای روبندهای برخی گروه‌های سیاسی برای بهره‌گیری از رانت و فساد شده است.

این شرایط به خصوص از دو سال گذشته که امید می‌رفت با تشکیل دولت سیزدهم وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان نهاد سیاستگذار توسعه صنعتی از زد و بندها و فسادی که در لابه‌لای درونی آن نفوذ کرده، رهایی یابد، اما شاهدیم که نه تنها مشکل حل نشده، بلکه دوچندان هم شده است. امروز با شرایطی مواجه هستیم که نتایج تصمیم‌های اشتباه وزیر پیشین صنعت، معدن و تجارت در صنعت خودرو، این صنعت را دچار بحران کرده است. اوضاع در دیگر صنایع هم چنگی به دل نمی‌زند.

از یکسو قطع برق صنایع زبان‌های گسترده به بار آورده و از سوی دیگر، تغییرات پیاپی مدیران

یادداشت





مدیر عامل گروه توسعه ملی در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## آرامش مردم در گرو آرامش بازار خطای کنترل تورم از مسیر سرکوب قیمت‌ها

«جهان صنعت» - قیمت‌گذاری دستوری را شاید بتوان به عنوان یکی از مشکلات اصلی تولید در سال‌های اخیر معرفی کرد که اگر چه با هدف حمایت از مردم اعمال می‌شود، اما در نهایت به ضرر تولیدکننده و مصرف‌کننده تمام می‌شود، چرا که از یک سو تولید را به فعالیتی زیانده تبدیل می‌کند و امکان برنامهریزی و تصمیم‌گیری را از تولیدکننده می‌گیرد و از سوی دیگر باعث می‌شود کیفیت کالاها نیز تحت تاثیر قرار بگیرد. در این میان اعمال سیاست‌های دستوری در شرایطی که صنعتگران باید با دشواری قابل توجهی مواد اولیه مورد نیاز خود را تأمین کنند، باعث می‌شود که دیگر کمتر کسی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد وارد عمل شود. آسیب به تولید نیز نتیجه‌ای جز آسیب به مصرف‌کننده و نابسامانی بازار ندارد و باعث خواهد شد با افزایش فعالیت‌های دلالی و سوداگری و همچنین افزایش نرخ تورم، رفاه اقتصادی مردم روز به روز کاهش پیدا کند. بر همین اساس یکی از سوالاتی که همیشه مطرح بوده این است که چرا وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان متولی بخش تولید و نیز وزارتخانه‌ای با نقشی بسیار حساس در کنترل بازار کالاهای اساسی برای کمک به بخش تولید و رهایی صنعت از سرکوب قیمت‌ها کاری انجام نمی‌دهد و همواره بر چنین سیاست‌هایی اصرار دارد؛ آن هم در شرایطی که شعار اسام از سوی مقام معظم رهبری با عنوان مهار تورم و رشد تولید نامگذاری شده و به‌طور حتم تداوم چنین سیاست‌هایی از رشد تولید و به تبع آن مهار تورم جلوگیری خواهد کرد.

اقدام ضروری‌شان در بازار وجود خواهد داشت، مردم دست به احتکار می‌زنند و بدترین حالت این است که خانه‌های آنها تبدیل به انبار کالا می‌شود.

■ **افزایش هزینه‌های تولید، عامل گرانی است**

مدیرعامل گروه توسعه ملی اضافه کرد: بخشی از افزایش قیمت‌ها ناشی از برهم خوردن تعادل هزینه‌های کالایی است، بلکه به دلیل افزایش هزینه‌های تولید است، چرا که بخشی از هزینه‌های تولید دلاری و باعث افزایش قیمت کالاها شده است. به نظر می‌رسد برخی از این گرانی‌ها حاصل برهم خوردن اقتصاد خرد و عرضه و تقاضای کالاها نیست، بلکه حاصل تاثیرات شاخص‌های کلان مانند تورم و نرخ ارز است. با کنترل تقاضای کاذب می‌توانیم بخشی از این گرانی‌ها را خنثی کنیم، برای مثال هر جا که نمی‌توانیم تقاضای کاذب مردم را کنترل و از بازار خارج کنیم، بهتر است به آنها اطمینان دهیم که مثلاً خودرو در طرح یکپارچه عرضه می‌شود و متقاضی تحت هر شرایطی به خودروی خود خواهد رسید و دیگر نیازی به صف‌ها و ثبت‌نام‌های کاذب برای دریافت خودرو نیست.

مدیرعامل خرابی ادامه داد: در نتیجه باید تاکید کرد که موضوع تورم یک بخش واقعی و یک بخش انتظارات تورمی دارد، لذا کنترل تورم از مسیر سرکوب قیمت‌ها کاملاً اشتباه است و به تولید و صادرات ضربه می‌زند، به‌طوری که دیگر کسی جرات پیدایی کند و در حوزه تولید شود. اتفاقاً کنترل تورم از مسیر سرکوب قیمت‌ها و کنترل دستوری قیمت‌ها مسیر نقدینگی را از بخش تولید به سوی سوداگری و در نهایت دلالی و واسطه‌گری هدایت می‌کند.

در همین راستا با دکتر حسین مدرس خیابانی سرپرست وزارت صنعت، معدن و تجارت در دولت دوازدهم به گفت و گو نشستیم تا نظر او را در این خصوص جویا شویم. مدرس خیابانی که در کارنامه خود استانداری سیستان و بلوچستان و قائم‌مقامی وزارت صمت در امور بازرگانی را به ثبت رسانده و هم‌اکنون مدیرعامل گروه توسعه ملی است، معتقد است آرامش مردم در گرو آرامش بازار قرار دارد و این مهم جز با مهار تورم و کمک به بخش تولید میسر نخواهد شد، اما باید این واقعیت را بپذیریم که کنترل تورم از مسیر سرکوب قیمت‌ها کاملاً اشتباه است و به تولید و صادرات ضربه می‌زند، به‌طوری که دیگر کسی جرات پیدا نمی‌کند و در حوزه تولید شود. اتفاقاً کنترل تورم از مسیر سرکوب و کنترل دستوری قیمت‌ها مسیر نقدینگی را از بخش تولید به سوی سوداگری و در نهایت دلالی و واسطه‌گری هدایت می‌کند.

■ **باور اشتباه درباره سرکوب قیمت‌ها**

سرپرست سابق وزارت صنعت، معدن و تجارت در خصوص مهار تورم گفت: مهار تورم موضوعی است که چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بحث سرکوب قیمت‌هاست و نخستین نکته‌ای که به ذهن متبادر می‌شود این است که باید از رشد قیمت‌ها جلوگیری کرد در صورتی که پیشینه و سازوکار این رشد قیمت در نظر گرفته نمی‌شود، چرا که جلوگیری از رشد قیمت‌ها ممکن است مانع تولید و صادرات شود. در بحث مهار تورم باید به چند نکته توجه کرد: نخست آنکه یک تعریف آکادمیک از تنظیم بازار وجود دارد، به این معنا که تنظیم بازار به

مجموعه‌ای از قوانین، سازوکار و اقداماتی گفته می‌شود که بتواند از دوبازیگر و نقش‌آفرین در بازار یعنی مصرف‌کننده و تولیدکننده حمایت کند تا بتواند دو شاخص موجودی کالا و قیمت کالا را کنترل کند هر کدام از شاخص‌ها دچار تغییر شوند بازار ملتهب خواهد شد.

■ **آرامش مردم در گرو آرامش بازار**

حسین مدرس خیابانی در ادامه افزود: همواره از دیرباز تاکنون گفته می‌شده که زمانی مردم حالشان خوب است که بازار حالش خوب باشد؛ به این معنا که آرامش مردم در گرو آرامش بازار قرار دارد، چرا که تکانه‌های اقتصادی و شوک‌های قیمتی با زندگی روزمره و روح و روان مردم عجین شده و تاثیر مستقیم بر آن دارد در نتیجه بسیاری از رفتارهای اجتماعی‌شان نیز تحت تاثیر نوسانات بازار قرار می‌گیرد. حال این سوال مطرح می‌شود که برای خوب شدن حال بازار چه باید کرد؟ بخشی از این تورم واقعی نیست و انتظارات تورمی است؛ یعنی زمانی که دورنمای روشنی از اقتصاد برای فعالان اقتصادی مشخص نباشد، به‌طور خودکار مردم را تهییج می‌کند که پول خود را تبدیل به کالایی مثل سکه یا خودرو کنند. در نتیجه ضرورت دارد دورنمای روشنی از اقتصاد به مردم مخابره کنیم تا چشم‌انداز تلاش مردم مستمر و خیال‌شان راحت باشد.

وی گفت: برای مثال در زمان کرونا اگر به مردم این اطمینان داده نمی‌شد که ماسک برای دو ماه آینده در بازار وجود دارد، به نگرانی آنها دامن زده می‌شد و برای دو ماه آینده خود اقدام به خرید ماسک می‌کردند. در نتیجه اگر نتوانیم به مردم این اطمینان را بدهیم که برای سال آینده

همواره از دیرباز تاکنون گفته می‌شده که زمانی مردم حالشان خوب است که بازار حالش خوب باشد؛ به این معنا که آرامش مردم در گرو آرامش بازار قرار دارد، چرا که تکانه‌های اقتصادی و شوک‌های قیمتی با زندگی روزمره و روح و روان مردم عجین شده و تاثیر مستقیم بر آن دارد



**اگر خصوصی‌سازی واقعی اتفاق بیفتد اقتصاد کشور نجات پیدا می‌کند. باید به بخش خصوصی اجازه دهیم که حتی خطر کند و امکانات و زیربنا و زیرساخت‌ها را در اختیارش قرار دهیم تا توسعه پیدا کند**

بنگاه‌های بزرگ دچار چالش می‌شود. از طرفی زمانی که کالا از بورس خارج کنیم، ممکن است قیمت کاهش پیدا کند. اما اسود کلان کارخانه با این اقدام متوقف خواهد شد. با این اقدام اجازه می‌دهیم که رانت سر سفره تولید بنشیند، چرا که رانت تولید و اضافه سود تولید با تبدیل به توسعه و خطوط تولید می‌شود یا از سفره کارگر عبور می‌کند، در نتیجه باید از رانت و دلالتی و سوداگری جلوگیری کنیم و از سود کردن یک واحد تولیدی نترسیم.

#### ■ خصوصی‌سازی نجات بخش اقتصاد

مدرس خیابانی در ادامه اضافه کرد: یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در واگذاری امور به بخش خصوصی این است که از واگذاری امور و همه داریم و نمی‌خواهیم بخش خصوصی بزرگ شود. این بخش خصوصی کوچک و ناتوان چگونه در امر توسعه می‌تواند موفق ظاهر شود یا چگونه می‌تواند در حوزه اشتغال عملکرد مثبتی داشته باشد، این در حالی است که از یک سو همه افراد مسوول بر این باورند که راه نجات اقتصاد کشور خصوصی‌سازی و واگذاری اقتصاد به مردم است. البته خصوصی‌سازی نه از جنس اختصاصی‌سازی و واگذاری امور به افراد خاص، بلکه یک فرد بخش خصوصی اهل که دنبال فروش زمین کارخانه و تعطیلی آن نباشد و دغدغه‌اش تولید و توسعه به نفع مردم باشد. اگر خصوصی‌سازی واقعی اتفاق بیفتد اقتصاد کشور نجات پیدا می‌کند. باید به بخش خصوصی اجازه دهیم که حتی خطر کند و امکانات و زیربنا و زیرساخت‌ها را در اختیارش قرار دهیم تا توسعه پیدا کند. سرپرست سابق وزارت صنعت، معدن و تجارت با تأکید بر حمایت از صادرات و بخش صنعت گفت: یکی از مزیت‌های تولید و صادرات کشور پلانه انرژی است، چرا که اگر شرکت‌ها انرژی به قیمت واقعی پرداخت کنند شاید به دلیل هزینه‌های بالا مزیت‌های خود را در بازارهای جهانی از دست بدهند. در تمام دنیا از بخش صادرات و صنعت خود به روشی حمایت می‌کنند. همان‌طور که در چین پلانه‌های پولی و دلاری را به حمل و نقل اختصاص می‌دهند یا در ترکیه معافیت‌های مالیاتی شامل حال صنعت می‌شود، در ایران نیز ما این نوع حمایت‌ها را از جنس پلانه حوزه انرژی انجام می‌دهیم. مدرس خیابانی در خصوص فاکتورهای مهم وزارت صمت موفق تأکید کرد: برخی بر این باورند که پیوستگی بین موضوعات تجاری و صنعتی به رشد تولید و صنعت و تجارت کمک می‌کند و طرفداران ادغام وزارت صنعت، معدن و تجارت شکل گرفته‌اند، اما برخی دیگر بر این باورند که به دلیل شرایط تحریمی باید به حوزه تجارت و بازرگانی تمرکز کنیم. البته موافقان آنها بیشتر طرفدار تجارت داخلی هستند در صورتی که وزارت بازرگانی از جنس خرید و فروش داخلی و تنظیم بازار نیست و همه امور از قبیل صادرات، واردات، ترانزیت و... را نیز شامل می‌شود. باید دید با توجه به شرایط نگاه دولت به این موضوع چگونه است. از زمان احمدی‌نژاد تا به حال نگاه به این صورت بوده که پیوستگی امور تجاری و صنعتی به تولید و تجارت کمک می‌کند. در حال حاضر دولت و مجلس به نقطه‌ای از باور رسیدند که تمرکز در امور تجاری شاید بتواند بسیاری از معضلاتی که در حوزه تجاری داریم را برطرف کند و از طرفی تنظیم بازار بهبود یابد. مدیرعامل گروه توسعه ملی بیان کرد: بر این باورم که هم ساختار حائز اهمیت است و هم مدیریت، چرا که فردی که علم مدیریت را نداند، ساختار را هم نمی‌تواند حفظ کند یا برعکس با مدیریت حرفه‌ای و تخصصی صرف هم نمی‌توان ساختار را راهبری کرد. در نتیجه مدیریت و ساختار لازم و ملزوم یکدیگر هستند. به نظر می‌رسد امروزه برای موفقیت در تجارت به‌طور خاص در صادرات و موفقیت در تولید به‌طور خاص در تولید دانش‌بنیان، تولید صادرات‌گرا و فناوری‌محور، نیازمند ساختار مناسب و همچنین یک فرد متخصص و حرفه‌ای است که هم مورد قبول تجارت و بازرگانی باشد و هم حوزه صنعت. البته اگر تفکیک اتفاق بیفتد می‌توان از یک شخص حرفه‌ای در حوزه تجارت و از یک فرد حرفه‌ای در حوزه صنعت و معدن بهره برد.

می‌دهند. زمانی که نام شورای عالی پول و اعتبار برده می‌شود بسیاری از مسائل در حوزه پولی و بانکی مطرح می‌شود، یا شورای عالی صادرات این سیگنال را می‌دهد که صادرات یکی از اولویت‌های ما است یا شورای عالی کار یا شورای عالی پژوهش، اما به نظر می‌رسد که جای یک شورای عالی در میان این شوراها خالی است؛ با توجه به لطامات وارده به حوزه سرمایه‌گذاری دولت باید شورای عالی سرمایه‌گذاری را ایجاد کند. بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های بزرگ می‌توانند به عنوان زیرمجموعه‌های این شورای عالی فعالیت کنند. زمانی که این بنگاه‌ها در قالب یک شورای عالی مسائل و مشکلات خود را مطرح کنند، بسیار کمک‌کننده است. به باور من جبری این شورا را هم می‌تواند وزارت اقتصاد برعهده بگیرد و با حمایت رییس جمهوری و وزیران نیز موفق عمل کند.

#### ■ سرمایه‌گذاری، حلقه مفقوده تولید

سرپرست سابق وزارت صنعت، معدن و تجارت با تأکید بر ضرورت ایجاد فرهنگ سرمایه‌گذاری در میان مردم گفت: در تمام دنیا مردم را تشویق می‌کنند که دولت پول و سرمایه شما را رشد می‌دهد و فرهنگ سرمایه‌گذاری را پرورش می‌دهد، مردم هم باید به باور برسند که نهادهای وجود دارد که برای پول و سرمایه آنها چاره‌اندیشی می‌کند و در نتیجه ارزش پول ملی‌شان حفظ می‌شود. باید به مردم اطمینان دهیم که ارزش پول‌شان حفظ می‌شود و ارزش افزوده خواهد داشت. البته گام‌هایی در این خصوص برداشته شده، اما بهره‌براری اندکی از آنها شده است. برای مثال سال‌ها پیش مجموعه شرکت پروژه سهامی عام مردم، تعریف کردیم تا بتوانیم با استفاده از پول‌های خرد مردم، پروژه‌های بزرگ را راه‌اندازی کنیم، اما این شرکت - پروژه‌ها نه تنها نتوانستند پول مردم را جذب کنند، بلکه پروژه‌های کلان هم راه‌اندازی نکردند. در این بین، اقدامات کوچکی انجام شده، اما چندان موفق عمل نکردند. در نتیجه باید گفت سرمایه‌گذاری حلقه مفقوده در حوزه تولید، حوزه رشد تولید، حوزه مهارت‌ورم، حوزه سطح رفاه مردم و در حوزه تکمیل زیربناهاست.

#### ■ چالش عدم تامین و تجهیز منابع مالی

دکتر حسین مدرس خیابانی به یکی دیگر از چالش‌های حوزه تولید پرداخت و گفت: عدم تامین و تجهیز منابع مالی مساله‌ای است که ما با آن دست به گریبان هستیم و باعث طولانی شدن روند اجرایی پروژه‌های عمرانی شده است. در حالی که برای اجرا و تکمیل پروژه‌های خود مشکلاتی از جمله تکنولوژی، نیروی انسانی، زیرساخت، آب، توانمندی‌های پشتیبانی مانند بیمه و مالیات نداریم. زمانی که ساختار کشورمان یک ساختار توری می‌شود و پروژه‌ای که با ۴۰۲ هزار میلیارد تومان طرح توجیهی شروع می‌شود، در مدت زمان طولانی امکان به پایان رساندن آن وجود ندارد و زمانی که این پروژه را نتوانید به اتمام برسانید، جسارت آغاز یک پروژه جدید را هم نخواهید داشت. این رویداد دومینوار باعث توقف پروژه‌های دیگر نیز خواهد شد، از طرفی طولانی شدن این روند به کل پروژه عمرانی، سرمایه‌گذاری و توسعه آسیب می‌رساند.

#### ■ بورس کالا منشاء خلق ثروت

مدیرعامل گروه توسعه ملی اضافه کرد: پنج بنگاه بزرگ اقتصادی سالانه ۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار میلیارد تومان در کشور سرمایه‌گذاری می‌کنند، هم از جنس نوسازی خطوط خودشان و هم از جنس زیربنایا. شرکت‌هایی مانند فولاد مبارک، چادرملو، گل‌گهر، شرکت ملی مس و بنگاه‌های پتروشیمی بزرگ هم خودشان را اداره می‌کنند و هم اطرافشان را. آنچه که باعث شد این شرکت‌ها نتوانند این روند را انجام دهند، حضور آنها در بورس کالا است، یعنی بورس کالا به دلیل مزیت‌دار بودن سود و متناسب بودن قیمت‌ها با نرخ‌های جهانی، موجب خلق ثروتی برای آنها شده که این ثروت از جنس توسعه زیرساخت‌هاست. باید به این نکته توجه کرد که اگر نگاهمان در بنگاه‌های بزرگ از جنس قیمت‌های تثبیتی و دستوری باشد، سرمایه‌گذاری

سرپرست سابق وزارت صنعت، معدن و تجارت در خصوص راهکار جلوگیری از ایجاد انتظارات توری می‌بیان کرد: برای جلوگیری از انتظارات توری باید امیدواری‌ها و اخبار مثبت از جنس فعالیت‌های کسب و کار و دورنمای حوزه اقتصاد به مردم داده شود و از طرفی با مدیریت تقاضای کاذب، پول سرگردان مردم به سمت حوزه‌های اقتصادی واقعی در مقابل اقتصادهای کاذب هدایت شود و دولت با معرفی حوزه‌های جذاب برای سرمایه‌گذاری و جذب این نقدینگی بزرگ وارد عمل شود. همچنین دولت با مالیات بستن در حوزه‌های سوداگری مانند مالیات بر خرید سکه، مالیات بر خانه‌های خالی و خودرو نقدینگی را هدایت کند و در عوض با معافیت دادن در حوزه‌های مالیاتی، سرمایه‌گذاری در بخش تولید و اشتغال را افزایش دهد.

#### ■ مشکلات واحدهای تولیدی و وظیفه بانک‌ها در قبال تولید

مدرس خیابانی در خصوص همسویی بانک‌ها و شرکت‌ها برای افزایش بهره‌وری عنوان کرد: اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم اولاً بخش عمده‌ای از تولید کالا و بخش عمرانی ما دست‌شان روی دوش بانک‌هاست، به‌طوری که در حال حاضر بسیاری از بانک‌های تجاری کشور در پروژه‌های بزرگ از جمله پروژه‌های بزرگراهی و پتروشیمی مشارکت دارند. سال‌هاست که از استفاده ابزارهای بازار سرمایه در تامین مالی صحبت می‌کنیم؛ این ابزارها برای واحدهای تولیدی و کسب و کارهای تولیدی که حاشیه سودشان پایین است، چندان سودآور نیست، حال آنکه در حوزه‌هایی که حاشیه سود بالایی دارند این امر تحقق‌پذیر است. بنابراین انتظار مجموعه تولید و کسب و کارهای تولیدی از بانک‌ها بیشتر است، اما ما که در گروه توسعه ملی تولید به بانک هستیم، به دلیل محدودیت بانکی قادر به دریافت وام نیستیم و بسیاری از واحدهای تولیدی مان از عدم وجود سرمایه در گردش و نبود نقدینگی کافی رنج می‌برند و زیر حد ظرفیت خود کار می‌کنند. از آن بدتر اینکه بسیاری از واحدهای تولیدی ما به صورت کارمزدی کار می‌کنند.

مدیرعامل گروه توسعه ملی در ادامه تأکید کرد: البته باید گفت در عین حالی که بانک‌ها مشارکت بسیاری با واحدهای تولیدی دارند، اما بخش تولید انتظار بیشتری از بانک‌ها دارد که بانک بتواند با دو هدف طرح مالی ایجاد کند نخست اینکه وقتی طرح مالی به سمت تولید هدایت شود، تولید به ظرفیت می‌رسد و دوم اینکه ممکن است سرمایه‌های سرگردان با اخذ تسهیلات از بانک‌ها خرج جاهای دیگر شود.

وی ادامه داد: برای مثال، امروز دولت به بانک‌ها تکلیف کرده که ۲۵ درصد از تسهیلات خود را باید به بخش مسکن اختصاص دهند؛ یعنی می‌خواهند اطمینان حاصل کنند که تسهیلات بانک‌ها به سمت حوزه‌های اولویت‌دار و کسب و کارهای تولیدی و کارآفرین هدایت می‌شوند تا از حوزه سوداگری فاصله داشته باشند. این در حالی است که با گذشت سه ماه از سال هنوز دستور اعطای تسهیلات به بانک‌ها ابلاغ نشده است و این تأخیر باعث می‌شود که بسیاری از واحدهای تولیدی برای تامین مواد اولیه خود معطل بمانند. روش‌های رشد تولید متفاوت است. یکی از روش‌های رشد تولید مسیرش از واحدهای مستقر تولیدی می‌گذرد که با نوسازی و بهره‌وری می‌توانیم میزان تولید را افزایش دهیم، آدرس دیگر از مسیر واحدهای غیرفعال و راکد عبور می‌کند؛ یعنی زمانی که واحدهای تعطیل را به تولید برسانیم همان رشد تولید اتفاق افتاده که این یکی از سیاست‌های دولت ابراهیم ریسی است و به نظر من یکی از روش‌های رشد تولید هم محسوب می‌شود. در حال حاضر در تازشیم بخش‌هایی از مجموعه‌هایی که راکد و غیرفعال هستند را به چرخه تولید بازگردانیم.

#### ■ جای خالی شورای عالی سرمایه‌گذاری

مدرس خیابانی در ادامه اظهار کرد: شورا‌های متعددی داریم که سیاست‌های کلان دولت را مشخص می‌کنند. این شوراها اولویت‌های کشور را مشخص می‌کنند و نشان

گفت‌وگو





بنده این موضوع را تایید نمی‌کنم که سرمایه‌گذاری در کشور وضعیت وخیمی دارد یا رو به رشد نیست؛ شاید رشد سرمایه‌گذاری در کشور قابل قبول نباشد، اما همین حالا سرمایه‌گذاری‌های خوبی در حال انجام است. هم در داخل کشور و هم در منطقه خاورمیانه بازار مصرفی خیلی مناسبی وجود دارد که کالاهای ایرانی می‌توانند به خوبی از آنها استفاده کنند

مدیر عامل هلدینگ سرمایه‌گذاری بانک ملی در گفت‌وگو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## مدیریت غلط منابع مالی؛ چالش اصلی تولید

«جهان صنعت» - کمبود منابع مالی و سرمایه در گردش اگرچه یکی از موضوعاتی است که همواره از سوی تولیدکنندگان کشور به عنوان چالش اصلی صنعت بیان می‌شود، اما واقعیت این است که امروز مشکل کشور کمبود نقدینگی نیست بلکه مدیریت غلط منابع مالی است که باعث شده بخش‌های مولد در کشور شرایط خوبی را تجربه نکنند. دکتر «افشار فتح‌اللهی» مدیر عامل هلدینگ سرمایه‌گذاری بانک ملی (آینده پویا) که تجربه مدیریت طرح‌ها و تامین مالی وزارت صمت را در کارنامه فعالیت خود دارد، معتقد است طی سال‌های اخیر مدیریت منابع مالی به درستی انجام نشده است. بنابراین همچنان نقدینگی‌های سرگردانی در جامعه وجود دارند که باید این منابع مالی به مسیر درستی هدایت شوند.

این در حالی است که اگر دولت بتواند بازار سرمایه را به محیطی امن برای سرمایه‌گذاری تبدیل کند، علاوه بر اینکه واحدهای تولیدی منابع مالی مورد نیاز خود را تامین خواهند کرد، سهامداران و به‌طور کلی مردم نیز منتفع خواهند شد. در این راستا و از آنجا که در زمینه تامین مالی بنگاه‌های تولیدی، توقعات زیادی هم از بانک‌ها وجود دارد، با دکتر فتح‌اللهی به گفت‌وگو نشستیم تا نظر او را در مورد میزان تعامل بانک‌ها با واحدهای تولیدی جویا شویم. در ادامه گفت‌وگو «جهان صنعت» با مدیر عامل هلدینگ سرمایه‌گذاری بانک ملی (آینده پویا) را می‌خوانید.

شود. در همه جای دنیا نیز سرمایه‌های خرد مردم از محل بورس و بازار سرمایه سازماندهی می‌شود و به سمت بنگاه‌های تولیدی و صنعتی هدایت. بنابراین هم باید با تمرکز بر این حوزه‌ها شرایطی را ایجاد کنیم که نقدینگی موجود به محل درستی برود و هم برای تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی و در جهت سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مولد کشور هزینه شود.

■ در حال حاضر میزان تعامل بانک‌ها با واحدهای تولیدی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا این وظیفه بانک‌ها و هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری نیست که در شرایط بحرانی اقتصاد به کمک بخش‌های مولد بیایند و برای ماندگاری آنها در بازار تلاش کنند؟

می‌شود در حالی که این وضعیت، فرصت بسیار مناسبی را برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف اقتصادی در اختیار ما قرار می‌دهد.

به هر حال در صورتی که نتوانیم این نقدینگی‌های سرگردان یا به اصطلاح پول‌های داغ را به جهات درستی هدایت کنیم، این منابع مالی از بازارهای غیرمولد از جمله طلا، ارز، سکه، خودرو و... سر در می‌آورد، چرا که از یک سو مردم نگران سرمایه‌های خود هستند و از سوی دیگر هیچ کانال مشخص و رسمی برای مدیریت این منابع تعریف نشده است. بنابراین لازم است در شرایط کنونی با برنامه‌ریزی درست، سروسامانی به بحث منابع مالی بدهیم. در گام ابتدایی باید بازار سرمایه به محلی امن و قابل اعتماد برای مردم تبدیل

■ با توجه به اینکه شما تجربه مدیریت طرح‌ها و تامین مالی وزارت صمت را در کارنامه فعالیت خود دارید، فکر می‌کنید در حال حاضر چطور باید مشکل کمبود منابع مالی و سرمایه در گردش واحدهای تولیدی را حل کرد؟

واقعیت این است که ما در کشور مشکل کمبود منابع مالی نداریم، بلکه مشکل اصلی، مدیریت غلط منابع مالی در کشور است؛ به این معنا که طی سال‌های اخیر نتوانستیم به درستی مدیریت منابع مالی کشور را انجام دهیم. به همین دلیل همچنان حجم نقدینگی موجود در دست مردم زیاد است، اما متأسفانه سازوکاری ایجاد نشده است که به حوزه تولید سرسازیر شود. حتی گاهی به این نقدینگی به عنوان یک تهدید نیز نگاه





در گذشته و در برخی دولت‌ها منابع مالی تحت عنوان بنگاه‌های زودبازده توزیع شد، اما از آنجا که هدفمند نبود، به سوی رشته فعالیت‌هایی رفت که هم رقیب یکدیگر شدند و هم اولویت کشور برای سرمایه‌گذاری نبودند. این در حالی است که اگر استفاده خوبی از منابع مالی و تکنولوژی انجام شود، می‌توانیم تولید رقابت‌پذیر داشته باشیم

### ■ لطفا در مورد حوزه فعالیت‌های هلدینگ سرمایه‌گذاری بانک ملی (آینده پویا) توضیحاتی را ارائه دهید.

شرکت مدیریت طرح و توسعه آینده پویا به عنوان یک هلدینگ چندرشته‌ای، زیرمجموعه بانک ملی ایران است و در حوزه‌های مختلف از جمله داروسازی، کشاورزی، خدماتی، صنعتی و ساختمانی فعالیت می‌کند. همچنین وظیفه اصلی این شرکت ارزش‌آفرینی پایدار برای ذی‌نفعان از طریق تثبیت مالکیت، ارتقای بهره‌وری و بهبود عملکرد شرکت‌ها به ویژه در شاخص‌های سودآوری و در نهایت تسریع فرآیندهای مبتنی بر واگذاری و خروج از بنگاه‌های تحت مالکیت با توجه به الزامات قانونی و تکالیف ابلاغی است.

### ■ مجموعه شما در راستای تحقق شعار سال جاری یعنی مهار تورم و رشد تولید چه برنامه‌هایی را در دستور کار قرار داده‌است؟

حرکت در مسیر سیاست‌های کلی نظام و منویات مقام معظم رهبری، شالوده اصلی کلیه فعالیت‌های هلدینگ و شرکت‌های تابعه بوده است. از طرفی رشد تولید، مأموریت هر بنگاه اقتصادی و انتفاعی بوده که در کنار منافع ملی، موجب ایجاد منافع اقتصادی برای سهامداران می‌شود. در این راستا سیاست‌های رشد تولید به شرکت‌های تابعه ابلاغ و در بودجه مصوب شرکت‌ها پیش‌بینی شده است.

### ■ آیا در حال حاضر با توجه به مشکلات موجود در حوزه اقتصاد و صنعت، شرکت‌های زیرمجموعه این هلدینگ با حداکثر ظرفیت کار می‌کنند؟

ظرفیت تولید شرکت‌های تابعه این هلدینگ، متناسب با قدمت واحدهای تولیدی و همچنین شرایط اقتصادی و تولیدی کشور به ویژه در حوزه تامین انرژی قابل قبول است، اما با ظرفیت اسمی فاصله دارد. در مجموع رشد تولید و استفاده حداکثری از ظرفیت واحدها روندی صعودی داشته و با توجه به مجموعه اقدامات انجام شده، انتظار می‌رود بهبود چشمگیری را در این حوزه شاهد باشیم.

### ■ کدام یک از شرکت‌های زیرمجموعه در بازار سرمایه حضور دارند و میزان سودآوری آنها چگونه است؟

در حال حاضر از بین شرکت‌های کنترلی مالکیتی در اختیار، دو شرکت سرمایه‌گذاری شفا دارو و کارخانجات صنعتی و تولیدی اتمسفر وارد بازار سرمایه شده‌اند. همچنین فرآیندهای قانونی در خصوص ورود دو شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی و صنایع چوب مازندران به بازار سرمایه انجام شده است به طوری که این شرکت‌ها در مراحل پایانی پذیرش هستند و انتظار می‌رود در سال ۱۴۰۲ عرضه اولیه آنها انجام شود. البته سرمایه‌گذاری‌های مناسبی نیز در برخی دیگر از شرکت‌های بورسی رخ داده است. همچنین سودآوری شرکت‌های تابعه به ویژه شرکت‌های بورسی از روند صعودی مناسبی برخوردار است.

جمله این حوزه‌ها که در حال حاضر در اولویت سرمایه‌گذاری در کشور قرار دارد می‌توان به بخش معدن و صنایع معدنی اشاره کرد که مورد تاکید مقام معظم رهبری نیز قرار دارد و می‌تواند جایگزین خیلی خوبی برای نفت باشد. متأسفانه در این حوزه سرمایه‌گذاری قابل قبولی انجام نمی‌شود.

به‌طور کلی اگر سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اولویت‌دار کشور اتفاق بیفتد، حتماً می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک کند و برای سرمایه‌گذار نیز منافع مناسبی را به دنبال داشته باشد.

### ■ با توجه به اینکه به گفته کارشناسان اقتصادی، مهار تورم در گرو رشد تولید است، دولت چگونه می‌تواند صنایع کشور را از زیانده‌های کنونی خارج کند و شرایطی را ایجاد کند آنها نگران موضوعاتی همچون محدودیت‌های انرژی نباشند؟

متأسفانه ما باید این واقعیت را بپذیریم که طی سال‌های گذشته به اندازه کافی در حوزه انرژی سرمایه‌گذاری نکردیم. آن هم با وجود آنکه میزان مصرف در کشور همیشه رو به رشد بوده و از حالا به بعد نیز این روند صعودی قابل پیش‌بینی است.

این خلاء در کشور وجود دارد و دولت نیز برنامه‌هایی را در این خصوص در دستور کار دارد، اما باید طبق فرمایشات مقام معظم رهبری، بر موضوع نیروگاه‌های هسته‌ای برای تولید برق تمرکز کرد. صنایع کشور به صورت بالقوه شرایطی دارند که می‌توانند در بازارهای منطقه‌ای اثرگذار باشند.

همچنین نیروی متخصص توانمند زیادی داریم که برای فعالیت در حوزه تولید پشتکار و انگیزه دارند و در زمینه انرژی نیز می‌توانند با تمرکز بر حوزه‌های دانش‌بنیان و فناوری‌های روز دنیا، اقدامات اساسی انجام دهند، اما در این راستا لازم است دولت موانع را برطرف کند و روان‌سازی انجام دهد. در واقع لازم نیست دولت در این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری کند، بلکه می‌تواند با فضا دادن به بخش خصوصی که توان و تخصص این کار را دارند، بستری لازم را مهیا کند.

موانعی که در حوزه بوروکراسی اداری، واردات مواد اولیه و صادرات وجود دارد، باید هرچه زودتر حل شود. همچنین محدودیت‌های حوزه انرژی، قوانین دست‌وپا گیر و ضوابطی که مانع فعالیت بخش خصوصی می‌شود، باید توسط دولت مدیریت شود. بخش خصوصی و نیروی متخصص در کشور کاملاً توانایی حضور و بروز در اقتصاد بین‌المللی را دارند و در ارتباط با وجود نیروهای جوان و متخصص در ایران، رقیبی نداریم. بنابراین باید از این ظرفیت‌ها و همچنین ظرفیت‌های منطقه‌ای استفاده کنیم تا شرایط تولید در کشور به مراتب بهتر از شرایط فعلی باشد و توسعه اقتصادی را رقم بزنند.

همیشه نقدهای زیادی به سیستم بانکی وارد می‌شود که بانک‌ها پشتیبانی لازم را از بخش صنعت و تولید انجام نمی‌دهند در صورتی که واقعا در دنیا اینطور نیست؛ در واقع نباید توقع داشت که همه نیاز مالی بنگاه‌ها را بانک‌ها تامین کنند، چرا که سیستم بانکی نیز یک توانایی و ظرفیت مشخص دارد. به عقیده بنده با تمام نقدهایی که نسبت به بانک‌ها وجود دارد، اما آنها تاکنون پشتیبانی لازم از واحدهای تولیدی را انجام داده‌اند. در این راستا باید تمام بار تامین مالی واحدهای تولیدی از دوش بانک‌ها برداشته شود و در این زمینه بازار سرمایه بتواند بیشتر ایفای نقش کند تا به این ترتیب افرادی که سرمایه خرد دارند نیز بتوانند در منافع و سود حاصل از فعالیت‌های مولد در کشور، سهیم باشند. بازار سرمایه یک ظرفیت موازی و کاملاً قابل اتکا در نظام اقتصادی کشور است که می‌تواند پشتیبانی لازم را از صنعت انجام دهد.

### ■ به گفته اقتصاددانان، سرمایه‌گذاری در کشور سال به سال وخیم‌تر می‌شود. به این ترتیب باید در آینده شاهد رشد بیکاری و رشد فقر در کشور باشیم. نظر شما در این خصوص چیست و چه پیشنهادی برای جذب سرمایه‌گذاران و رشد سرمایه‌گذاری در کشور دارید؟

بنده این موضوع را تایید نمی‌کنم که سرمایه‌گذاری در کشور وضعیت وخیمی دارد یا رو به رشد نیست؛ شاید رشد سرمایه‌گذاری در کشور قابل قبول نباشد، اما همین حالا سرمایه‌گذاری‌های خوبی در حال انجام است. هم در داخل کشور و هم در منطقه خاورمیانه بازار مصرفی خیلی مناسبی وجود دارد که کالاهای ایرانی می‌توانند به خوبی از آنها استفاده کنند. این در حالی است که هر جا و در هر واحد صنعتی‌ای که سرمایه‌گذاری مناسبی انجام شده و از تکنولوژی روز کمک گرفته شده است، بازار صادراتی خوبی نیز ایجاد شده که به هیچ وجه در معرض خطر هم نیستند.

اما در حوزه‌هایی که سرمایه‌گذاری ناشیانه انجام شده و به جای استفاده از ماشین‌آلات به‌روز و تکنولوژی‌های جدید از تکنولوژی‌های دست‌چندم کشورهای دیگر استفاده شده است، تولید کالاها نیز رقابت‌پذیر نبوده و نتوانسته در بازارهای جهانی سهمی را به خود اختصاص دهد.

بنابراین بنده اعتقاد دارم که باید سرمایه‌گذاری‌ها به سمت درستی هدایت شود. در گذشته و در برخی دولت‌ها منابع مالی تحت عنوان بنگاه‌های زودبازده توزیع شد، اما از آنجا که هدفمند نبود، به سوی رشته فعالیت‌هایی رفت که هم رقیب یکدیگر شدند و هم اولویت کشور برای سرمایه‌گذاری نبودند. این در حالی است که اگر استفاده خوبی از منابع مالی و تکنولوژی انجام شود، می‌توانیم تولید رقابت‌پذیر داشته باشیم. از



## نقش تعامل سازنده استان‌ها در مهار تورم و رشد تولید



محسن راجی اسدآبادی  
کارشناس و پژوهشگر اقتصادی

با انتشار نرخ بیکاری و تورم به تفکیک هر استان در هفته‌های اخیر، شاهد بالا رفتن حساسیت‌های اجتماعی و نقد نخبگان هر استان بر نحوه اجرای سیاست‌های مهار تورم و رشد تولید در این استان‌ها و کل کشور بوده‌ایم. با نگاهی به گزارش مرکز آمار ایران و مرکز پژوهش‌های مجلس، درک خواهیم کرد، مردم در استان‌های کم‌پرخوردار که نرخ تورم بالاتری را احساس کردند، سهم بیشتری از درآمد کم خود را نسبت به سایر استان‌ها صرف خرید مواد غذایی و اجاره‌بها کرده‌اند و این سوال پیش می‌آید که استان‌ها در مهار تورم و رشد تولید دارای چه ابزارهایی هستند؟

اقتصاد کشورهای در حال توسعه همواره از درجه بالای نااطمینانی و بی‌ثباتی رنج می‌برد. در این کشورها نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم، نرخ ارز واقعی، نرخ‌های بهره و دیگر متغیرهای کلان اقتصادی با نوسانات بالایی در مقایسه با کشورهای توسعه یافته صنعتی روبه‌روست که پیامدهای چنین نوسانات و نااطمینانی‌ها بر عملکرد کلی حکمرانی آن کشورها تأثیرگذار است.

عوامل محیطی که یک سیستم اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی می‌شوند. عوامل سیاسی، آیین‌نامه‌های دولتی و قوانین رسمی کشور نیز شامل سیاست مالیات، تعرفه‌های تجاری، قوانین رسمی، پایداری سیاسی و غیره می‌شوند. عوامل اقتصادی، تأثیرگذاری روی قدرت خرید خانوار و هزینه سرمایه‌های بنگاه‌های اقتصادی است که می‌تواند شامل نرخ تورم، هزینه مبادله، رشد اقتصادی و غیره باشد. عوامل اجتماعی، جنبه‌های فرهنگی (بناهای غیررسمی) و جمعیتی تأثیرگذاری بر انتخاب و مایحتاج‌های خانوار و اندازه بازار است؛ به طور مثال نرخ رشد جمعیت، توزیع سنی، رفتار و مهارت‌های شغلی و غیره. عوامل تکنولوژیکی، تأثیرگذاری بر سطوح تصمیم‌گیری و کاهش حواقل بهره‌وری در تولید است که برای مثال شامل فعالیت بخش تحقیق و توسعه، مکانیزه کردن، نرخ تغییرات تکنولوژیکی و غیره است.

تقریباً همگان شناخت واحدی از تورم دارند که عمومی‌ترین تعریف آن افزایش بی‌رویه و مداوم سطح قیمت‌ها و کاهش ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم است، اما به زبان تخصصی‌تر تورم یعنی عدم تناسب سرعت پول در گردش با تقاضای کل و حجم پول در گردش با عرضه کالا و خدمات که مهم‌ترین عامل آن نابرابری در عرضه و تقاضای کل در سطح کشور است. تورم اگر ملایم باشد، به تولید کمک می‌کند چرا که انجام هزینه‌ها زودتر از درآمد است، بنابراین در دوران تورم هزینه‌ها کمتر از درآمدها بالا می‌رود و رشد تولید

و به تبع آن رشد اقتصادی شکل می‌گیرد، در مقابل اگر تورم شدید باشد افراد به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت روی نمی‌آورند و به کارهای زودبازده تمایل نشان می‌دهند، در این حالت تورم به تولید لطمه می‌زند. تورم در سطوح بالا علاوه بر آنکه نظام حکمرانی را مختل می‌کند، موجب کاهش پس‌اندازها از بین رفتن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه از بخش‌های واقعی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی و در نهایت کند شدن رشد اقتصادی می‌شود. تورم دارای اشکال متفاوتی است که می‌توان به برخی از آنها چون تورم ناشی از فشار تقاضا یا کاهش تقاضا، تورم ساختاری، تورم ناشی از تنگنای عوامل تولید، تورم پولی و تورم رکودی اشاره کرد.

رکود تورمی بیشترین تأثیر را بر نهادهای تولیدی و ارزش کالاها دارد که ناشی از فشار هزینه است. رکود تورمی شرایطی است که در آن سطح قیمت‌ها و بیکاری تومانی افزایش می‌یابد. دلیل رکود تورمی از منظر اقتصاد کلان، کاهش عرضه کل بیشتر از افزایش تقاضای کل است که از منظر مکاتب مختلف اقتصادی دلایل و ریشه‌های متفاوتی دارد. به طور مثال:

- تورم ناشی از سمت عرضه یا فشار هزینه تورمی شامل سیاست‌های مالی دولت (مکتب نئوکینزی)
  - فشار هزینه تورمی (مکتب نئوکلاسیک)
  - انتظارات تورمی ناشی از افزایش دستمزد (مکتب کینزی‌های جدید و پول‌گرایان)
  - مداخله‌های مصلحت‌گرایانه مقام پولی (مکتب کلاسیک‌های جدید)
  - رشد پول اعتباری مازاد بر رشد محصول (مکتب اتریشی)
  - تمرکز بازار بر اختیار گروه‌های خاص و پرنفوذ (نظریه انباشت تقاضایی)
- با وجود یک درک واحد از مفهوم تورم، در مورد علل شکل‌گیری و راهکارهای کنترل آن در بین اقتصاددانان اتفاق نظر یکسانی وجود ندارد. البته نگاه بیشتر اقتصاددانان به مفهوم تورم بیشتر از اینکه متوجه ارزش کالاها همچون «هزینه مبادله، ساختار نهادی، عوامل اجتماعی، تاریخی و جغرافیا، آمایش سرزمین، پیچیدگی اقتصادی و دانش مولد، مزیت نسبی و بهره‌وری، بهبود فضای کسب و کار و ارزش افزوده» بر اساس توانایی و قابلیت‌های هر استان باشد، به سمت ارزش پول یعنی «نرخ ارز، کسری بودجه، حجم نقدینگی، نرخ بهره بانکی، دستمزد، مالیات و سایر سیاست‌های مالی، پولی و تجاری» در سطح حاکمیت و کلان است. قطعاً سیاست‌های پولی و مالی در سطح کلان بسیار دارای اهمیت است و تأثیرات آن در قالب ارزش پول ملی نمایان می‌شود که در این مقاله به بعد ارزش کالا و محیط نهادی استان‌ها توجه خواهیم داشت.

### رشد و الگوهای توسعه‌ای

رشد در لغت به معنای هر گونه افزایش در حد میزان مولفه‌ای به عبارتی افزایش میزان تولید است. در بیان اقتصادی، رشد را به صورت افزایش شاخص‌های کمی اقتصاد نظیر تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه نسبت دوره‌ای به دوره دیگر تعریف می‌کنند. شومپتر رشد را تغییرات آرام و تدریجی در شرایط اقتصادی بلندمدت می‌داند که در نتیجه افزایش تدریجی در نرخ پس‌اندازها و جمعیت ایجاد می‌شود. رشد متضمن معنای بسیط زیرساخت اقتصادی است. توسعه در کنار مفاهیم افزایش درآمد سرانه، کاهش تورم و رشد تولید، مواردی چون توانمندسازی جامعه با محور قرار دادن انسان را در نظر دارد و مستلزم شکوفایی همه ابعاد حیات انسانی است.

دو نکته درباره مفاهیم رشد و توسعه قابل بحث است؛ نخست به‌دلیل حیطه گسترده تعریف توسعه، می‌توان یک وظیفه حساس و اصلی را برای آن در نظر گرفت و آن عبارت است از هماهنگ کردن ابعاد مختلف رشد. نکته دوم آن است که رشد بیشتر مسائل مادی را شامل می‌شود در حالی که توسعه در پی تحقق آن است که رشد مادی انسان در خدمت تعالی و رفاه وی باشد.

توسعه یک فرآیند بسیار پیچیده است که لازمه آن جامع‌نگری در طراحی و بهینگی نهادها در جهت‌دهی فرآیندها است. اتخاذ سیاست‌ها در فرآیند توسعه حساس است زیرا یک تصمیم می‌تواند متضمن نتایج مختلف در بخش‌های متفاوت جامعه باشد. استیگلیتز نوبلیست اقتصادی و معاون بانک جهانی با بیان انتقاداتی از توصیه‌های یکسان این بانک به کشورهای در حال توسعه بدون در نظر گرفتن اقتضات ساختاری و نهادی این کشورها معتقد است این الگوهای توسعه‌ای کشورهای توسعه یافته نه تنها آنها را به توسعه اقتصادی نرساند بلکه مشکلات این کشورها را حادتر و بر خلاف منافع کشورهای فقیر و در حال توسعه عمل کرده است. وی بر این باور است که تعامل سازنده عوامل نهادی می‌تواند راهگشای موفقیت فرآیند رشد اقتصادی باشد. به عقیده استفان درکان متخصص حوزه توسعه بین‌الملل «استاد و مدیر مرکز مطالعات اقتصاد آفریقای دانشگاه آکسفورد» در کتاب «Gambling on Development»، کشورهای موفق در مسیر توسعه، سیاست‌های ترکیبی بسیار متفاوتی را دنبال کرده‌اند، برخی از این دولت‌ها بر مدیریت پس‌انداز داخلی و عده‌ای دیگر بر سرمایه‌گذاری خارجی تمرکز داشته‌اند، برخی هدف خود را صادرات و برخی دیگر توسعه زیرساخت‌هایی مانند آموزش همگانی و بهداشت قرار داده‌اند. وی معتقد است نسخه‌ای واحد برای توسعه وجود ندارد که بتوان با اطمینان گفت برای همه کشورها کار می‌کند و تعهد بخش نخبه هر جامعه به ایجاد توسعه اقتصادی پیش شرط اصلی توسعه است.

مایکل اسپنس برنده نوبل اقتصاد معتقد است هیچ دستورالعمل ثابت و قطعی برای توسعه وجود ندارد، اگرچه ممکن است ما بعضی از اجزای تشکیل‌دهنده آن را بدانیم. همچنین ایزابلا ویر در کتاب «چین چگونه از شکوک درماتی گریخت؟» با بررسی دقیق تاریخی و اقتصادی مسیر توسعه چین به وضوح می‌گوید، که یافتن فرمول مناسب برای رشد و توسعه هر کشور، مستلزم آزمون و خطاست که به صورت تدریجی و در قالب اصلاح فرآیندهای نهادی آن کشور به دست می‌آید. به طور مثال آب که مهم‌ترین مولفه افزایش هزینه تولید در کشورهای مناطق جغرافیایی خشک و بیابانی است، در مکاتب اقتصادی این مولفه مهم مانند نرخ دستمزد، نیروی کار و... در مدل‌های اقتصادی به چشم نمی‌خورد. این مساله بسیار حیاتی، به دلیل پراکندگی کشورهای صنعتی پیشرو در اقلیم‌های معتدل و کوهستانی که دارای آب فراوانی بوده است، مورد توجه اندیشمندان مکاتب مختلف اقتصادی نبوده است. البته طی دهه‌های اخیر به دلیل بحران نوظهور تغییر اقلیم و تخریب محیط‌زیست، هزینه مبادله آب و بعضاً به طور تخصصی در محافل علمی مطرح شده و با وجود اهمیت حیاتی آن برای مناطق خشک و کم‌آبی مثل کشورمان، این مولفه مهم همچنان در مدل‌های اقتصادی به عنوان جزو اختلال دیده می‌شود. ساختار نهادی در هر کشور با توجه به شرایط تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی و... آن کشور با سایر کشورها و بعضاً هر استان با سایر استان‌ها در یک کشور متفاوت است.





با توجه به کند بودن تغییرات نهاد‌های غیررسمی در مسیر تعامل سازنده فی‌مابین بخش خصوصی و دولتی، شاهد عدم بهره‌وری و بهره‌مندی از کل ظرفیت منابع کشور به منظور رشد و توسعه در سطح ملی و استانی هستیم

## ■ مهار تورم و رشد تولید

با توجه به بیان نظریات مختلف مکاتب اقتصادی و نبود اجماعی مشخص در خصوص تورم و عدم قابلیت اجرایی شدن الگوهای توسعه‌ای کشورهای توسعه‌یافته در سایر کشورها، کشورهای در حال توسعه نیازمند شناخت دقیق‌تری از شرایط حاکم بر کلیه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و نهادی خود هستند. براساس دیدگاه اقتصاددانان نهادگرا، ضعف ساختار و عملکرد نهادهای یکی از دلایل توسعه‌نیافتگی کشورهاست.

به قول استاد فقید رضایی اگر کسی بخواهد شناخت دقیقی از سطح کلان (کشورها) و سطح خرد (استان‌ها و بنگاه‌ها) کشورها به دست آورد، باید کلیه مولفه‌های آن کشور را مورد توجه قرار دهد، همچنان که اگر تمام مولفه‌های اقتصاد کلان و خرد آن کشور را شامل میزان تولید، میزان صادرات، نرخ بیکاری، نرخ اشتغال و تابع عرضه و تقاضا و... بباند، اما هزینه مبادله را در آن کشور نداند، نمی‌تواند به تفاوت بین کشورها دست پیدا کند. هزینه مبادله به اضافه هزینه تولید، هزینه بنگاه را تشکیل می‌دهد. بنابراین پژوهشگران، سیاستگذاران و مدیران اجرایی باید مصادیقی را بشناسند که روی عملکرد تأثیر می‌گذارد در کشورهای در حال توسعه، عملکرد اقتصادی معمولاً تحت تأثیر ساختار سیاسی قرار می‌گیرد و از آنجا که ساختار خط‌مشی‌گذاری و نحوه اجرا در سطح کلان تنظیم می‌شود، عملاً استان‌ها ابزار معناداری برای نقش‌آفرینی در کاهش یا افزایش مولفه‌های کلان اقتصادی مانند ابزارهای کنترل تورم، ابزارهای رشد تولید اعم از نرخ دستمزد، تعرفه‌های مالیاتی، ابزارهای محلی پولی و مالی و سایر موارد که قبلاً بیان شده است، ندارند. بنابراین این سیاست‌ها که باید در سطح خرد دستگاه‌های اجرایی در استان‌ها و بنگاه‌ها و خانوار انجام پذیرد، به دلیل عدم شناخت دقیق از عوامل نهادی تأثیرگذار روی عملکرد در سطح خرد، هزینه مبادله را بالا برده و پس از مدت کوتاهی با ایجاد ساختارهای جدیدی از قوانین غیررسمی شاهد شکست سیاست‌های کلان یا تأثیرات کم آن بر توسعه کشور خواهیم بود. متأسفانه به دلیل عدم تعامل سازنده نهادی در رفع مشکلات و تشدید نوسانات و ناطمینانی‌ها در عملکرد کلی حکمرانی این کشورها، اصل برنامه‌ریزی زیرسوا می‌رود که در این صورت دولت‌ها دچار ریزش در سطح کلان و به تبع آن در سطح خرد خواهند شد. این دولت‌ها برای خروج از چرخه‌های شوم اقتصادی از مرحله برنامه‌ریزی که برای زنده نگه داشتن و رشد در محیطی پویا و متغیر مهم است به سمت ابزارهای برنامه‌ریزی در الگوی جامع مدیریت استراتژیک مانند تخصیص منابع (بودجه)، تصمیم‌گیری (شوگ درمانی) و سایر مولفه‌ها، تغییر ماهیت می‌دهند و با جذب بودجه و هزینه در امور روزمره، حل مسائل و مشکلات را برای مدت کوتاهی به تعویق می‌انداختند، این رویکرد در میان مدت باعث کاهش سرمایه اجتماعی دولت‌ها و ایجاد قراردادهای اجتماعی جدید بین مردم می‌شود که هزینه حاکمیت را افزایش خواهد داد.

## ■ نقش استان‌ها در تعامل سازنده عوامل نهادی

با توجه به مطالب بیان شده و اهمیت شناخت دقیق عوامل تأثیرگذار نهادی روی عملکرد، نقش استان‌ها در مهار تورم و رشد تولید را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد.

### ۱- تسهیل و بهبود فضای کسب و کار

امروزه دولت‌ها برای رسیدن به اهداف کلان در میان مدت و بلندمدت و افزایش رضایت شهروندان در کوتاه‌مدت به همگامی و همراهی بخش خصوصی با سیاست‌های توسعه‌ای خود نیاز دارند. در کشورمان با وجود رسیدن به این آگاهی و بیان در گفتار و تأکید در

قوانین رسمی، هنوز در بیشتر استان‌های کشور به دلیل عدم التزام مدیران دولتی به تدوین، انتشار عمومی، اجرا و نظارت عمومی برنامه‌های توسعه‌ای در استان‌ها و مشورت با بخش خصوصی، دچار اختلال و ضعف در تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های تولیدی، اشتغال و سایر مولفه‌های اقتصاد کلان شده که به دلیل عدم فهم در فرآیند تحول اقتصادی در قالب ستادهای رفیع موانع (به صورت موردی)، دچار روزمرگی شده‌اند. فرآیندهای تحول اقتصادی در کشور به دلیل رفتارهای دیوان‌سالاری برخی از کارکنان دولتی در اجرای قوانین، مصوبات و بخشنامه‌ها (نهادهای رسمی) دولتی و همچنین به دلیل ریشه‌دار بودن این تفکر در بخش عمومی (مک‌لنود در گزارش تجارب گروه مشاوره دانشگاه هاروارد در ایران در دهه ۳۰ شمسی، این نکته را متذکر می‌شود) سالیان سال مدیران و فعالان بخش خصوصی پشت درب اتاق مدیران دولتی معطل بوده و این نگرش باعث ایجاد ادراک فاصله بین بخش خصوصی و بخش عمومی در سطح استانی و ملی و شکل گرفتن نهادهای فراگیر ناکارآمد غیررسمی شده است. با توجه به کند بودن تغییرات نهادی غیررسمی در مسیر تعامل سازنده فی‌مابین بخش خصوصی و دولتی، شاهد عدم بهره‌وری و بهره‌مندی از کل ظرفیت منابع کشور به منظور رشد و توسعه در سطح ملی و استانی هستیم.

با توجه به مطلب فوق، یکی از مهم‌ترین اقدامات به منظور بهره‌مندی از ظرفیت بخش خصوصی الزام استان‌ها به حرکت در راستای برنامه توسعه‌ای استان‌ها و مشارکت دادن ذخیره‌های و بخش خصوصی در تدوین، تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های کلان استانی با ایجاد نهادهای غیررسمی فراگیر به منظور کاهش هزینه مبادله است.

### ۲- خلق زنجیره ارزش پایدار

مفهوم ارزش یکی از پرکاربردترین مفاهیم در علوم اجتماعی، اقتصادی و مدیریت به طور خاص است. در چند سال اخیر، درک و خلق ارزش پایدار همواره یکی از عناصر راهبردی کسب و کارها بوده است و استان‌ها با برنامه‌ریزی بخشی منطقه‌ای براساس مزیت نسبی و تعامل سازنده با بخش خصوصی به عنوان یک پارادایم جدید مدیریت و خلق ارزش می‌توانند فرصت‌های ایجاد ارزش پایدار از طریق کاهش هزینه، کاهش ریسک، تمایز محصول و ارائه محصولات سازگار با محیط زیست را ایجاد کنند.

### ۳- پیچیدگی اقتصادی

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کاهش تورم، افزایش عرضه و رشد محصول است که از طریق افزایش ظرفیت و تنوع تولید محصولات پیچیده براساس مزیت نسبی رشته فعالیت‌های اقتصادی (ستانده، مصرف واسطه‌ای و ارزش افزوده) هر استان، باعث شکل‌گیری مازاد عرضه و در نهایت کاهش تورم در اقتصاد شود. میزان دانش استان‌ها نسبت مستقیمی با انواع محصولات تولیدشده در آن استان‌ها دارد که می‌توان با ایجاد زنجیره مزیت نسبی بین استان‌ها، پیچیدگی اقتصادی را در کشور افزایش داد.

تولید هر محصول نیازمند ابر بودن دانش‌های خاصی است و هر چه تولیدات یک استان متنوع‌تر باشد یعنی دانش شکل گرفته و تجمیع شده بیشتری در آن استان وجود دارد. در استان‌هایی که بخش‌هایی از این مجموعه قابلیت‌ها غایب باشند، امکان ایجاد تولید محصولات متنوع وجود ندارد. بنابراین اقتصادهای پیچیده اقتصادی‌هایی هستند که می‌توانند حجم زیادی از دانش مرتبط را در قالب شبکه‌های بزرگ افراد گردهم جمع کرده و مجموعه متنوعی از کالاهای دانش‌بر را تولید کنند. در واقع انباشت دانش مولد در اقتصادهای پیچیده از طریق افزایش عرضه محصولات متنوع‌تر با پیچیدگی فرایند، رشد درون‌زا را برای اقتصاد به دنبال دارد و انتظار می‌رود همراه با رشد اقتصادی شاهد افزایش عرضه کل اقتصاد و کاهش تورم

باشیم. استان‌ها می‌توانند با جلوگیری از هم‌شکلی در صنایع در استان خود و با مراجعه به گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان، ضمن تنوع در تولید محصول، پیچیدگی اقتصادی منطقه خود را براساس مزیت نسبی سنجیده و با پیوند با سایر استان‌های مجاور ارزش افزوده خود را افزایش دهند.

### ۴- طراحی هزینه استهلاک

از آنجا که در کشور شاهد افت بهره‌وری سرمایه، بیشتر از نیروی کار هستیم، طراحی هزینه استهلاک تأثیر متفاوتی بر صنایع مختلف با عمرهای متفاوت سرمایه‌ای دارد. انباشت سرمایه، موتور محرک رشد اقتصادی است و چنانچه در اقتصاد سرمایه‌گذاری نشود، بزرگ شدن حجم اقتصادی هم در کل نخواهد بود. استان‌ها با برنامه‌ریزی دقیق و دادن معافیت‌ها و مشوق‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی می‌توانند بخش صنعت را به منظور نوسازی و افزایش انباشت سرمایه تقویت کنند.

سیاست‌های برنامه‌ریزی کلان و بودجه‌ای هر استان بر ساختار صنعت آن تأثیر دارند. بنابراین گریزی از تامل در تأثیرات متفاوت سیاست‌های مختلف بخش‌های مختلف نیست. مدل‌های رشد درون‌امعتمد که انباشت سرمایه می‌تواند نرخ روند بلندمدت رشد اقتصادی را افزایش دهد. با این حال، برای مجاز کردن انباشت سرمایه لازم است نسبت‌های پس‌انداز افزایش یابد.

در ایامی که استان‌ها مجبور به کاهش مصرف انرژی هستند و سراغ کاهش میزان انرژی صنایع و کارخانجات می‌روند، استان‌های دارای قابلیت می‌توانند با برنامه‌ریزی استراتژیک و انباشت سرمایه در توسعه امور زیربنایی خود در آب، برق و سایر انرژی‌ها با همکاری بخش خصوصی اقدام به تأمین انرژی مورد نیاز صنایع خود کنند تا ضمن توسعه زیرساخت‌های استان، انگیزه مضاعفی برای سایر کارآفرینان به منظور سرمایه‌گذاری باشد.

### ۵- ثابت کردن قیمت خدمات دولتی

هزینه فرصت یک مفهوم تعیین‌کننده در تحلیل‌های اقتصادی است. هزینه فرصت زمانی است که بابت انجام یک کار، فرصت اجرای ایده‌های دیگر را به تعویق انداخته یا از دست می‌دهیم. از آنجا که اقتصاد کشورمان دولتی است، افزایش قیمت کالاها و خدمات انحصاری که دولت عرضه می‌کند، سهم بسیار زیادی در افزایش تورم در کشور به خصوص استان‌ها دارد. از مهم‌ترین راهکارهای تثبیت قیمت‌ها در شرایط تورم‌زده فعلی کشور جلوگیری از هر عاملی است که می‌تواند قیمت تمام‌شده کالا را افزایش دهد، از جمله خدمات دولتی شامل بخش‌های انرژی، حمل‌ونقل، مشاوره و غیره است که می‌تواند روند افزایش قیمت‌ها را به نفع کاهش تورم متوقف کند. استان‌های کم‌برخوردار می‌توانند با ارزیابی و تعامل سازنده با نمایندگان محترم مجلس و اعضای هیات وزرا و همچنین استفاده بهینه از ابزارهای موجود در استان، از افزایش تورم در آن استان جلوگیری کنند.

در ادامه می‌توان سایر مولفه‌های تأثیرگذار بر رشد تولید و مهار تورم را به شرح ذیل نام برد.

- ۶- تولید فناوری‌ها و نوآوری
- ۷- تأمین نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی از طریق سرمایه‌های خرد مردمی به منظور مشارکت
- ۸- گسترش و ایجاد زیرساخت‌های تولیدات خانگی
- ۹- تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام عمرانی با مشارکت بخش خصوصی
- ۱۰- اجرای طرح توسعه واحدهای صنعتی بزرگ با مشارکت بخش خصوصی
- ۱۱- جلب‌مساز ساختار بوروکراسی دستگاه‌های اجرایی در استان‌ها
- ۱۲- سرمایه‌گذاری درآمدهای حوزه انرژی در استان‌ها صرفاً در امور زیربنایی

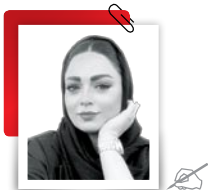




مدیر عامل شرکت فکور صنعت تهران در گفتوگو با «جهان صنعت» تاکید کرد

## لزوم بهره‌گیری وزیر جدید صمت از مدیران شجاع و تصمیم‌گیر

حضور عباس علی‌آبادی در وزارت صمت این نوید را به فعالان اقتصادی داده است که از این پس سیاست‌های نسجیده و غیرتخصصی بدون مشورت با فعالان بخش خصوصی متوقف شود و دیدگاهی جدید، تخصص‌محور و به دور از نگاه‌های دستوری در وزارتخانه‌ای که متولی اصلی بخش تولید در کشور است، شکل بگیرد. اما با این حال این نگرانی نیز وجود دارد که استقلال رای شخص وزیر به واسطه فشارهای بیرونی تحت تاثیر قرار بگیرد و وزارت صمت همچنان به دور باطلی که طی دو، سه سال اخیر طی کرده است، ادامه دهد. در همین خصوص مهندس محمودحیدر شیخ‌زاده مدیر عامل شرکت فکور صنعت تهران که یکی از مدیران برگزیده فولاد کشور است و شرکتی مهم و تاثیرگذار در زمینه اجرای پروژه‌های معدنی و صنعتی را راهبری می‌کند، با اظهار خوشحالی نسبت به حضور عباس علی‌آبادی در مقام وزارت صمت به عنوان فردی صنعتی و عملگرا، به او توصیه کرد که از مدیران فعال، متخصص، مثبت‌اندیش، شجاع و تصمیم‌گیر در هیات‌مدیره شرکت‌های بزرگ صنعتی و معدنی در کشور کمک بگیرد تا بتواند از پتانسیل‌های ویژه کشور به‌خصوص در بخش معدن بهره‌برد. در ادامه گفت‌وگوی اختصاصی «جهان صنعت» را با مهندس شیخ‌زاده می‌خوانید.



نسترن یوسف‌بخیان

لغو معافیت‌های صادراتی، لغو معافیت‌های مناطق کمتر توسعه‌یافته، دخلت‌های بیجا در امور نگاههای اقتصادی، جلوگیری از صادرات، دخلت در بورس و... همگی زنجیره فولاد را به هم ریخته است، اما به‌طور کلی بی‌ثباتی مهم‌ترین عامل مشکلات بخش معدن و زنجیره فولاد در شرایط فعلی است.

**■ سازوکار بورس کالا تا چه میزان می‌تواند به احیای واحدهای در آستانه تعطیلی بخش معدن کمک کند؟ لطفاً در مورد نقش بورس کالا در بهبود فضای کسب‌وکار و احیای معادن سنگ آهن توضیح دهید.**

بورس کالا یکی از بهترین ابزارهای ارائه عادلانه کالاست. همان‌طور که می‌دانید اولین شرکتی که در زمینه عرضه کنسانتره در بورس کالا پیشقدم شد، شرکت فکور صنعت تهران بود؛ به این منظور که بتواند باعث توسعه این بخش شود. هدف ما این است که شرکت‌ها در فضایی رقابتی و عادلانه قرار بگیرند و بتوانند قیمت واقعی محصول خود را در بورس کالا کشف کنند، اما همین ابزار بسیار خوب به ابزاری برای اعمال سیاست‌های دستوری از سوی دولت تبدیل شده است. این در حالی است که بورس کالا هم خیلی نمی‌تواند در مقابل روش‌هایی که در دوره قبلی وزارت صمت وجود داشته است، مقاومت کند. بنابراین در حال حاضر امیدواریم حضور آقای علی‌آبادی در وزارت صمت موجب تغییر سیاست‌های دستوری شود به‌طوری که وزارت صمت از دخلت در امور بورس کالا دست بردارد تا خود شرکت‌های معدنی فعال در این زنجیره بتوانند به یک تفاهم و توازی در حوزه‌های مختلف از واردات گرفته تا صادرات و عرضه در بورس کالا برسند.

**■ چه شرایطی را تجربه می‌کنند؟ تداوم قیمت‌گذاری دستوری چه آینده‌ای را پیش روی صنایع و معادن کشور قرار می‌دهد؟**

در زمینه قیمت‌گذاری‌های دستوری با پدیده بسیار عجیبی روبه‌رو هستیم و آن اینکه خود دولت به یکی از گرانفروش‌ترین گرانفروش‌ها تبدیل شده است. به این معنی که ایمیدرو به عنوان متولی بخش معدن، سنگ آهن خام را چه در منطقه سنگان و چه در مناطق دیگر به قیمت‌های غیرواقعی و بسیار بالا می‌فروشد و از ظرفیت بورس استفاده می‌کند یا از طریق مزایده‌ای که یک بار برگزار کرده است. همچنین هیچ توجهی به شرکت‌های تولیدکننده کنسانتره و گندله ندارد که اینها باید در حوزه توسعه زیرساخت‌ها فعالیت کنند. از طرفی در بخش معدنی وزارت صمت که البته مربوط به وزیر قبلی و ساختار پیشین این وزارتخانه است، به شکل دستوری در ارتباط با قیمت کنسانتره، گندله، آهن اسفنجی و... اعمال نظر می‌کنند. در حالی که چنین سیاست‌هایی تاکنون تنها موازنه بازار را به هم زده است. دخلت‌های دستوری دولت واقعا لطمات غیرقابل جبرانی را در این بخش به صنایع معدنی زده و موجب کندی توسعه شده است.

**■ به گفته بسیاری از فعالان اقتصادی، بزرگ‌ترین مشکل در تجارت خارجی مربوط به بخشنامه‌های بیجا و نبود ثبات است. این مشکل تا چه حد زنجیره آهن و فولاد را تحت تاثیر قرار داده است؟**

بی‌ثباتی سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های لحظه‌ای توسط معاونت معدنی وزارت صمت و ایمیدرو به خصوص در بخش صادرات مشکلات زیادی ایجاد کرده است.

**■ برخلاف تمام وعده‌هایی که از سوی دولت داده شد، در حال حاضر شاهد این هستیم که محدودیت انرژی صنایع مختلف کشور آغاز شده و حتی در یک هفته اخیر شاهد توقف تولید در بسیاری از حوزه‌ها بودیم. لطفاً در این خصوص بیشتر توضیح دهید که محدودیت‌های انرژی چه خسارت‌هایی را به فعالان حوزه معدن وارد می‌کند و دولت برای حل این مشکل چه اقداماتی را باید در دستور کار قرار دهد؟**

در رابطه با محدودیت‌های انرژی باید بگوییم که شرکت‌های فولادی و زنجیره فولاد تمام تلاش خودشان را انجام دادند تا به برنامه مدون ۵۵ میلیون تن فولاد برسند و در این زمینه رشد بسیار خوبی را هم تجربه کردند، اما متأسفانه در توسعه زیرساخت‌ها به خصوص در بخش گاز باید کارهایی انجام می‌شد تا انرژی منتقل شود که به دلیل کم‌کاری در این بخش‌ها، مشکلات فعلی پیش آمد. در حال حاضر نیز کشور چوب همین کم‌کاری‌ها را می‌خورد و صنایع توان پس می‌دهند. بنابراین در این خصوص باید مسوولان وقت و افرادی که کم‌کاری کرده‌اند پاسخگو باشند. چرا صنایعی که سرمایه‌گذاری آنها با پول مردم است و آماده بهره‌برداری، به دلیل نبود گاز و برق در کشوری که بیشترین ذخایر گازی دنیا را در اختیار دارد و رتبه دوم را در این خصوص به خود اختصاص داده، به مشکل می‌خورند؟! شرایط امروز در حوزه انرژی حاصل بی‌برنامگی، بی‌توجهی و ناموزون بودن توسعه در کشور است.

**■ با توجه به اینکه نهادهای تولید روز به روز گران‌تر می‌شوند و تولیدکنندگان ناچار به ارائه محصولاتشان با همان قیمت‌های دستوری قبلی هستند، صاحبان نگاه‌های تولیدی در حال حاضر**



توسعه در هر صنعتی بدون توسعه زیرساخت‌ها شامل آب، برق، گاز، راه، ریل، بندر، فرودگاه و... امکان‌پذیر نیست. حتی توسعه کشورها را بر اساس وجود همین زیرساخت‌ها ارزیابی می‌کنند. دولت‌های کشورهای مختلف در این حوزه‌ها بسترسازی می‌کنند. در واقع وزارتخانه‌های مربوطه بسترسازی‌های لازم در این حوزه‌ها را انجام می‌دهند و شرکت‌ها از آنها خدمات می‌گیرند که برای دولت هم درآمزیابی ایجاد می‌کنند.

معادن زیرزمینی، استفاده حداکثری کنیم، بنابراین ما نباید خودمان را به کمبود ذخایر محدود کنیم، بلکه باید به فکر افزایش تولید فولاد و در کنار آن تأمین سنگ آهن باشیم. ضمن اینکه اگر جدار آبی ما در منطقه مکران و در حوزه فولادسازی احداث شود، می‌تواند کنسارتره و سنگ آهن خود را از خارج کشور تأمین کند.

لازم به ذکر است با افزایش تعداد پله‌ها و رمپ‌های موجود در معدن، مسافتی که کامیون‌ها برای انتقال مواد به خارج از معدن می‌پیمایند، افزایش پیدا می‌کند، اما با استفاده از سیستم سنگ‌شکنی و نوار نقاله موسوم به IPCC نه تنها نیاز به افزایش ناوگان کامیون‌ها از بین می‌رود، بلکه از ایجاد رمپ‌های طولانی به سمت دهانه معدن جلوگیری می‌شود.

**به نظر شما با توجه به اینکه وزیر صمت جدید فردی صنعتی است و تعامل خوبی هم با بخش خصوصی داشته، آیا می‌تواند عملکرد متفاوت‌تری نسبت به وزرای پیشین داشته باشد و در زمینه سیاستگذاری موفق‌تر عمل کند؟**

دکتر علی‌آبادی از مدیران بسیار خوب و عملگرایی کشور هستند که با بخش خصوصی هم کار کرده‌اند. بنابراین حضور او در وزارت صمت برای فعالان اقتصادی امیدبخش است اما نگرانی بنده این است، افرادی که در تصمیم‌سازی‌ها دخالت می‌کنند، اجازه ندهند ایشان تصمیمات خودش را عملیاتی کنند. وزیر جدید صمت باید ساختار ستادی وزارت صمت را بازسازی کند و به دورانی برگرداند که درگیر به هر یختگی‌های دو سال اخیر نشده بود. همچنین معاونت معدنی، ایمنی و بخش‌های دیگر را سامان دهد. از طرفی در هیأت‌مدیره شرکت‌های بزرگ که موتور محرک توسعه کشور هستند، باید از مدیران فعال، متخصص، مثبت‌اندیش، شجاع و تصمیم‌گیر کمک گرفته شود. همه اینها منوط به استقلال رای وزیر جدید صمت است و باید اجازه داده شود تا وزیر نگاه تخصصی خود را پیاده کند. اگر افرادی نگذارد این استقلال رای وجود داشته باشد، دکتر علی‌آبادی امکان این را نخواهد داشت که از توانمندی‌های خود استفاده کند.

در حال حاضر انجمن‌های تخصصی سنگ آهن، فولاد و... آمادگی دارند که با ایشان همکاری مثبتی داشته باشند تا توسعه‌مندی‌هایی که در چند سال گذشته در حوزه توسعه اتفاق افتاد، جبران شود.

**به عنوان کلام آخر اگر صحبتی دارید بفرمایید**

نکته مهمی که در انتها باید به آن اشاره کنم این است که نگاه‌های اقتصادی برای بقای خودشان ناچار هستند رشد کنند. نمی‌توان به رشد و توسعه این‌طور نگاه کرد که اگر رشد و توسعه اتفاق بیفتد خوب است و اگر اتفاق نیفتد، مشکلی رخ نداده، بلکه واقعیت این است که اگر رشد و توسعه نباشد به معنای ایستاده‌مردن است. تنها راه رسیدن به رشد توسعه است اما باید به این موضوع توجه داشت که توسعه در ذهن مدیر شکل می‌گیرد و از آسمان نمی‌آید. شما اگر نگاهی به تجربه کشورهای دیگر بیندازید خواهید دید که ابتدا توسعه در ذهن اشخاصی همچون ماهاتیر محمد که دنیا را متحول کردند، شکل گرفته و سپس این نگاه در جامعه پیاده‌سازی شده است. اما از مدیرانی که طی دو، سه سال اخیر سر کار گذاشته شده‌اند و از توسعه درکی ندارند، چطور می‌توان انتظار توسعه داشت؟ توسعه را کسی می‌تواند عملیاتی کند که بتواند در این زمینه برای شما داستان‌سرای کند و با عشق در مورد توسعه حرف بزند. مدیری می‌تواند توسعه را پیاده‌سازی کند که در نامه ۱۰ ساله و ۲۰ ساله خود را باندند و همچنین بتواند اعلام کند ۳۰ سال دیگر او و مجموعه او کجا ایستاده‌اند، اما مدیری که دو سال قرار است در یک مجموعه بماند و با تغییر دولت و وزیر و... مجبور به خنثی‌سازی شود، نمی‌تواند کار توسعه‌ای انجام دهد. اینها عرضه‌های کشور ما هستند که باید به آنها توجه شود. در نهایت باید بگوییم توسعه یک نوع عشق است و کسانی که عشق به توسعه ندارند، نباید فرمان‌راهری کشور را در دست بگیرند.

مستقیم خارجی سال ۲۰۲۱، ۶۲۸،۲۰۲ میلیارد دلار است. این در حالی است که اگر لیست رده‌بندی ۱۰ کشوری که نفر اول آسیا و آفریقا هستند را ببینید، متوجه خواهید شد که اسرائیل رتبه اول، امارات رتبه دوم، عربستان سعودی رتبه سوم و اتیوپی رتبه دهم را دارند. این به آن معناست که در حال حاضر جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایران طبق آمار از اتیوپی کمتر است. در واقع ایران هیچ سهمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ندارد، چرا که زیرساخت‌های لازم در این خصوص را فراهم نکرده است.

**چه پیشنهادی برای جذب سرمایه‌گذاران و رشد سرمایه‌گذاری در کشور دارید؟**

پول و سرمایه به جایی می‌رود که در آنجا امنیت و اطمینان وجود داشته و سودآوری بیشتری نیز موجود باشد. راهمایی وجود دارند که این اعتمادسازی انجام شود. دخالت دولت در تمام ارکان کسب و کار مانع جذب سرمایه‌گذاری است. تعیین دستوری قیمت‌ها، عوارض، حق مالکانه، دخالت در بورس، تعیین قیمت برای بورس، تغییر قوانین صادراتی، لغو معافیت صادراتی، تغییر سیاست‌های ارزی و... همگی باعث می‌شود تا فضای نامنی برای سرمایه‌گذاری در کشور ایجاد شود. در حال حاضر دستگاه‌های نظارتی کشور ماباری اینکه یک درخت آفت نزنند، شروع به سمپاشی می‌کنند. متأسفانه مشکل کنونی این است که دستگاه‌های نظارتی ما آنقدر سمپاشی می‌کنند که این درختان از ریشه خشک می‌شوند. مدیری که از ترس دستگاه نظارتی نمی‌تواند تصمیم بگیرد، منفعل عمل می‌کند و این گونه رفتارها، نه تنها باعث میوه دادن درخت نمی‌شود، بلکه درخت را خشک می‌کند. بنابراین باید اجازه داده شود درخت میوه بدهد و بعد شروع به سمپاشی شود.

**در حال حاضر وضعیت ذخایر سنگ آهن کشور چگونه است؟ آیا به نظر شما با زیرساخت‌های فعلی در کشور می‌توان به هدفگذاری ۵۵ میلیون تن فولاد در سال ۱۴۰۴ دست پیدا کرد؟**

بحث ذخایر کشور در حوزه سنگ آهن یک موضوعی است و تولید ۵۵ میلیون تن فولاد تا سال ۱۴۰۴ موضوعی دیگر. به عقیده بنده، حتی بدون توجه به ذخایر کشور، باید هدفگذاری ۵۵ میلیون تن فولاد را با دیدگاه صادرات‌محور دنبال کنیم. با توجه به رشد اقتصادی بسیار پایینی که طی ۱۰ سال گذشته تجربه کرده‌ایم و همچنین با در نظر گرفتن مصرف سرانه فولاد هر ایرانی که به ۱۶۰ کیلوگرم کاهش پیدا کرده است، عملاً باید بیش از نیمی از فولاد کشور را صادر کنیم. این در حالی است که اکنون کشورهای منطقه از جمله امارات، عمان، عربستان و... که حتی یک تن سنگ آهن ندارند، مشغول سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در حوزه گندله‌سازی، احیا و فولادسازی هستند. بنابراین اصلاً نباید این موضوع را یعنی رشد تولید فولاد را به ذخایر سنگ آهن گره زد. از سوی دیگر ذخایر سنگ آهن کشور در برخی مناطق مثل سنگان تا ۳۰ سال دیگر ذخایر دارد و باید توسعه داده شود تا انتهای زنجیره یعنی کنسارتره، گندله، احیا و ورق و صنایع پایین‌دستی را توسعه دهیم. هزینه‌انتقال آب به محل معدن بسیار پایین‌تر از هزینه حمل سنگ آهن به بندر است. پس بنابراین اظهاراتی باین تحلیل که چون آب نداریم نباید به فکر این اقدام باشیم، اشتباه است. باید در هر منطقه‌ای که ذخایر معدنی زیادی داریم، توسعه را به‌طور کامل تا آخر زنجیره ادامه دهیم. زیرا این کار نه تنها موجب توسعه متوازن در کشور خواهد شد بلکه کاهش هزینه‌های تولید در حوزه فولاد را به دنبال خواهد داشت. هزینه‌های انتقال آب خلیج فارس در مقایسه با هزینه تمام‌شده فولاد، نقش جدی ندارد و می‌تواند موجب کاهش هزینه‌های حمل و نقل شود. نکته مهم‌تر اینکه خطوط انتقال آب می‌تواند مساله کمبود آب شرب مردم در این مناطق را نیز حل و به منزله خط انتقال امید کار کند. از طرف دیگر کشور ما دارای ذخایر هم‌تیتی و کم‌عیار زیادی است که می‌توانیم با به کارگیری تکنولوژی‌های جدید مثل IPCC در استخراج معادن و توسعه این استخراج‌ها، دست‌کم ذخایر خودمان را برای ۲۵ سال دیگر توسعه دهیم و از پتانسیل‌های

**واقعیت این است که در زمینه توسعه زیرساخت‌های مربوط به اسکله‌ها و بنادر به شدت ضعیف عمل شده است. این موضوع چه هزینه‌هایی را برای فعالان اقتصادی به دنبال داشته است و برای رفع آن چه باید کرد؟**

توسعه در هر صنعتی بدون توسعه زیرساخت‌ها شامل آب، برق، گاز، راه، ریل، بندر، فرودگاه و... امکان‌پذیر نیست. حتی توسعه کشورها را بر اساس وجود همین زیرساخت‌ها ارزیابی می‌کنند. دولت‌های کشورهای مختلف در این حوزه‌ها بسترسازی می‌کنند. در واقع وزارتخانه‌های مربوطه بسترسازی‌های لازم در این حوزه‌ها را انجام می‌دهند و شرکت‌ها از آنها خدمات می‌گیرند که برای دولت هم درآمزیابی ایجاد می‌کند. متأسفانه در کشور ما مسوولیتی در این حوزه احساس نمی‌شود که به عنوان مثال ظرفیت بندر توسعه داده شود. کل ظرفیت بندر کشور ما معادل یکی از ۱۰۰ بندر برزیل هم نیست که دست کم می‌تواند به صورت سالانه ۱۰۰ میلیون تن کالا را جابه‌جا کند. این در حالی است که غفلت از سرمایه‌گذاری در بندر و واقعاً هزینه‌های زیادی را از جمله هزینه‌های موزاژ به فعالان اقتصادی وارد کرده است. نکته مهم‌تر اینکه عقب‌ماندگی در این حوزه بستر صادرات را محدود می‌کند. پیشنهاد بنده در این خصوص این است که شرکت‌های بزرگ خودشان دست به کار شوند و در زمینه توسعه بندر و حمل و نقل سرمایه‌گذاری کنند و منتظر دولت نمانند.

**به گفته اقتصاددانان، سرمایه‌گذاری در کشور سال به سال وخیم‌تر می‌شود. به این ترتیب باید در آینده شاهد رشد بی‌یکاری و رشد فقر در کشور باشیم. نظر شما در این خصوص چیست؟**

سازمان ملل متحد بخشی دارد با عنوان آنگتاد که در سال ۱۹۶۴ برای هماهنگی کشورهای در حال توسعه با اقتصاد جهانی تألیس شده است. این سازمان سالانه گزارش می‌دهد. در سازمان تجارت جهانی نیز ۳۸ کشور عضو هستند که ۸۰ درصد اقتصاد دنیا را در اختیار گرفته‌اند و با چین و هند و برزیل نیز تعاملات نزدیکی دارند. اینها قوانینی دارند برای سرمایه‌گذاری از جمله اینکه در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) برای فاینانس طوری قانونگذاری کرده‌اند که اگر بخواهید تأمین مالی پروژه (Project finance) انجام دهید، ۷۰ درصد در مبلغ باید در کشورهای سرمایه‌گذار خریداری شود. بنابراین باید در قوانین کشورمان finance را از قانون حداکثر استثناء کنیم. اما متأسفانه برخی دولتی که در کشور ما تصمیم می‌گیرند، اصلاً توجهی به قوانین بین‌المللی و پارامترهای اساسی که برای ارزیابی و سنجش توسعه کشورها در نظر گرفته می‌شود، ندارند. یکی از این پارامترها سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و دیگری نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی است.

امارات در سال گذشته ۲۱ میلیارد دلار جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته است. جالب است که عمدتاً این سرمایه‌گذاری در حوزه خدمات کامپیوتری، خدمات نرم‌افزاری و... بوده که اتفاقاً ما در این زمینه ادعا داریم. این در حالی است که نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی این کشورها حدود ۵ تا ۱۵ درصد بوده در حالی که این نسبت برای ایران حدود ۰/۱ درصد است. به‌طور کلی طی ۱۵ سال گذشته، عددی حدود ۲۰ هزار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورها انجام شده که سهم ایران از این سرمایه‌گذاری در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۲۵ میلیارد دلار طی ۱۵ سال بوده است. سال ۲۰۱۶، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران ۳ میلیارد دلار بوده است. در سال ۲۰۱۷ به واسطه برجام به ۵ میلیارد دلار رسیده و در نهایت در سال گذشته براساس اطلاعات آنگتاد به ۱/۲ رسیده است.

فقط در سال ۲۰۲۱، ۱۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده و جالب اینکه خروج سرمایه‌گذاری از کشور در کشورهای پیشرفته ۳ برابر و در کشورهای در حال توسعه ۲ برابر شده است. اما باید بدانید سهم آسیا از سرمایه‌گذاری



## نگاهی به چگونگی اثر گذاری پول داغ در اقتصاد ایران



مجید سلیمی بروجنی  
کارشناس اقتصادی

می‌فروشند یا اجاره می‌دهند به این معنا که معیار قیمت کالا به دلار شده است.

مردم ترجیح می‌دهند ارزش ریال را در نظر نگیرند. وقتی روبه‌روز ارزش پول از دست می‌رود، مصرف‌کننده بیش از همیشه به فکر حفظ ارزش پولش خواهد بود. حالا در این میان وقتی همه اتفاقات ذکر شده با هم رخ می‌دهند، کاربرد پول در عرصه اقتصادی، عوض می‌شود. با مجموعه این رخدادها پول بی‌ارزش می‌شود؛ این بی‌ارزش شدن تغییر کارایی پول و واکنش مردم جامعه را با شرایط خاص روبه‌رو می‌کند. وقتی مردم می‌بینند «پول» کاربرد سابق را ندارد و مفهوم و هویتش عوض شده دلیلی ندارد آن را نزد خود نگه دارند. بنابراین تصمیم می‌گیرند به هر روش، پول را از خود جدا کنند.

این در حالی است که به واسطه افزایش سرعت گردش پول، عملاً توان حمایتی اقتصاد از بین می‌رود. در عوض شرایطی ایجاد می‌شود که به تورم بیشتر دامن می‌زند، چرا که به واسطه این وقایع در مقابل کالایی که به دلیل رکود، کمتر هم تولید می‌شود، مردم قدرت خرید بیشتری پیدا می‌کنند. پس هر چه سرعت گردش پول افزایش یابد، تورم بیشتر می‌شود.

در کل می‌توان گفت پول داغ معلول تورم است و یک تصویر ترسناک هم برای آینده می‌سازد. وقتی شما در شرایط تورمی با افزایش قیمت‌ها مواجه می‌شوید، درمی‌یابید که قدرت خریدتان کاهش یافته است و دیگر نمی‌توانید به وضعیت رفاهی سابق برگردید، اما این یک مساله کوتاهمدت است. در مقابل با دقت بیشتری باید به آثار بلندمدت تورم بپردازیم. ابتدایی‌ترین اثر مذکور ناطمینانی جذب تورم است. در ادامه شانس دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و فعالیت سالم در این حوزه را از دست می‌دهیم. قاعدتاً در چنین وضعیتی فعالیت‌های اقتصادی محدود می‌شوند، بخش خصوصی ناپدید و نقش دولت در این دوران پررنگ‌تر می‌شود. متأسفانه ما برخلاف چشم‌اندازی که در دهه پیش ترسیم کرده بودیم و بر اساس آن قرار بود اقتصاد اول منطقه باشیم، اما روبه‌روز ضعیف‌تر و ناتوان‌تر شدیم و عقبگرد کردیم.

که در چنین شرایط ملتهبی رفتار مردم هم تغییر پیدا می‌کند و هر روز به دنبال حفظ ارزش پولشان هستند. پس خیلی هم دور از انتظار نبوده که در این شرایط ناآرام و سردرگم، هر روز و هر ماه شاهد ایجاد پول داغ باشیم.

در وضعیت کنونی اقتصاد ایران، انتظارات تورمی به بازارها سمت و سو می‌دهد و پول‌های داغ متأثر از محیط تورمی و انتظارات تورمی در هر دوره‌ای بعضی از بازارها را انتخاب می‌کنند. در واقع مسیر نقدینگی متأثر از شرایط و انتظارات می‌تواند بسیار جابه‌جا شود. کماکان با توجه به اینکه نرخ بهره واقعی در بانک منفی است، جذابیت بسیار پایینی برای سپرده‌گذاران وجود دارد و شاهد تجربه ناموفق سرمایه‌گذاران با نگاه بلندمدت در سرمایه‌گذاری در سپرده‌های بانکی هستیم.

در حالت طبیعی دولت‌مردان با افزایش نرخ تورم باید می‌دانستند که مردم هم رفتار خود را نسبت به تحولات تورمی تغییر خواهند داد. شواهد این موضوع برای همه دنبال‌کنندگان عرصه اقتصاد ملموس است و اگر به آن بی‌توجهی شده به معنای کم‌کاری است. به طور مثال معمولاً انتظار داریم وقتی ارزش نرخ دلار در یک بازه زمانی تغییر پیدا می‌کند، قیمت مسکن هم به همان واسطه با یک فرصت زمانی تغییر کند. معمولاً وجود تاخیر میان رشد قیمت ارز و رشد نرخ در یک بازار دیگر عادی است، اما از یک دوره به بعد این فاصله از بین رفت. یعنی اگر قیمت دلار افزایش یابد، به سرعت و با فاصله بسیار کم، ارزش مسکن هم متناسب با آن رشد می‌کند. می‌توان ادعا کرد در همین دوران تغییر رفتاری اساسی در میان مصرف‌کنندگان شکل می‌گیرد. شرایط اقتصادی امروز کاملاً با همین چند سال پیش فرق کرده است. اگر بخواهیم به‌طور کلی به آنچه اتفاق افتاده اشاره کنیم، باید گفت از یک‌سو متوسط تورم و از سوی دیگر هم رفتار افراد با پول نسبت به گذشته فرق کرده است. در این میان لازم است به قابلیت‌های پول هم اشاره کرد. در این ایام بارها شنیده‌ایم که برخی افراد می‌گویند ملک‌شان را به جای دلار

وضعیت امروز اقتصاد و جامعه ایران را شاید بتوان به یک بمب ساعتی تشبیه کرد؛ بمبی که هر روز به شرایط انفجاری نزدیک‌تر می‌شود. البته سال‌هاست که کارشناسان انفجار آن را به دولت و مسوولان هشدار می‌دهند، ولیکن تاکنون واکنش عملی و منطقی از سوی آنها دیده نشده و قطار اقتصاد همچنان بدون ترمز در سراسیمگی سقوط به مسیر ادامه می‌دهد.

اقتصاد کشورمان امروز با ابرچالش‌هایی روبه‌رو شده که هر یک به تنهایی می‌توانند یک کشور و جامعه و اقتصاد را به نیستی و نابودی بکشانند. اقتصاد ایران طی چند دهه اخیر با پدیده‌ای به نام پول داغ دست و پنجه نرم کرده است. زمینه شکل‌گیری این موضوع در اقتصاد ایران بارها و بارها فراهم شده و طی چند سال گذشته در شرایط و انتظارات تورمی، این پدیده به التهابات بازار دامن زده است. به بیان ساده‌تر «پول‌های داغ» که همان پول‌های سرگردان و بزرگ هستند، به طور مداوم با هدف کسب سود در حداقل زمان ممکن از بازاری به بازار دیگر جابه‌جا می‌شوند. در این آشفته‌بازار فضای اقتصادی کشورمان، وضعیتی به وجود آمده که می‌توان نام آن را تغییر «پارادایم پولی» نامید. این به آن معناست که پول با تمامی کاربردهای متعددی که در خود دارد، تحت شرایط پیرامونی، کاملاً مفهومش تغییر پیدا می‌کند. طبیعی است



## حرکت بر محور دانایی، زیربنای توسعه یافتگی



**جواد راستی**  
پژوهشگر ارشد اقتصاد سیاسی توسعه

در ابتدای امر ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. کشور ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت دنیا، بیش از ۹ درصد منابع طبیعی دنیا را در اختیار دارد. از طرفی راندمان بهره‌وری از آب ۳۰ درصد است، در شبکه ۸۰ هزار مگاواتی برق، وجود ۸ هزار مگاوات انرژی آن، بیشتر از متوسط دنیا هدر می‌رود، نظام بهره‌وری رشد منفی و ناآزاد به صفر دارد. از سوی دیگر در بین بیست کشور جهان که بهترین صادرکنندگان جهانی بودند، هشت کشور آسیایی وجود دارد؛ چین با ۲۰۲ میلیارد دلار اولین صادرکننده و حتی بالاتر از آمریکا، ژاپن با ۷۰۰ میلیارد دلار چهارم، کره جنوبی با ۵۷۵ میلیارد دلار ششم، هنگ کنگ با ۵۵۰ میلیارد دلار هفتم، سنگاپور با ۳۰۰ میلیارد دلار چهاردهم و ...

از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ حدود ۶۲۱ میلیارد دلار ارز به اقتصادمان تزریق شده، محصول این تزریق بی‌سابقه‌ترین صنعت‌زدایی‌ها در تاریخ اقتصاد ایران بوده است. در این میان شاهد این هستیم که در موج اول انقلاب صنعتی نسبت‌نینه تولید سرانه موفق‌ترین کشور از نظر اقتصادی به ضعیف‌ترین کشور سه به یک بوده، اما این روند در اواخر همان دوره ۴۰۰ به یک می‌شود. در مرحله تولید ناب، قدرت خلق و متنوع‌سازی تولید با استفاده از ابزار دانش به نکته کلیدی رقابت تبدیل می‌شود.

از طرفی جهان سوم که قرار بود در نتیجه مراحل توسعه به رشد، رفاه و آزادی نائل شود، آشفته‌تر از گذشته گرفتار فقر، فقرناپذیری بی‌عدالتی، عقب‌ماندگی و نابسامانی محیطی شد و اوضاع به مراتب نابسامان‌تر و شکننده‌تر از گذشته است.

با عنایت به عنوان مقاله ما با یک پارادوکس روبه‌رو هستیم. پارادوکس «توسعه‌خواهی» در یک ساختار «انٹی». کسی که در جست‌وجوی «توسعه» برمی‌آید از جنبه معرفتی کسی است که نگاه خود را به «پایه» معطوف می‌کند. دکتر حسین مهدوی در سال ۱۹۷۰ میلادی و در مقاله پیشگام خود که به بحث «دولت رانتی» پرداخته بود، مهم‌ترین مشخصه نظام رانتی را «کوتاهنگری» بر فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع عنوان کرده است. یعنی ترجیح مصالح کوتاهمدت به ملاحظت بلندمدت.

از این رو است که از نظر برخی نظریه‌پردازان توسعه، وقتی «کوتاهنگری» در یک جامعه، «وجهی سیستمی» پیدا می‌کند، به مهم‌ترین کانون «بازتولید توسعه‌نیافتگی» بدل می‌شود. در چنین شرایطی، تا زمانی که نتوانیم مسائل خود را در «ساحت دانایی» حل کنیم، نمی‌توانیم گامی پیش ببریم، حتی اگر بخواهیم تغییری در وضع موجود بدهیم، باز عنصر زیربنایی «فقرهنگ و اندیشه» اثرگذار خواهد بود. از این رو، «طرح مسائل» و فرصتی برای «گفت‌و شنود» می‌تواند در این زمینه برای ما راهگشا باشد. در اقتصاد رانتی، بیشتر مناسبات در هیچ کدام از ساحت‌های حیات جمعی، دوطرفه نیست. بنابراین، ما تمرین گفت‌وگو در حد مطلوب نداریم. از این رو، بازکردن افقی برای گفت‌وگو به‌ویژه اگر درباره آینده باشد، یک گام مفید به منظور آماده شدن برای آینده است. از این زاویه،

«حرکت بر محور دانایی» می‌تواند بهترین چراغ راهنما باشد. در «حرکت بر محور دانایی» گستره و عمق تغییرات در همه عرصه‌های حیات جمعی انسان‌ها سرعت و شتاب پیدا می‌کند و در این شرایط، اگر «آمادگی فکری» به موقع فراهم نشود ما «فرصت‌ها» را به «تهدید» و تهدید را به «فاجعه» بدل خواهیم کرد.

براساس مطالعات توسعه، چنانچه «خلافت» که از بطن دانایی حاصل می‌شود، در جامعه‌های محدود شده، آن جامعه با اختلال روبه‌رو خواهد شد، اما این بدین معنا نیست که از دستاوردهای پیشینی بشر در طول تاریخ استفاده نکنیم. ما نمی‌توانیم در ربع نخست قرن بیستم دوپاره از نو، آتش را کشف یا چرخ‌چاه اختراع کنیم؛ اینها میراث‌هایی هستند که در اختیار جامعه بشری قرار دارند و همه کم و بیش بر آن توافق داریم. واقعیت این است که «تولید» و «خلافت» کلید اصلی بقا و بالندگی جامعه بشری است، در هر کجایین فهم «هویت جمعی» پیدا کرده، نجات‌بخش بوده است. اگر بتوانیم این دو مولفه «تولید» و «خلافت» را در کنار «فهم تاریخی» از خود قرار دهیم، می‌توانیم مواجهه درستی با مسائل مان در آینده داشته باشیم. این در حالی است که متأسفانه امروز، در فهم تاریخی خود با محدودیت‌هایی مواجه هستیم، به‌طوری که اگر کل کتاب‌هایی که در مورد ایران توسط مستشرقان، جهانگردهای خارجی و ... نوشته شده را حذف کنیم، بضاعت چندانی برای معرفی خود نداریم. ما باید «بنیه اندیشه‌ورزی» مان را بالا ببریم چراکه بنیه اندیشه‌ای در «مطالعات آینده‌شناختی» برای رسیدن به «بلوغ فکری» نقشی کلیدی دارد تا جامعه بتواند سره را از ناسره تشخیص دهد.

### آموزش، نیاز و ضرورت اصلی دانایی

سرمایه‌گذاری برای آموزش یک عامل کلیدی در فرآیند توسعه است که اهمیتش در توجه فراینده به آن از دهه ۱۹۶۰ به بعد منعکس است. از این دوره سرمایه‌گذاری در آموزش‌های رسمی و غیررسمی و تربیت نیروی انسانی سبب شد تا مهارت‌ها افزایش یابد و آگاهی و تحرک لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی فراهم شود به‌طوری که از ۴۰ سال پیش بانک جهانی به کشورهای در حال توسعه وام آموزش می‌دهد، طی این مدت بانک جهانی، تجربیات زیادی در زمینه تنظیم سیاست‌های آموزش و طرح پروژه‌های مستقل به دست آورده است. این تجربیات نه‌تنها اهمیت سرمایه‌گذاری را مورد تأکید قرار می‌دهد بلکه نشان‌دهنده پیچیدگی‌های موجود در تنظیم سیاست‌های آموزش و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری است. به‌گونه‌ای که بیشترین کمک را به کوشش‌های یک کشور برای توسعه داشته باشد.

کیفیت آموزش و پرورش همواره از جمله دغدغه‌های اصلی نظام‌های آموزش و پرورش در اغلب کشورهای دنیا بوده است. نظام‌های آموزش و پرورش در کشورهای مختلف، در اثر تحولات جهانی در دو دهه گذشته با روندهایی روبه‌رو شده‌اند که نه‌تنها فرآیند عملیاتی آنها را تحت‌تأثیر قرار داده، بلکه اهداف آنها را نیز متحول کرده است. از جمله این روندها می‌توان به دانش‌محور شدن اقتصاد و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات اشاره کرد. از نظر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اقتصاد دانش‌محور اقتصادی است که به‌طور مستقیم براساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد.

ارتقای دانش اصلی‌ترین عامل پیشرفت جوامع و کشورها به شمار می‌رود که وظیفه اصلی آن بر دوش نهادی به نام دانشگاه گذارده شده است. از این رو بخش زیادی از تمرکز، تلاش سیاستگذاران و برنامه‌ریزان علمی و آموزشی کشورها، به گسترش آموزش عالی با هدف دستیابی به توسعه و پیشرفت هرچه بیشتر اختصاص یافته است.

از میانه‌های قرن بیستم میلادی تاکنون، بار اصلی تولید علم و دانش بر دوش دانشگاه‌ها و آموزش عالی نهاده شد. ایران نیز از اواخر دهه پنجاه و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با اهمیت‌بخشی بیش از پیش به حوزه آموزش عالی به کراون

جهانی رشد و توسعه علمی پیوست. محصول و تأثیر تولید علم و توسعه آموزش عالی تنها به یک بعد رشد علم و فناوری محدود نمی‌شود، بلکه این توسعه به نوعی بر همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور اثرگذار است. نخستین ثمره رشد و گسترش تحصیلات آموزش عالی، در ارتقای جایگاه علم و دستاوردهای حوزه علوم و فناوری کشور بروز می‌کند. وضعیت تولید علم است که میزان توسعه‌یافتگی کشورها و جایگاه آنها در عرصه تکنولوژی و مرزهای رقابت علمی تعیین می‌کند.

به عبارت دیگر، بنیان‌های توسعه‌یافتگی در همه بخش‌ها به ویژه اقتصاد، پزشکی و درمان و صنعت بر پایه تولید علم بنا شده است. در یکی دو دهه گذشته رشد و پیشرفت در علوم پایه، پزشکی و فنی و مهندسی موقعیت‌های ویژه‌ای را در بازارهای رقابت علمی از آن ایران کرده است. دانشمندان، محققان و نخبگان ایرانی نیز در زمینه پژوهش و تحقیقات علمی و دانشگاهی به پیشرفت‌های مؤثری دست یافته‌اند، بومی‌سازی تولید علم به ویژه در حوزه‌های تولید، کار و سرمایه‌ایران را از بسیاری از ولستگی‌های اقتصادی و سیاسی رهاکننده است. پرواضح است، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی پایگاه اصلی پژوهش و تولیدات علمی به‌شمار می‌روند و سهم بزرگی در توسعه ملی دارند. بنابراین هرچه این مراکز تقویت شوند و با چالش‌های کمتری به حرکت خود ادامه دهند، رایش دانش‌های نوین، انتقال فناوری و تولید دانش پایه با قوت به پیش خواهد رفت.

تربیت نیرو و سرمایه‌انسانی متخصص از اصلی‌ترین وظایف و اهداف دانشگاه است. نام دانشجو با جویندگی و مطالبه‌گری پیوند خورده است. دانشجوی مطالبه‌گر و حساس به مسائل جامعه به‌خودی‌خود بستر ساز رشد سیاسی خواهد شد. چرا که سیاست‌گذاری‌ها جز آن چیزی نیستند که از دل یک مطالبه‌گر آیند. بنابراین مطالبه‌گر دانشجو گامی می‌تواند بهبود و ارتقای شرایط را منجر شود.

### دانش محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال

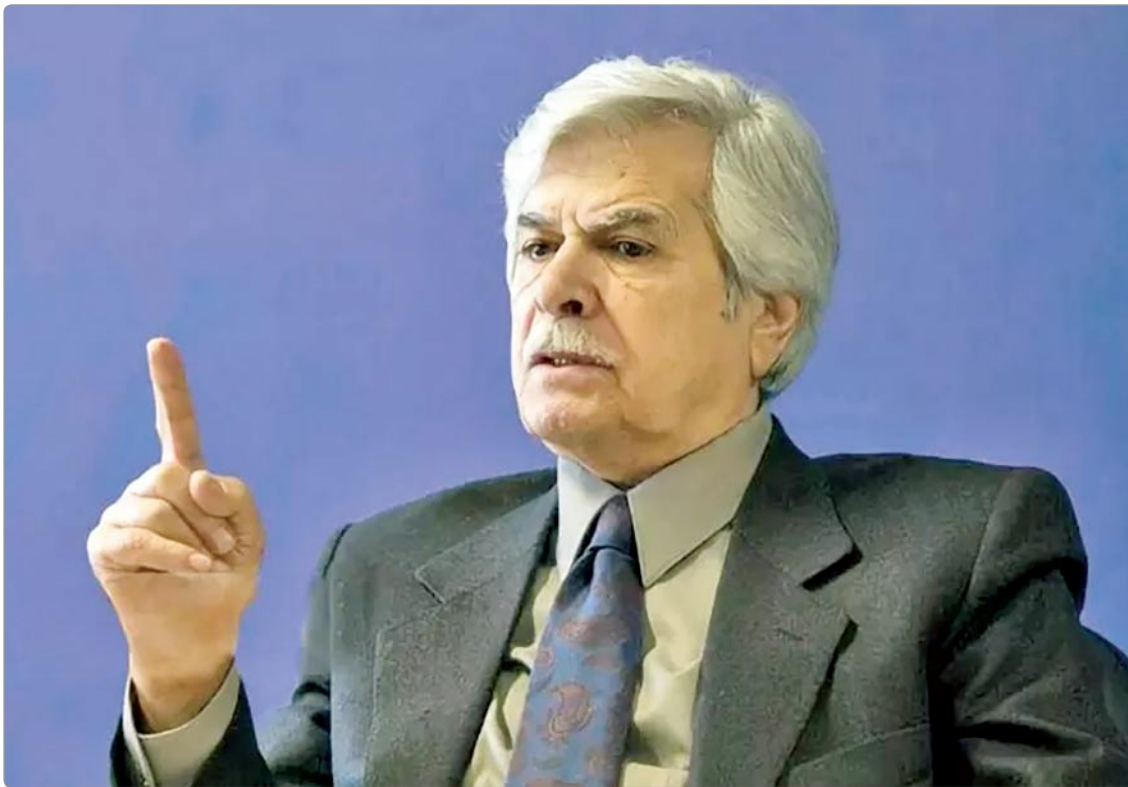
در اقتصاد دانش‌محور، دانش محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در تمامی رشته فعالیت‌ها است. اقتصاد دانش‌محور بر پایه خلافت، انتشار و بهره‌برداری از دانش شکل گرفته و آنچه که از سوی کشورهای دانش‌محور به کشورهای جهان سوم منتقل می‌شود، حداکثر در مرحله صنعت دانایی مرحله بالاتر از اقتصاد دانش‌محور، مرحله معرفت دانایی است که می‌توانیم به آن حکمت نیز بگوییم. البته سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولیدکننده در حالی که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌کنند از منابع طبیعی بهره‌اصولی می‌برند. سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را می‌سازند و توسعه ملی را به جلو می‌برند. پیشرفت علم و دانش مزیت نسبی را تغییر داده است و کشورهای توسعه‌یافته چاره‌ای جز تقویت بنیان‌های دانایی ندارند و باید راه را برای تولید و مبادله سریع علم و دانش باز کنند. توسعه‌یافتگی و همه‌جانبه‌ای‌ها باید از بستر نیروی انسانی بگذرد و پیش‌شرط توفیق، تثبیت و تداوم هرگونه توسعه و تحولی، سرمایه‌گذاری در توسعه انسانی به منزله رکن اصلی آن است.

در فضای حرکت بر محور دانایی، بازدهی‌ها نه به صورت تصاعدی، بلکه به صورت نمایی رخ خواهد داد. که از این جهت یک نقطه عطف در تاریخ است، اما اگر برخورد فعالی با این حرکت نداشته باشیم، قطعاً آسیب خواهیم دید. وقتی از موضع خودمان به توسعه نگاه کنیم، مسأله‌محور می‌شویم و گزینه دانایی‌هایی که به توسعه منجر نشود، بود و نبودش چه فرقی می‌کند. در پایان خاطر نشان می‌کنم که قرن حاضر، قرن اطلاعات و دانایی نامگذاری شده که نشانه بارز و ممتازی از اهمیت و جایگاه دانایی در جهان است و از خوانندگان تقاضا می‌کنم به چند نکته‌ای که در ابتدای مقاله عرض کردم دوباره با عنایت بیشتری توجه کنند و در نهایت به این مهم بیندیشیم که آیا برای رفع آنها راهی به غیر از حرکت بر محور دانایی وجود دارد؟





نسیم سوران



محمود جامساز پشت پرده فساد سیستماتیک در واگذاری سهام شرکت‌های دولتی را روایت می‌کند

## ماشین رانت در فرآیند خصوصی سازی

از زمانی که جرعه اولین خصوصی سازی در اقتصاد ایران زده شد تا روزی که سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغ شد، سال‌ها می‌گذرد. با وجود اجماع ظاهری سیاستگذاران بر سر مساله خصوصی سازی در این مدت، عمده واگذاری‌ها یا نیمه‌کاره مانده و یا با شکست مواجه شده است. بررسی‌ها نیز نشان می‌دهد که طی این سال‌ها مدافعان انحصارگرایی در برابر واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی قدامت کرده‌اند و سیاست‌های خصوصی سازی را به ورطه انحراف کشانده‌اند. مخالفت‌های بی‌چون و چرای این گروه با واگذاری‌ها در نهایت منجر به شکل‌گیری بخش بزرگ و قدرتمندی به نام بخش شبه‌دولتی شد تا شکست‌های پی‌درپی سیاست‌های خصوصی سازی را دستاویزی کند برای توقف واگذاری‌ها و افزایش انحصارات دولتی در اقتصاد.

را به تباهی کشانند. ضمن آنکه سونیت و سودجویی برخی از این افراد در نهایت به چپاول این بنگاه‌ها انجامید تا در نهایت تعادل بین دولت و بازار به زیان بخش واقعی و حقیقی اقتصاد از بین برود. یکی از اهداف خصوصی سازی در حقیقت برگرداندن تعادل بین دولت و بازار است که از طریق واگذاری مالکیت و مدیریت و تصدیگری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی انجام می‌شود. براساس تجارب کشورهای توسعه یافته، مکانیسم بازار در شرایط رقابتی اسباب به کارگیری موثر عوامل تولید و افزایش کارایی و بهره‌وری این عوامل می‌شود. به طوری که کالاها و خدمات را به لحاظ کمیت بیشتر و کیفیت مطلوب‌تر با قیمت رقابتی به بازار عرضه می‌کند، حال آنکه در یک اقتصاد دولتی بازار مغلوب سیاست‌های انحصاری و تعیین قیمتی است. بنابراین باور به کارایی بازار و مکانیسم قیمت‌ها و عدم مداخله دولت در اقتصاد به جز در موارد عملکرد ناقص بازار از مولفه‌هایی است که واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی را توجیه می‌کند. ■ آن‌طور که به نظر می‌رسد خصوصی سازی در ایران مخالفان بسیاری دارد. این گروه در تمام این سال‌ها با سنگ اندازی در برابر واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی به یکی از موانع اصلی پیشبرد اهداف واقعی خصوصی سازی که افزایش سودآوری بنگاه‌های تولیدی است تبدیل شده‌اند. این گروه و جریان‌ها چه کسانی هستند و چه اهدافی را در سر می‌پروراند؟

به دنبال هدررفت منابع و افزایش فساد در شرکت‌های دولتی و توقف فعالیت بسیاری از آنها اصل خصوصی سازی در ایران مورد تأیید قرار گرفت تا تصمیم‌گیران بتوانند راهی

کارخانه‌های فولاد و راکاهش دهند و بنگاه‌های اقتصادی را طی سازوکار مشخصی به بخش خصوصی منتقل کنند. از آنجا که دولت‌ها منافع خود را عمدتاً در فرآیند انحصارات دولتی آن‌هم به زیان مصرف‌کنندگان می‌بینند، اقتصادهای دولتی ذاتاً فاقد پویایی و توسعه‌گرایی هستند و وجود بازار آزاد رقابتی را بر نمی‌تابند. به همین سبب در جهت صرفه‌جویی در مصارف بنگاه‌ها و افزایش بهره‌وری عوامل تولید تلاشی نمی‌کنند. از آنجا که در چنین اقتصادهایی قیمت از طریق مکانیسم عرضه و تقاضا و به صورت رقابتی تعیین نمی‌شود، دولت‌ها نیازی به بهبود کیفیت کالاها و خدمات نیز احساس نمی‌کنند. در حقیقت این بنگاه‌های دولتی هستند که در یک میدان بی‌رقابت اسب خود را می‌تازند و وقتی میدانی برای رقابت با بخش خصوصی واقعی فراهم نیست، بنگاه‌های دولتی به نفع مصرف‌کنندگان فاتح میدان خواهند بود. بدیهی است فرجه شدن اقتصاد دولتی از طریق مصادره اموال اشخاص حقیقی و حقوقی تحت عنوان ملی شدن، علاوه بر مالکیت، شیوه مدیریت بنگاه‌های اقتصادی را نیز تغییر داده است. بنگاه‌های بزرگ اقتصادی و گروه‌های عظیم تولیدی با سبقت چهار تا پنج دهه فعالیت اقتصادی تا سال ۵۷ که هر یک چند ده واحد تولیدی را در زیر مجموعه خود داشتند، با استخدام هزاران کارگر و کارمند نقش بسیار مهمی در رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش اشتغال، افزایش درآمدهای ملی و رشد صادرات ایفا می‌کردند. با آنکه قریب به اتفاق اکثریت این شرکت‌ها سودآور بودند، اما پس از مصادره آنها از سال ۵۷ به بعد از سوی دولت، مدیران ارزشی، اغلب جوان و ناآگاه به امور مدیریتی و تولیدی به جای مدیران باتجربه و متخصص و کارآزموده گمارده شدند و با عملکرد نامرکزآمد خود این بنگاه‌ها

از نگاه محمود جامساز، حفظ تصدیگری و مدیریت دولتی یکی از اصلی‌ترین چالش‌های خصوصی سازی در اقتصاد ایران است که موجب رخنه کردن فساد در فرآیند واگذاری‌ها شده است. به گفته وی تا زمانی که این فساد در فرآیند خصوصی سازی برچیده نشود، واگذاری سهام شرکت‌های دولتی تنها باعث اتلاف منابع و چپاولگری ویژه‌خواران می‌شود نه افزایش بهره‌وری و کارایی بیشتر اقتصاد. متن کامل گفت‌وگو با این اقتصاددان را در ادامه می‌خوانید

■ با آنکه سال‌ها از ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی برای واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی می‌گذرد، تجربه خصوصی سازی در ایران چندان رضایت‌بخش نبوده است. با آنکه تصمیم‌گیران در گزاره‌های اقتصادی خود همواره در قامت دفاع از بخش خصوصی و عبور از اقتصاد دولتی ظاهر شده‌اند، اما آنچه در عمل دیده‌ایم فرجه تر شدن اقتصاد دولتی و به حاشیه راندن بخش خصوصی واقعی بوده است. در این سال‌ها چه بر سر سیاست خصوصی سازی آمده است؟ آیا مانع تراشی گروه‌های قدرت مانع از به نتیجه رسیدن این سیاست شده و یا مداخلات دولت در شیوه واگذاری سهام بنگاه‌ها؟

یکی از چالش‌های اصلی خصوصی سازی در اقتصاد ایران این است که این مهم در بستر یک اقتصاد سیاسی دولتی نفتی ایذنبولویک در حال انجام است. خصوصی سازی در معنای عام آن یک فرآیند اجرایی و مالی و حقوقی است که به موجب آن دولتمردان مالکیت و تصدیگری‌های اقتصادی خود بر بخشی از بنگاه‌های عظیم تولیدی، کارخانجات، کشت و صنعت‌ها، نیروگاه‌ها، تأسیسات ذوب آهن،

از آنجا که دولت‌ها منافع خود را عمدتاً در فرآیند انحصارات دولتی آن‌هم به زیان مصرف‌کنندگان می‌بینند، اقتصادهای دولتی ذاتاً فاقد پویایی و توسعه‌گرایی هستند و وجود بازار آزاد رقابتی را بر نمی‌تابند. به همین سبب در جهت صرفه‌جویی در مصارف بنگاه‌ها و افزایش بهره‌وری عوامل تولید تلاشی نمی‌کنند



مولدسازی در  
حقیقت یک نوع  
خصوصی‌سازی  
است و قرار است  
اموال و دارایی‌های  
غیربازده دولت با  
هدف مولدسازی  
آنها فروخته شود.  
بر همین اساس  
۱۰۸ هزار میلیارد  
تومان از درآمد  
حاصل از فروش  
این اموال در  
بودجه سال جاری  
پیش‌بینی شده  
است

خود را با فریب دادن مردم برای فروش به قرعه‌کشی گذاشت و آنچه در نهایت اتفاق افتاد خالی شدن جیب مردم و سرازیر شدن سرمایه‌های آنان به جیب عامل فروش بود. گرچه شورای نگهبان با واگذاری دیگر سهام این دو خودرو ساز مخالفت می‌کند که جای تامل بسیار دارد، اما حتی اگر کل سهام این دو خودرو ساز هم به بخش خصوصی واگذار می‌شد مدیران دولتی همچنان راهی پیدا می‌کردند تا کماکان در بستر امور تصدیگری قرار بگیرند. تجارب یادشده در زمینه واگذاری سهام شرکت‌های دولتی نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی در ایران با شیوه و ساختار نظام سیاسی و اقتصادی حاکم در کشور مرتبط است. تجربه سایر کشورها نیز نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی در کشوری مانند شوری با شکست روبه‌رو شد، اما در کشورهایی مانند انگلیس، آلمان شرقی و مالزی و آمریکا موفقیت‌آمیز بود. تجارب کشورهای یادشده در زمینه خصوصی‌سازی نشان می‌دهد که در اقتصادهای دولتی بزرگ‌ترین عامل شکست برنامه‌های اصلاحی، فساد سیستماتیک رخنه کرده در آن است. بنابراین زمانی که فساد موجود در فرآیند واگذاری‌ها برچیده نشود خصوصی‌سازی در کشور ما نه تنها به افزایش بهره‌وری، کارایی و سود و تولید بیشتر منجر نمی‌شود، بلکه باعث اتلاف منابع و چپاول گری ویژه‌خواران می‌شود.

**■ اخیراً دولت سیزدهم با رونمایی از طرح واگذاری دارایی‌های مولد مدعی شده که به دنبال آن است سیاست‌های خصوصی‌سازی را به نقاط مطلوب‌تری برساند و با واگذاری و فروش اموال مازاد دولتی بهره‌وری اقتصادی را بالا ببرد. برخی بر این باورند که سیاستگذار با اجرای این طرح به دنبال بزرگ‌تر کردن بخش شبه‌دولتی و ایجاد رانت بیشتر برای گروه‌های خاص است. آیا می‌توان این طرح را تیر خلاصی دانست بر سال‌ها تلاش در پیشبرد اهداف خصوصی‌سازی؟**

مولدسازی در حقیقت یک نوع خصوصی‌سازی است و قرار است اموال و دارایی‌های غیربازده دولت با هدف مولدسازی آنها فروخته شود. بر همین اساس ۱۰۸ هزار میلیارد تومان از درآمد حاصل از فروش این اموال در بودجه سال جاری پیش‌بینی شده است. کل اموال دولتی براساس یکی از ارزیابی‌ها، هفت هزار تریلیون تومان ارزش دارد و اموالی که قرار است در فرآیند مولدسازی فروخته شود ۱۰ درصد این اموال را شامل می‌شود. همانطور که گفته شد این اموال باید تنها ۱۰۸ هزار میلیارد تومان از منابع بودجه‌ای دولت را پوشش دهند. قدر مسلم این است که ارزش اموال یادشده بسیار بیشتر از ۱۰۸ هزار میلیارد تومان درآمدی است که پیش‌بینی شده است. برای اجرای این طرح در اقدامی غیرمعمول یک هیات هفت‌نفره از سوی سران سه قوه تعیین شده تا طرح مولدسازی را بر سرانجام برسد. نکته جالب توجه این است که این هیات هفت‌نفره از اختیارات تام و کامل برخوردارند و به دستور سران قوا از مصونیت قضایی هم‌بهرمند شده‌اند، به این معنی که کسی قادر نیست در امور مربوط به مولدسازی و کشف قیمت و شیوه فروش این اموال مداخله کند.

اگر کسی هم در اجرای این فرآیند سنگ‌اندازی یا دخالت کرد، مورد پیگرد قضایی قرار می‌گیرد. همان‌طور که مشخص است، روشی که برای مولدسازی در پیش گرفته شده، بستر فساد را فراهم می‌کند. دلیل این مسئله نیز این است که در فرآیند خصوصی‌سازی سال‌های گذشته که مدیران مصونیت قضایی نداشتند هزاران میلیارد تومان منابع مورد اتلاف واقع شد و فساد گسترده‌ای شکل گرفت، حال که در مولدسازی مصونیت قضایی برای مدیران وجود دارد امکان و احتمال خطا و فساد نیز بسیار بیشتر خواهد بود. بنابراین چنانچه فساد در فرآیند اجرای طرح مولدسازی باشد زیان و خسارت آن کمتر از خصوصی‌سازی نخواهد بود و این یعنی تلاوم چرخه فساد اقتصادی در فرآیند سیاست‌های خصوصی‌سازی.

نگرفت. دلیل این موضوع نیز این بود که اکثریت هیات مدیریت در اختیار دولت بود بنابراین بخش خصوصی در هیات‌مدیره نمی‌توانست اکثریت را به دست گیرد.

در خصوص بند «الف» و «ب» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز باید اشاره کرد که فساد مجریان در سازمان خصوصی‌سازی که موجب شکل‌گیری یکی از بندهای برنامه سوم توسعه شد تا متولی واگذاری‌ها باشد، از مسیر واقعی خود منحرف شد و سهام نگاه‌ها با هدف سودجویی به شرکت‌های شبه‌دولتی رانته و افراد حقیقی وابسته به مثلث ثروت و قدرت و اطلاعات واگذار شد. به همین علت است که گفته می‌شود خصوصی‌سازی اتفاق افتاد. بنابراین نه تنها این واگذاری‌ها موجب افزایش کارایی و بهره‌وری و ورود تکنولوژی و سودآوری این شرکت‌ها نشد، بلکه بسیاری از آنها که مورد چپاول مدیران وابسته قرار گرفته بودند ورشکست شدند. رسوایی‌های بزرگ خصوصی‌سازی به تدریج با اعتصاب کارمندان و کارگران که ماه‌ها حقوق دریافت نکرده بودند و با توقف برخی از خطوط تولید به دلیل فقدان منابع رسانهای شد پیگرد قانونی رئیس‌سابق سازمان خصوصی‌سازی و دیگر مدیران مرتبط نیز پیامد این مساله بود. انتظار می‌رفت بسیاری از بنگاه‌های دولتی که در انتهای دهه ۸۰ و طول دهه ۹۰ واگذار شدند، بتوانند با افزایش کارایی و تولید به رشد اقتصادی کمک کنند، اما دهه ۹۰ تاسف‌برانگیزترین دهه اقتصادی ایران بود به طوری که در این دهه رشد اقتصادی به طور میانگین صفر درصد شد.

**■ همان‌طور که مشخص است عمده خصوصی‌سازی‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر منجر به ایجاد بحران‌های کارگری شده است. چه اتفاقاتی در فرآیند واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی موجب شده که خصوصی‌سازی ناموفق اقتصاد ایران دستاویز شود برای مخالفت هر چه بیشتر گروه‌های خاص با موضوع واگذاری شرکت‌های دولتی؟**

فساد که در واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی مانند هیکو، نیشکر هفت‌تپه، قند درفول، کشت و صنعت معان، پالایش نفت کرمانشاه، ماشین‌سازی تبریز و غیره اتفاق افتاد فرآیند خصوصی‌سازی را با شکست روبه‌رو کرد. برای مثال شرکت کشت و صنعت معان که حکم ابطال خصوصی‌سازی آن هم صادر شد به مساحت ۲۷ هزار هکتار زمین با یک میلیون مترمربع ساختمان و تاسیسات و کارخانه، با آب آماده دو سد اختصاصی به قیمت ۱۸۴۰ میلیارد تومان به صورت ۱۰۰ میلیارد تومان نقد و ۱۷۴۰ میلیارد تومان اقساط ۹ ساله با بهره ۱۴ درصد در نهایت با دو سال تنفس با بهره صفر درصد واگذار شد. سوال این است که کدام بخش خصوصی قادر است چنین اعتباری را برای خرید یک کارخانه دولتی دریافت کند؟ آیا به جز راه‌افتادن ماشین رانت در فرآیند خصوصی‌سازی تصور دیگری هم وجود دارد؟ واگذاری شرکت کشت و صنعت هفت‌تپه نیز محل مناقشه بسیار بودو حتی کارگران آن خواستار برکت است. این شرکت به بخش دولتی بودند. این شرکت با ۲۴ هزار هکتار زمین، ده‌ها مترمربع ساختمان و تاسیسات با ارزش دو هزار میلیارد تومان، با ایجاد رانت به قیمت ۲۲۶ میلیارد تومان به دو فرد جوان حدود ۳۰ و ۳۲ ساله فروخته شد. نکته جالب توجه این‌که تنها ۱۰ میلیارد آن به عنوان پیش‌قسط وصول شد و مابقی آن قرار بوده با قسط پرداخت شود. این مساله حاکی از یک فساد سیستماتیک در فرآیند خصوصی‌سازی است.

در عین حال دو گروه خودرو ساز ایران خودرو و سایپا با وجود آنکه درصد بسیار عظیمی از سهام خود را قبلاً به بخش خصوصی واگذار کرده‌اند، اما کماکان دولتی‌ها، تصدیگری و مدیریت این دو شرکت را در کف خود دارند و بخش خصوصی و سهامداران شرکت کوچک‌ترین نقشی در تصمیم‌گیری‌های این شرکت‌ها ندارند. گروه‌هایی که مالکیت این دو شرکت را به دست دارند هر بار با قرعه‌کشی مالتصرالدینی میلیارد‌ها تومان به جیب عوامل خود در بازار اعم از واسطه‌ها و شرکت‌های تراستی سرازیر می‌کنند (اشاره به مالتصرالدین است که خر مرده

برای عبور از چالش‌های یادشده بیايند. بر همین اساس نیز با تمسک به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی زمینه‌های خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران فراهم شد. اما آنچه خصوصی‌سازی را پیچیده می‌کند شیوه‌های اجرای آن، شناخت بخش خصوصی واقعی و به رسمیت شناختن حقوق مالکیت بخش خصوصی است. در اقتصاد دولتی حقوق مالکیت خصوصی هر چند در ظاهر به رسمیت شناخته می‌شود، اما در عمل هیچ حمایتی نمی‌شود و دولت‌مردان هر زمان بخواهند اموال بخش خصوصی را توقیف می‌کنند. این همان مساله‌ای است که مالکیت خصوصی را به خطر می‌اندازد. چنانچه حقوق مالکیت بر اساس قانون تقویت و حمایت‌نشود بخش خصوصی ریسک سرمایه‌گذاری را به عهده نمی‌گیرد و حتی در تقاضای برای شرکت‌های مشمول واگذاری نیز تمایلی نشان نمی‌دهد. ناظم‌بینانی نسبت به امنیت حقوق مالکیت بخش خصوصی را از تقاضای برای خرید بنگاه‌های خصوصی بازمی‌دارد لذا شناخت حق مالکیت خصوصی و تقویت و تشویق آن به وسیله دولت از طرفه اصلاحات اساسی و بنیادین در محیط کسب‌وکار از سوی دیگر ضرورت‌های انجام خصوصی‌سازی و واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی است.

ارزیابی ظرفیت بخش خصوصی در ارتباط با خرید انبوه بنگاه‌های دولتی نیز به لحاظ مالی قابل بررسی است. برای مثال در برنامه سوم توسعه پیش‌بینی شده بود که حدود ۴۲۰ واحد بزرگ تولیدی به بخش خصوصی واگذار شود. برخلاف تصور، اما این واگذاری‌ها مطابق برنامه پیش‌رفت چراکه اقتصاد دولتی سیاسی با گسترده‌تر کردن ابعاد خود و ایجاد انحصار، بخش خصوصی را به شدت تضعیف و از میدان خارج کرده بود. با این اوصاف سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی با هدف گسترش مالکیت در سطح عموم مردم، افزایش کارایی بنگاه‌های اقتصادی، افزایش بهره‌وری، کاهش بار مالی و مدیریت دولت در تصدیگری بنگاه‌های اقتصادی و افزایش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد از طریق گرفتن سهام بخش‌های دولتی در چهار بند شیوه‌ها و واگذاری بنگاه‌های دولتی را قانونمند کرده است. در زمینه اجرا نیز به سبب سودجویی برخی از مدیران ارشد و میانی که پیش از این به ثروت‌های هنگفت دست پیدا کرده بودند و به چپاول شرکت‌ها ادامه می‌دادند، خصوصی‌سازی واقعی انجام نشد. در عین حال بسیاری از منابع ملی در واگذاری‌های هدفمند این مدیران مورد اتلاف قرار گرفت.

مانع تراشی گروه‌های خاص در برابر خصوصی‌سازی منجر به شکل‌گیری بخش دیگری به نام بخش شبه‌دولتی در اقتصاد ایران شده است. این بخش اکنون در کنار دو بخش دولتی و خصوصی در اقتصاد حضور دارد همواره که پیروز میدان رقابت با دو بخش یادشده است.

**■ آیا شکل‌گیری بخش شبه‌دولتی پیچیدگی‌های اجرای سیاست خصوصی‌سازی را بیشتر نکرده است؟**

واقعیت این است که سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از ظرفیت کافی برای خصوصی‌سازی جامع برخوردار نبود و در نتیجه انگیزه‌ای برای خرید بنگاه‌های دولتی در بخش خصوصی ایجاد نمی‌کرد. برای مثال بند «ج» از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ناظر بر واگذاری هشتاد درصد سهام دولتی به شیوه ۴۰ درصد واگذاری به سهام عدالت، ۵ درصد سهام مدیریتی و ۲۵ درصد سهام بخش خصوصی بود. در حقیقت دولت ۲۰ درصد سهام را در اختیار داشت و مابقی نیز قرار بود به صورتی که گفته شد تقسیم شود. مالکیت ۴۰ درصد سهام در سهام عدالت به تعداد کثیری از افراد مشمول واگذار شد که ارزیابی نوع سهام و قیمت‌گذاری آن بسیار پرسش‌برانگیز بود و افراد حتی نمی‌دانستند چه سهامی دریافت کرده‌اند. بنابراین خصوصی‌سازی از هدف اصلی خود که انتقال مالکیت و تصدیگری است منحرف شد، زیرا تصدیگری و مدیریت همچنان در اختیار دولت بود. ۲۵ درصد سهام باقیمانده که قرار بود به بخش خصوصی واقعی منتقل شود مورد اقبال این بخش قرار





فاطمه رحیمی



دبیر سابق ستاد تسهیل و رفع موانع تولید کشور در گفت‌وگو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## تولید قربانی سیاست‌های غلط

فاطمه رحیمی - با توجه به تاکیدات مقام معظم رهبری راه رسیدن به توسعه اقتصادی از مسیر تقویت تولید داخلی و حمایت از تولیدکنندگان می‌گذرد، این رو با تحقق چنین فرآیندی ضمن به حرکت در آمدن چرخ تولید، اشتغال و رونق اقتصادی بیش از پیش در کشور ایجاد خواهد شد، اما با اینکه همواره در سال‌های گذشته شعار لزوم حمایت از تولید سر داده شده، در عمل هیچ‌گاه این شعارها به شکل جدی عملیاتی نشده‌اند. در واقع جایی که دولت باید به عنوان حامی تولید به عرصه‌های اقتصادی ورود کند همواره با یک خلا مواجه بوده و از سوی دیگر برخی تصمیمات بیرونی باعث فشار بر تولید شده‌اند.

ثبات قیمت کالاها و افزایش کیفیت محصولات را نیز به دنبال خواهد داشت. «جهان صنعت» در خصوص حمایت از تولید و حمایت از بخش خصوصی واقعی در مسیر شکوفایی اقتصادی و اعتلای کشور در سطح بین‌المللی با میثم زالی دبیر سابق ستاد تسهیل و رفع موانع تولید کشور به گفت‌وگو نشستند تا شاید گوش شنوایی برای بیان دغدغه‌های تولیدکنندگان باشد و راهکاری برای جلوگیری از کوچ سرمایه‌گذاران از کشور اندیشیده شود.

**■ شما به عنوان شخصی که مدت‌ها در ستاد تسهیل شنونده مشکلات و چالش‌های تولیدکنندگان کشور بودید، مشکلات تولید در شرایط فعلی را چه می‌بینید؟**

متأسفانه چالش در ایران مترادف تولید است یا بالعکس، با وجود تاکیدات و فرمایشات شخص اول کشور شاهد هستیم که تولیدکنندگان همواره با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند؛ چالش‌های مختلف در حوزه بانکی، بیمه‌ای، مالیاتی، گمرکی، تامین ارز، تامین نقدینگی، کمبود مواد اولیه، فساد اداری، بوروکراسی اداری، برق، گاز، حمل و نقل، حقوق مالیاتی، ضمانت اجرایی قراردادها و حتی مرادفات بین‌بنگامی. متأسفانه فضای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری کشور به دلیل ابتلای تولیدکنندگان به این چالش‌ها از کمترین جذابیتی برای فعالان

و توجیهاتی همچون مقرون به‌صرفه بودن برای قشر مصرف‌کننده یا ثبات اقتصادی می‌آورند، اما این کنترل قیمت ممکن است اثر معکوس داشته باشد و در نتیجه در درازمدت، کنترل قیمت‌ها منجر به مشکلاتی مانند کمبود، جیره‌بندی، کاهش کیفیت محصول و به وجود آمدن بازارهای غیرقانونی می‌شود. تداوم روند اقتصاد دستوری در کشور حاصلی جز تعطیلی و از کار افتادن کارخانه‌ها ندارد که این اتفاق باعث بیکار شدن کارگرها و افزایش نرخ بیکاری خواهد شد.

در این میان برای حمایت از تولید تکیه بر توان بخش خصوصی امری ضروری است. یکی از جدی‌ترین مشکلات کشور، دولتی شدن کارها و افزایش تصدیگری دولت در امور است. طبق اصل ۴۴ قانون اساسی باید امور را به بخش خصوصی واگذار کرد، بنابراین حمایت از بخش خصوصی نیز یک ضرورت است. عملکرد بخش خصوصی می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در رونق اقتصاد، تجارت داخلی و خارجی و گسترش صادرات و روابط بین‌الملل داشته باشد.

در نهایت باید تاکید کرد که در عرصه سیاست‌گذاری کلان، باید تولید را در اولویت قرار داد تا تمام بخش‌های اقتصاد ایران از آن بهره‌مند شوند. اگر موتور تولید روشن شود، افزایش اشتغال، کاهش واردات غیرقانونی، افزایش قدرت ارز ملی،

در سال‌های گذشته تولیدکنندگان از سویی با افزایش قابل توجه هزینه تولید چه در مواد اولیه و چه در نیروی کار مواجه بوده‌اند. از سوی دیگر محیط کسب‌وکار نیز در ایران مشکلات و محدودیت‌های جدی دارد و در بسیاری از مواقع یک سرمایه‌گذار آنقدر برای تولید خود با مشکل مواجه می‌شود که از سرمایه‌گذاری پشیمان می‌شود. تا زمانی که موانع از سر راه تولید برداشته نشود تولید ملی آن جهش لازم را نخواهد کرد. گاهی این موانع آنقدر آزاردهنده هستند که موجب فرار سرمایه‌های مادی و معنوی از کشور می‌شوند. از این رو ضروری است با بالا بردن جذابیت سرمایه‌گذاری در ایران و همچنین همراهی بانک‌ها در پرداخت تسهیلات به تولیدکنندگان از خروج سرمایه‌های انسانی به کشورهای همسایه جلوگیری کرد. از طرفی با همراهی و تعامل و پرهیز از اقدامات قهرآمیز و ایذایی نسبت به تولیدکنندگان می‌توان مسیر رشد و شکوفایی تولید و در نهایت اقتصاد کشور را نیز هموار کرد.

یکی از آسیب‌های اصلی به تولید، قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت‌هاست؛ قیمت‌گذاری دستوری به دلیل آسیب‌های متعددی که برای اقتصاد و تولید هر کشور دارد بسیار مورد انتقاد واقع شده است. نکته‌ای که در خصوص کنترل قیمت‌ها باید به آن اشاره کرد این است که اگرچه دولت‌ها همیشه برای قیمت‌گذاری دستوری دلایل

با وجود تاکیدات و فرمایشات شخص اول کشور شاهد هستیم که تولیدکنندگان همواره با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند؛ چالش‌های مختلف در حوزه بانکی، بیمه‌ای، مالیاتی، گمرکی، تامین نقدینگی، کمبود مواد اولیه، فساد اداری، بوروکراسی اداری، برق، گاز، حمل و نقل، حقوق مالیاتی، ضمانت اجرایی قراردادها و حتی مرادفات بین‌بنگامی



در اکثر کشورهای دنیا زمانی که بحث تسهیلات دهی مطرح می‌شود، بانکها تسهیلات را به شرکت‌های کوچک و متوسط پرداخت می‌کنند، اما در کشور ما این شرکت‌های بزرگ هستند که سهم عمده‌ای از تسهیلات پرداختی را دریافت می‌کنند؛ شرکت‌های بزرگی که توان بهره‌مندی از نقدینگی از سایر روش‌های تامین مالی به خصوص بازار سرمایه را دارند، اما از آنجا که تسهیلات بانکی برای آنها ارزان‌تر تمام می‌شود رغبت دارند نقدینگی خود را از بانک‌ها تامین کنند

گفت‌وگو

علیه واحدهای تولیدی خصوصی پیگیری می‌کند و با تحقیر کارآفرینان سرشناس کشور که صرفاً به دلیل اعتراض به محاسبه غیراصولی بدهی خود از بازپرداخت تسهیلات تا تعیین تکلیف منطقی بدهی خودداری می‌کنند، ادعای وصول مطالبات را در منظر نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و قضایی دارد.

در این میان، نکته مهم این است که بدهی واحدهای کوچک و متوسط به شبکه بانکی اصلاً قابل قیاس با شرکت‌های بزرگ زیرمجموعه بانکها نیست، اما متأسفانه بانکها تمام توان حقوقی خود را در قالب دفاتر حقوقی یا در قالب شرکت‌هایی که شوربختانه وظیفه شرخری را برعهده دارند، برای وصول مطالبات خود از شرکت‌های کوچک و متوسط و یا شرکت‌های بزرگ خصوصی به کار می‌گیرند، اما در مقابل گویا هیچ رویکردی در مقابل بازپرداخت وصول مطالبات شرکت‌های زیرمجموعه خودشان، خصولتی و دولتی‌ها ندارند و اقدامی علیه این شرکت‌ها انجام نمی‌دهند.

نکته حائز اهمیت اینکه در پرداخت اندک تسهیلات به واحدهای کوچک و متوسط یا شاید بزرگ بخش خصوصی توسط بانک‌ها متأسفانه شاهد رفتارهای غیراصولی توسط بانک‌ها همچون عقد قراردادهای غیرشفاف یا محاسبات غیراصولی و غیر کارشناسی و غیر منطقی این واحدها به بانک‌ها هستیم که باعث می‌شود واحدهای تولیدی تمایلی به بازپرداخت اقساط خود براساس محاسبه غیراصولی بانک‌ها نداشته باشند یا حتی اگر هم محاسبه وام‌ها و تسهیلات درست باشد، با توجه به اینکه شرایط اقتصادی کشور شرایط خاصی است و واحد تولیدی هم شاید نقشی در ایجاد این شرایط نداشته باشد و به هر دلیلی امکان بازپرداخت بدهی برایش میسر نیست، در نهایت شاهد اقدامات ایدایی و رفتار غیر حمایتی بانک‌ها هستیم که واحد تولیدی را در صورت عدم بازپرداخت بدهی و باوجود داشتن انواع و اقسام وثیقه در این خصوص، واحد تولیدی را به سرفصل بدهکاران غیر جاری منتقل کرده و هرگونه حمایتی از آن را در راستای رسیدن به بهره‌وری لازم دریغ می‌کنند. ایفای نقش بانک‌ها به این صورت باعث شده که متأسفانه واحدهای تولیدی در کشور از حداقل ظرفیت خود بهره‌مند باشند و در این میان اگر حمایت بانک‌ها وجود داشت، واحدهای تولیدی می‌توانستند تولیدات بیشتری را داشته باشند، اما بانک‌ها با اقدامات قهرآمیز همچون ممنوع‌الخروج کردن یا محرومیت از خدمات بانکی یا اقدامات ایدایی علیه ضامن‌ها یا علیه خود تولیدکنندگان همچون گرفتن حکم جلب آنها را تحقیر می‌کنند، در صورتی که کارآفرینان و تولیدکنندگان در نگاه مقام معظم رهبری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند، اما در شبکه بانکی از حداقل اعتبار و آبرویی برخوردار نیستند و برخوردی کاملاً تحقیرآمیز با آنها می‌شود. در صورتی که کارآفرینان سرمایه اول کشور هستند و خطوط تولید در رده بعدی قرار دارد، اما متأسفانه نزد بانک‌ها این اعتبار و آبرو به حداقل خود رسیده و شاهد بی‌حرمیتی به این قشر باغیرت، زحمتکش و صادق کشور هستیم.

■ **لطف‌ادر مورد تبعات ناشی از محدودیت‌های انرژی و خسارتی که شامل حال صنایع کشور می‌شود، توضیح دهید. چرا دولت برای حل این مشکلات برنامه‌ای ندارد و خسارت ناشی از این محدودیت‌ها را نیز به صنایع پرداخت نمی‌کند؟**

بعضی مدیران دولتی نمی‌شوند.

■ **با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین چالش‌های واحدهای تولیدی در سال گذشته کمبود سرمایه در گردش و نقدینگی بود، آیا بانک‌ها در سال جاری برای عمل به وظایف خود در قبال تولید، کمکی به حل این مشکل کرده‌اند؟**

موضوع حمایت بانک‌ها در کشور صرفاً یک شوخی است که بیش از حد هم لوٹ شده است. اگر بخواهم کمی به این شوخی خسارت‌بار بپردازم، باید بگویم که بانک‌ها در حوزه کسب‌وکار و تولید به سه‌دسته شرکت‌های بزرگ، متوسط و کوچک تسهیلات می‌دهند. البته این تسهیلات در کشور ما کاملاً غیرمتناسب پرداخت می‌شود، در صورتی که در اکثر کشورهای دنیا زمانی که بحث تسهیلات‌دهی مطرح می‌شود، بانک‌ها تسهیلات را به شرکت‌های کوچک و متوسط پرداخت می‌کنند، اما در کشور ما این شرکت‌های بزرگ هستند که سهم عمده‌ای از تسهیلات پرداختی را دریافت می‌کنند؛ شرکت‌های بزرگی که توان بهره‌مندی از نقدینگی از سایر روش‌های تامین مالی به خصوص بازار سرمایه را دارند، اما از آنجا که تسهیلات بانکی برای آنها ارزان‌تر تمام می‌شود رغبت دارند نقدینگی خود را از بانک‌ها تامین کنند. نکته تاسف‌بارتر اینکه، این شرکت‌های بزرگ اکثر متعلق به بانک‌ها هستند. با بررسی‌های انجام شده متوجه این موضوع شدیم که بانک‌ها بیشترین تسهیلات پرداختی به تولیدکنندگان را به شرکت‌های زیرمجموعه خود یا در قالب یک توافق مشترک تسهیلاتی به شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌های همکار برای دور زدن قوانین و مقررات مرتبط با پرداخت تسهیلات و یا شرکت‌های خصولتی و دولتی و نهادهای حاکمیتی پرداخت می‌کنند. در واقع باید گفت اقتصاد ایران در باتلاق بانکداری بنگاه‌ها یا بنگاهداری بانک‌ها گرفتار شده است، به طوری که هم بانک‌ها بنگاهداری می‌کنند و هم متأسفانه نهادهای مسوول هستند که در بانک‌ها سهام دارند و بانکداری می‌کنند. در نتیجه این موضوع باعث می‌شود که اقتصاد ایران غیرقابل‌بهره‌ور و ناکارآمد باشد.

نکته تاسف‌بارتر اینکه، این تسهیلات گیرندگان به دلیل نرخ بالای تورم و ارزان بودن تسهیلات دریافتی انگیزه‌ای هم برای بازپرداخت تسهیلات‌شان ندارند. به‌طور مثال سال گذشته به حکم قانون بودجه، بانک مرکزی مکلف شد فهرست بدهکاران عمده بانکی را منتشر کند. بعد از انتشار این فهرست که البته با فشار بانک‌ها از انتشار مجدد آن جلوگیری شده است، این فهرست‌ها را بررسی کردیم. بررسی‌ها نشان داد که بانک‌ها کمترین علاقه‌ای به پرداخت تسهیلات به تولیدکنندگان بخش خصوصی ندارند و بیشترین میزان از تسهیلات را به شرکت‌های زیرمجموعه خود و بانک‌های همکار، شرکت‌های دولتی، خصولتی و یا نهادهای حاکمیتی پرداخت می‌کنند. یکی از بانک‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت، بانک پاسارگاد بود؛ در هیات‌مدیره پنج بدهکار اول و عمده این بانک که توسط بانک مرکزی منتشر شد، نام مدیرعامل بانک به عنوان رییس یا عضو هیات‌مدیره درج شده بود. بدهی غیرجاری این ۵ شرکت سال گذشته نزدیک به ۱۴۵ هزار میلیارد تومان بود. این در حالی است که بانک به جای پیگیری وصول مطالبات خود از این ۵ شرکت، متأسفانه داعیه وصول مطالبات و به قول خودش حفظ بیت‌المال را با اقدامات قهرآمیز خود

اقتصادی برخوردار است. این امر باعث شده که در سال‌های اخیر شاهد خروج نامتعارف سرمایه و البته تجربه و تخصص کارآفرینان و تولیدکنندگان از کشور باشیم. نکته تاسف‌بار این موضوع آن است که مقصد این کارآفرینان از کشورهای اروپایی به کشورهای CIS و کشورهای همسایه و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تغییر یافته است. گویا کشورهای همسایه ما از جایگاه نامناسب ایران در شاخص‌های بین‌المللی مرتبط با حوزه کسب‌وکار خبردار هستند. آنها با اعطای مشوق‌های لازم برای جذب تولیدکنندگان و حتی خطوط تولید کارخانجات کشور فرمز پهن می‌کنند. عدم فضای مناسب در حوزه تولید کشور در مقابل رفتار توسعه‌گرایانه کشورهای همسایه باعث شده تا نرخ سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر به پایین‌ترین حد ممکن برسد و متأسفانه جوابگوی استهلاک تجهیزات نصب‌شده در خطوط تولید نباشد و این موضوع می‌تواند در سال‌های آینده تولید کشور را با یک بحران جدی و غیرقابل‌جبران روبه‌رو کند.

در این میان، این پرسش مطرح است که سرمایه‌گذار با چه انگیزه‌ای سرمایه‌گذاری کند، زمانی که با قوانین و مقررات مزاحم درگیر است، زمانی که در ادارات و شبکه بانکی و دستگاه‌های مختلف شاهد برخوردهای زننده و حتی ارباب-رعیتی با تولیدکنندگان است، زمانی که امضای طلایی را می‌بیند، بوروکراسی‌های تودرو را مشاهده می‌کند، گستردگی فساد را در دستگاه‌های متولی شاهد است و حتی در مقابل جذابیت بالای سرمایه‌گذاری در بازارهای مولد مانند بازار سکه، بازار ارز، بازار مسکن، بازار خودرو و بازارهای دیگر را مشاهده می‌کند و دیگر انگیزه برای سرمایه‌گذاری پیدا نمی‌کند، اگر به کشورش عرق داشته باشد می‌ماند با همه چالش‌ها مبارزه می‌کند تا بتواند اشتغال ایجاد کند و اگر ناامید و مأیوس شود یا سرمایه خود را به بازارهای غیرمولد منتقل می‌کند یا جذب کشورهای همسایه می‌شود. یک تولیدکننده را معرفی کنید که قربانی یک سیاست غلط، رفتار نادرست، اقدام ایدایی و قهرآمیز توسط بانک‌ها یا دستگاه‌های اجرایی و پول‌ستان نشده باشد. متأسفانه در این حوزه حتی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی هم بعضاً برخلاف نص صریح فرمایشات و تأکیدات مقام معظم رهبری عمل می‌کنند. هنگامی که در ستاد تسهیل و رفع موانع تولید حضور داشتیم متأسفانه با پرونده‌هایی مواجه بودم که یک ضابط قضایی با حمایت از درخواست غیرمنطقی یا غیرشرعی یک بانک اقدام به رفتار نامناسب با تولیدکننده می‌کرد که نهایتاً شاید به زندانی کردن تولیدکننده نیز منجر می‌شد.

همگی با فساد مخالفیم. بخش خصوصی هم هیچ تمایلی به دادن رشوه به یک مدیر دولتی ندارد مگر اینکه مدیر دولتی مطالبه‌ای برای زدن امضا پای مواد اولیه یا بابت تسهیلات کند؛ این امضا، امضای طلایی است و تولیدکننده مجبور به پرداخت هزینه‌ای برای انجام شدن کارش می‌شود. بعضاً دیده شده که اگر این پرداخت انجام نشود باوجود اینکه کار تولیدکننده انجام نمی‌شود، مانع تراشی هم برای واحد تولیدی ایجاد می‌شود. گاهی اوقات تولیدکننده ناچار به پرداخت رشوه به یک مدیر دولتی می‌شود. البته باید تأکید کنم که اگر همه حوزه‌های مرتبط با تولید در دستگاه‌های اجرایی و پول‌ستان در شبکه بانکی شفاف باشد و همه چیز در اتاق شیشه‌ای قرار بگیرد، تولیدکنندگان هم ناچار به پرداخت رشوه به



بحران ناکارآمدی و فقدان بهره‌وری در حوزه انرژی به خصوص صنعت برق و گاز از سال‌های قبل همواره توسط خبرگان و صاحب‌نظران این حوزه به دولت‌های مختلف بیان شده است، اما متأسفانه گوش شنوایی برای واگویی این دردها توسط دولت‌ها نبوده است و این بحران از سیاست‌های نادرست دولت نشأت گرفته که منجر به کاهش جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در صنعت برق و گاز شده است. کاهش شدید سرمایه‌گذاری در حوزه برق و گاز به عنوان نیازهای اولیه خانگی، اداری، تجاری و صنعتی باعث تعمیق بحران شده و دولت‌ها را ناچار کرده که در شرایط اوج مصرف نسبت به قطع مصرف واحدهای تولیدی اقدام کنند. این در حالی است که مطابق با قانون ۲۵ بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، دولت موظف است در هنگام قطع برق و گاز واحدهای تولیدی نحوه جریان خسارت وارده به این واحدها را تعیین کند، اما سراغ نداریم دولتی که کمترین جبران خسارتی را در این خصوص داشته باشد. برای مثال سال گذشته در حوزه صنعت فولاد حدود سه میلیارد دلار خسارت برآورد شد که به دلیل قطع برق و گاز امکان تولید واحدهای فولادی از بین رفت یا در صنایع پتروشیمی خسارت تقریبی ۷۰۰ میلیون دلاری به دلیل عدم تولید و عدم النفع‌شان انجام شد یا در مجموع، به استناد گزارش اتاق ایران، بالغ بر هفت میلیارد دلار خسارات ناشی از قطعی برق به واحدهای تولیدی وارد شد. آیا در جبران این خسارات یک واحد تولیدی در کل کشور در حوزه‌های مختلف فولادی، پتروشیمی، غذایی و پزشکی و دارویی و کشاورزی مشمول ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار بوده است؟

دولت‌ها به جای اینکه رویه‌های نادرست خود را در تامین برق و گاز کشور درست کنند صرفاً به تجویز مسکن‌هایی روی می‌آورند که تولیدکنندگان باید خسارات آن را احتمال شوند. حل مشکل صنعت برق و گاز نیازمند اصلاح سیاست‌های جاری کشور، تدوین سیاست‌های توسعه‌ای با هدف جلب اعتماد سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه است.

اگر سرمایه‌گذار نگران تضمین بازگشت سرمایه خود و البته سود متعارف آن هم در یک زمان مقرر و منطقی باشد، چه دلیلی دارد سرمایه خود را در حوزه مخاطره‌آمیز برق و گاز، آن هم با دخالت‌های بی‌مورد و حداکثری و البته عدم ایفای تعهدات دولت صرف کند. اگر دولت بخواهد مشکل صنعت برق و گاز را حل کند، باید اول دست از تصدیگری بردارد تا امکان ایجاد فضای رقابتی در این حوزه فراهم شود، دولت به اندازه کافی انحصار را در این حوزه به خصوص در حوزه برق برعهده خود گرفته است و ثانیاً با اصلاح قوانین و مقررات فعلی و خودداری از قیمت‌گذاری دستوری و باز گذاشتن دست سرمایه‌گذاران در صادرات برق و گاز تولیدی مقدمات لازم را برای ایجاد اعتماد و جلب‌نظر سرمایه‌گذاران فراهم کند. به‌طور خوش‌بینانه اگر امروز مسوولان تصمیم به این امر بگیرند، شاید بتوانیم به حل نسبی بحران آینده امیدوار باشیم.

البته متأسفانه با توجه به حجم عظیم وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه و تعارض منافع موجود و از طرفی درگیر بودن بیش از حد متولیان وزارت نیرو در امور روزمره، احتمال اینکه بخواهد زمان و سیاست‌گذاری خود را صرف این امر کند، دور از ذهن به نظر می‌رسد.

## به نظر شما عدم تحقق شعارهای سال که همگی طی سال‌های اخیر بر محور تولید و حل چالش‌های آن بوده، به چه دلیل است و دولت‌مدان در سال جاری برای مهار تورم و رشد تولید باید چه اقداماتی را در دستور کار قرار دهند؟

لازمه تحقق شعار سال با محوریت تولید در شرایط جنگ اقتصادی این است که همه ارکان جامعه از قوای سه‌گانه گرفته تا نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، شبکه بانکی و اقتصادی، دستگاه‌های اجرایی و سایر اقدشار مردم وظایف و مسوولیت‌های خود را ایفا کنند. اگر هر کدام از این‌ها در انجام وظایف خود در راستای تحقق شعار سال که ارتقای جایگاه تولید در کشور است کوتاهی کنند قطعاً به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم. زمانی که هدف‌گذاری دولت در وصول مالیات صرفاً شرکت‌های حقوقی آن هم شرکت‌های حقوقی خصوصی و تولیدکنندگان خصوصی می‌شود و سازمان امور مالیاتی هم با اقدامات قهرآمیز خود واحدهای تولیدی را در فشار قرار می‌دهد، زمانی که حضور نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در فضای اقتصادی کشور پررنگ شود و تولیدکنندگان را با مخاطرات جدی مواجه کند، زمانی که شبکه بانکی کشور سهم قابل توجهی از تسهیلات خود را به شرکت‌های زیرمجموعه و شرکت‌های خصوصی و دولتی خود بپردازد و بخش خصوصی واقعی کمترین سهم از تسهیلات کشور را داشته باشد، زمانی که بانک‌ها در محاسبات بدهی واحدهای تولیدی خود از هر روشی از تمديد قرارداد، از سود در سود گرفته تا جریمه و تمام روش‌های ممکن شرعی و غیرشرعی برای بالا بردن میزان بدهی بنگاه دریغ نمی‌کنند و پس از آن واحد تولیدی به دلیل عدم بازپرداخت در بدهی در فهرست بدهکاران غیر جاری قرار می‌گیرد و واحد تولیدی ممنوع‌الخروج و از تمام خدمات بانکی محروم می‌شود، زمانی که تامین اجتماعی به دلیل عدم پرداخت بدهی چندصد هزار میلیاردی دولت و البته با هدف جلوگیری از توقف خدمت به بیمه‌شدگان خود با روش‌های مختلف محاسباتی و اجرایی کارفرمایان، بخش خصوصی را تحت فشار و اقدامات اذیابی قرار می‌دهد، وقتی سازمان حمایت و سازمان تعزیرات حکومتی با روش‌های قرون وسطایی با تولیدکننده برخورد می‌کنند، وقتی محاکم قضایی در رسیدگی به دعوی مرتبط با تولیدکنندگان باوجود مطالبه هزینه‌های سنگین دادرسی، سال‌ها پرونده‌های آنها را برای تعیین تکلیف معطل نگه می‌دارند، وقتی تولیدکنندگان به دلیل چک برگشتی که به دلیل اختلاف حساب توسط بانک برگشت خورده است، سال‌ها درگیر محاکم قضایی هستند و البته محدودیت‌های قانونی و مقرراتی علیه آنها وضع می‌شود، زمانی که ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی در نقش کمیته وصول مطالبات بانک‌ها ظاهر می‌شود و از هر اقدام قهرآمیزی علیه تولیدکنندگان دریغ نمی‌کند، زمانی که بخشی از تولیدکنندگان ما به جای اینکه با عزت در کارخانجات خود فعالیت کنند، در زندان‌های کشور از اینکه عمر خود را در تولید و سرمایه‌گذاری صرف کردند، تأسف بخورند، زمانی که فساد اداری گریبان تولیدکنندگان را در دستگاه‌های مختلف از وزارت صمت و جهاد و منابع طبیعی و مالیات و بیمه و بانک‌ها بگیرد و برای اینکه خط تولید کارخانه تعطیل نشود، تولیدکننده مجبور شود هم تحقیر را تحمل کند و هم ناچار به پرداخت رشوه شود، زمانی که مافیای واردکنندگان از مبادی رسمی

و غیررسمی هر آنچه بخواهند وارد کشور می‌کنند و برخی دستگاه‌های مسوول و اجرایی ما رغبت داشته باشند به خاطر دریافت کمیسیون ارزی و یا حتی یک سفر خارجی از محصولات خارجی خریداری کنند، زمانی که بوروکراسی پر پیچ‌وخم اداری و مراجع متعدد تصمیم‌گیری مادر حوزه تولید، تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران را از ادامه فعالیت سرمایه‌گذاری پشیمان می‌کند و در مقابل کشورهای همسایه برای سرمایه‌گذاران فرش قرمز پهن می‌کنند، زمانی که خط تلفن تولیدکننده را توقیف می‌کنند و زمانی که خودروی سواری تولیدکننده را متوقف می‌کنند، زمانی که تولیدکننده، پدر و مادر یا دوستانش را که ضمانت او را کرده‌اند از منزل مسکونی خود بیرون می‌کنند، چه انتظاری دارید تولید در کشور جان بگیرد و فرمایشات مقام معظم رهبری محقق شود یا شعار سال تحقق یابد.

## به گفته اقتصاددانان، سرمایه‌گذاری در کشور سال به سال وخیم‌تر می‌شود. به این ترتیب باید در آینده شاهد رشد بیکاری و رشد فقر در کشور باشیم. نظر شما در این خصوص چیست و چه پیشنهادی برای رشد سرمایه‌گذاری در کشور دارید؟

سرمایه‌گذاری در دهه ۹۰ در ایران به دلیل سیاست‌های داخلی و خارجی با میانگین صفر به حداقل خود رسید. این روند منفی باعث شد سرمایه سرانه حقیقی در سال گذشته نسبت به سال ۹۰، معادل ۴۷ درصد کاهش یابد. در واقع متوسط سرمایه‌گذاری در ایران به ازای هر ایرانی در دهه ۹۰ نصف شده است. این عامل در همراهی با سایر عوامل موجب شد که حجم حقیقی اقتصاد ایران روند قابل‌قبولی را نداشته باشد. در ۱۱ سال گذشته یعنی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ در حجم حقیقی اقتصاد ایران فقط ۱۰ درصد رشد داشتیم؛ یعنی از حدود ۶۸۵ همت به حدود ۷۵۵ هزار میلیارد تومان افزایش داشتیم که در سال‌هایی که برجام اتفاق افتاد طی یکی، دو سال بعد این رقم افزایش چشمگیری داشت که متأسفانه در مجموع این سال‌ها شاهد عدم رشد مناسب حجم حقیقی اقتصاد ایران هستیم.

اگر چه تأثیرگذارترین عامل را در کاهش سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی، چه داخلی و چه خارجی در ایران باید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و اقتصاد ایران بدانیم، اما به باور من اگر سیاست‌های داخلی، عملکرد دستگاه‌های اجرایی، شبکه بانکی و سیستم قضایی و سایر نهادهای حاکمیتی در جهت بهبود فضای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری بود، این امکان وجود داشت که با به حداقل رساندن تأثیر تحریم‌ها در فضای اقتصادی کشور و با جلب حداکثری اعتماد فعالان اقتصادی از کاهش سالانه سرمایه‌گذاری در ایران به این نحوی که در دهه ۹۰ تجربه کردیم، جلوگیری کنیم. اگر نهادهای مسوول می‌توانستند در شاخص‌هایی نظیر تامین نقدینگی و اعتبارات، تجهیز منابع بانکی برای حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری در کشور، حقوق مالکیت، رقابت‌پذیری، ضمانت و سهولت اجرای قراردادها، یا پرداخت مالیات و حمایت از سرمایه‌گذاران و سایر شاخص‌هایی که با حوزه تولید و سرمایه‌گذاری در کشور مرتبط است، تحولی ایجاد کنند و فعالان اقتصادی به این باور و یقین می‌رسیدند که دولت در مقابله با تحریم‌های بین‌المللی قصد دارد امنیت سرمایه‌گذاری در

**به باور من اگر**  
سیاست‌های داخلی، عملکرد دستگاه‌های اجرایی، شبکه بانکی و سیستم قضایی و سایر نهادهای حاکمیتی در جهت بهبود فضای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری بود، این امکان وجود داشت که با به حداقل رساندن تأثیر تحریم‌ها در فضای اقتصادی کشور و با جلب حداکثری اعتماد فعالان اقتصادی از کاهش سالانه سرمایه‌گذاری در ایران به این نحوی که در دهه ۹۰ تجربه کردیم، جلوگیری کنیم



انتخاب آقای  
علی‌آبادی به عنوان  
وزیر صنعت،  
معدن و تجارت  
با تجربه موفق  
فعالیت بنگاهداری  
و شناختی که از  
حوزه مشکلات  
مرتبط با تولید و  
سرمایه‌گذاری  
دارد، می‌تواند  
نویسندگان تغییر  
رویکرد در این  
وزارتخانه به منظور  
اصلاح ساختار،  
کاهش تصدیدی‌گری  
و بسط دستگاه‌های  
اجرایی، شبکه  
بانکی، سیستم  
قضایی و نهادی  
امنیتی و اطلاعاتی  
برای حمایت موثر از  
تولید ملی باشد

■ **به نظر شما حضور فردی همچون عباس علی‌آبادی در وزارت صمت می‌تواند موجب اصلاح سیاست‌ها و عملکرد این وزارتخانه به نفع تولید شود یا اینکه تاسیسات‌ها در حوزه‌های بالادستی اصلاح نشوند، در وزارت صمت نیز اتفاقی نخواهد افتاد؟**

انتخاب آقای علی‌آبادی به عنوان وزیر صنعت، معدن و تجارت با تجربه موفق فعالیت بنگاهداری و شناختی که از حوزه مشکلات مرتبط با تولید و سرمایه‌گذاری دارد، می‌تواند نویسندگان تغییر رویکرد در این وزارتخانه به منظور اصلاح ساختار، کاهش تصدیدی‌گری و بسیج دستگاه‌های اجرایی، شبکه بانکی، سیستم قضایی و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی برای حمایت موثر از تولید ملی باشد.

به نظر بنده، وزیر صمت لازم است هم پیگیر بازنگری، حذف یا تنقیح قوانین و مقررات موجود و البته خودداری از تنظیم لوایح و مقررات موازی و جدید با هدف ارتقای قانونمندی در سطح بالا و بخش خصوصی و افزایش شفافیت و مقررات‌زدایی جهت از بین بردن تقابل قوانین با هم باشد و هم پیگیر اجرایی شدن قوانین معطل مانده در حوزه تولید و سرمایه‌گذاری؛ قوانینی از قبیل قانون حداکثر استفاده از توان داخل، قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار و به‌خصوص قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر به ویژه ماده ۶۱ این قانون که مبنای تشکیل ستاد تسهیل و رفع موانع تولید بوده است. اگر وزیر بتواند ضمن احیای این ستاد، پیگیر ارتقای جایگاه ستاد، به ستادی فراقوه‌ای با حضور نماینده رهبری، روسای قوا و وزرا و روسای ذیربط دستگاه‌ها البته با ترکیبی مساوی از منتخبان خبگان و خبرگان بخش خصوصی تحت عنوان شورای عالی توسعه صنعتی کشور باشد، می‌تواند تحولی تاریخی در تولید و صنعت کشور را رقم بزند؛ شورایی هم‌تراز شورای امنیت ملی در شرایط جنگ اقتصادی البته نمونه مشابه این شورا، در کشورهای نوظهور صنعتی تجربه شده است و مصوبه شورا، فصل الخطاب برای همه ارکان در حوزه تولید و سرمایه‌گذاری بوده است.

■ **به عنوان کلام آخر اگر صحبتی دارید بفرمایید**

تجربه خسارت‌بار ابتدای انقلاب در برخورد با صنعتگران که رهبر معظم انقلاب از آن به عنوان اشتباه یاد کردند، باید برایمان درس آموز باشد. اگر نهادهای مسوول بعد از ۴۴ سال همچنان با همان دیدگاه با صاحبان صنایع برخورد کنند، نباید هیچ انتظاری در رونق و جهش تولید داشته باشیم. اگر این روایت صحت داشته باشد که در کشور، قد هر فعال اقتصادی از فلان اندازه بیشتر شد، گردنش را می‌زنند که باید آرزوی توسعه صنعتی رافراموش کنیم. به قول شاعر، چشم‌ها را باید شست. تجربه کشورهای پیشرفته دنیا ثابت کرده که هر جایی پیشرفت بوده، دولت‌ها از ظرفیت بخش خصوصی قدرتمند بهره‌مند بوده‌اند. امروز هم اگر دولت بخواهد موفق باشد لازم است دست دولت و البته شرکت‌های خصوصی و شبه‌دولتی و حاکمیتی از اقتصاد کوتاه شود. باید دولت با جلب اعتماد فعالان و تشکل‌های اقتصادی، از ظرفیت بخش خصوصی توانمند به بهترین شکل استفاده کند و همچنین در همه دستگاه‌های اجرایی، نظارتی، امنیتی و اطلاعاتی به درآمذزایی قانونی به هر اندازه که باشد با بلندنظری برخورد شود و بدانیم راه اعتلای اقتصادی کشور، در احترام و تکریم بخش خصوصی به عنوان سرمایه‌های مادی و معنوی حوزه تولید و سرمایه‌گذاری است.

که به نظر من بیشتر از اینکه نشان‌دهنده تعامل دولت با بخش خصوصی باشد بیشتر به دولتی کردن بخش خصوصی و اتفاقاً ناکارآمد کردن آن دامن می‌زند.

از طرفی باز کردن فضای بیشتر برای حضور بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و واگذاری امور به تشکل‌های بخش خصوصی البته توام با نظارت دولت می‌تواند برکاتی از جمله افزایش رقابت، جذب حداکثری اعتماد و سرمایه خصوصی، بهره‌برداری بهتر و بهینه منابع، ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، کاهش فساد، چابک‌سازی برای کشور داشته باشد.

با این حال، برخی مشکلات اقتصادی نیازمند تدابیر گسترده‌تری هستند که فقط با باز کردن فضای بیشتر برای بخش خصوصی قابل حل نیستند. مسائلی مانند مدیریت صحیح منابع، حکمرانی خوب، توزیع منصفانه ثروت، رشد پایدار و توسعه پایدار که نیازمند راهکارهای گسترده‌تر و همکاری موثر بین بخش دولتی و بخش خصوصی هستند. در نتیجه، برای رفع مشکلات اقتصادی، عملکرد دولت در ایجاد یک محیط سازنده برای بخش خصوصی و تعامل موثر با آن و در عین حال بازنگری در ساختار دولت به منظور کاهش حداکثری تصدیدی‌گری بسیار حائز اهمیت است. ضمناً دولت سیزدهم باید از ظرفیت انجمن‌های تخصصی در تدوین برنامه‌های کلان و تخصصی مرتبط با استفاده از مشاوران زنده داخلی و خارجی متخصص در امر برنامه‌ریزی‌های راهبردی و اجرایی از بخش خصوصی استفاده کند.

■ **نظر شما در مورد وضعیت فعلی وزارت صنعت، معدن و تجارت چیست؟ آیا تفکیک حوزه بازگانی از صنعت و معدن می‌تواند موجب بهبود عملکرد این وزارتخانه شود؟**

در پاسخ به شما باید بگویم که شکوفاترین دوره اقتصاد و صنعت ایران برای دوره‌ای است که اتفاقاً همه مباحث مرتبط به تولید از جمله صنعت، بازرگانی، مالیات و گمرک در یک وزارتخانه جمع شده بود به نام وزارت اقتصاد. در اوایل دهه چهل و اتفاقاً زمانی که مجدد این وزارتخانه تفکیک شد، روند صنعت ایران نیز به دلیل تفکیک و عواملی دیگر نزولی شد. این یک امر بدیهی است که سیاست‌گذاری در خصوص تولید و تجارت باید در یک وزارتخانه و به صورت یکپارچه انجام شود.

تجربه تجمیع این دو در بسیاری از کشورهای پیشرفته و صنعتی نیز رخ داده است. امروز اگر دولت بخواهد تحول‌آفرین باشد باید با کاهش تصدیدی‌گری وزارتخانه‌ها به خصوص وزارت صنعت، معدن و تجارت و واگذاری سهام خود در شرکت‌های صنعتی به بخش خصوصی به منظور رقابت‌پذیری، توانمندسازی و افزایش مشارکت بخش خصوصی و کاهش حداکثری آثار سوء ناشی از تعارض منافع در سیاست‌گذاری‌ها باشد و اگر جسارت داشته باشد لازم است تجربه تجمیع را تکرار کند نه اینکه داستان تکراری و خسارت‌بار تفکیک را مجدد مطرح کند. تفکیک وزارت صنعت، معدن و تجارت و ایجاد وزارت بازرگانی می‌تواند به عنوان یک عقبگرد بی‌اساس، خسارات جبران‌ناپذیری را به تولید و اشتغال کشور وارد کند که بدون شک، تبعات آن گریبانگیر دولت و مردم را خواهد گرفت.

ایران را تضمین و موانع موجود در سرمایه‌گذاری را مرتفع کند، شاید شاهد این می‌بودیم که حداقل سرمایه‌گذاران داخلی حتی با دور زدن تحریم‌ها تمایل بیشتری برای سرمایه‌گذاری در حوزه مولد از خود نشان دهند.

زمانی که سرمایه‌گذار می‌بیند علاوه بر تحریم‌های بین‌المللی از نقل و انتقال پول گرفته تا انتقال تکنولوژی و عدم حمایت شرکت‌های صاحب تکنولوژی از واحدهای تولیدی که به اندازه کافی فشارها را بر سرمایه‌گذار وارد می‌کند، فشارهای داخلی متعددی را هم باید تحمل کند، متأسفانه عطای سرمایه‌گذاری را به لقای می‌بخشد و سرمایه‌اش را با روانه حوزه غیرمولد می‌کند یا سرمایه‌های مادی و معنوی خود را روانه کشورهای همسایه. اگر دولت برای بحران عدم سرمایه‌گذاری در ایران به فوریت و ریشه‌ای چاره‌اندیشی نکند در سال‌های آینده متأسفانه شاهد تعطیلی حتی واحدهای تولیدی فعال کشور به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در بازسازی و نوسازی تجهیزات که ناشی از فرسودگی و عمر بالای ماشین‌آلات است، خواهیم بود. در این صورت احتمال وقوع بحران‌های جدی کارگری سایر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را خواهیم داشت. اگر بخواهیم جبران این عقب‌ماندگی‌ها اتفاق بیفتد باید دولت تکلیف خود را اولاً در حوزه بین‌الملل روشن کند، ثانیاً یک عزم ملی برای رفع ایرادات وارده به عملکرد دستگاه‌های ذیربط در حوزه تولید و سرمایه‌گذاری که البته همان تحقق فرمایشات رهبری در سال‌های قبل و امسال است، در لزوم حمایت از تولید ملی آغاز شود، اما اگر در بر همان پاشنه قبل بچرخد باید منتظر روزهای سخت‌تری برای تولید و اشتغال در کشور باشیم.

■ **میزان تعامل دولت سیزدهم با بخش خصوصی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما اگر دولت به فعالان بخش خصوصی فضای بیشتری برای ایفای نقش در اقتصاد و تصمیم‌گیری‌ها بدهد، مشکلات اقتصادی رفع می‌شود؟**

عملکرد دولت و دستگاه‌های اجرایی در اجرای ماده دوم و سوم قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار می‌تواند نشان‌دهنده میزان تعامل دولت سیزدهم با بخش خصوصی باشد. مطابق با این مواد قانونی، تعامل دولت با بخش خصوصی می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها، تصویب و ابلاغ بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و تدوین لوایح مرتبط با حوزه کسب‌وکار عینیت پیدا کند که باید اذعان کرد دولت‌ها صرفاً در شعار مدعی هستند که از نظرات بخش خصوصی بهره‌مند می‌شوند و به شدت وابسته به شرایط و زمینه‌های مختلف است. اگر چه تعامل دولت با بخش خصوصی می‌تواند به رشد اقتصادی، ایجاد شغل، جذب سرمایه، توسعه صنعت و بهبود شرایط زندگی اقشار مختلف مردم کمک کند، ولی مدیران دولتی اگر چه در برخی موارد و در جلسات صوری، نظرات بخش خصوصی را می‌شنوند اما در عمل، به مصداق تافته جدا بافته عمل می‌کنند یا تصمیمی می‌گیرند و قانون و مقرراتی تصویب می‌کنند که امکان اجرا ندارد یا تبعات و خسارات منفی آن گریبانگیر بخش خصوصی می‌شود. اگر هم منظور از تعامل با بخش خصوصی، حضور دولت در هیات‌ریسه اتاق باشد



## چرا به مقصود نمی‌رسیم؟!



حسین حقگو  
تحلیلگر مسائل اقتصادی

۱- برنامه هفتم توسعه در شرایطی مراحل قانونی تصویب خود در دولت و مجلس را طی می‌کند که کارنامه ششش برنامه قبلی اصلا تعریفی ندارد. چنانکه دبیر کمیسیون مشترک سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه می‌گوید: «ارزیابی نشان می‌دهد که به‌طور میانگین از برنامه اول تا ششم، میانگین تحقق برنامه‌ها به ۳۵ درصد نرسیده است. رییس مجلس نیز با کاهش این درصد به ۲۵ تا ۳۰ درصد عنوان می‌کند: «این میزان تحقق یعنی اگر برنامه را رها می‌کردیم نیز خود به خود ۲۵ درصد اهداف محقق می‌شد. حتی من می‌گویم اگر در آن دخالت نمی‌کردیم شاید ۳۵ درصد محقق می‌شد و چون دخالت کردیم ۲۵ تا ۳۰ درصد شد (قالیباف- ۱۴۰۱/۹/۲۶)».

اشاره رییس مجلس و البته بسیاری دیگر از مقامات و کارشناسان در عدم موفقیت برنامه‌های توسعه‌ای شاید به آن باشد که اجرای شش برنامه توسعه‌ای پس از انقلاب نتوانسته تورم دورقمی بالا (بیش از ۲۰ درصد)، رشد اقتصادی پایین و بی‌ثبات (حدود دو درصد)، سرمایه‌گذاری و بهره‌وری اندک و بیکاری بالا و دورقمی را به عنوان مهم‌ترین ابرچالش‌های توسعه‌ای کشور حل کند. همچنین این اهداف در برنامه ششم که قرار بود رشد اقتصادی ۸ درصد باشد، اما یک درصد شد. تورم ۸/۸ درصد که حدود ۵۰ درصد شد، ضریب جینی ۰/۳۴ که ۴ شد، نقدینگی ۲۸۵۰ هزار میلیارد که از شش هزار میلیارد تومان گذشت و اهداف دیگر که هیچ‌کدام آنچنان نشد که باید می‌شد!

شاید اصولاً نیاز به این استنادها نباشد و وضعیت فعلی کشور خود گویای مساله است. اگر بگوییم چنین نیست، پس ثمره این برنامه‌ها که هزاران هزار نفر ساعت برای تهیه و تدوین آنها صرف شده کجاست؟ و اگر جواب مثبت باشد و وضعیت زار و نزار زندگی و معیشت مردم و کل اقتصاد را بی‌ارتباط با برنامه‌های توسعه‌ای و قوانین منبسط از آنها ندانیم، باید پرسید اشکال در کجاست؟!

حدود هفت دهه از آغاز نظام برنامه‌ریزی توسعه کشورمان (از سال ۱۳۲۷ به بعد) همچنان مهم‌ترین سوالات بی‌پاسخ مانده‌اند. اینک جایگاه دولت در روند توسعه چیست و حد دخالت آن در بازارهای اقتصادی تا کجاست؟ اینک ارتباط کشورمان با جهان در چه سبک و سیاقی است و آیا دنیای خارج، دنیای دشمنان یا جهان همکاری و رقابت است

۲- مشکل به نظر در درک معنای توسعه است. فرآیندی مستمر و مفهومی چندجانبه که از طریق وجود دولتی مدرن و مقتدر، حاکمیت قانون و نهادهای مدنی توانمند برای تضمین حقوق مشروع قانونی و شهروندی و حفظ کرامت و برخورداری از یک زندگی عادی برای همه ایرانیان محقق می‌شود؛ اصول و مبانی ضروری توسعه‌ای بدون توسعه را رقم می‌زند. متأسفانه جای آنچه در تمامی این برنامه‌های توسعه‌ای چه قبل و چه پس از انقلاب خالی بوده غیبت یا ضعف همین مبانی و اصول اساسی بوده است. اگر مقصد و مقصود از «توسعه» را، صرف ایجاد راه و راه‌آهن و سد و پالایشگاه و گاز و آبرسانی و... بدانیم، می‌توانیم آمار و ارقامی دهان‌پرکن از موفقیت‌ها ردیف کنیم، اما اگر مقصود از توسعه نه صرف پیشرفت‌های سخت‌افزاری بلکه همان مبانی فوق‌الاشاره و فرآیند بهبود در مبانی علمی و فنی تولید و دگرگونی و بهبود در سطح زندگی، شرایط کار و نحوه مدیریت نهادهای مختلف به طور بنیادی و به صورت سیستمی باشد، پاسخ ناامیدکننده است.

چنانکه با وجود گذشت حدود هفت دهه از آغاز نظام برنامه‌ریزی توسعه در کشورمان از سال ۱۳۲۷ به بعد همچنان مهم‌ترین سوالات بی‌پاسخ مانده‌اند. اینک جایگاه دولت در روند توسعه چیست و حد دخالت آن در بازارهای اقتصادی تا کجاست؟ اینک ارتباط کشورمان با جهان در چه سبک و سیاقی است و آیا دنیای خارج، دنیای دشمنان یا جهان همکاری و رقابت است؟ بخش خصوصی چه نقش و اعتباری در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های اقتصادی دارد و آیا رقیب یا رفیق دولت است؟ حقوق مالکیت تا چه حد اعتبار دارد و نظام حکمرانی تا کجا دفاع از این حقوق را وظیفه و تجاوز به آن را خط قرمز خود می‌داند و حاضر به تضمین این حقوق هم به لحاظ مالکیت و هم به لحاظ حقوق مبادله و اعمال مالکیت بر محصولات و خدمات از طریق تعیین قیمت آنهاست؟ و...

عدم حل این مسائل اساسی و پاسخگویی صحیح و علمی به آنها و حاکمیت مصلحت‌های سیاسی بر منطق اقتصادی، سبب شده که شاهد تداوم دردها و بی‌اثری نسخه‌هایی باشیم که قرار بوده یازده برنامه عمرانی و توسعه در قبل و بعد از انقلاب درمان این دردها و مرهمی بر این زخم‌ها باشند.

۳- بخش عمده برنامه‌های توسعه‌ای به صنعت و توسعه صنعتی اختصاص داشته، اما ثمرات این برنامه‌ها برای صنعت چه بوده است؟ متأسفانه با وجود اجرای پنج برنامه عمرانی قبل و شش برنامه توسعه‌ای پس از انقلاب و طی کردن دوره‌های درخشانی مانند دهه ۴۰ (برنامه‌های

سوم تا پنجم عمرانی) و دهه ۷۰ و اواسط دهه ۸۰ (برنامه‌های دوم و سوم توسعه) و دستیابی به رشد اقتصادی میانگین تا ۱۳ درصد و رشد صنعتی تا ۱۶ درصد طی برنامه‌های مختلف اما همچنان بی‌ثباتی و توسعه‌نیافتگی صفت مشخصه اقتصاد و صنعت کشورمان است، چنانکه مهم‌ترین نهاد پژوهشی صنعت و بازرگانی قوه مجریه در گزارشی از وضعیت وخیم صنعت کشور و روند ناگوار حاکم بر آن می‌گوید. اینک ارزش افزوده صنعتی کشور علی‌رغم اجرای پنج برنامه توسعه، نتایج نهایه برنامه ششم هنوز مشخص نیست اما قطعاً با توجه به شدت‌گیری تحریم‌های خارجی و سیاست‌های نادرست این دوره، روند نزولی صنعت تشدید هم شده است. طی دو دهه در مجموع روندی نزولی را طی کرده و از ۱۹/۹ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۵/۳ درصد در اواسط دهه قبل کاهش یافته است، همچنین کفه تولیدات صنعتی طی این مدت به شدت به ضرر صنایع ساخت‌محور و کشاورزی پایه (غذایی و نساجی) و به نفع صنایع متکی به مواد خام معدنی و انرژی سنگینی کرده است، چنانکه سهم صنایع متکی به دانش فنی و منابع کشاورزی به ترتیب از ۱۲ درصد و ۳۸ درصد به ۱۰/۸ درصد و ۱۶/۵ درصد در سال ۹۳ سقوط کرده است، در حالی که در این مدت سهم صنایع هیدروکربوری به سرعت رشد کرده و از ۱۲/۵ درصد در سال ۸۳ در واقع هر روز بیش از قبل، صنعت کشور در بنگاه‌های عظیم متکی به منابع معدنی و انرژی پایه، خلاصه و سهم صنایع متکی به دانش و ساخت‌محور کم و کمتر شد، چنانکه این بنگاه‌ها با سهم حدود ۷۰ درصدی از ارزش افزوده صنعت کشور باز یگر اصلی در این حوزه شدند. به طوری که در این سال‌ها (۱۳۹۸-۱۳۸۱) سهم صنایع ساخت‌محور از تشکیل سرمایه ثابت در بخش صنعت از ۴۴ به ۱۷ درصد کاهش و سهم صنایع هیدروکربوری از ۱۲ به ۴۰ درصد افزایش یافته است (گزارش ارائه‌شده به هیات نمایندگان اتاق تهران- ۱۴۰۱/۱۲/۲۴).

رابطه مبادله صنعت با سایر بخش‌های اقتصادی نیز از ۱/۲۱ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۰/۹۳ درصد در سال ۹۵ کاهش یافته که معرف نزول ارزش محصولات صنعتی نسبت به سایر محصولات بخش‌های اقتصادی است. در حوزه صادرات صنعتی نیز همین روند نامناسب را طی یکی دو دهه اخیر شاهدیم، چنانکه ۸۷ درصد صادرات صنعتی کشور را صادرات منبع‌محور (پتروشیمی، مواد شیمیایی، فلزات اساسی، فرآورده‌های نفتی و...) تشکیل می‌دهند و مقصد عمده همین کالاهای صادراتی (حدود ۵۵ درصد) نیز به ۵ کشور جهان بوده است، نه حدود ۲۰ کشور در اوایل دهه ۷۰ خورشیدی.



توسعه (مواد ۲۱ و ۱۵۰) محقق شود که هیچ‌یک از مطالعات انجام‌شده در این چارچوب در سال‌های ۸۲، ۸۵، ۹۲ و ۹۵ به سرانجام مورد نظر نرسیدند.

از دلایل عدم تحقق آن آرزوی تاریخی و ضرورت توسعه‌ای و احکام قانونی می‌توان به مواردی همچون فقدان اراده سیاسی لازم، عدم درک و شناخت صحیح از راهبرد توسعه صنعتی، ضعف تحلیل وضعیت موجود و آسیب‌شناسی و عدم مشارکت‌دهی ذی‌نفعان در تهیه و تدوین این سند ملی اشاره کرد.

در فقدان این نگاه راهبردی و وجود سند حاکمیتی (استراتژی توسعه صنعتی) برای الزام مجریان به حرکت در این مسیر، کشتی صنعت و توسعه صنعتی کشور بی‌قطب‌نما در اقیانوس مطالعات اقتصاد جهانی هر روز به سمت و سویی روان است و جهت‌نمای آن چک و چانه زدن سیاستمداران و عدد و رقم‌سازی و منافع و تصورات کاذب کسانی است که حتی از پس هدایت قایقی کوچک در رودخانه‌ای آرام هم بر نمی‌آیند!

امروز با توجه به تجارب گذشته و نمونه‌های موفق جهانی می‌توان چنین گفت که توسعه به طور اعم و توسعه صنعتی به طور اخص به عنوان یک ضرورت حیاتی و خواست ملی جز در قالب تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و مبتنی بر مدل اقتصاد آزاد و رقابتی و برآمده از اجماع ملی و حضور و مشارکت آحاد جامعه و به خصوص بخش خصوصی و نهاد و تشکل‌های نمایندگی‌کننده آن و در تعامل با جهان و مبتنی بر یک نقشه و راهبرد توسعه‌ای صنعتی ممکن نمی‌شود، ۱۱ برنامه توسعه و چند راهبرد توسعه صنعتی تدوین و اجرا شده تاکنون گواه آن است و برنامه اخیر نیز جز تکرار این ناکامی متأسفانه نخواهد بود!

«طرح‌های کلان پیش‌ران و زنجیره ارزش» به موضوعات صنعتی و معدنی پرداخته شده است. از جمله مهم‌ترین نکات این مواد عبارتند از: «صدور، تمدید و لغو جوازهای تاسیس واحدهای صنعتی بر اساس ایجاد توازن و رفع ناترازی زنجیره‌های تولید و ملاحظات سند ملی آمایش سرزمین» (بند «ت» ماده ۴۸)، «لغو معافیت‌های مالیاتی حاصل از صادرات مواد معدنی و فلزی و غیرفلزی و محصولات پتروشیمی و...» (بند «ث» ماده ۴۸)، «وضع عوارض کاهنده با لحاظ یارانه‌های مستقیم متعلقه صادرات مواد خام و نیمه‌خام در طول زنجیره ارزش» (بند «ج» ماده ۴۸) و «ممنوعیت هرگونه توقیف و ضبط ماشین‌آلات، ابزار تولید، تجهیزات و مواد اولیه واحدهای تولیدی و بازداشت یا حبس مدیرعامل یا اعضای هیات‌مدیره...» (بند «ذ» ماده ۴۸) چنانکه مشخص است هیچ‌یک از این مواد-که در جای خود دارای ارزش و اعتبارند- مواردی راهبردی برای عبور از تنگنای ساختاری و تاریخی توسعه صنعتی آنچنان که اشاره شد نیستند، لذا از هم‌اکنون می‌توان حدس زد، حتی در صورت تصویب بی‌کم و کاست این مواد و عدم تغییر آنها در هزارتوهای دیوانسالاری اداری در مراحل تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و... کمتر تأثیری بر روند ناگوار توسعه صنعتی کشور در حال حاضر خواهند گذاشت، چراکه آن ضرورت‌های بنیادینی که باید پشتوانه و ضامن اجرایی شدن این مواد در قالب یک سند ملی مورد اجماع باشند (سند استراتژی توسعه صنعتی) مفقود هستند.

مهم‌ترین چالش این حوزه همچنان فقدان استراتژی توسعه صنعتی برای تبیین چگونگی ارتقای صنعتی دولت‌مدار، نفت‌محور و محدود شده به بازار داخلی است؛ ضرورتی که مقرر بود طبق موادی از برنامه‌های چهارم و پنجم

معنا و مفهوم این اعداد و ارقام آن است که به سبب روند نزولی رشد ارزش افزوده و سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی و نیز افزایش شدید اتکای تولید صنعتی به انرژی و منابع معدنی شاهد تنزل جایگاه صنعت و سرمایه‌داری صنعتی در کشورمان هستیم که این خود سبب اختلال در فرآیند توسعه اقتصادی، کاهش قدرت ملی و تحمیل آثار سوء عدیده اقتصادی و اجتماعی داخلی خواهد بود.

این وضعیت بس ناگوار ساختار بنگاهی، محصول غلبه و حاکمیت سیاست درون‌گرایانه و مبتنی بر خودکفایی و جایگزینی واردات بوده که طی سال‌های اخیر و به بهانه مقابله با تحریم‌های بین‌المللی، بیش از پیش تشدید شده است؛ سیاستی که به حمایت‌های غیرهدفمند و توزیع رانت و ارزان‌سازی انرژی متکی است و اشتغال بسیار پایینی را رقم می‌زند.

در حالی که از دید کارشناسان اقتصادی و صنعتی سیاستی پیش‌برنده توسعه صنعتی است که با مجموعه رویکردهای همه‌گانه در اقتصاد کلان و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی، مشارکت صنعت کشور در زنجیره ارزش جهانی را هدف بگیرد و صنایع متکی به دانش فنی و ساخت‌محور را تقویت کند. متأسفانه آنچه در حال حاضر حاکم بر فضای صنعت کشور است تداوم توسعه‌ای معیوب و تداوم اجرای طرح‌ها و پروژه‌هایی است که با اعمال فشار سیاسی و جلب حمایت‌های دولتی انجام می‌شود؛ مسیری که هر روز بر بغرنج‌تر شدن مشکلات صنعت کشور و ناکارآمدی این حوزه کلیدی اقتصاد می‌افزاید.

۴- در فصول مختلف لایحه برنامه هفتم توسعه از این ضرورت‌های توسعه صنعتی کمتر نام و نشانی مشاهده می‌شود. به طور خاص نیز در چند بند ماده ۴۸ برنامه در ذیل سرفصل







دکتر ساسانی نظریه پرداز توسعه پایدار در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## تله‌های ذهنی مانع پیشرفت مدیران صنایع

تجربه همیشه قطب‌نمای مفیدی نیست

«جهان صنعت» - مدیران صنعت باید بدانند تجربه آنان همیشه یک قطب‌نمای مفید نیست. هر چند ممکن است بارها و بارها به کمک‌شان بیاید، اما لزوماً همیشه یاری‌دهنده نیست. در گذشته وقتی همه چیز آرام‌تر تغییر می‌کرد دست‌های بسیار و درهم‌تنیده، به شکلی که امروز با آن مواجه هستیم، در رقم زدن یک اتفاق نقشی نداشتند و می‌توانستیم برای پیش‌بینی آینده نزدیک به تجربه‌های مان تکیه کنیم ولی امروز نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم و این ویژگی دنیای کسب‌وکار امروز است که ما از آن غافل هستیم و حاضر نیستیم در خودمان تغییر و تحول ایجاد کنیم. در همین راستا با دکتر حسین ساسانی نظریه‌پرداز توسعه پایدار به گفت‌وگو نشستیم تا نظر او را در مورد حال و روز فعلی صنایع در ایران و راه‌های برون‌رفت از این شرایط را با توجه به اوضاع پیچیده امروز در دنیا جویا شویم. در ادامه گفت‌وگوی «جهان صنعت» با دکتر ساسانی دبیرکل سابق کنفدراسیون صنعت ایران را می‌خوانید.

معنای این حرف‌ها این است؛ تا زمانی که مدیران و صاحبان صنایع، عادت‌ها و دیدگاه‌ها و پارادایم‌های گذشته را کنار نگذارند و در چارچوب‌های جدید به فکر ساختن باورهای جدید نباشند و در گذشته زندگی کنند، نباید انتظار داشته باشیم که تحول موثر در توسعه کسب‌وکارها داشته باشیم و کشور در مسیر توسعه پایدار قرار بگیرد.

■ به نظر شما چرا در کشور استراتژی توسعه صنعتی نداریم؟

از سال ۱۳۸۴ تدوین استراتژی توسعه صنعتی در ایران کلید خورد. پس از آن هر وزیری که بر سر کار آمد برای خود مجموعه‌ای را در قالب استراتژی توسعه صنعتی تهیه کرد که هیچ‌کدام از آنها قابل قبول نبود. با نگاهی به استراتژی توسعه صنعتی ترکیه که بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ نوشته شده است، در می‌یابیم که ترکیه به تمامی شاخص‌ها و اهدافی که طی این ۲۰ سال مشخص کرده بود، دست یافته است. بنابراین دلیل اینکه ما استراتژی توسعه صنعتی نداریم این است که به این حرف‌ها باور نداریم، اگر چه سال‌هاست که این معضل را بیان می‌کنیم و گوش شنوایی برای آن وجود ندارد.

کسانی که در دولت و بخش خصوصی به عنوان متولیان صنعتی و اقتصادی کشور شناخته می‌شوند، هیچ‌کدام به معنای واقعی اعتقاد به ضرورت نیاز کشور به استراتژی توسعه صنعتی ندارند، ضمن اینکه این موضوعات در جهان امروز در حال منسوخ شدن است، چراکه شرایط در حال پیچیده شدن است.

پیدا می‌کنند. در محیط‌های پیچیده، رهبران کسب‌وکار باید راه‌های جدیدی برای رهبری خود و دیگران بیابند. درک راه‌های جدید برای توجه و فرار از تله‌های ذهنی از یک مدیر ابرقدرت ساخته است. رهبران کسب‌وکاری که بیش از حد به داستان‌های قهرمانی خود در گذشته اعتقاد دارند، با همان تصویر به آینده نگاه می‌کنند، ممکن است بسیار اغواگر، فریبنده و در عین حال ویرانگر باشند. برای رهایی از این دام، باید راه‌حل‌های جدیدی را برای حل مشکلات پیدا کنند.

احساس درست بودن چیزی الزاماً به این معنی نیست که آن چیز درست باشد. هر یک از ما باور داریم دنیا همان طوری است که ما می‌بینیم، اما حقیقت چیز دیگری است. ما جهان را همان طوری می‌بینیم که خودمان هستیم و نه آن گونه که هست. ما به چیزهایی که می‌بینیم باور داریم و به آن چیزهایی که نمی‌بینیم توجه نمی‌کنیم؛ از این‌رو در باره اکثر چیزها «احساس بر حق بودن» داریم. این نگاه باید در مدیران و صاحبان صنایع تغییر کند.

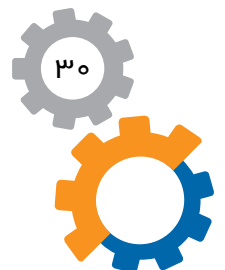
درست زمانی که رهبران کسب‌وکار به این باور می‌رسند که در جهانی پیچیده حق با آنهاست و آنان درست تصمیم می‌گیرند، به موجوداتی خطرناک بدل می‌شوند، زیرا همه داده‌هایی را نادیده می‌گیرند که نشان می‌دهد آنها اشتباه می‌کنند و به حرف کسانی که دور و برشان هستند گوش نمی‌دهند و به جای اینکه در جهان واقعی زندگی کنند، در دام دنیایی گرفتار می‌شوند که خودشان ساخته‌اند.

■ آقای دکتر! به نظر شما فضای کسب‌وکار امروز ایران در مقایسه با دو، سه دهه گذشته چه تغییری کرده است و مدیران صنایع باید توجه خود را به چه موضوعات جدیدی معطوف کنند تا بتوانند برای مسائل خودشان راهکارهای سیستمی داشته باشند؟

رهبران کسب‌وکار در زمانه ما پرمشغله‌تر از گذشته هستند و این صرفاً به علت حجم تقاضاهای بیشتر از آنها نیست، بلکه علاوه بر آن، انجام کارهایشان به زمان بیشتری نیاز دارد. ماهیت چالش‌ها و مسائلی که مدیران امروز با آنها مواجه می‌شوند، تغییر کرده است و راهکارها و سبک و سیاق پیشین، پاسخگوی این مشکلات نوظهور نیست. مدیران و کسب‌وکارهای ما مانند سیستم کامپیوتر قدیمی و خسته‌ای هستند که فایل‌های متعددی روی آن باز شده است. برای اینکه بتوانیم با آن کار کنیم باید همه این فایل‌ها را ببندیم و بعضی را پاک کنیم و فقط یک فایل را باز نگه داریم. ذهن‌های ما هم مشابه این سیستم قدیمی کار می‌کند. بنابراین باید یاد بگیریم سیستم‌های جدیدی را به کار بگیریم تا مشکلات ما کمتر شود.

مدیران و صاحبان صنایع باید همواره از خودشان این سوال را بکنند؛ اگر می‌خواهیم در اوضاع پیچیده امروز به خوبی مدیریت کنیم، مهم‌ترین چیزهایی که باید تغییر بدهیم چیست و چه تله‌های ذهنی ما را گرفتار خودشان می‌کنند؟ شناسایی آن تله‌ها و عبور از آنها مدیران صنایع را از شرایط پیچیده‌ها و برای مسائل مبهم و پیچیده‌مان، راه‌حل‌های مناسبی

درست زمانی که رهبران کسب‌وکار به این باور می‌رسند که در جهانی پیچیده حق با آنهاست و آنان درست تصمیم می‌گیرند، به موجوداتی خطرناک بدل می‌شوند، زیرا همه داده‌هایی را نادیده می‌گیرند که نشان می‌دهد آنها اشتباه می‌کنند و به حرف کسانی که دور و برشان هستند گوش نمی‌دهند



در حال حاضر  
دیگر دنیا، تدوین  
استراتژی توسعه  
صنعتی در سطح  
کلان را کنار  
گذاشته است،  
بنابر این به جای  
نوشتن استراتژی‌ها  
در سطح کلان باید  
تک‌تک کسب‌وکارها  
به قدری توانمند  
شوند تا بتوانند  
ماموریت خود را  
انجام دهند

همکاری کردند و پول در اختیار شرکت‌ها قرار داده شد، اما نتیجه چه شد، کدام‌یک از شرکت‌ها توانستند محصولاتی ارائه دهند که توان رقابت با محصول مشابه در دنیای پیشرفته را داشته باشد.

#### ■ دخالت‌های دولت تا چه میزان مانع پیشرفت صنایع کشور شده است؟

من دخالت دولت را نفی نمی‌کنم، اما در حال حاضر شرکت‌هایی در ایران وجود دارند که برخلاف دخالت‌های دولت هم توانسته‌اند پویایی داشته باشند و موفقیت‌ها و دستاوردهایی کسب کنند. باید تاکید کنم که اگر دولتی وجود نداشت، دخالتی هم نمی‌کرد. در صورتی که خود و سازمان خود را توانمند نمی‌کردیم و معماری سازمان را بر اساس چارچوب‌های روز دنیا ایجاد نمی‌کردیم، باز نمی‌توانستیم موفق شویم. اینکه صرفاً دولت را مشکل بدانیم راهگشا نیست و مشکلی را هم حل نخواهد کرد. صنعت کشور برای اینکه خود را کنار بگذرد، همه امور را به گردن دیگری می‌اندازد، چرا که در پارادایم گذشته زندگی می‌کند، شیوه‌های ۳۰ سال گذشته و اصرار بر تجربه‌های قدیمی دیگر جواب نمی‌دهد.

#### ■ بخشنامه‌های خلق الساعه و تصمیمات آنی دولت و همچنین عدم تدوین استراتژی توسعه صنعتی، بخش خصوصی را گرفتار کرده است. در چنین شرایطی چه باید کرد؟

بخش خصوصی هر چقدر هم که به دولت فشار بیاورد این اتفاق رخ نخواهد داد. زمانی که دولت گوش شنوایی ندارد و حاضر نیست به خاطر منافع خودش یک برنامه‌ای را تدوین کند، تکلیف بخش خصوصی چیست؟ بخش خصوصی باید خود را آماده این شرایط کند، کسب‌وکارهای ما باید یاد بگیرند در آب‌های خروشان حرکت کنند. تا زمانی که کسب‌وکارها و صنعت ما نتوانند در شرایط سخت خود را توانمند کنند، توسعه نخواهند یافت.

فعالان حوزه صنعت باید بپذیرند فارغ از اینکه دولت آنها را همراهی می‌کند یا نه، دولت خوب است یا بد، بتوانند در آب‌های خروشان قایق سواری کنند، در غیر این صورت غرق خواهند شد. آب‌های آرام همان پارادایم گذشته است و پارادایم جدید آب‌های خروشان است. اگر بخش خصوصی ما می‌خواهد موفق شود باید قابلیت‌های لازم برای قایق سواری در آب‌های خروشان را به دست آورد.

و فرآیندها، بنابراین معماری این سازمان به دلیل اینکه پویاست و موجود زنده در آن وجود دارد، پیچیده است، در صورتی که ساختمان پویا نیست. سازمان هر لحظه در حال تغییر است، چرا که انسان‌ها در حال تغییر هستند. بنابراین مدیریت و معماری کردن سازمان‌ها بسیار کار پیچیده و دشواری است و اگر یاد نگیریم چگونه سازمان‌ها را معماری کنیم با مشکل مواجه شده و گرفتار می‌شویم، اینجا زمانی است که می‌گوییم دولت همکاری نمی‌کند.

در برهه‌ای از زمان، پول فروش نفت افزایش یافت و درآمدهای عجیبی به کشور سرازیر شد و بانک‌ها مبالغ زیادی را در اختیار بخش خصوصی گذاشتند، کدام‌یک از این شرکت‌ها توانستند موفق شوند و از این منابع استفاده کنند؟ آنها فکر می‌کردند مشکلشان منابع مالی است، در صورتی که راه و روش استفاده از منابع مالی را نمی‌دانستند. در حال حاضر هم این عدم تامین منابع مالی از سوی بانک‌ها را به عنوان مشکل مطرح می‌کنند، در صورتی که ۱۵ سال پیش بانک‌ها منابع مالی هنگفتی را به همین شرکت‌ها دادند و این شرکت‌ها نتوانستند در این خصوص دستاوردی داشته باشند. بنابراین باید گفت که مشکل آنها عدم تامین منابع مالی نیست، چرا که روانه کردن منابع مالی زیاد به این کارخانه‌ها، در واقع هدررفت منابع مالی کشور است. به‌طور مثال در حال حاضر تکنولوژی‌هایی در برخی کارخانجات وجود دارد که روش استفاده از آنها را نمی‌دانند، یا منابع مالی در اختیارشان قرار می‌دهیم که راه استفاده از آن را نمی‌دانند و در جای دیگر خرج می‌کنند.

#### ■ امروزه گفته می‌شود که مشکل اصلی صنایع کشور بحث تامین منابع مالی است. نظر شما در این خصوص چیست؟

مشکل را باید در درون افراد و سازمان‌ها جست‌وجو کرد و تا زمانی که توسعه پیدا نکنند کاری پیش نخواهد رفت و پیشرفتی در این خصوص حاصل نخواهد شد. امروزه گفته می‌شود که مشکل اصلی صنایع تامین منابع مالی است، در صورتی که این طور نیست. زمانی که بنده دبیر کل کنفدراسیون صنعت ایران بودم، هر سال کتابچه‌ای تحت عنوان «مشکلات و موانع صنعت» منتشر می‌کردیم، در این کتابچه اولین مانع عدم تامین منابع مالی، عدم همکاری بانک‌ها و شرکت‌ها ذکر می‌شد، اما در سال‌هایی بانک‌ها

در بسیاری از صنایع یک روند رو به رشد از نوسان، عدم قطعیت و پیچیدگی در کسب‌وکار، بازارها را آشفتگی و ماهیت رقابت را تغییر می‌دهد. این شرایطی است که برای آن از کلمه مخفف «ووکا» استفاده می‌شود. جهان «ووکا»، جهانی بی‌ثبات و سرشار از عدم قطعیت، پیچیده، مبهم و رازآلود است. بنابراین با توجه به جهان «ووکا» و شرایط موجود نیازی به تدوین برنامه‌ای ۱۰ یا ۲۰ ساله برای توسعه صنعتی نیست.

#### ■ به نظر شما پیشرفت، توسعه و ارتقای شاخص‌های صنعتی بطور اتفاق خواهد افتاد؟

در حال حاضر دیگر دنیا، تدوین استراتژی توسعه صنعتی در سطح کلان را کنار گذاشته است، بنابراین به جای نوشتن استراتژی‌ها در سطح کلان باید تک‌تک کسب‌وکارها به قدری توانمند شوند تا بتوانند ماموریت خود را انجام دهند. به‌طور مثال زمانی که فردی در حوزه صنعت مواد غذایی فعالیت می‌کند، باید بتواند محصولی تولید کند که قابلیت رقابت‌پذیری را در صنعت خود در سراسر جهان داشته باشد. یا فردی که در خودروسازی فعالیت می‌کند، خودروبی تولید کند که توان رقابت و فروش در سطح جهانی داشته باشد، زمانی که تولیدکننده خودروبی تولید کند که مشتری نداشته باشد، درآمدی هم نخواهد داشت. بنابراین راه پیشرفت، توسعه و ارتقای شاخص‌های صنعتی این است که اجازه دهیم کسب‌وکارها و صنایع مختلف کار خود را انجام دهند به شرطی که آنها هم خودشان را توانمند کنند. درآمد حاصل از این کسب‌وکارها در آمد کشور را در بخش صنعت تشکیل می‌دهد که به آن تولید ناخالص ملی گفته می‌شود. در حال حاضر تولید ناخالص ملی از دل فعالیت‌های شرکت‌ها، کسب‌وکارها و صنایع به وجود می‌آید نه از دل کتابچه‌ها. دیگر زمان آن گذشته که بتوان از کتابچه‌ها درآمدزایی کرد. در عمل باید تمام کسب‌وکارها متعهد باشند به شرطی که از روش‌های سنتی و قرن بیستمی و ماشینی فاصله بگیریم و یک سازمان بسازیم.

ساختمان با سازمان در ادبیات از یک مفهوم تبعیت می‌کنند، به این معنا که هر دو از فعل ساختن تشکیل شده‌اند، اما ساختمان یک موجود غیرزنده است که عناصر آن از آجر و سیمان تشکیل شده در حالی که عناصر سازمان، موجود زنده است؛ انسان‌ها، سیستم‌ها

گفت‌وگو







یک فعال صنعت نساجی با انتقاد از مغفول ماندن این صنعت:

## متاسفانه دیده نمی شویم!

چرا مواد اولیه گران تر از نرخ بازارهای جهانی به تولیدکننده می رسد؟

سپیده سادات خرمگاه - صنعت نساجی صنعتی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت یا از ارزش آفرینی قابل توجه آن در اقتصاد صرف نظر کرد، اما متاسفانه این صنعت که با سرمایه خیلی کم، ارزش افزوده بالایی را ایجاد می کند، در کشور ما دیده نمی شود، آن هم در شرایطی که کشوری مثل ترکیه با تمرکز بر صنعت نساجی و پوشاک، هر روز رکوردهای جدیدی از جذب مشتری در این حوزه را ثبت می کند و برای چندین سال آینده خود نیز برنامه ریزی اساسی انجام داده است. در حال حاضر صنعتگران حوزه نساجی علی رغم اینکه همچون دیگر صنعتگران با مشکلات تامین مالی، گرانی مواد اولیه، محدودیت های انرژی و... روبه رو هستند، با کم لطفی دولت مردان و عدم استقبال مصرف کنندگان نیز دست و پنجه نرم می کنند و با اینکه طی سال های گذشته پیشرفت های قابل توجهی داشته اند، اما همچنان مورد بی مهری قرار گرفته اند.

حوزه علاوه بر اشتغال آفرینی، قدرت آفرینی می کنند. از جمله این کشورها می توان به ترکیه و بنگلادش اشاره کرد که به عنوان مثال رشد ناخالص ملی ترکیه به بالای ۸ درصد افزایش یافته و این کشور با تکیه بر صنعت نساجی در جهان قدرت پیدا کرده است.

نکته قابل توجه اینکه هر فرد برای ورود به صنعت نساجی به سرمایه ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومانی نیاز دارد، اما به عنوان مثال برای ایجاد یک شرکت پتروشیمی، یک میلیون دلار باید سرمایه گذاری شود. این در حالی است که یک صنعت مادر مثل نساجی با سرمایه گذاری کم اما اشتغال آفرینی بالا، به دلایل مختلف مغفول مانده است. با اینکه لباس ها، پرده ها و پارچه رومبلی های منازل ما همگی تولیدات صنعت نساجی هستند اما متاسفانه یکی از بزرگ ترین مشکلات این صنعت این است که دیده نمی شود.

از طرفی وقتی صنعتی دیده نمی شود، مطمئناً سرمایه گذاری، اشتغال آفرینی و اشتغالزایی در این صنعت نیز کاهش پیدا می کند. از سوی دیگر وقتی سرمایه گذاری انجام نشود، نوسازی در حوزه ماشین آلات نیز صورت نمی گیرد و ماشین های به روز نیز تولید نمی شوند و در نهایت صادرات نیز به مشکل می خورد، اما اوضاع وقتی بحرانی تر می شود که نتیجه تمامی این چالش ها به ورشکستگی کارخانه ها منتهی شود.

کوتاه مدت درآمد مناسبی داشته باشند و برای زندگی آینده خود برنامه ریزی کنند، در حالی که واقعیت این نیست. اگر صنعت کشور ما قوی باشد، اقتصاد کشور رشد می کند و کیفیت و رفاه زندگی مردم نیز افزایش پیدا می کند.

موضوع دوم مرتبط با سرمایه گذاری مستقیم در کشور است که در حال حاضر رشد آن رو به منفی شدن رفته است. این در حالی است که موضوع سرمایه گذاری حتی از بحث های اشتغالزایی نیز اهمیت بیشتری دارد. موضوع سوم بحث صادرات است که کمتر به آن توجه می شود و در ارتباط با صنعت نساجی نیز با اینکه پتانسیل های قابل توجهی وجود دارد، اما به این قابلیت توجه چندانی نمی شود.

■ هر چند صنعت نساجی از نگاه دولت مغفول مانده، اما کارشناسان همواره از این صنعت به عنوان صنعتی که می تواند با کمترین سرمایه، اشتغالزایی بالایی داشته باشد و بالاترین ارزش افزوده را نیز ایجاد کند یاد می کنند. لطفاً در این خصوص بیشتر توضیح دهید.

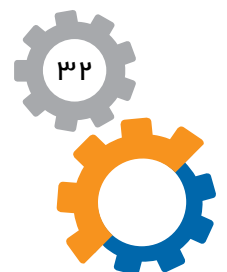
بر اساس آمارها، حدوداً یک میلیون شغل مستقیم در صنعت نساجی وجود دارد که اگر اصناف و فروشندگان پوشاک را نیز به آن اضافه کنیم، بیش از ۲ میلیون نفر در صنعت نساجی فعالیت می کنند. بر همین اساس کشورهای دیگر از این نقطه قوت صنعت نساجی استفاده می کنند و با سرمایه گذاری در این

در همین خصوص با امین مقدم مدیر عامل شرکت صنایع نساجی زرباف امین که تولیدکننده پارچه های تاری، پودی، تکمیل و رنگرزی پارچه است گپ و گفتی انجام دادیم تا راهکارهای او را برای پررنگ شدن صنعت نساجی در نگاه مسوولان و همچنین در اقتصاد جویا شویم. این تولیدکننده بخش خصوصی با بیان اینکه یکی از بزرگ ترین مشکلات این صنعت این است که دیده نمی شود، اعلام کرد در حال حاضر برخی کارخانه ها به جای اینکه مواد اولیه خود را از داخل خریداری کنند، از خارج وارد می کنند، چرا که دولت مواد اولیه را گران تر از نرخ بازارهای جهانی به تولیدکننده می فروشد و علت آن هم مشخص نیست. در ادامه گفت و گوی «جهان صنعت» با مدیر عامل شرکت صنایع نساجی زرباف امین را می خوانید.

■ شما به عنوان تولیدکننده پارچه و فعال صنعت نساجی که سال هاست زمان و سرمایه خود را صرف این صنعت کرده اید، مشکلات این صنعت را چه می بینید؟

به طور کلی بنده مشکلات صنعت نساجی را به سه بخش دسته بندی کردم: نخست بحث اشتغالزایی و اشتغال آفرینی است که البته تنها صنعت نساجی نیست و معضل کل کشور است. در حال حاضر برخی جوان های کشور ما تصور می کنند اگر در زمینه شغل های زودبازده فعالیت کنند و وقت خود را در حوزه هایی مثل تولید صرف نکنند، می توانند در

هر فرد برای ورود به صنعت نساجی به سرمایه ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومانی نیاز دارد، اما به عنوان مثال برای ایجاد یک شرکت پتروشیمی، یک میلیون دلار باید سرمایه گذاری شود. این در حالی است که یک صنعت مادر مثل نساجی یا سرمایه گذاری کم اما اشتغال آفرینی بالا، به دلایل مختلف مغفول مانده است



ارزش سالانه بازار نساجی و پوشاک در دنیا ۱۸۰۰ میلیارد دلار است در حالی که گردش مالی پوشاک و نساجی در کشور ما تنها ۹ میلیارد دلار است؛ یعنی ۰/۶ درصد دنیاست. چنین آماری برای کشوری که دارای پتانسیل‌های قابل توجهی در حوزه نفت و پتروشیمی است و نیروهای جوان و مستعدی دارد، بسیار تاسف‌آور است

در همین راستا تولیدکنندگان طی سال‌های اخیر این موضوع را مد نظر قرار داده‌اند و حتی می‌بینیم که فروشگاه‌های پوشاک نیز علاوه بر اینکه فضای مطبوعی برای حضور خریدار فراهم کرده‌اند، در بخش دکور و... اقداماتی انجام می‌دهند که مخاطب را جذب کنند.

علاوه بر تمرکز بر حوزه طراحی و مد و همچنین افزایش کیفیت، بازاریابی نیز از مسائل مهمی است که متأسفانه سال‌هاست از آن غافل هستیم. در این زمینه مدیران مجموعه‌های تولیدی باید اطلاعات خود را بالا ببرند و با روش‌های بازاریابی در دنیا آشنا شوند. به عنوان مثال بنده برای اینکه تمایل دارم با علم روز مدیریت و بحث‌های مرتبط با حوزه بازاریابی جلو بروم، همچنان در حال تحصیل در دانشگاه هستم.

■ **صادرات یکی از مسائل مهمی است که در صنعت نساجی از آن غافل هستیم. لطفاً در این خصوص توضیح دهید.**

در این زمینه لازم است بنده یک آمار خیلی زشت را اعلام کنم، زشت از آن جهت که به شدت جای تاسف دارد. کل صادرات کشور ما در سال گذشته، ۷۸۰ میلیون دلار بوده در حالی که در ۵ ماهه ابتدایی امسال، ترکیه ۶ میلیارد دلار صادرات داشته است. همچنین این کشور برنامه‌ریزی کرده که تا ۵ سال آینده، صادرات خود را به ۳۸ میلیارد دلار افزایش دهد. این در حالی است که کل صادرات ترکیه که نفت هم ندارد، ۲۵۴ میلیارد دلار بوده، در صورتی که کل صادرات غیرنفتی کشور ما به ۶۰ میلیارد دلار هم نرسیده است. بنابراین اگر چه ترکیه هم با تورم خیلی بالا دست و پنجه نرم می‌کند، اما به هر حال توانسته بدون نفت در صنایع همچون نساجی قدرت ایجاد کند. نکته مهم دیگر اینکه ارزش سالانه بازار نساجی و پوشاک در دنیا ۱۸۰۰ میلیارد دلار است در حالی که گردش مالی پوشاک و نساجی در کشور ما تنها ۹ میلیارد دلار است؛ یعنی ۰/۶ درصد دنیاست. چنین آماری برای کشوری که دارای پتانسیل‌های قابل توجهی در حوزه نفت و پتروشیمی است و نیروهای جوان و مستعدی دارد، بسیار تاسف‌آور است.

در این میان باید به آمار دیگری نیز اشاره کنم. بر اساس آنچه مرکز ملی آمار اعلام کرده است، ما در بنگاه‌های بالای ۱۰ نفر سهم ۷ درصدی داریم و اشتغال کشور ما از صنعت در حوزه نساجی ۶/۵ درصد است. همچنین در هر تن، ۶ هزار دلار ارزآوری داریم و جزو صنایع پرقدرد و مهم در حوزه سرمایه‌گذاری مطرح می‌شویم ولی متأسفانه دیده نمی‌شویم.

■ **برای رشد و توسعه صنعت نساجی چه راهکارها و پیشنهادهای دارید؟**

در این خصوص بنده چند راهکار و پیشنهاد را خدمت شما ارائه می‌دهم که در ۶ محور جمع‌بندی شده است. نخست اینکه ایران به دلیل داشتن منابع گازی و تولیدات نساجی، بستر مناسبی برای صادرات محسوب می‌شود و باید با جلوگیری از صادرات کالاهای خام، محصول و ارزش افزوده ایجاد کنیم. به عنوان مثال یک کیلو پنبه شاید ۱۰۰ هزار تومان قیمت داشته باشد، اما یک تیشرت پنبه‌ای، ۸۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود و اگر برند جهانی نیز داشته باشیم، می‌توانید این کالا را با نرخ ۸ میلیون تومان عرضه کنید. در حالی که هیچ صنعتی به این میزان ارزش آفرینی ندارد و به همین دلیل تمام فعالان اقتصادی در دنیا به این مسأله اذعان و ایمان دارند که نساجی، پوشاک و چرم ارزش آفرینی قابل توجهی دارد. بنابراین در حوزه پتروشیمی توقع داریم که عملاً

است که دولت باید عرضه و تقاضا را به سطح منطقی برساند، همچنین باید این موضوعات را ریشه‌یابی کند که چرا مواد اولیه گران‌تر از نرخ بازارهای جهانی به تولیدکننده می‌رسد؟ بحث عرضه و تقاضا در همه جای دنیا منطقی و بر اساس اصول مشخص است. در واقع این‌طور نیست که تولیدکننده مواد اولیه خود را گران‌تر از بازارهای جهانی خریداری و بعد بتواند کالایی با کیفیت مناسب و نرخ رقابتی تولید کند که در بازارهای جهانی حرفی برای گفتن داشته باشد. این در حالی است که وقتی مواد اولیه یک صنعت از سوی منابع تامین‌کننده داخلی با نرخی بالاتر از قیمت جهانی به فروش می‌رسد، بستر سرمایه‌گذاری در آن صنعت نیز نامفهوم است و سرمایه‌گذاران رغبتی به آن حوزه نشان نمی‌دهند.

■ **در حال حاضر کارخانه‌های محدودیت‌های حوزه انرژی و قطعی برق چقدر خسارت می‌بینند؟**

مشکل کمبود گاز در زمستان و کمبود برق در تابستان به دغدغه خیلی مهمی برای صنایع کشور تبدیل شده است، در حالی که دولت برای حل این مشکل برنامه اساسی ندارد. ما هم مثل بسیاری دیگر از صنایع یک روز در هفته به صورت کامل برق نداریم و سوال ما این است که زیان این قطعی برق را چه کسی می‌دهد؟ هزینه اضافه کار پرسنل و کارگران در روز تعطیل را چه کسی می‌دهد و مهم‌تر از آن اینکه اگر تولید ما عقب بیفتد، چه کسی پاسخگو است؟ مصرف‌کننده نهایی کاری به مشکلات موجود در حوزه تولید ندارد و اگر تولیدات یک کارخانه به فصل نرسد، نیاز خود را از جای دیگر تامین می‌کند.

این در حالی است که در ارتباط با صنعت برق کشور سرمایه‌گذاری مناسبی انجام نشده است. بر اساس شنیده‌های بنده، حدود ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در صنعت برق نیاز است که صنعت ایران در این حوزه به‌رور شود و بتوانیم از بخش‌های صنعتی و خانگی پشتیبانی کنیم، اما آیا این میزان سرمایه‌گذاری انجام می‌شود؟ تنها در صورتی که بستری مناسب برای سرمایه‌گذاران ایجاد کنیم، آنها به ایران می‌آیند و در حوزه‌هایی مثل انرژی‌های خورشیدی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

■ **به نظر شما برای افزایش کیفیت تولید داخل و حضور پررنگ در بازارهای جهانی، تولیدکنندگان چه وظایفی دارند؟**

تمرکز بر بخش طراحی و مد یکی از مهم‌ترین اولویت‌های تولیدکنندگان پوشاک به عنوان لکوموتیو صنعت نساجی است. اگر چه در راستای حمایت از تولیدکنندگان پوشاک، ممنوعیت واردات پوشاک اجرایی شده است اما این اقدام از جهات دیگر برای تولید کشور خطر دارد، چرا که تولیدات خود را به‌رور نمی‌کنیم و شاید این‌طور تصور کنیم که هر چه تولید کنیم، مردم خریداری می‌کنند. اما شما به عنوان مصرف‌کننده تمایل دارید کالای با کیفیت خریداری کنید. البته باید این واقعیت را هم مد نظر داشت که تولیدات پوشاک کشور ما نسبت به گذشته پیشرفت زیادی داشته اما همچنان باید در این زمینه کار انجام شود تا مردم اطمینان بیشتری نسبت به تولیدات داخلی پیدا کنند و با رضایت قلبی، جنس مورد نیاز خود را خریداری کنند. بنابراین تولیدکنندگان پوشاک برای اینکه به مصرف‌کننده احترام بگذارند باید کیفیت محصولات خود را بالا ببرند تا مردم مشتری آنها بشوند و اگر یک بار از یک برند و مجموعه خریدی انجام دادند، بار دیگر سراغ او بروند.

■ **به نظر شما علت اصلی کاهش رشد سرمایه‌گذاری در کشور و فرار سرمایه‌ها چیست؟**

از دست رفتن سرمایه‌ها و رشد منفی سرمایه‌گذاری به این دلیل است که نمی‌توانیم برای سرمایه‌گذاران داخلی و سرمایه‌گذارانی که به کشور ما می‌آیند، انگیزه ایجاد کنیم. در این میان بحث بوروکراسی‌های اداری، ضمانتنامه‌ها و امنیت سرمایه‌گذاری از دیگر مسائلی است که باعث می‌شود سرمایه‌گذار، برای فعالیت در ایران جذب نشود.

■ **در چنین شرایطی آیا دولت می‌تواند شعار سال جاری یعنی مهار تورم و رشد تولید را محقق کند؟**

برآوردها و آمارها نشان‌دهنده این است که مهار تورم اتفاق نیفتاده و تا زمانی که نقدینگی موجود در جامعه به سمت بخش تولید هدایت نشود، تورم کنترل نخواهد شد. آماری که اخیراً از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار اعلام شد حاکی از آن است که در فروردین ماه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل، تورم ۶۸ درصدی را تجربه کردیم که فاجعه است. مگر می‌شود با تورم ۶۸ درصدی زندگی مردم را جمع کرد؟

در حال حاضر واحدهای تولیدی به شدت با کمبود منابع مالی و سرمایه در گردش روبه‌رو هستند، اما بانک‌ها به‌وظیفه ذاتی خود در قبال بخش تولید عمل نمی‌کنند و حتی اگر این همکاری را هم انجام دهند، برای واحدهای تولیدی پرداخت سود بازپرداخت این تسهیلات بسیار دشوار است، بنابراین تولیدکننده از درآمد عقب می‌افتد. پس باید در حوزه‌های مختلف صنعتی، سرمایه‌گذاری انجام شود تا کارخانه‌ها مستهلک نشوند، اما متأسفانه در حال حاضر کمتر کسی در حوزه‌های مولد سرمایه‌گذاری می‌کند.

■ **با توجه به اینکه نهادهای تولید روزبه‌روز گران‌تر می‌شوند، صاحبان بنگاه‌های تولیدی از جمله خود شما در حال حاضر با چه شرایطی مواجه هستید؟**

در کشوری زندگی می‌کنیم که دارای منابع طبیعی و معدنی قابل توجهی است و به لحاظ منابع گازی، دومین کشور بعد از روسیه در جهان هستیم، اما با این وجود، مواد اولیه مورد نیاز صنایع نساجی به سختی تامین می‌شود. بیش از ۵۰ درصد تولیدات شرکت‌های نساجی وابسته به شرکت‌های نفتی و پتروشیمی ایران است اما نکته قابل تأمل این است که مواد اولیه مورد نیاز خود را که وابسته به شرکت‌های نفتی و پتروشیمی ایران است، از قیمت‌های جهانی گران‌تر خریداری می‌کنیم.

شاید برای شما عجیب باشد اما به عنوان مثال تهیه نخ از خارج کشور برای ما ارزان‌تر از تامین داخل تمام می‌شود، بنابراین در حال حاضر شاهد این هستیم که برخی کارخانه‌ها به جای اینکه مواد اولیه خود را از داخل خریداری کنند، از خارج وارد می‌کنند، در حالی که با این رویه، کارخانه ریسندگی نخ نمی‌تواند تولید کند، چرا که ناچار است از پتروشیمی الیاف خریداری و با قیمت جهانی بالاتر تولید کند، بنابراین فرد کارخانه‌دار، رنگرز یا بافنده به دلیل اینکه باید اقتصادی فکر کند و از پس حقوق پرسنل و هزینه‌های مالیاتی نیز بر آید، به دنبال خرید نخ ارزان‌تر یا به طور کلی مواد اولیه با قیمت مناسب‌تر است. نکته قابل توجه اینکه این زنجیره در هر قسمت که ضعیف شود، عملاً بستر سرمایه‌گذاری نیز در کل صنعت ضعیف خواهد شد. پس یکی از مطالب مهمی که وجود دارد این

گفت‌وگو



صادرات کالای خام نداشته باشیم و این کالاها را به موادی تبدیل کنیم که می‌تواند برای اقتصاد کشور ارزش افزوده ایجاد کند.

موضوع دوم بحث قاچاق و واردات بی‌رویه است. هر چند دو عامل افزایش نرخ ارز و افزایش کیفیت کالاهای ایرانی نسبت به گذشته باعث شده که در این زمینه مقابله انجام و قاچاق کمتر شود، اما باید بپذیریم همچنان کالای قاچاق وارد کشور می‌شود. این در حالی است که مقابله با قاچاق وظیفه دولت است و به بخش خصوصی ارتباطی ندارد، چرا که عملاً نمی‌توانیم مرزهای کشور را کنترل کنیم و جلوی واردات را بگیریم.

موضوع سوم هماهنگی در قیمت‌گذاری در ارتباط با مواد اولیه و مورد نیاز صنعت نساجی در بورس است. در این زمینه دولت باید از بخش خصوصی کمک بگیرد تا این هماهنگی ایجاد شود. در حال حاضر بنده عضو هیات نمایندگان اتاق ایران و تهران هستم، اما سوالی که در این باره وجود دارد این است که اصلاً چرا ما وارد بخش خصوصی و بدنه اتاق بازرگانی می‌شویم؟ اصولاً فعالان اقتصادی با تمام مشغله‌هایی که دارند، این وظیفه را نیز بر عهده می‌گیرند و وارد پارلمان بخش خصوصی می‌شوند که بتوانند مشاور دولت باشند و حرف‌ها و درد دل بخش خصوصی را به گوش دولتمردان برسانند، اما اگر از ما که بخش خصوصی هستیم در حوزه تصمیم‌گیری‌ها مشورتی خواسته نشود، با تصمیمات و ارائه بخشنامه‌های خلق‌الساعه رویه‌رو می‌شویم که با وجود آنها سرمایه‌گذاران محال است که سرمایه‌گذاری انجام دهند. در واقع این وضعیت نمی‌تواند ما را به ارتقا برساند و در این راستا باید دولتمردان علاوه بر تعامل با بخش خصوصی، آنها را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهند.

موضوع چهارم به بحث همکاری و همراهی بخش‌های خصوصی با بخش دولتی اختصاص دارد. دولت باید از بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی به عنوان مشاوران قوی کمک بگیرد. این در حالی است که اگر کمک نگیرد، تصمیمات نسنجیده‌ای اخذ می‌کند که کشور را از دستیابی به اهداف توسعه‌ای دور خواهد کرد.

موضوع پنجم را می‌توان با اشاره به شعار «ایرانی، کالای ایرانی بخرد» اعلام کرد. بحث فرهنگ‌سازی و مصرف کالای ایرانی در این حوزه اهمیت زیادی دارد. مردم ما نباید برای خرید کالای ایرانی احساس

اجبار کنند، بلکه باید با علاقه و میل باطنی نسبت به این کار اقدام کنند. در واقع باید کالای ایرانی را دوست داشته باشیم و با عشق خریداری کنیم که جوان ایرانی بیکار نشود. در مرحله بعدی این انرژی به کسی که در این شرایط بحرانی اقتصاد در حوزه تولید فعالیت می‌کند، منتقل می‌شود و این رفتار مردم و حمایت آنها از کالای ایرانی اجازه می‌دهد که صنعت رشد کند. البته همان‌طور که پیش از این هم اشاره کردم، ما تولیدکنندگان نیز باید کیفیت محصولات خود را بالا ببریم و از همه مهم‌تر اینکه بدانیم نیاز مصرف‌کننده چیست.

موضوع ششم به بحث آموزش اختصاص دارد. در حال حاضر بنده به عنوان کسی که ۲۸ سال مدیرعامل یک مجموعه تولیدی هستم، همچنان به دنبال یادگیری هستم. همچنین مهندسان کارخانه و مدیران میانی در کارخانه ما دوره‌های آموزشی دارند. به این ترتیب استادان مدیریت صنعتی را به محل کارخانه در سواه و قزوین می‌بریم تا نیروهای مجموعه ما آموزش ببینند و با گذراندن دوره‌های مختلف از جمله استعدادیابی، کارآفرینی، تولید بهنگام، انبارداری و...، دائم اطلاعات آنها به روز شود. اگر این اتفاق نیفتد، از دنیای امروز عقب می‌افتند و در نهایت با مفاهیم مهمی همچون بهره‌وری آشنایی پیدا نمی‌کنند.

نکته قابل تاملی که باید در نهایت به آن اشاره کنم، اهمیت مشتری‌نوازی است. امروز دیگر مشتری‌مداری معنا ندارد، بلکه باید مشتری‌نوازی کرد تا مشتری نسبت به یک برند و مجموعه تولید یا فروشگاه پوشاک حس اطمینان داشته باشد و کالای او را برای خرید انتخاب کند.

### ■ در حال حاضر میزان استقبال مردم از محصولات نساجی و پوشاک چقدر است؟

نگاهی به آمار نشان می‌دهد که تراکنش‌های شاپرک نسبت به تورم حدود ۱۵ تا ۱۷ درصد عقب است؛ یعنی ۱۰ درصد مردم عقب‌تر از تورم خرج می‌کنند. این در حالی است که هر ماه به این ۱۷ درصد اضافه و فشار به خانواده‌ها نیز بیشتر می‌شود. بنابراین باید این واقعیت را پذیرفت که مردم برای تامین مایحتاج مورد نیاز خود با توجه به حقوق‌های غیرمکفی‌شان ابتدا سراغ خوراک می‌روند و در نهایت اگر پولی باقی بماند سراغ پارچه و پوشاک می‌روند؛ موضوعی که کارخانه‌ها را دچار مشکل خواهد کرد، چرا که کمبود منابع مالی و افزایش هزینه‌های تولید

در کنار کاهش عرضه و فروش عملاً ادامه فعالیت کارخانه‌ها را به دور از منطق خواهد کرد.

### ■ به نظر شما حضور شخصی از جنس صنعت در مقام وزارت صمت می‌تواند منجر به بهبود عملکرد این وزارتخانه شود؟

با توجه به اینکه وزیر جدید صمت سال‌ها به عنوان مدیرعامل گروه مپنا فعالیت کرده و از طرفی جوانان بسیار مستعد و کارآفرین و فعال در حوزه‌های دانش‌پنیا با این مجموعه کار می‌کنند، به طور حتم تعامل شخص او با فعالان این حوزه‌ها خوب است و این موضوع می‌تواند برای رشد و توسعه بخش صنعت مثبت تلقی شود. به نظر من بزرگ‌ترین هنر علی‌آبادی این است که سال‌ها با این افراد علمی کار کرده و می‌تواند از کارخانه‌هایی که امکان ایجاد توسعه ملی دارند، کمک بگیرد. به عقیده بنده، توسعه با علم همراه است و ما نیز خوشحال می‌شویم وزیر جدید صمت بتواند مشکلات صنعت را با تکیه بر علم روز و فارغ از مسائل سیاسی و مشکلاتی که اکنون وجود دارد، مرتفع کند. ضمن اینکه ایشان در برنامه‌های خود به راهبرد توسعه صنعتی اشاره کرده و برنامه‌هایی نیز برای رشد و توسعه صنایع دیگر دارد.

### ■ به عنوان کلام آخر اگر صحبتی دارید بفرمایید.

«در من امید نیست می‌آید و می‌رود. اما هرگز نمی‌گویمش بگذرد». واقعیت این است که ما صنعتگران به نقطه‌ای رسیدیم که دل‌مان نمی‌خواهد بگوییم آخر خط است و تمایل داریم هنوز زنده بمانیم و واحد تولیدی ما پابرجا بماند. امیدواریم دولتمردان و به خصوص وزیر جدید صمت نیز زحماتی را که تولیدکنندگان و کارآفرینان متحمل می‌شوند بدانند و برای حل چالش‌های آنها تمام تلاش خود را انجام دهند. متأسفانه مشکل بزرگی که ما اکنون با آن روبه‌رو هستیم به جز مواردی که پیش از این هم گفته شد، عدم ارتباط با دنیا برای افزایش مرادفات جهانی است. به این ترتیب در حال حاضر بزرگ‌ترین مشکل صنعت نساجی نیز صادرات است و امیدواریم گشایش‌هایی در این زمینه حاصل شود.

نکته آخر اینکه سند چشم‌انداز کشور فرصتی است تا بتوان الگویی مناسب برای توسعه با برنامه تحول و توسعه پایدار در کشور ایجاد کرد، به طوری که یکپارچگی و هماهنگی در تمامی ارکان کشور تنها رمز موفقیت این مهم است.

اگر از ما که بخش خصوصی هستیم در حوزه تصمیم‌گیری‌ها مشورتی خواسته نشود، با تصمیمات و ارائه بخشنامه‌های خلق‌الساعه رویه‌رو می‌شویم که با وجود آنها سرمایه‌گذاران محال است که سرمایه‌گذاری انجام دهند



## بلاتکلیفی وزارتخانه متولی تولید؛ ادغام یا تفکیک؟



علیرضا حائری  
کارشناس صنعت

سال ۱۳۹۰ بود که با هیاهوی فراوان و با هدف کوچک‌سازی و همچنین جابک‌سازی دولت، تصمیم گرفته شد با ادغام برخی وزارتخانه‌های دولت، از تعداد آنها کاسته شود تا ضمن کاهش هزینه‌های جاری دولت، همزمان با تجمیع مراکز تصمیم‌گیری و کاهش بوروکراسی، بهره‌وری آنها نیز افزایش یابد. یکی از این حوزه‌ها که همواره محل اختلاف و بعضا کارشکنی بود، وزارتخانه‌های صنایع و معادن از یک طرف و بازرگانی از طرف دیگر بود، لذا پیشنهاد ادغام این دو وزارتخانه با هدف وحدت فرماندهی از فوری‌ترین و مقبول‌ترین اهداف تلقی می‌شد. این طرح در تیرماه سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و سپس توسط شورای نگهبان نیز تایید شد و متعاقبا پروژه ادغام کلید خورد و تقریبا تا پایان دولت دهم در سال ۱۳۹۲ بحث جایگزینی نیروها در معاونت‌های وزارت تازه‌تاسیس و همچنین ادغام سازمان‌های صنعت و معدن با سازمان‌های بازرگانی استان‌ها بحث روز محافل صنعتی و بازرگانی کشور بود.

دولت یازدهم با وزارت تازه‌تاسیس و تجمیع‌شده با عرصه وجود گذاشت و سپس دولت دوازدهم هم به همین صورت به کار خود ادامه داد، هرچند کم و بیش انتقادهایی به این ادغام از گوشه و کنار شنیده می‌شد، تا اینکه نوبت به دولت سیزدهم رسید.

اینک پس از گذشت تقریبا ۱۲ سال از این ادغام و تصدی بیش از هفت وزیر و سرپرست در این حوزه، دولتمردان دولت سیزدهم به این نتیجه رسیده‌اند که وظایف سنگین این وزارتخانه امکان نظارت کامل را از این حوزه گرفته و عدم تنظیم مطلوب بازار و برخی افزایش قیمت‌ها در داخل و عدم توسعه مناسب تجارت خارجی به همین دلیل است، لذا بحث تفکیک وزارت

بازرگانی از وزارت صنعت و معدن، مجددا و این بار به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت و لایحه تفکیک آن تهیه شد و در هیات وزیران به تصویب رسید و برای طی مراحل قانونی تقدیم مجلس شورای اسلامی شد که به‌زودی قرار است لایحه تاسیس وزارت بازرگانی و تفکیک آن از وزارت صمت در صحن علنی مجلس مورد بررسی و احتمالا تصویب قرار گیرد.

پر واضح است که در صورت تصویب این لایحه در مجلس و ابلاغ این مصوبه به دولت، یک سال آینده نیز به اقدامات مربوط به این تفکیک از قبیل انتخاب وزیر جدید، جداسازی و جایگزینی نیروها و تشکیل معاونت‌های جدید در وزارتخانه‌های تفکیک‌شده، جداسازی سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت در استان‌ها و لابی‌گری جهت تصدی پست‌های جدید در این دو وزارتخانه سپری خواهد شد و صنعت و تجارت کشور و در مجموع، اقتصاد کشور حداقل در کوتاه‌مدت از این تصمیم طرفی نخواهد بست.

ای کاش در هنگام طرح این پیشنهاد در صحن علنی مجلس شورای اسلامی، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیمی که این جداسازی بر اقتصاد کشور تحمیل می‌کند نیز محاسبه و اعلام شود.

جالب اینکه هر دو گروه موافقان و مخالفان ادغام و تفکیک، یکی از دلایل خود برای پیشبرد طرح‌شان را جابک‌سازی دولت عنوان کرده و معتقد هستند که در این صورت است که صادرات و تجارت، تنظیم بازار داخل و حمایت از صنعت و تولید بهتر انجام خواهد شد. غافل از اینکه جابک‌سازی دولت فقط با کاهش تصدیگری و سپردن کارها به بخش خصوصی انجام خواهد شد و ادغام و تفکیک گره‌ای را باز نخواهد کرد، علی‌الخصوص که این تفکیک حجیم‌تر شدن بدنه دولت را نیز در پی خواهد داشت.

### ■ مدل‌های جهانی چه می‌گویند

در بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، هر دو مدل دیده می‌شود و تقریبا نمونه‌های موفق از هر دو مدل را در جهان می‌توان پیدا کرد، اما هدفی که در هر دو مدل یکسان و مشترک بوده این است که بازرگانی و تجارت می‌باید در راستای اهداف و منافع تولید ملی باشد.

ژاپن، کره، مالزی، هنگ‌کنگ، سنگاپور، فرانسه، ایتالیا، هند و روسیه در زمره کشورهای موفق هستند که دارای بخش صنعت، تولید و تجارت متمرکز بوده و از مدیریت واحدی در این حوزه بهره‌مندی برده و همگی هم از الگوهای موفق این روش به حساب می‌آیند. از طرف دیگر کشورهای چین، ترکیه، اندونزی،

کانادا و انگلیس نیز دارای مدیریتی تفکیک‌شده در حوزه صنعت و تجارت بوده و اتفاقا این کشورها نیز در عرصه تجارت بین‌المللی موفق هستند، لذا می‌توان این نتیجه را گرفت که از روی نمونه‌ها و تجربیات جهانی نمی‌توان مدل و الگوی مشخص و مناسبی برای کشورمان در نظر گرفت، زیرا هر دو مدل در جهان وجود دارند و در صورت مدیریت صحیح و بومی‌سازی، هر دو مدل می‌توانند موفق عمل کنند.

به عبارت دیگر، شکل و ساختار اداره این دو حوزه نیست که منجر به موفقیت یا شکست آن شود، بلکه این عملکرد نیروی انسانی و علی‌الخصوص مدیران ارشد و میانی این ساختار و همچنین سیاست‌های اتخاذ شده است که ضامن موفقیت یا دلیل شکست بوده و تعیین‌کننده است.

اتخاذ سیاست‌ها و روش‌های مناسب، تنظیم مقررات تجاری و تعامل سازنده با تولیدکنندگان و تجار داخلی و خارجی و همچنین نحوه حمایت از صادرکنندگان است که تعیین‌کننده موفقیت یا شکست در این حوزه است.

نباید عدم موفقیت‌های احتمالی در تولید یا تجارت و صادرات را صرفا در ساختار این وزارتخانه جست‌وجو کرد، بلکه عملکرد مدیران این بخش و حتی سیاست‌های کلان اقتصادی دولت است که ضامن موفقیت یا عدم موفقیت این حوزه یا هر بخش دیگری در اقتصاد کشور است. عدم وجود نظام ارزیابی عملکرد مدیران ارشد و میانی در دولت، باعث آن می‌شود که نتوان اهداف هر سازمان و وزارتخانه‌ای را با عملکرد آن مقایسه کرد و به نتایج مطلوبی دست یافت که نمونه آشکار آن اهداف همه‌ساله دولت و مدیران آن در چشم صادرات غیرنفتی و نتایج مایوس‌کننده آن در پایان هر سال است که معمولا بدون بررسی دلایل ناکامی آن، منجر به پیگیری موثری نمی‌شود. البته لازم به ذکر است که سال ۱۴۰۱ در این میان استثناست.

در هر صورت، اینکه هر چند سال یک‌بار با صرف هزینه و وقت بسیار نسبت به ادغام یا تفکیک وزارتخانه یا هر نهاد دیگری تصمیم‌گیری کرده و پس از چند سال دیگر و به علت ضعف‌های مدیریتی، عدم انتخاب افراد مناسب و عدم اتخاذ سیاست‌های صحیح، دست به تغییر ساختار آن بزنیم، جز عقیگرد و اتلاف وقت و هزینه، عایدی دیگری برای کشور ندارد، ضمن اینکه تفکیک مجدد، باعث بزرگ‌تر شدن بدنه دولت می‌شود که با اهداف و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه‌ای کشور نیز در تضاد بوده و هزینه‌های جاری دولت را افزایش می‌دهد.

یادداشت







دکتر جهانبخش سنجابی شیرازی در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## ضرورت تغییر نگاه مسوولان به پیشبرد پیشران‌های اقتصادی

باید به سمت صنعتی شدن برویم

نسترن یوسف‌بیکیان - برنامه‌ریزی و هدفگذاری برای آینده هر چند اساس و پایه موفقیت است، اما متأسفانه این موضوع در کشور ما بیشتر به حرکتی نمایی و شعاری تبدیل شده که تنها در اظهار نظرهای مسوولان به آن اشاره می‌شود و در عمل، هیچ یک از برنامه‌ها و اهداف توسعه‌ای به بار نمی‌نشیند. به گفته صاحب‌نظران اقتصادی، تنها راه رسیدن به رشد اقتصادی، توسعه است و توسعه اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه در ذهن مدیران شکل بگیرد و سپس این نگاه در جامعه پیاده‌سازی شود، اما متأسفانه علی‌رغم همه مشکلاتی که امروزه اقتصاد کشور با آن روبرو است، می‌توان به عدم تغییر تفکر و نگاه مدیران در سیاستگذاری‌ها به عنوان چالش اصلی کشور اشاره کرد که باعث شده تحول چندان در جامعه رخ ندهد. به همین دلیل ایران با تمام پتانسیل‌های ویژه و ظرفیت‌های قابل توجه و مهم‌تر از آن نیروهای انسانی متخصص، از توسعه و صنعتی شدن عقب مانده است. این در حالی است که تا مولفه‌های حکمرانی خوب را به درستی پیاده‌سازی نکنیم، قطعاً نمی‌توانیم به خروجی مورد نظر طبق شعارها و مطالبات قلبی‌مان برسیم. به عبارت ساده‌تر توسعه صرفاً مبتنی بر آمال و آرزوها یا بر اساس شعارهایی که از تریبون‌ها اعلام می‌شود، نیست بلکه توسعه بسترها و الزاماتی را نیاز دارد که از مهم‌ترین بستر و الزامات در راس آن اصلاح نظام حکمرانی است.

این ۴ رکن از کارکنان شکل‌دهنده آینده هستند. آنچه که آینده را به درستی پیش می‌برد و عدم قطعیت‌ها را شکل می‌دهد و سناریوها را پیش روی ما می‌گذارد، نیروهای حرکت‌دهنده و شکل‌دهنده روندهاست که ابرنبرهای آن را با عنوان پیشران نام‌گذاری می‌کنند. همان‌طور که تاکنون به آن اشاره شد، پیشران‌ها، لوکوموتیو حرکت روندها هستند در واقع پیشران، موجب ثبات یا حرکت یک روند را به صورت ثابت، افزایش یا بند یا کاهش پاینده رقم می‌زند. بنابراین لوکوموتیو شکل‌دهی حرکت روندها، ثبات و تشدید یا تضعیف این حرکت‌رامی‌توان در یک کلام به عنوان پیشران معرفی کرد. البته در مورد پیشران‌های اقتصادی لازم است قبل از اینکه وارد مقوله اقتصادی شویم، با مفهوم دیگری تحت عنوان محیط استراتژیک آشنا شویم. برای هر کشور، هر بنگاه و بعضاً برای هر فرد، محیطی تحت عنوان محیط استراتژیک وجود دارد که برخی پارادایم‌های ذهنی، علمی و نظری و چارچوب‌های خاص تحلیل محیطی و شناخت محیط، محیط‌ارابه دو قسمت داخلی و خارجی، تقسیم‌بندی می‌کنند. به این ترتیب نقاط قوت و ضعف را به محیط داخلی تعبیر می‌کنند و از تهدیدها و فرصت‌های پیش روی هدف جمعی آن بنگاه یا کشور و فرد، به عنوان محیط بیرونی سخن می‌گویند. منظور من این است که وقتی از محیط اقتصادی حرف می‌زنیم، لازم است پیش از آن با ظرفی که دربرگیرنده محیط اقتصادی است و نام این طرف محیط استراتژیک است آشنایی پیدا کنیم.

را افزایش دهیم و خودمان را به گردونه تکنولوژی و صنعتی شدن در دنیا نرسانیم، قطعاً در آینده نه‌چندان دور جزو کشورهای رتبه اول در جهان سوم هم نخواهیم بود. بنابراین در حال حاضر نیازمند این هستیم که توسعه صنعتی را به عنوان یکی از زیرساخت‌های پیشرفت و الگوی اسلامی - ایرانی مدنظر قرار دهیم. این توسعه صنعتی اتفاق نمی‌افتد مگر از طریق اشراف بر صنعت، دسترسی به تکنولوژی و به نوعی ارتباط‌گیری با سرعت شتابان تکنولوژی که طی چند سال اخیر متأسفانه هم به دلیل دشمنی‌ها و تحریم‌ها و هم عاملانه یا سهوی از این سرعت شتابان فاصله می‌گیریم و این فاصله به تدریج بیشتر می‌شود. در ادامه گفت‌وگوی «جهان صنعت» با سنجابی شیرازی را می‌خوانید.

**به عنوان سوال نخست در مورد چیستی پیشران‌ها و اهمیت آنها به صورت علمی و نظری توضیح دهید؟ در واقع پیشران‌های اقتصادی چه هستند و چرا باید به آنها توجه کرد؟**

پیشران‌ها نیروهایی هستند که کلان روندها را پیش می‌برند و این روند یکی از ارکان چهارگانه شکل‌دهنده آینده است. اگر ساده‌تر بخواهم توضیح بدهم، متخصصان علم آینده‌پژوهی باید گام‌های پیش‌بینی‌گرا معتقد هستند که ۴ عنصر، آینده را می‌سازند. از جمله؛ روندها، رویدادها یا پدیده‌هایی که ممکن است اتفاق بیفتند و تصاویری که یک فرد، یک جامعه، یک سیستم و سازمان یا یک بنگاه از آینده دارد که از جنس چشم‌انداز و هدف است و اقداماتی که از جنس سیاست، برنامه و اقدام است.

در این باره با دکتر جهانبخش سنجابی شیرازی دبیر کل اتاق بازرگانی ایران و عراق که اخیراً به عنوان دبیر انجمن نظارت بر دهمین دوره انتخابات اتاق‌های بازرگانی نیز ایفای نقش کرد و دارنده دکتری تخصصی و حرفه‌ای است، به گفت‌وگو نشستیم تا به صورت علمی و تخصصی این پدیده را بررسی کنیم که چرا کشور ما با تمام پتانسیل‌هایی که در اختیار دارد، هر سال از توسعه صنعتی و رشد اقتصادی عقب می‌ماند و نمی‌تواند بر اساس اهداف و برنامه‌هایش حرکت کند؟

سنجابی که در سوابق خود مدیر کل آینده‌پژوهی و قائم‌مقام معاون امور بین‌الملل مجمع تشخیص مصلحت نظام، ریاست پژوهشگاه استاندارد و معاونت سازمان ملی استاندارد و ریاست مرکز سرمایه‌انسانی و سازمانی وزارت صمت را نیز ثبت کرده، در این باره معتقد است که باید نگاه مسوولان کشور ما نسبت به مقوله توسعه صنعتی و نحوه بسترسازی ایجاد پیشبرد پیشران‌های اقتصادی تغییر کند. این تغییر نگاه لازم است از راس هرم نظام حکمرانی شروع شود و تا قاعده هرم راهبری و اقدام توسط بخش دولتی، خصوصی و تعاونی و مدیریت پایه در سطح کشور، اتفاق بیفتد. به گفته وی، ما در حال حاضر با توجه به جدا شدن از نظم جهانی و پدیده جهانی شدن و به نوعی عدم امکان استفاده بهره‌بردار از تکنولوژی‌های روز، متأسفانه سیر قهقرویی عقب ماندن از گردونه جهانی توسعه رقابت‌پذیر را تجربه می‌کنیم. حال اگر آگاهانه یا ناآگاهانه، این واگرایی با شتاب صنعتی شدن و شتاب دانشی و تکنولوژیکی جهان

برای هر کشور، هر بنگاه و بعضاً برای هر فرد، محیطی تحت عنوان محیط استراتژیک وجود دارد که برخی پارادایم‌های ذهنی، علمی و نظری و چارچوب‌های خاص تحلیل محیطی و شناخت محیط، محیط را به دو قسمت داخلی و خارجی تقسیم‌بندی می‌کنند. به این ترتیب نقاط قوت و ضعف را به محیط داخلی تعبیر می‌کنند و از تهدیدها و فرصت‌های پیش روی هدف جمعی آن بنگاه یا کشور و فرد، به عنوان محیط بیرونی سخن می‌گویند



مادامی که  
موفه‌های حکمرانی  
خوب را به نوعی  
در چارچوب نظام  
حکمرانی در همه  
ابعاد مختلف درست  
پایه‌سازی نکنیم،  
قطعا نمی‌توانیم  
به خروجی مورد  
نظر طبق شعارها و  
مطالبات قلبی‌مان  
برسیم. به عبارت  
ساده‌تر توسعه  
صرفا مبتنی بر آمال  
و آرزوها یا بر اساس  
شعارهایی که از  
تربیبون‌ها اعلام  
می‌شود، نیست  
بلکه توسعه بسترها  
و الزاماتی نیاز دارد  
که از مهم‌ترین  
بستر و الزامات در  
راس آن اصلاح نظام  
حکمرانی است

اقتصادی و کمونیسم اقتصادی علی‌رغم شعارهای زیبایی که دادیم و جهت‌گیری‌های خوبی که در سطح کلان کشور شد استفاده کنیم به نحوی که حتی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را که شاید به ادعای بعضی‌ها در تعارض با نص متن اصل ۴۴ بود برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی کردیم و از مقام معظم رهبری هم ابلاغ آن را خواستیم که اجابت فرمودند اما آیا توانستیم از آنها استفاده کنیم؟ پاسخ را به وجدان عمومی می‌سپارم اما به نظر من علت این است که متأسفانه در سطح حکمرانی نتوانستیم آن تغییر نگاهی که لازم است را ایجاد کنیم.

بنابراین باید نگاهمان در سطح کلان را در حوزه حکمرانی تغییر دهیم. سپس لازم است که نظام سیاستگذاری ما تغییر کند چرا که اساسا در ادبیات سیاستگذاری، نظام حکمرانی را در حوزه متاپالیسی و نظام سیاستگذاری و خط‌مشی‌گذاری را در حوزه ماکروپالیسی و برنامه‌ریزی و نحوه اداره جامعه را در سطح مزوپالیسی و پیشبرد اقدامات و پروژه‌ها در سطح میکروپالیسی تقسیم‌بندی می‌کنند. در حوزه ماکروپالیسی که سیاستگذاری کلان است آنچه که در حال حاضر در مجمع تشخیص مصلحت نظام اتفاق می‌افتد و مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع مصلحت اینها را تحت عنوان بسته‌های سیاست‌های کلان کشوری و سیاست‌های کلی کشور ابلاغ می‌کنند، مستلزم تغییر است و باید نظام سیاستگذاری ما در سطح کلان تغییر کند.

حوزه سوم که در ذیل سیاستگذاری است، نظام راهبردی ما است. در حوزه برنامه‌ریزی هم که به نوعی تا به الان تجربه کرده‌ایم، نیازمند تغییر نگاه هستیم و تغییر جهت‌گیری و توجه به المان‌هایی از جمله مقوله پیشران‌ها، به عبارت ساده‌تر، ما یک وضع موجود داریم و آنچه که در عالم واقع اتفاق افتاده است. یک مطلوبیت ذهنی مدنظر ما است و آنچه که در آینده یاد قالب چشم‌انداز یا عملیاتی‌تر در قالب هدف به دنبال آن هستیم، راه‌های گذر از وضعیت موجود و حصول وضعیت مطلوب را سیاست‌نامه‌گذاری می‌کنیم و چگونگی گذر از وضعیت موجود و حصول وضعیت مطلوب را راهبرد یا اقدام می‌نامیم. بنابراین در سطح راهبردی هم به عنوان سومین حوزه نیازمند تغییر هستیم چون اگر نظام حکمرانی و به تبع آن نظام سیاستگذاری ما تغییر پیدا کند، نظام چگونگی تحقق سیاست‌ها نیز تغییر می‌کند.

سطح بااهمیت بعدی سطح چهارم و در سطح مدیریت و اجرائت که طبیعتا مجموعه برنامه‌های توسعه سالیانه، توسعه چندساله به صورت میان‌مدت، برنامه‌های خاص مانند اقتصاد مقاومتی، ارتقای سطح بهره‌وری ملی، مدیریت منابع آب و دیگر برنامه‌ها را در بر می‌گیرد و با توجه به اینها معنا پیدای می‌کند.

به‌طور کلی در پاسخ به سوال شما باید عرض کنم که نگاه مسوولان کشور ما نسبت به توسعه صنعت و بزرگ شدن پیشران‌های اقتصادی باید تغییر کند. این نگاه از شدن هرم نظام حکمرانی شروع می‌شود و تا قاعده هرم راهبردی و اقدام توسط بخش دولتی، خصوصی و تعاونی و مدیریت پایه در سطح کشور، این تغییر نگاه لازم است که اتفاق بیفتد.

**آیا باید اولویتی در ذهن مسوولان کشور شکل بگیرد که کشور نیازمند توسعه صنعتی است و به نوعی پیشران‌های این توسعه صنعتی را تقویت کنند یا خیر؟**

پاسخ به هر دو سوال مثبت است. ما در حال حاضر با توجه به جدا شدن از روند شتابان تغییرات جهانی و پدیده جهانی شدن و به نوعی عدم‌امکان استفاده و بهره‌برداری از تکنولوژی‌های هابرو، متأسفانه سیر قهقریایی عقب‌ماندن از گردونه رقابت‌پذیری در توسعه را تجربه می‌کنیم. حال اگر آگاهانه یا ناآگاهانه، این واگرایی با شتاب صنعتی شدن و شتاب دانشی و تکنولوژیکی جهان را افزایش دهیم و خودمان را به گردونه تکنولوژی و گردونه صنعتی شدن در دنیا نرسانیم، قطعا در آینده نه چندان دور جزو کشورهای برتر جهان سوم هم نخواهیم بود.

اگر نگاهی به توسعه داریم و نگاه ما در این بخش مبتنی بر تحلیل روندها و بررسی و تثبیت روندهاست، معنای آن این است که باید آمادگی مواجهه با پدیده‌های احتمالی را داشته باشیم و اساسا بر خورد استاتیک و ثابت با توسعه تقریبا امروزه میسر و مضمون از افت و شکست نیست و برنامه‌ریزی استاتیک، برنامه‌ریزی مورد قبول و برنامه‌ریزی که منتج به هدف از پیش طراحی شده باشد، در نظر برنامه‌ریزان و استراتژیست‌های سال ۲۰۲۰ به بعد نیست و اساسا چیزی که حداقل ۱۵ سال در سطح استراتژی‌های توسعه ملی در دنیا شکل می‌گیرد مبتنی بر برنامه‌ریزی دینامیک است. بنابراین اگر چه ما روند و تثبیت نیروهای حرکت‌دهنده روند را به عنوان یک اصل می‌پذیریم، اما تثبیت اهداف و اقدامات و تصاویر ذهنی به عنوان ارکان دیگر شکل‌دهنده آینده را اساسا نمی‌توانیم به عنوان یک دانش آموخته آینده‌پژوهی و تحلیل روند بپذیریم، بلکه معتقد هستیم باید نظام برنامه‌ریزی ما مبتنی بر برنامه‌ریزی دینامیک و پویا باشد. در یک برنامه‌ریزی پویا ممکن است تغییرات هر چند ناچیز در سیستم ایجاد شده باشد، بنابراین تفکر سیستمی مبتنی بر برنامه‌ریزی استاتیک جای خود را به یک تفکر سیستمی و مبتنی بر برنامه‌ریزی دینامیک داده و ثابت روند و پیشران روند کاملا قابل قبول است اما اینکه از ما بگویم «مرغ یک پا دارد» و با توجه به امکان شکل‌گیری پدیده‌ها، ثابت قوانین و مقررات اصلا معنا ندارد. به عنوان مثال فرض می‌کنیم ما در دهه ۷۰ رشد اقتصادی ۶ درصدی را تجربه کردیم که به دنبال آن پدیده‌های تحت عنوان باز شدن پرورنده هسته‌های جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت و متعاقب آن مذاکرات و تحریم‌هایی شد در نهایت ایران در ذیل تحریم‌های فصل ۷ منشور ملل متحد قرار گرفت.

شما تصور کنید در این شرایط می‌خواستیم با تثبیت قوانین و مقررات و بر پایه روندی که در ذهن مان بود حرکت کنیم، اما واقعیت این بود که پرورنده هسته‌های این روند را شکست و با توجه به اینکه پدیده جدیدی بود، نیازمند طرح و چشم‌انداز و هدف‌گذاری و اقدام جدیدی بود که باید اتفاق می‌افتاد. یکی از مشکلات کشور ما این است که سرعت تطابق ما با تغییرات و پدیده‌های پیش روی روندهای ذهنی ما بسیار کند است و یکی از چالش‌های اساسی نظام حکمرانی ما همین موضوع تاخیر در واکنش بایسته و متناسب است که حتما باید خلاء آن را پر کنیم.

**نگاه مسوولان نسبت به توسعه صنعت و بزرگ شدن پیشران‌های اقتصادی را چطور می‌بینید؟ آیا باید این نگاه تغییر کند؟**

به‌طور کلی مفهوم توسعه در همه ابعاد تولیدی، صنعتی، تکنولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... در آن محیط استراتژیکی که پیش از این به آن پرداختیم، نیازمند یک واقعیت است. آن واقعیت نیز این است که شیوه حکمرانی و نگاه ما در نظام حکمرانی سیاسی و اجتماعی، صنعتی و اقتصادی و فرهنگی و شاید حتی امنیتی باید تغییر کند. مادامی که مولفه‌های حکمرانی خوب را به نوعی در چارچوب نظام حکمرانی در همه ابعاد مختلف درست پیاده‌سازی نکنیم، قطعا نمی‌توانیم به خروجی مورد نظر طبق شعارها و مطالبات قلبی‌مان برسیم. به عبارت ساده‌تر توسعه صرفا مبتنی بر آمال و آرزوها یا بر اساس شعارهایی که از تربیبون‌ها اعلام می‌شود، نیست بلکه توسعه بسترها و الزاماتی نیاز دارد که از مهم‌ترین بستر و الزامات در راس آن اصلاح نظام حکمرانی است.

برای اصلاح نظام حکمرانی زیرساخت‌های توسعه در چهار سطح توسط متخصصان سیاستگذاری تعریف می‌شود. عالی‌ترین سطح تغییر و راهبردی توسعه، سطح حکمرانی یا نظام حکمرانی است که قاعده‌تجربیات چهل و چند سال گذشته ما نشان می‌دهد نیازمند تغییر و تحول در نوع نگاه و نظام حکمرانی خود در همه ابعاد به خصوص در ابعاد اقتصادی هستیم.

ما همیشه مانند یک حرکت پاندولی بین اقتصاد دولتی و اقتصاد آزاد مانده‌ایم. هیچ‌گاه نتوانستیم از سوسیالیسم

اساسا محیط استراتژیک، محیطی است که توسط ۶ پیشران به نوعی پیش می‌رود و ممکن است روند شکن‌ها یا پدیده‌ها بر یکی از این ۶ پیشران یا هر ۶ پیشران اثر مثبت یا منفی بگذارد. سه تا از این پیشران‌ها، اقتصادی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی و زیربنایی تولیدی هستند که در همان گروه پیشران‌های اقتصادی طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین نمونه‌های دیگری از پیشران‌ها، زیست‌محیطی، حقوقی - قضایی، علم و فناوری و... هستند که به محیط ترکیب این پیشران‌ها، نهایتا محیط استراتژیک گفته می‌شود.

در محیط اقتصادی مفروض این است که هر یک از این ۶ پیشران بر دیگری اثر می‌گذارد و از دیگری اثر می‌پذیرد و مفروض دوم این است که پیشران‌های داخلی از پیشران‌های بین‌المللی نه تنها اثر می‌پذیرند، بلکه می‌توانند اثر بگذارند. این پیشران‌های داخلی و بین‌المللی می‌توانند موثر یا متاثر بر پیشران‌ها یا از پیشران‌های منطقه‌ای هم باشند. بنابراین وقتی وارد ادبیات آیندننگاری و ادبیات مطالعات روند و ادبیات مطالعات نوکوموتیو حرکت‌دهنده این روند یا پیشران‌ها می‌شوید، به نوعی این مفروض در ذهن‌تان شکل می‌گیرد که پیشران‌ها بر همدیگر تاثیر دارند. به عبارت ساده‌تر روندها بر یکدیگر تاثیر گذارند یا بطور دقیق‌تر آینده‌محلی بر آینده منطقه‌ای و آینده منطقه‌ای بر آینده بین‌المللی یا بر عکس آینده بین‌المللی بر آینده منطقه‌ای و آینده منطقه‌ای بر آینده محلی تاثیر می‌گذارد.

بر همین اساس آنچه اهمیت دارد این است که از ابتدا بپذیریم پیشران‌های اقتصادی کشور ایران هم متاثر از پیشران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هستند و هم می‌توانند بر آن تاثیر بگذارند. هر چند اخیرا گزارشی که مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران بر پایه تحلیل حساب‌داده - ستانده بین‌المللی در عرصه اقتصادی انجام‌ده، نشان‌دهنده این فرض است که ما از حوزه تاثیر گذاری بر پیشران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در حال حذف شدن هستیم یا اگر نخواهیم محافظه‌کارانه حرف بزنیم، حذف می‌شویم. البته به شدت از حوزه مداخلات منطقه‌ای و بین‌المللی اقتصادی تاثیرپذیرتر شده‌ایم. درست بخواهیم بگویم عملا به ازای هر وزیر یک وزیر سایه در غرب و خصوصا آمریکا وجود دارد. تا بر محیط مدیریتی وزرا، خزانه‌های ما اثر بگذارد و مانع پیشرفت شود.

پس به نظر می‌رسد اولین اقدامی که باید در این خصوص انجام دهیم این است که بتوانیم اثرپذیری، اثرگیری و تاثیر گذاری ما را بر پیشران‌های اقتصادی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی حفظ کنیم. ضمن اینکه متوجه تاثیرات ۵ پیشران دیگر و پیشران‌های اقتصادی باشیم.

**لطفا در مورد اهمیت پایداری و ثبات اقتصادی، قوانین و دستورالعمل‌ها در راستای پیشبرد اهداف و توسعه پیشران‌های اقتصادی توضیح دهید.**

پایداری و ثبات اقتصادی و همچنین مقاوم‌سازی پیشران‌ها یک اصل است، چرا که اساسا روند چیزی است که در گذشته تجربه‌پذیر بوده و قابل تحلیل و برآورد در آینده است و اگر پدیده یا فنومن جدید یا رخدادی شکل نگیرد، می‌توان گفت می‌دانیم این روند به کجا ختم می‌شود مانند روند فصل به عنوان مثال همه ما می‌دانیم به‌طور ذاتی بعد از زمستان بهار آغاز می‌شود، اما به یک باره ممکن است یک پدیده‌ای نینتو شکل بگیرد و در بهار هم بارش باران و برف و سردی هوا خیلی بیشتر از میلگین فصلی مواجه شویم که آن رویداد جدیدی است که روند را می‌شکند. بنابراین سیر ثبات و تثبیت حرکت روندها و ثبات پیشران‌ها اصلی است که اهمیت دارد و هر زمان نتوانید این ثبات را حفظ کنید، یعنی خودتان به‌طور ذاتی خلق پدیده‌ای بپدید که این روند را شکسته است. این در حالی است که وقتی روند بشکند، به معنای این است که آینده مورد نظر طبق تصویر ذهنی جزم‌پدیده‌های که دارد و مجموعه اقداماتی که انجام داده‌اید محقق نخواهد شد، بلکه نیازمند تغییر در برنامه، سیاست‌ها و اهداف و چشم‌اندازهاست. شاهد مدعا عدم تحقق سند چشم‌انداز ایران در سال ۱۴۰۴ است.



البته ممکن است در بعدی از ابعاد استراتژیک مثل بعد امنیتی رشد قابل قبولی داشته باشیم، اما آنچه که کشورها را در مواجهه با یکدیگر قرار می دهد و موجبات تبعیت و اثرگذاری و اثرپذیری آنها در مناسبات جهانی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی را فراهم می کند، اساسا مفهوم توسعه به طور عام است و توسعه در سایه تعریف محیط استراتژیک رقم می خورد. بنابراین باید به سمت صنعتی شدن برویم و از کاهش شتاب رشد صنعتی که متأسفانه به دلیل تحریم های سنوات اخیر علیه مردم و کشور مانع شده جلوگیری کنیم.

به عبارتی باید راههای عبور از این موانع را پیدا کنیم و بخشی از صدهای درون حاکمیتی که بدون هیچ گونه پشتوانه دانشی و تجربی هستند را در نطفه مدیریت کنیم. در واقع باید برخی آگاه شوند که توسعه جز الزامات کشور است که مقام معظم رهبری نیز بارها با تأکید بر طرح «الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی» به مفهوم توسعه به آن اشاره کرده اند. پیشرفت در واقع همان توسعه است با این تفاوت که پیشرفت توسعه ای می داند که بستر ساز عدالت اجتماعی در جامعه باشد. بنابراین در الگوی ذهنی رهبری هم الزام توسعه پذیرفته شده است. یکی از الزامات توسعه در عصر حاضر توسعه صنعتی است که به هر شکل موج چهارم صنعتی شدن رخ داده و ما اکنون وارد موج پنجم شده ایم و دیگری توسعه تکنولوژیک است که به نظر می رسد از آن عقب مانده ایم. به عنوان مثال کشور ما در ارتباط با صنعت خودروسازی از صنعت روز دنیا عقب است و نمی شود با هیچ منطقه پذیرفت که ما صنعت خودروسازی به روزی داریم. اگر وضعیت سهم ما را در تولید تکنولوژی و یا حتی به کارگیری تکنولوژی نگاه کنیم، خواهیم دید که ما روز به روز توان استفاده از تکنولوژی خود را هم در کف جامعه و هم در سطح کلان حکمرانی و هم در سطح پیشران های مورد نیاز توسعه از جمله پیشران های اقتصادی از دست می دهیم. بنابراین بنده این هشدار را می دهم که نیازمندان هستیم که توسعه صنعتی را به عنوان یکی از زیرساخت های پیشرفت و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مدنظر قرار دهیم. این توسعه صنعتی اتفاق نمی افتد مگر از طریق اشراف بر صنعت، دسترسی به تکنولوژی و به نوعی ارتباط گیری با سرعت شتابان تکنولوژی که طی چند سال اخیر متأسفانه هم به دلیل تحریم ها و دشمنی ها و هم عاملان نفوذی ها یا سهوی توسط کم دانش ها از این سرعت شتابان فاصله گرفته ایم و این فاصله به تدریج بیشتر هم می شود.

### لطفا در مورد ضرورت تقویت پیشران های اقتصادی و نقش آنها در اقتصاد بیشتر توضیح دهید.

قطعاً ما زمانی در حوزه اقتصادی توانمند می شویم و می توانیم در جهان حرفی برای گفتن داشته باشیم که یک کشور توسعه یافته باشیم. کشوری توسعه یافته است که همه مولفه ها و ابعاد توسعه در بعد انسانی، دانشی، تکنولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... را توأم با هم داشته باشد. اساسا خوبی اقتصاد این است که مبتنی بر نظام عرضه و تقاضا است یعنی اقتصادی بزرگ نمی شود مگر اینکه مداخل ورودی و خروجی این اقتصاد هر دو توأم با هم بزرگ شود. در واقع شما نمی توانید با تأکید بر دانش های درونی، فکر کنید خلق مزیت می کنید. می توانید تمام دانش های درونی خود را با خلق ارزش افزوده تبدیل به مطالبات بیرونی افراد و اشخاص دیگر کنید. چرا که بر اساس ابعاد توسعه، لازم است که شما در ابتدا دانش درونی خود را تبدیل به محصول مورد تقاضای بیرونی کنید که در این زمینه نیازمند ابزار تکنولوژیکی، ماشین آلات و دانش و تجربیات هستید.

به طور کلی تأکید بنده این است که پیشران ها و نگاه به پیشران های اقتصادی، به تنهایی ما را به توسعه نخواهد رساند. اگر بخواهیم توسعه اقتصادی و در ذیل توسعه اقتصادی، توسعه صنعتی اتفاق بیفتد و در نظام اقتصادی دنیا حرفی برای گفتن داشته باشیم، باید نیمه گاهی به ابعاد محیط استراتژیک بیندازیم و در این ابعاد توسعه شش گانه

را پیدا کنیم که منتج به روابط دوجانبه و اثر گذار در سطح بین الملل می شود. این در حالی است که اگر هر حرکتی خلاف این حرکت انجام دهیم، قطعاً توسعه دور خواهیم شد و توسعه احتمالی ما نیز به تعویق خواهد افتاد.

### پیشران ها تا چه میزان می توانند در حل بحران های کوتاه مدت و گهگاهی ایران، نقش داشته باشند؟

وقتی بحرانی شکل می گیرد، به معنای شکل گیری یک پدیده و به چالش کشیده شدن یک روند است. به عنوان مثال ما روند روئینی را در ارتباط با رشد اقتصادی داشتیم، اما پدیده ای تحت عنوان تحریم های یک جانبه آمریکا و همراهی بسیاری از کشورها با این تحریم ها، موجبات کاهش رشد اقتصادی و یا حتی ایجاد رشد منفی را برای ما فراهم کرد. زمانی که بحرانی شکل می گیرد، اگر این بحران را به صورت تاریخی بررسی کنید خواهید دید که این بحران در آشخور شکل گیری یک پدیده و آن پدیده ای که در واقع یک روند به چالش کشیده شده اتفاق افتاده است. به همین دلیل توسعه پایدار به این معناست که توسعه به شکلی اتفاق بیفتد که برخی بحران های مقطعی نتوانند چارچوب های این توسعه را به چالش بکشند. بنابراین اگر ما روزی توانستیم تابلوی بر خورداری از توسعه پایدار را که مولفه های خاص خود را دارد برداریم، قطعاً توسعه پایدار به راحتی توان روبرویی با بحران ها را برای جامعه و نظام حکمرانی ما فراهم می کند و به راحتی می توانیم از این داستان با صرف هزینه و زمان و کاهش های ورودی و خروجی های خاص اقتصادی ولی به صورت کوتاه مدت و مقطعی بهره مند شویم. و این بحران ها را پشت سر بگذاریم. به عبارت ساده تر تابآوری اقتصادی مان را در مواجهه با بحران ها به شدت افزایش بدهیم.

اما واقعیت این است که اکنون حتی در نزدیکی های مرز توسعه پایدار هم نیستیم. بنابراین معنایش این است که بحران های مقطعی بر مفهوم توسعه، شکل گیری توسعه و میزان دسترسی به اهداف توسعه در همه ابعاد تأثیر منفی گذاشته و می گذارد، به طوری که همچنان این روند ادامه خواهد داشت. نکته دیگر اینکه به جای اینکه فرض کنیم تثبیت یک پیشران به نوعی ما را بیمه خواهد کرد باید نسبت به این مساله آگاهی داشته باشیم که باید راننده و راهبر لوکوموتیو یک پیشران باشیم و آن را به سمتی ببریم که توان مواجهه با پدیده های احتمالی و به تبع آن بحران های احتمالی را داشته باشد و به راحتی بتواند از آن بحران عبور کند. بر این اساس با توجه به اینکه ما کشوری داریم که به دلایل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و همزمنی قدرت و حتی سایر دلایل در مواجهه با پدیده های اطراف و در سطح بین الملل ممکن است همیشه با چالش ها و بحران هایی مواجه باشیم، باید نظام برنامهریزی دینامیک را جایگزین نظام برنامهریزی استاتیک کنیم. همچنین نظام سیاستگذاری ما باید معطوف بر مدیریت حل مساله باشد و نظام مدیریت و اقدام ما هم مبتنی بر اقدامات ضد بحران یا آنچه که روزی در این کشور به مدیریت جهادی تعبیر شده باشد.

مدیریت جهادی به معنای توان تغییر مناسبات در مواجهه با بحران های پیش رو است که اگر این مفهوم در ذهن سیاستگذاران، مسوولان و برنامهریزان و مدیران ما شکل بگیرد شاید بتوانیم کنترل بحران بهتر و مدیریت بحران بیشتری داشته باشیم. پلکان پنجگانه مدیریت بحران و مراحل پنجگانه را به رستی پیاده سازی کنیم.

### آیا می توان از برخورد دولت های کره جنوبی، ژاپن، ترکیه، آلمان و... با پیشران های اقتصادی درس گرفت و بر اساس این تجربیات پیش رفت؟

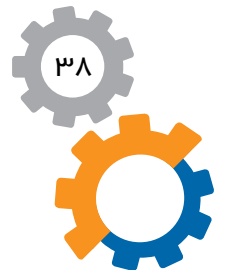
واقعیت این است که تجربیات کشورهای دیگر که نام بردید و همچنین برخورد آنها با پیشران های اقتصادی به صورت واحد نبوده است. برخی از این برخوردها، کاملاً هوشمندانه و برخی توأم با تجربه آزمون و خطا بوده است به خصوص در ارتباط با ترکیه و بخشی از این برخوردها مبتنی بر یک برخورد کاملاً علمی، مبتنی بر نظام مدیریت تحول و اشتراک

جمعی و نظام مدیریت کابینی مانند ژاپن بوده است. بخشی از برخوردها هم استفاده حداکثری از فرصت های خلق شده و خلق فرصت های جدید در بستر همان فرصت های پیش رو بوده که الگوی مواجهه کره جنوبی و آلمان با پیشران های اقتصادی و با فرصت پیش روی شان، معطوف به همین موضوع بوده است. آلمان امروز، آلمان برخاسته از آلمان نازی پایان جنگ جهانی دوم با تخریب و از بین رفتن تمام زیرساخت ها و عملاً تأکید بر یک پیشران اقتصادی و توسعه اقتصادی و چشم پوشی از بخشی از ابعاد دیگر توسعه که در دستور نظام حکمرانی قبلی بوده است. به عبارت ساده تر، اگر آلمان و چرایی آلمان به عنوان یکی از پنج قدرت بزرگ اقتصادی دنیا بررسی کنید کاملاً متوجه مقوله تغییر نظام حکمرانی، تغییر نظام سیاستگذاری و به تبع آن تغییر نظام راهبردی و راهبری جامعه و همچنین تغییر نظام مدیریت و اقدام ملی در این کشور خواهید شد.

اگر وضعیت کره جنوبی را بعد از جنگ دو کره مشاهده کنید، می بینید که وقتی کره جنوبی در بلوک غرب قرار گرفت، نظام دو قطبی جهانی را به خوبی تحلیل کرد و به نوعی از این فرصت به نفع منافع ملی کشور خود نهایت بهره برداری را کرد. به طوری که دو کره ای که بعد از پایان جنگ شرایط تقریباً یکسانی داشتند اکنون تفاوت معناداری با یکدیگر دارند و امروزه از نظر ابعاد توسعه ای اختلاف قابل توجهی در کره شمالی و کره جنوبی وجود دارد. البته ممکن است کره شمالی در ابعاد نظامی پیشرفته تر از کره جنوبی باشد، اما قطعاً در سایر ابعاد پنجگانه و مواردی که پیش از این به آن اشاره شد، هیچ شاخصه قابل دفاعی در مواجهه با کره جنوبی وجود ندارد.

در دنیا با فرصت ها و پیشران های بین المللی و شکل دهی پیشران های ملی مواجهه های مختلفی شده و الگوها متفاوت بوده است، به طوری که این الگوها را می توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست آنهایی که نوع مواجهه و مدیریت پیشران ها و مقابله سازی آنها و تضعیف پدیده های احتمالی ضد پیشران منجر به موفقیت شده است؛ غول های شرق آسیا و شکل گیری آلمان از خرابه های جنگ و قدرت اقتصادی ترکیه مخصوصاً رشد اقتصادی ۱۰ الی ۱۵ سال اخیر این کشور، نمونه هایی از این موفقیت ها هستند.

اما در بخش دوم می توان به برخی حرکت ها که منتهی به آثار مثبت شده است، اشاره کرد. مدل اتحادیه اروپا و یونان، الگوی مناسبی برای بررسی این موضوع است که چرا ظرفیت های پیوسته به اتحادیه اروپا آنطور که باید و شاید استفاده نشده است. به طوری که حتی بحران مالی و استقراری یونان، در حال ایجاد افت اجتماعی بود. در این میان در منطقه کارائیب می توانید به وضعیت ونزوئلا نگاه کنید که با چه شرایطی مواجه است. با در منطقه خاور میانه، می توان بازی هایی که در برخی از کشورهای CIS وجود داشته است را مورد بررسی قرار داد. برخی از این کشورها از بحران فروپاشی شوروی به بهترین نحو ممکن برای توسعه استفاده کرده اند در حالی که برخی دیگر از این کشورها متأسفانه در ادبیات اولیه توسعه نیز مانده اند. به این ترتیب اگر بخواهیم بگوییم شروط لازم برای استفاده حداکثری از پیشران های اقتصادی و پیشران های محیط استراتژیک در یک کشور و منطقه و نگاه چیست، می توانم بگویم ما با حفظ اصول در سطح چگونگی تحقق اصول و فروع نیاز به پارادایم شیفتم یعنی تغییر نوع تفکر و جهان بینی داریم، به طوری که باید تغییر پارادایم های ذهنی در سطح نظام حکمرانی، نظام سیاستگذاری، نظام برنامهریزی و مدیریت و اقدام مبتنی بر مولفه های ساخت آینده و تحلیل و تقویت روند و به تبع آن پیشران ها که لوکوموتیو این روندها برای حداکثر تابآوری برای مواجهه با پدیده های احتمالی هستند، انجام شود. این تغییر از آن جهت لازم است که ما را در راستای به کارگیری حداکثر توان اجرایی راستای تصویر ذهنی مورد نظرمان هدایت می کند و اجازه می دهد در جهت تحقق اهداف پیش رو در آینده کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت گام برداریم.



## قواعد توسعه صنایع غذایی در بازارهای جهانی



**علیرضا یاور**  
نایب‌رئیس کنفدراسیون اتاق‌های بازرگانی آسیا و اقیانوسیه (CACCI)

توسعه بازارهای تجاری بین‌المللی ایران در گرو توجه به استانداردهای بین‌المللی روز مناطق مختلف جهان و اهمیت به قوانین بین‌المللی است. این در حالی است که بسیاری از صنایع در کشورمان با وجود معافیت از تحریم‌ها نتوانسته‌اند جایگاه واقعی خود را که در سطح جهانی شایسته آن هستند به دست بیاورند. یکی از این صنایع، صنعت مواد غذایی و کشاورزی ایران و صنایع مرتبط با آن است.

به طور مثال، همان‌طور که می‌دانید طی سال‌های اخیر تقاضای بسیار بالایی در اروپا، آمریکا و بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و پر درآمد جهان برای محصولات غذایی و کشاورزی ارگانیک وجود دارد. همچنین در کشور ما تعداد قابل توجهی شرکت در این زمینه فعال هستند، اما نکته جالب اینجاست که به دلیل عدم توجه به استانداردهای آنالیتیکال و آزمایشگاهی اتحادیه اروپا در ایران، تقریباً ۹۰ درصد از محصولات این شرکت‌ها اجازه ورود به بازار مواد غذایی اروپا را پیدا نمی‌کنند.

این مساله در تولید محصولات کشاورزی و مواد غذایی ایرانی به حدی شدید است که حتی بعضاً در مواد غذایی غیرارگانیک و در صادرات به کشورهای همسایه هم شاهد مشکلات ناشی از آن هستیم. به طور مثال، همه فعالان این حوزه بارها و بارها داستان عدم پذیرش محصولات کشاورزی ایران را در روسیه، عراق، افغانستان و شنیده‌اند. دلیل بروز این مشکل عدم انجام تجارت و تولید حرفه‌ای و عدم نظارت یکپارچه و درست نهادهای استاندارد ساز کشور در حوزه کشاورزی و مواد غذایی است. وقتی به استانداردهای شیمیایی و ترکیبات مورد تایید محصولات کشاورزی کشور مقصد توجه نمی‌شود، طبیعی است که یک سال زحمت کشاورز و تلاش واحدهای تولیدی و صنعتی کشور هدر می‌رود.

در کشور ما حتی هیچ‌گونه استاندارد مدون و درستی همراه با علامت تجاری خاص آن برای محصولات غیر تراریخته (GMO-Free) و بسیاری موارد دیگر وجود ندارد. در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا در هنگام خرید یک محصول با علائم استاندارد مانند **Gluten Free.Soy-Free.Dairy Free Organic.Vegan** ... مواجه می‌شوید که همگی مطابق با استانداردهای اتحادیه اروپا یا بازار ایالات متحده آمریکا است. در واقع در ایران با وجود شناخت این موارد، هیچ‌گونه استاندارد و علامت تجاری خاصی برای آن پیش‌بینی نشده‌وبه همین دلیل است که می‌گوییم تجارت و تولید حتی در حوزه‌های غیر تحریمی هم که منع قانونی ندارد حرفه‌ای و در نتیجه موفق هم نیست.

**اهمیت حرفه‌ای بودن در امر توسعه بازارهای بین‌المللی**

بسیاری از شرکت‌های لبنی کشور با وجود اینکه

شرکت‌های قوی و خوبی هستند، اما همین شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی نیز قربانی عدم توجه به این استانداردها می‌شوند و نمی‌توانند بازارهای جهانی را به دست آورند. این در حالی است که شرکت بزرگ تولید فرآورده‌های لبنی المرعی در کشور عربستان سعودی که فقط یک میلیون راس گاو دارد، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فرآورده‌های لبنی در جهان است و اگر نگاهی به بازار کشورهای عربی بیندازید محصولات آن را در همه کشورهای عربی پیدا می‌کنید. یکی از دلایل آن حرفه‌ای بودن این شرکت در امر توسعه بازارهای بین‌المللی، نگاه و هدف‌گذاری جهانی و توجه به استانداردهای مورد نیاز است؛ متأسفانه شرکت‌های ما موفق به انجام چنین کاری نشده‌اند به همان دلایلی که ذکر شد. در کشور ما بعضاً یک تولیدکننده با تکیه بر صادرات به یک کشور آفریقایی، به خود افتخار می‌کند در حالی که این کشور استانداردهایی را که در اروپا و آمریکا است را ضروری نمی‌داند یا حتی محصولات تراریخته را نیز خریداری می‌کند؛ این افتخاری ندارد بلکه به این معناست که محصولات آن شرکت ایرانی آنقدر ضعیف و بی‌کیفیت است که در کشورهایی که به سلامت مردم خود اهمیت می‌دهند، خریداری نمی‌شود. این موضوع به معنای عدم توجه به پیشرفت و عدم توجه به پتانسیل بالای تجارت محصولات با کیفیت کشاورزی و غذایی است.

**آمریکا، قدرتمندترین قطب کشاورزی در جهان**

وقتی می‌بینید میزان صادرات محصولات کشاورزی و غذایی کشوری مثل ترکیه طبق آمار مرکز تجاری بین‌المللی در سال ۲۰۱۹ عددی بالغ بر ۱۷۷ میلیارد دلار بوده است و ۲۵ درصد نیروی کار در این کشور در بخش کشاورزی و غذایی فعال هستند، می‌توانید درک کنید که توجه به همین بخش‌های به ظاهر فعال در کشور که اصلاً فعالیت درستی ندارند می‌تواند به اندازه صادرات نفت برای کشورمان حائز اهمیت باشد. میزان صادرات در همین حوزه در کشوری مثل آمریکا ۱۷۷ میلیارد دلار است، چراکه آمریکا قدرتمندترین کشاورزی در جهان را دارد؛ در گذشته از سوی برخی کارشناسان مثالی زده می‌شد که فارغ از صحیح بودن یا نبودن آن نشان از قدرت کشاورزی آمریکا و توان و تاثیرگذاری این بخش از اقتصاد در میزان تاثیرگذاری در جهان داشت؛ «بسیاری می‌گفتند ایالت کالیفرنیا آمریکا به تنهایی می‌تواند غذای جهان را تامین کند.» فارغ از آنکه این مثال ناظر بر تامین فرضی غذا با یک یادو محصول بود و باز هم از لحاظ آماری کاملاً درست نبود، اما نشانگر حجم تولید و اوج دانش مهندسی کشاورزی در این کشور بود.

**رونق تجارت محصولات کشاورزی و غذایی ارگانیک**

تجارت و صادرات محصولات کشاورزی و غذایی ارگانیک و وگن در جهان آنچنان بازار پررونق و پرسودی دارد که امروزه شاهد ظهور فروشگاه‌های زنجیره‌ای سوپرلوکس در کشورهای مختلف هستیم که فقط محصولات ارگانیک یا وگن خاص را به مشتریان خود عرضه می‌کنند که همه این مشتریان هم لزوماً از طبقه ثروتمند جامعه نیستند، بلکه به دلیل اهمیت به سلامت خود از همه طبقات جامعه به این‌گونه فروشگاه‌ها مراجعه می‌شود؛ دلیل آن هم روشن است، چون انسان امروزی برای تغذیه هدفی فراتر از بقای حیات یا Survival دارد، چراکه به دنبال کسب لذت و داشتن زندگی سلامت‌محور است.

به‌طور مثال در آمریکا فروشگاه‌های بسیار لوکس

و پرهزینه‌ای چون **Erewhon** و **Whole Foods** و **Market** محصولات بسیار خاص غذایی و کشاورزی را ارائه می‌کنند که در مارکت‌هایی چون **Tesco** و **Walmart** پیدا نمی‌کنید. جایی مثل هول فودز فقط به ارائه محصولات تمام ارگانیک می‌پردازد و از سراسر جهان محصول دارد؛ دورافتاده‌ترین کشورها گرفته تا حتی عسل ارگانیک کشور جنگ‌زده یمن، اما جای ایران و محصولات ارگانیک کشورمان خالی است، چراکه بیشتر محصولات ما به دلیل عدم توجه به الزامات تکنیکال و آزمایشگاهی، تاییدیه استاندارد کشور هدف را به دست نمی‌آورند.

به‌طور مثال در فروشگاه‌های چون **المار** می‌توانید یک کیلو پیاز را ۴/۳۴ دلار بخريد در حالی که در هول فودز هر یک عدد پیاز ارگانیک کالیفرنیا ۸۰ سنت فروخته می‌شود یا اگر ۱۲ عدد تخم‌مرغ را در المار ۱/۳۶ دلار می‌خرید باید برای انواع مختلف ارگانیک آن در هول فودز بین ۷ تا ۹ دلار هزینه کنید.

**ضعف در برندینگ بین‌المللی**

مشکل دیگر در این حوزه ضعف در برندینگ بین‌المللی، عدم انتخاب نام‌های جهانی و طراحی‌های حرفه‌ای و ضعف شدید در دیزاین و کیفیت بسته‌بندی محصولات ایرانی است. بعضاً شاهد آن هستیم که زعفران یا خاویار ایرانی در کشورهایی چون امارات بسته‌بندی مجدد می‌شوند و بعضاً حتی با نام ایرانی نیز صادر می‌شوند.

وقتی شرکت‌های ایرانی به دلیل قوانین اشتباه و محدودکننده از جانب مرکز مالکیت معنوی نمی‌توانند بسیاری از نام‌ها و علامت‌های تجاری را ثبت و برای ثبت یک نام و لوگو هزار سختی را باید تحمل کنند و نتیجه آن یک نام غیر جهانی و محدود است، بازاربایی جهانی نیز بسیار سخت می‌شود. امیدواریم با قانونگذاری درست در این حوزه این مشکلات برطرف شود.

**این حوزه تحریم نیست!**

هدف از ذکر همه مواردی که گفته شد، این است که توجه درست و اصولی به حوزه کشاورزی، مواد غذایی و ده‌ها صنعت مرتبط با این دو حوزه که از صنایع ساده تا صنایع بسیار های‌تک و تکنولوژیک را درگیر خود می‌کنند، می‌تواند یک بازار عظیم تجاری برای فعالان اقتصادی کشور ایجاد کند که جالب آنجاست که این حوزه تحریم هم نیست. بانک خاورمیانه به عنوان تنها بانک ایرانی دارای مجوز اختصاصی **OFAC** هم می‌تواند تبادل‌ات بین‌المللی این حوزه را انجام دهد، اما مشکلاتی از جمله عدم وجود استانداردهای درست و عدم توجه به اصول و قواعد در بازارهای مهم جهانی از جانب نهادهای استاندارد و فنی همچون سازمان استاندارد، سازمان غذا و دارو و نهادهای بازرگانی کشور (وزارت کشاورزی و وزارت صمت و حتی اتاق بازرگانی) ایران باعث شده تا محصولات ما نتوانند به عرصه‌ای ورود کنند که می‌توان به اندازه نفت و گاز برای کشور درآمدسازی کرد.

کلام آخر اینکه امیدواریم با استانداردسازی درست، توجه به بازارهای هدف در غرب، افزایش کیفیت محصولات، تعیین استراتژی‌های درست و برندینگ و بسته‌بندی جهانی بتوانیم این بخش از تولید و صنعت کشور را که آمادگی کامل برای رشد و توسعه بازار دارد، احیا کنیم. کشت فراسرزمینی نیز موضوع همیشه مغفول مانده در این حوزه بوده است که آن هم نیاز به آسیب‌شناسی و رفع مشکلات خاص خود را دارد. در کنفدراسیون اتاق‌های بازرگانی آسیا و اقیانوسیه (CACCI) نیز یکی از تمرکزهای ما افزایش تعاملات در این حوزه‌هاست و امیدواریم به زودی شاهد درخشش برندهای غذایی و کشاورزی ایران در بازارهای **GCC** و سپس اتحادیه اروپا و آمریکا باشیم.





دبیر کل مجمع کارآفرینان ایران در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## راهکار تشویق بخش خصوصی به افزایش سرمایه گذاری

نازنین یوسفبکیان - آمارها گواه آن است که سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران حتی از اتیوپی کمتر است. این در حالی است که طی سال های اخیر با فرار سرمایه های مادی و معنوی از کشور روبهرو هستیم و در حال حاضر کمتر کسی تمایل دارد با صرف هزینه و زمان خود در بخش های مولد فعالیت کند. به همین دلیل صنایع تولیدی کشور به عنوان محورهای اصلی توسعه اقتصادی این روزها شرایط خوبی را تجربه نمی کنند و حتی شاهد این هستیم که کارخانه های بنام و قدمت دار ایران که روزگاری در بازارهای جهانی نیز حرفی برای گفتن داشتند، در شرایط نیمه تعطیل به سر می برند. اکنون نیز با وجود اینکه ۳ ماه از سال جاری که با عنوان رشد تولید و مهار تورم نامگذاری شده می گذرد، هنوز در زمینه مهار تورم یا کمک به واحدهای تولیدی کار چندانی انجام نشده است و کماکان صنعتگران کشور با مشکلاتی از جمله قیمت گذاری دستوری، افزایش نرخ مواد اولیه، کمبود منابع مالی و... روبهرو هستند که ادامه فعالیت را برای آنها غیرممکن کرده است.

از این رو بسیاری از صنایع تولیدی از این منظر دچار ضرر و زیان جبران ناشدنی هستند. برای مثال از سال ۹۷ تا به امروز دو بنگاه خودروسازی کشور دچار زیان انباشته چند هزار میلیارد تومانی شدند. در صورتی که انتظار می رفت در شرایطی که واردات ممنوع شده، سود این بنگاهها افزایش پیدا کند. این مساله نشان از معیوب بودن سیستم قیمت گذاری دارد.

در مورد قیمت گذاری اولاد دولت باید حدود آن را مشخص کند. یعنی کالاهایی که برای دولت اهمیت دارد مشخص و سایر اقلام از شمول قیمت گذاری به طور کامل خارج شوند. این مطالبه جدی بخش خصوصی است که حدود اختیارات دولت مشخص شود. نکته دوم در خصوص شیوه قیمت گذاری است که به صورت بهای تمام شده و سود منصفانه محاسبه می شود. در صورتی که بسیاری از هزینه های تولیدی به صورت هزینه های نامحسوس (هزینه مبادله و...) در صورتمنامه های حسابداری به چشم نمی خورد. مانند همین مساله قطع برق که پیش تر به آن اشاره شد. از این رو روش مرسوم قیمت گذاری، مقایسه قیمت کالای تولید داخل با کالای مشابه خارجی است.

واقعیت این است تولیدکننده ای که در ایران در این شرایط سخت و نابسامان می تواند کالایی را با قیمت و کیفیت مشابه کالایی که در ویتنام و اندونزی تولید می شود تولید کند، بسیار کار بزرگی کرده است. بنابراین پیشنهاد ما این است که دولت

اولویت نیست. با توجه به عدم سرمایه گذاری دولت در تولید انرژی و همچنین عدم مدیریت مصرف انرژی به نظر نمی رسد در کوتاه مدت این مشکل حل شود. همچنین با توجه به گستردگی ضرر و زیان واحدهای تولیدی، بعدی است که دولت توانایی پرداخت خسارت به واحدهای تولیدی را داشته باشد. از این رو دولت می تواند امتیازات دیگری بابت این خسارت به بنگاه های تولیدی پرداخت کند. این امتیازات می تواند شامل معافیت مالیاتی، بخشودگی بیمه های یا مجوزهای مورد نیاز بنگاهها باشد. همچنین آنچه که می تواند ضرر و زیان قطعی های برق را کمتر کند، داشتن برنامه منظم قطع برق است. با اعلام عمومی برنامه قطع برق، بنگاه های تولیدی قادر خواهند بود تا نوعی برنامه ریزی برای مواجهه با این مشکل داشته باشند. در نهایت برخی از واحدهای بزرگ، ظرفیت ایجاد نیروگاه های شخصی و منفرد را دارند که دولت می تواند این گزینه را نیز بررسی کند.

■ با توجه به اینکه نهادهای تولید روز به روز گران تر می شود و اغلب تولیدکنندگان ناچار به ارائه محصولاتشان با همان قیمت های دستوری قبلی هستند، صاحبان بنگاه های تولیدی چطور باید سرپا بمانند و فعالیت کنند؟

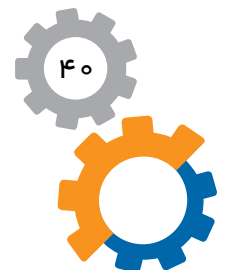
قیمت دستوری یکی از مشکلات مهم صنایع تولیدی است. همان طور که اشاره کردید قیمت نهادهای به صورت روزانه و لسی قیمت گذاری دستوری با تاخیر بسیار زیادی تغییر می کند.

در همین راستا با حمیدرضا غزنوی دبیر کل مجمع کارآفرینان ایران که یک نهاد تخصصی و مشورتی در حوزه پیشران های اقتصادی و کارآفرینی است به گفت و گو نشستیم تا برای حل چالش کاهش سرمایه گذاری در کشور، مشورت های لازم را به گوش دولتمردان برسانیم. به گفته غزنوی، در شرایط فعلی دولت می تواند با رفع نگرانی های بخش خصوصی و رفع موانع تولید موجب تشویق بخش خصوصی به افزایش سرمایه گذاری شود. اما متأسفانه هنوز اقدامی در این خصوص انجام نشده است. در ادامه گفت و گوی «جهان صنعت» با این فعال بخش خصوصی را می خوانید.

■ لطفا در مورد تبعات ناشی از محدودیت های انرژی و خساراتی که شامل حال صنایع کشور می شود، توضیح دهید. چرا دولت برای حل این مشکلات برنامه ای ندارد و خسارت ناشی از این محدودیت ها را نیز به صنایع پرداخت نمی کند؟

محدودیت های انرژی و به ویژه قطع برق چند سالی است که به مشکل جدی برای کارخانه های تولیدی تبدیل شده است. تصور کنید که یک واحد تولیدی با چند هزار کارگر و با ماشین آلات در حال کار به طور ناگهانی دچار قطعی برق شود. این مساله یک فاجعه تمام عیار برای بخش تولید است. به ویژه که اولین گزینه برای قطع برق در زمان محدودیت انرژی، بخش صنعتی کشور است که نشان می دهد صنعت در کشور آنچنان هم در

با توجه به گستردگی ضرر و زیان واحدهای تولیدی، بعید است که دولت توانایی پرداخت خسارت به واحدهای تولیدی را داشته باشد. از این رو دولت می تواند امتیازات دیگری بابت این خسارت به بنگاه های تولیدی پرداخت کند. این امتیازات می تواند شامل معافیت مالیاتی، بخشودگی بیمه های یا مجوزهای مورد نیاز بنگاهها باشد



سابقه مدیریتی و صنعتی دکتر علی‌آبادی یک مزیت بزرگ برای ایشان است. اینکه وزیری با چگونگی کارکرد و مسائل صنایع بزرگ از نزدیک آشنا باشد یک حسن بزرگ است. البته آشنایی با تولید و صنعت باید با درک درست از سیاست‌های صنعتی و تجاری همراه شود

به توسعه صنایع کمک قابل توجهی کند. یکی از مسائلی که در صنایع تولیدی مغفول مانده، فقدان سیاست‌های انتقال فناوری‌های نرم و سخت است. کارخانه‌های تولیدی داخلی به میزان زیادی نیازمند یادگیری فناوری‌های جدید هستند و از این رو لازم است برای خرید ماشین‌آلات جدید، استخدام مدیران و مشاوران خارجی و ارسال مدیران تکنسین‌ها به خارج برای یادگیری مورد حمایت قرار گیرند. امیدواریم که وزیر جدید با تعامل خوب در همین راستا حرکت کند.

**■ به عنوان کلام آخر اگر صحبتی دارید بفرمایید**

حوزه کاری ما پیشران‌های اقتصادی است و بارها اعلام کردیم که مسیر توسعه کشورهای صنعتی از صنایع پیشران عبور می‌کند. از میان ۸۰ عضو مجمع کارآفرینان ایران در حال حاضر فرزندان ۲۲ مجموعه در عرصه تولید و صنعت نقش آفرینی می‌کنند. اقتصاد کشور ما به هم‌افزایی و مشارکت بیشتری نسبت به گذشته نیاز دارد و باید راه رشد و توسعه هموار شود. ما ناچاریم که گفتمان پیشران‌های بخش خصوصی را در کشور افزایش دهیم، زیرا هر توسعه‌ای زیر سایه پیشران‌های بخش خصوصی شکل می‌گیرد.

این در حالی است که حدود سه ماه از سال مهار تورم و رشد تولید می‌گذرد، ولی کار جدی‌ای در این زمینه انجام نشده است. پیشنهاد ما این است که بخش خصوصی در صورت فراهم شدن شرایط، آماده ارائه برنامه برای رشد قابل توجه تولید باشد. پیشران‌های هر رشته صنعت می‌توانند در ازای رفع موانع و مشکلات و دریافت حمایت‌های کافی، یک برنامه توسعه جدی برای ارتقای قابلیت‌های تولیدی کشور ارائه کنند. بر همین اساس مجمع کارآفرینان ایران آماده برقراری ارتباط صنایع تولیدی بزرگ با مدیریت جدید وزارت صمت و ارائه طرح و برنامه برای رشد و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی است.

**■ به گفته اقتصاددانان سرمایه‌گذاری در کشور سال به سال وخیم‌تر می‌شود. به این ترتیب باید در آینده شاهد رشد بیکاری و رشد فقر در کشور باشیم. نظر شما در این خصوص چیست و چه پیشنهادی برای رشد سرمایه‌گذاری در کشور دارید؟ نظر شما در مورد وضعیت فعلی وزارت صمت، معدن و تجارت چیست؟ آیا تفکیک حوزه بازرگانی از صنعت و معدن می‌تواند موجب بهبود عملکرد این وزارتخانه شود؟**

واقعیت این است که برای توسعه صنعتی بهتر است بخش تجارت و صنعت در هماهنگی با یکدیگر کار کنند. از این رو بهتر است این تفکیک انجام نشود تا سیاست‌های تجاری و سیاست‌های صنعتی به صورت هماهنگ انجام گیرد. هر چند دغدغه سال‌های اخیر وزارت صمت بیشتر مسائل تنظیم بازار و کنترل قیمتی بوده که به نظر این وظیفه اصلی وزارت صمت نیست. این وزارتخانه به عنوان متولی اصلی بخش صنعت و تجارت باید تلاش کند تا با توسعه توان تولیدی و صنعتی کشور، اقتصاد ملی رشد کند. بحث قیمت‌ها باید توسط وزارت اقتصاد و بانک مرکزی با سیاست‌های پولی و مالی کنترل شود و در واقع مبارزه با تورم باید جایگزین مبارزه با افزایش قیمت‌ها شود.

**■ به نظر شما حضور عباس علی‌آبادی به عنوان مدیر عامل شرکت مینا در وزارت صمت می‌تواند موجب اصلاح سیاست‌ها و عملکرد این وزارتخانه به نفع تولید شود یا اینکه تا سیاست‌ها در حوزه‌های بالادستی اصلاح نشود، در وزارت صمت نیز اتفاقی نخواهد افتاد؟**

سابقه مدیریتی و صنعتی دکتر علی‌آبادی یک مزیت بزرگ برای ایشان است. اینکه وزیری با چگونگی کارکرد و مسائل صنایع بزرگ از نزدیک آشنا هستند یک حسن بزرگ است. البته آشنایی با تولید و صنعت باید با درک درست از سیاست‌های صنعتی و تجاری همراه شود. وزیر صمت می‌تواند

به جای تمرکز بر قیمت و تنظیم بازار، تمرکز خود را بر افزایش کیفیت قرار دهد.

**■ به نظر شما عدم تحقق شعارهای سال که همگی طی سال‌های اخیر بر محور تولید و حل چالش‌های آن بوده است به چه دلیل است و دولتمردان در سال جاری برای مهار تورم و رشد تولید باید چه اقداماتی را در دستور کار قرار دهند؟**

در مورد شعار چند سال اخیر که با توجه به تولید و رشد اقتصادی بوده چند مساله وجود دارد. نکته نخست در مورد شرایط سخت حاکم بر کشور است. واقعیت این است که تحریم‌ها وضعیت اقتصادی کشور را به شدت تحت تاثیر قرار داده و نمی‌توان انتظار تحولات شگرف در این شرایط داشت. شرایط نامناسب خارجی و اقتصاد سیاسی توزیعی داخلی مانع از این می‌شود که شعارهای سال در حمایت از تولید و رشد اقتصادی تحقق پیدا کند. برای مهار تورم و رشد تولید نیز چند سیاست مشخص باید در دستور کار جدی دولت قرار گیرد.

اولا برای کنترل تورم دولت باید مخارج زائد خود را کاهش دهد. سیاست دوم کنترل ناترازی بانک‌هاست که دولت در این حوزه جدی‌تر ورود کرده است. هر چند این رویکردهای انقباضی برای کنترل تورم لازم و ضروری است ولی بدون رشد تولید بعید است که توفیق چندانی به دست آورد یا در نهایت به رکود منجر شود. از این رو اتخاذ سیاست صنعتی موثر در غالب حمایت از سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، تشویق صادرات و ارتقای توانمندی تولیدی کشور باید در دستور کار جدی دولت قرار بگیرد. دولت می‌تواند با رفع نگرانی‌های بخش خصوصی و رفع موانع تولید موجب تشویق بخش خصوصی به افزایش سرمایه‌گذاری شود. در این زمینه هم تلاش چندانی نشده و امیدواریم وزیر جدید صمت، دکتر علی‌آبادی به این مهم توجه داشته باشند.

گفت‌وگو







## معاون برنامه ریزی و نظارت بر امور شرکت‌های گروه سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات تشریح کرد

# هشت پروژه پیشران تحت راهبری شرکت «ومعادن»

«جهان‌صنعت» - معاون برنامه‌ریزی، بودجه و نظارت بر امور شرکت‌های گروه سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات (ومعادن) ضمن تشریح هشت پروژه پیشران این مجموعه، در خصوص مهم‌ترین و بهینه‌ترین روش‌های تامین مالی و سرمایه‌گذاری در بخش فلزات و فولاد و سایر پروژه‌های در دست اقدام، توضیحاتی را ارائه کرد. محمدحسین قائمی‌راد درباره پروژه‌های مهم پیش روی شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات اظهار کرد: هشت پروژه پیشران تحت راهبری شرکت «ومعادن» قرار دارد که دو مورد متعلق به فولاد کرذستان است. صبا امید غرب خاورمیانه یک پروژه در دست اقدام دارد که محصول نهایی فاز اول آن یک میلیون تن گندله است. پروژه افزایش ظرفیت ۳۶۶ مگاواتی نیروگاه سمنان پروژه دیگری است که سنکرون شده و در حال افتتاح است. پروژه آرتاویل نیز در آردبیل فعال است. در شهرستان اقلید استان فارس هم یک واحد احیا در حال احداث بوده و یک پروژه ۲ میلیون تنی کنسانتره نیز مربوط به صبا نور است. همچنین احداث کارخانه تولید کنسانتره مس جانجا از دیگر پروژه‌های بسیار مهم ماست که مدیریت مجموعه نگاه ویژه‌ای به آن دارد.

به عنوان درآمد عملیاتی این شرکت محسوب می‌شود. **کسب درآمد از طریق مدیریت پر تقوی** قائمی‌راد عنوان کرد: یک شرکت توانمند سعی می‌کند از طریق مدیریت پر تقوی خود کسب درآمد کند. همه شرکت‌های زیرمجموعه ما پروژه دارند. حتی اگر سود تقسیم شود به صورت حسابداری می‌توانیم درآمد آنها را شناسایی کنیم ولی این جزو افزایش سرمایه محسوب می‌شود. نباید درصد مالکیت پر تقوی مان کاهش پیدا کند تا با توجه به شرایط بازار بتوانیم برای پروژه‌ها تامین مالی کنیم. یک بخش از مشکلات ما تامین ارز است. شرکتی مثل چادرملو که پروژه دارد، صادرات انجام می‌دهد و ارز حاصل از آن را صرف پروژه‌های خود می‌کند، اما شرکت سرمایه‌گذاری «ومعادن» این قابلیت را ندارد. این شرکت باید ثبت سفارش انجام دهد و از بانک مرکزی تخصیص بگیرد که آنجا نیز محدودیت منابع و تخصیص دارد. ما در تلاش هستیم این مساله و محدودیت تخصیص حل شود. طبیعتاً اگر میزان تخصیصی که مورد نیاز است، انجام نشود، در اجرای پروژه‌ها واردات بخشی از ملزومات به مشکل خواهیم خورد. از نظر قانونی امکان خرید ارز از بازار برای شرکت ما وجود ندارد و تنها راه حل مساله محدودیت تخصیص ارز است. قائمی‌راد در پایان تصریح کرد: قوانین و مقررات همیشه باید بر اساس شرایط تصویب و اجرا شود. سال قبل بخشنامه‌ای تصویب شد که به یکباره از صادرات گندله جلوگیری شد. این مصوبات خلق الساعه است. همچنین ۵ درصد حق انتفاع که تعیین شد، سود شرکت‌ها را بسیار پایین می‌آورد. برای قوانین باید شرایط کل کشور دیده شود. از فولادها و معدنی‌ها نظر بخواهند و بگویند تاثیر این مصوبات و قوانین روی فعالیت شما چیست. در خصوص برق و گاز، شرایط پیش آمده برای ما عدم انتفاع قابل توجهی را ایجاد کرد که حتی به ناچار ژنراتور خریدیم. البته برخی اقدامات برای تامین انرژی صنایع شده که می‌تواند کمک کننده باشد. شعر امسال هم «مهار تورم و رشد تولید» است. آنچه تورم را مهار می‌کند، رشد تولید است. وقتی تولید ما بالا باشد، سود ایجاد می‌کند و اگر بازار صادراتی مناسب ایجاد کنیم، عرضه بیشتر می‌شود و تقاضا را کنترل می‌کند و در نتیجه تورم مهار می‌شود.

صبا نور، پابا و یاقوت توسعه معادن و فلزات با جدیت پیگیری می‌شود که نتایج مثبت و امیدوار کننده‌ای داشته و سبب شده به تامین موفقیت آمیز خوراک سنگ آهن مورد نیاز خوش بین باشیم. او تصریح کرد: مجموع سرمایه‌گذاری انجام شده در پروژه‌های گروه «ومعادن» به ارزش ۳۵۰ هزار میلیارد تومان است که از این میزان، سهم شرکت توسعه معادن و فلزات حدود ۱۱۱ هزار میلیارد تومان است. در تلاشیم تامین مالی در تمامی پروژه‌ها، چه آنهایی که در خانواده پیشرانان هستند و چه غیران، به بهترین شکل ممکن انجام شود. معاون برنامه‌ریزی، بودجه و نظارت بر امور شرکت‌های «ومعادن» بیان کرد: پروژه الکتروگرافیتی کارزون تحت عنوان شرکت صنعت گستر سورنا کارزون در حال انجام است که بیشترین سهام آن متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات است. این پروژه در حال حاضر کلنگ‌زنی شده و عملیات اجرایی آن در حال برنامه‌ریزی و انجام است. حدود ۲۰ روز گذشته، عملیات اجرایی پروژه تولید نوار نقاله استیل کورد هم در لشتر لریستان آغاز شد. یکی دیگر از پروژه‌هایی که سال گذشته افتتاح شده، فرسایلیکومنگنز شیروان است که منقاصه برای انتخاب پیمانکار آن در دستور کار قرار گرفته است. قائمی‌راد ادامه داد: تاپر هامون در سیستان و بلوچستان از دیگر پروژه‌های ماست که با همراهی سایر سهامداران در حال پیشروی است. پروژه دیگری که اخیراً وارد آن شده‌ایم و در مرحله تشکیل شرکت و انتخاب مدیرعامل و هیات‌مدیره است، نیروگاه ۵۰۰ مگاواتی کرمانشاه است. این پروژه‌ها، به استثنای طرح نیروگاه کرمانشاه که در حال ارزیابی و بررسی است، در کنار پروژه‌های پیشران، حدود ۱۵ پروژه می‌شود که سهم شرکت «ومعادن» در میزان سرمایه‌گذاری در آنها، ۱۱۱ هزار میلیارد تومان است. او در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره بهترین روش‌های تامین مالی برای پروژه‌های شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات، گفت: در ابتدا باید بررسی کرد که منابع درآمدی شرکتی مانند «ومعادن» چیست؟ یکی از مهم‌ترین این منابع DPS است؛ یعنی سود توزیع شده شرکت‌های زیرمجموعه که باید وارد مجموعه ما شود. همچنین یکی دیگر از منابع درآمدی مهم ما خرید و فروش سهام است که

معاون برنامه‌ریزی، بودجه و نظارت بر امور شرکت‌های گروه سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات در خصوص پروژه آهن اسفنجی آرتاویل گفت: تجهیزات پروژه وارد گمرک شده که گام موثری در پیشبرد آن محسوب می‌شود. در پروژه گندله‌سازی صبا امید غرب خاورمیانه نیز پارت اول تجهیزات آن تخصیص شده و پارت دوم در حال حمل است. قائمی‌راد ادامه داد: با پیگیری‌ها و نظارت هلدینگ، در سال ۱۴۰۲ برخی پروژه‌های پیشران «ومعادن» به بهره‌برداری خواهند رسید اما تمام تجهیزات پروژه‌های مان را که ساخت داخل ندارد، باید وارد کنیم. در این خصوص محدودیت‌هایی در تامین ارز وجود دارد، چرا که در خود بانک مرکزی تخصیص ارز محدود شده است. در حال مذاکره برای حل این مساله هستیم تا تامین ارز مورد نیازمان انجام شود. مساله دیگر مربوط به مجوزهایی است که نیاز به دریافت آن داریم. در نیروگاه گازی سمنان هنوز نتوانسته‌ایم مجوز زیست‌محیطی آن را بگیریم. به دلیل قرارگیری این پروژه در گروه پیشرانان، دولت برای اخذ این مجوزها اقدامات کمکی را در دستور کار دارد. **زن‌چیره فولاد متوازن نیست** قائمی‌راد اضافه کرد: از دیگر مسائل، حمل و نقل ریلی است. تامین زیرساخت‌ها وظیفه دولت است اما با توجه به مسائلی که در کشور وجود دارد، ناچاریم این بخش را هم خودمان جلو ببریم. همچنین، موضوعی در بودجه امسال تصویب شد که مربوط به حق انتفاعی بود که ۵ درصد میانگین وزنی شمش فولاد خوزستان باید به دولت پرداخت شود؛ طبیعتاً این موضوع باعث می‌شود حاشیه سود شرکت‌ها پایین بیاید. فعالان زن‌چیره فولاد در تلاش هستند تا تغییراتی در آن ایجاد شود. در حال حاضر زن‌چیره فولاد که شامل استخراج سنگ آهن، تولید کنسانتره، گندله آهن اسفنجی و شمش فولاد می‌شود، متوازن نیست؛ اگر قرار است تولید ۵۵ میلیون تن فولاد محقق شود، باید در نظر داشته باشیم که هم‌اکنون ۱۶۵ میلیون تن کسری سنگ آهن داریم. او به اقدامات نتیجه‌بخش هلدینگ «ومعادن» در خصوص حفاری‌های اکتشافی اشاره کرد و افزود: در حال حاضر این موضوع از طریق شرکت‌های

مجموع سرمایه‌گذاری انجام شده در پروژه‌های گروه «ومعادن» به ارزش ۳۵۰ هزار میلیارد تومان است که از این میزان، سهم شرکت توسعه معادن و فلزات حدود ۱۱۱ هزار میلیارد تومان است. در تلاشیم تامین مالی در تمامی پروژه‌ها، چه آنهایی که در خانواده پیشرانان هستند و چه غیران، به بهترین شکل ممکن انجام شود



## اهمیت نمایشگاه فرانچایز و توسعه کسب و کار

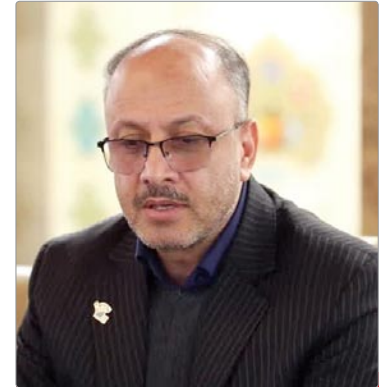
نمایشگاه، فرصت مناسبی است تا محصول نهایی به عنوان کالا، خدمات تجاری و مشاوره در راستای پیشرفت و گسترش کسب و کار به مخاطبان نشان داده شود، این همه در نهایت امر در ارتقای فروش و کسب ثروت توسط افراد و شخصیت‌های حقوقی موثر خواهد بود. علاوه بر این، حضور در نمایشگاه‌های مختلف می‌تواند به ارتقای شناخت برند شما، جذب مشتریان جدید و رشد کسب و کار در بخش‌های مختلف کمک کند، همچنین در نمایشگاه‌ها می‌توانید با رقبا و همکاران خود در صنعت آشنا شوید و ارتباطات خود را گسترده کنید و آن را بهبود ببخشید، این همان مسیری است که به آن شبکه‌سازی تجاری گفته می‌شود.

در افق چشم‌انداز نمایشگاه اصفهان برای ۴ سال آینده ماموریت خودمان را به گونه‌ای تعریف کردیم که تکمیل‌کننده فرآیند حضور شرکت‌ها در رویدادهای نمایشگاهی را کامل‌تر از گذشته کنیم و صرفاً نقش یک شرکت سایت‌دار با زیرساخت‌های استاندارد را ایفا نکنیم. از همین رو تلاش می‌کنیم نمایشگاه بین‌المللی اصفهان را به مرکز تبادل ایده‌ها، برندها، نظرها و محصولات گوناگون در راستای منافع کشور تبدیل کنیم. برنامه‌ریزی برای برگزاری «اولین نمایشگاه فرانچایز و توسعه کسب و کار» از چنین منظری در تقویم سال ۱۴۰۲ انجام شده است. برگزاری برخی عناوین نمایشگاهی مانند صنعت ساختمان، دام و طیور، کشاورزی، تاسیسات سرمایشی و گرمایشی و فرش دستباف گواه سابقه طولانی این عنوان‌های نمایشگاهی در سایت نمایشگاه بین‌المللی اصفهان است، اما نیاز است زمینه توسعه همین کسب و کارها از طریق معرفی ظرفیت‌های جدید در کسب و کارها از طریق خدمت تامین مالی کسب و کار، خدمت تبلیغات، خدمات مدیریت واردات و صادرات، خدمت ارزش‌گذاری کسب و کار، خدمات بیمه و مالیات، خدمات فنی و مهندسی، خدمات

افزایش بهره‌وری، خدمات فروش و بازاریابی، خدمات روانشناسی کسب و کار و... نیز به صاحبان کالا، خدمات و صنعتگران در قالب برگزاری یک رویداد نمایشگاهی نیز ارائه شود. در واقع با برگزاری نمایشگاه کسب و کار به دنبال معرفی خدمات نوین به صاحبان صنایع، مدیران، تجار، بازرگانان و مدیران کسب و کار در حوزه‌های گوناگون هستیم.

مهم‌ترین نکته در برگزاری اولین نمایشگاه فرانچایز به مخاطبان و بازدیدکنندگان این رویداد ارتباط دارد. براساس نظرسنجی‌های میدانی در نمایشگاه‌ها و ثبت اطلاعات بازدیدکنندگان مخاطب رویدادهای نمایشگاهی با عنوان‌های مختلف را می‌توان به عموم شهروندان، متخصصان، کارشناسان یک حوزه و مدیران همان صنعت دسته‌بندی کرد، در صورتی که مخاطبان برگزاری نمایشگاه فرانچایز صاحبان کسب و کارها هستند؛ افرادی که طی سال‌های طولانی و براساس کسب دانش، خلق ثروت و تجربه در یک حوزه کاری مشغول فعالیت بودند و حال به دنبال توسعه کسب و کار خود هستند. بدون شک نمایشگاه فرانچایز می‌تواند یاری‌گر و بهبوددهنده فعالیت اقتصادی چنین افراد حقیقی و حقوقی باشد.

امیدواریم اولین نمایشگاه فرانچایز و توسعه کسب و کار از تاریخ ۲۷ الی ۳۰ تیرماه در نمایشگاه بین‌المللی اصفهان با کیفیت مطلوب و جذب مخاطبان برگزار شود. این عنوان نمایشگاهی در شهر تهران طی شش سال گذشته برگزار شده و توانسته شبکه‌سازی مناسبی برای توسعه کسب و کارهای مستعد رشد فراهم کند. امیدواریم در سال جاری و با برگزاری این رویداد نمایشگاهی بتوانیم بنیان یکی از تاثیرگذارترین عناوین نمایشگاهی را در شهر اصفهان پایه‌گذاری و از طریق همین بستر مناسب یکی از بهترین شبکه‌سازی‌های تجاری را فراهم کنیم.



احمدرضا طحانپان  
مدیر عامل نمایشگاه بین‌المللی اصفهان

حضور صاحبان کسب و کار در نمایشگاه‌های تخصصی، بین‌المللی و خارجی زمینه‌ساز بهترین ارتباطات تجاری در دنیای امروز است. در جهان امروز بدون به نمایش گذاشتن، معرفی، گفت‌وگو با صاحبان صنعت و فعالان تجاری امکان رونق دادن به فعالیت‌های تجاری امکان‌پذیر نیست. در هنگام برگزار شدن نمایشگاه تمام ابزارهای ارتباطات تجاری در جهت توسعه ارتباطات، بهبود بخشیدن به روابط تجاری و توسعه کسب و کار در کنار هم قرار می‌گیرند تا در سطح بالاتر معنای دقیق ارتباطات تجاری و شبکه‌سازی‌های اقتصادی را محقق کنند. نمایشگاه حقیقت ارتباطات تجاری را به صورت کامل به نمایش می‌گذارد. نمایشگاه رسانه، شیوه‌های مختلف تبلیغات، چیدمان مهندسی غرفه‌ها، شرایط ایده‌آل رفاهی و خدماتی و در کل فضایی را خلق می‌کند که با استانداردهای تجاری دنیای امروز و اقتصاد هماهنگ‌تر از سایر کنش‌های تجاری است. آنچه با عبارت ارتباطات تجاری از سوی کارشناسان حوزه کسب و کار و فرانچایز تکرار شده به معنای واقعی کلمه در هنگام برگزاری نمایشگاه‌ها به بهترین شکل ممکن برای فعالان اقتصادی نمایان می‌شود.

یادداشت







عضو هیات رییسه اتاق بازرگانی تهران در گفت‌وگو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## میدان داری بخش خصوصی راهی به سوی شکوفایی اقتصادی

فاطمه رحیمی- توسعه صادرات یکی از الزامات و محوری‌ترین مولفه‌ها در رشد و شکوفایی اقتصادی به شمار می‌رود. توسعه صادرات موجب دسترس‌ی به بازارهای خارجی، افزایش تولید و دستیابی به رشد مستمر اقتصادی شده و بررسی روند حرکت اقتصاد جهانی حکایت از آن دارد که سهم صادرات کالاهای صنعتی در جهان همواره در طول سال‌های گذشته در حال افزایش بوده است. توجه به نقش صادرات کالاهای صنعتی از اهمیت ویژه‌ای در مبادلات تجاری برخوردار است و اجرای سیاست توسعه صادرات موجب هدایت تولید و تخصیص منابع به سوی بخش‌هایی خواهد شد که کشور در آن نسبت به سایر بخش‌ها دارای مزیت است و این بخش‌ها از کارایی بالاتری نیز برخوردار خواهند بود. مهم‌ترین موانع بهبود و باثباتی در خصوص مبادلات خارجی را می‌توان وابستگی بالا به سیاست‌های نامناسب پولی، مالی و تجاری از یک سو و موانع سیاسی اعم از سیاست داخلی و سیاست خارجی عنوان و بر نقش مخرب تحریم‌ها از دو کانال مستقیم و غیرمستقیم بر رابطه مبادله در تجارت ایران تأکید کرد. در این میان باید تأکید کرد که رسیدن به بازارهای گسترده جهانی، مستلزم حرکت به سوی اقتصاد باز، به کارگیری استراتژی‌های جهش صادراتی و نگاه مدبرانه به نیازها و خواسته‌های مشتریان گوناگون در بازارهای مختلف است و توفیق در دستیابی به این هدف حضور پررنگ بخش خصوصی و تعامل و همدلی آن با بخش دولتی در بازارهای مختلف را می‌طلبد.

در کنترل و حذف مولفه‌هایی که بر تورم تأثیرگذار است، اقدام کند، چرا که تورم بالا تأثیر مستقیمی بر قدرت خرید مردم دارد که در نهایت حیات بنگاه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ادامه باید تأکید کرد که با توجه به حدود اختیارات و محدودیت‌های خارجی نظیر تحریم‌ها می‌توان به طور نسبی نمره قابل قبولی به دولت سیزدهم داد که امیدواریم در آینده این روند رو به مثبت شدن بیشتر حرکت کند تا توسعه صادرات نیز شکوفا شود.

■ **با توجه به اینکه نهاده‌های تولید روز به روز گران‌تر می‌شوند و تولیدکنندگان ناچار به ارائه محصولات‌شان با همان قیمت‌های دستوری قبلی هستند، وضعیت بازار داخلی و همچنین وضعیت کالاهای ایرانی در بازارهای جهانی را چطور پیش‌بینی می‌کنید؟**

تعیین قیمت دستوری همواره یکی از مشکلات دولت‌ها بوده است. زمانی که تمام مواد اولیه تولید شده کالا افزایش قیمت می‌یابد، به ناچار قیمت تمام‌شده کالا نیز روند صعودی خواهد داشت. نمی‌توان انتظار داشت که قیمت محصول یا کالا ثابت باشد و سایر مولفه‌های تولید افزایش پیدا کند. افزایش قیمت مواد اولیه موجب می‌شود که تولیدکننده به دلیل عدم صرفه اقتصادی مجبور شود با مواد اولیه ارزان و بی‌کیفیت کالا را تولید کند، در نتیجه بحث رقابت از بین می‌رود، چرا که انگیزه‌ای برای تولیدکننده باقی

توسعه در حوزه تجارت خارجی دو پارامتر داخلی و خارجی تأثیرگذار است، محدودیت‌های ناشی از ریسک‌های سیستماتیک که از عوامل خارجی همچون تحریم‌ها نشأت گرفته، بر تجارت تأثیرگذار است. عامل دیگر به عدم ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در شرایط داخلی اقتصاد بستگی دارد. در این میان، زیرساخت‌های لازم برای حمایت از کارآفرینان نیازمند یک سیاست پایدار است، چرا که در حال حاضر حمایت خاصی از توسعه صادرات در کشور نمی‌شود. بخشی از آن ناشی از قوانین خلق الساعه است و بخشی دیگر نیز به دلیل تحریم‌هاست که مانع از بازاریابی لازم برای توسعه می‌شود. در این راستا ضروری است از برقراری روابط تجاری مناسب با کشورهای دیگر در سطح بین‌الملل و با بهره‌گیری از دیپلماسی سیاسی و اقتصادی حداکثر استفاده شود.

■ **برای تأمین سرمایه مورد نیاز شرکت‌های استارت‌آپی، دولت باید چه اقداماتی را در دستور کار قرار دهد؟**

یکی از مشکلات تأمین مالی در کشور تورم است؛ زمانی که اقتصاد در یک بازه زمانی یک ساله با تورم ۵۰ درصد دست به گریبان است، نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتری احساس می‌شود و در نتیجه تأمین مالی بسیار دشوار است. اگر تورم کنترل نشود عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، از این رو بسیار ضروری است که دولت

دولت به جای اینکه حامی بخش خصوصی باشد و تلاش کند تا تصرف خود را بر بخش‌های اقتصادی کشور کاهش دهد و به دنبال کارآمدسازی اقتصاد باشد، بخش خصوصی را از میدان بیرون می‌کند تا خود با بهره‌گیری از فضای انحصاری و قیمت‌گذاری دستوری به اندازه کافی به منابع مالی دست یابد تا بتواند کسری بودجه خود را تا حدی تأمین کند؛ سیاستی که نه تنها برای آینده اقتصادی کشور نتایج خوبی در بر نخواهد داشت، بلکه بازخوردهای نامناسبی چون تضعیف بخش خصوصی و عدم شفافیت اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

نگاهی به تجربه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که در آنها دولت به عنوان سیاستگذار کلان و ناظر عمل می‌کند، بخش مهمی از اقتصاد در اختیار بخش خصوصی واقعی قرار دارد، همین موضوع سبب شده تکانه‌های اقتصادی به حداقل برسد و بر اساس منطق بازار در هر کشور، توسعه و رشد اقتصادی رقم بخورد. در این خصوص «جهان‌صنعت» پای صحبت‌های عباس آرگون، عضو هیات‌رییسه اتاق بازرگانی تهران نشسته تا با واکنش و نقش مهم بخش خصوصی در اقتصاد کشور، راهکاری برای تعامل هر چه بیشتر دولت و بخش خصوصی اندیشیده شود.

■ **توسعه تجارت در شرایط فعلی به خصوص برای کسب و کارهای دانش‌بنیان و کارآفرینان نیازمند چه تمهیدات و زیرساخت‌هایی است؟**

زیرساخت‌های لازم برای حمایت از کارآفرینان نیازمند یک سیاست پایدار است، چرا که در حال حاضر حمایت خاصی از توسعه صادرات در کشور نمی‌شود. بخشی از آن ناشی از قوانین خلق الساعه است و بخشی دیگر نیز به دلیل تحریم‌هاست که مانع از بازاریابی لازم برای توسعه می‌شود



بانک‌ها هم یک  
بنگاه اقتصادی  
هستند و پول  
چاپ نمی‌کنند و  
به ناچار مجبورند  
واحدهای تولیدی  
را برای بازپرداخت  
تسهیلات تحت  
فشار قرار دهند،  
گردش مالی بانک‌ها  
نیز از این طریق  
انجام می‌شود و از  
طرفی بانک‌ها با  
توجه به افزایش  
نرخ بهره نمی‌توانند  
مشتریان خود  
باشند

ایشان با تجارب خوبی که در بخش صنعت داشته امیدوارم در این سمت هم موفق شود. لازم است تاکید کنم در این وزارتخانه باید ثبات ایجاد کرد. در ۶ سال گذشته ۸ نفر بر کرسی وزارت صمت تکیه زده‌اند. از وزارتخانه‌های که مسوول ایجاد ثبات در بازار است، اما در بطن خود دچار بی‌ثباتی است چه انتظاری می‌توان داشت؟ در دولت قبل ۴ وزیر صمت و در این دولت هم تا اینجای کار ۳ وزیر تغییر کرده‌اند. به نظر می‌رسد باید به افراد فرصت داد، چراکه تمام مشکلات اقتصادی کشور از وزارت صمت نمی‌گذرد و ناشی از عملکرد این وزارت نیست. ممکن است هر فردی در این وزارت بر سر کار بیاید این مشکلات وجود داشته باشد، پس باید ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی کرد و دید که علت این مشکلات کجاست، و گرنه با عوض کردن ساختارها ممکن است خیلی از اوقات مشکلات برطرف نشود.

■ **به عنوان خزانه‌دار اتاق بازرگانی تهران، چه برنامه‌هایی در دستور کار دارید و فکر می‌کنید فعالان بخش خصوصی در اتاق بازرگانی چقدر می‌توانند در اصلاح سیاستگذاری دولت نقش داشته باشند؟**

قطعا راه توسعه کشور تعامل، همدلی و همفکری است. اگر بتوانیم با هم همدل و همفکر و تعامل مناسبی داشته باشیم، می‌توانیم مشکلات را از سر راه برداریم و به سمت ارتقای شفافیت و پاسخگویی حرکت کنیم، تا بخش خصوصی بتواند مشورت‌های لازم را به دولت، مجلس و سایر قوا در حوزه‌های قانونگذاری و اجرا بدهد و آنها هم از این دستورات عملی‌ها استفاده کنند. بخش خصوصی متعلق به این کشور است و می‌خواهد کار خود را به نحو احسن انجام دهد. باید از تعامل بخش خصوصی و دولت استقبال کرد، چراکه برای رشد و توسعه کشور این تعامل ضروری است. نماینده‌های دولت در اتاق تهران حضور دارند و تعامل خوبی بین آنها و اعضای اتاق در جریان است تا بتوانند مشکلات را حل و فصل کنند.

مقدمه ورود بخش خصوصی به اقتصاد، جذب سرمایه‌های تازه است. سرمایه جذب نمی‌شود، مگر با ثبات در اقتصاد و بهبود زیرساخت‌ها و مثبت کردن افق آینده. پس اگر دولت به وظیفه خود یعنی فراهم کردن مقدمات لازم عمل کند، سرمایه‌گذاران نیز به عرصه‌های مختلف اقتصاد ورود خواهند کرد و حرکت کشور مانند تجربه موفق کشورهای توسعه یافته با سرعت و قدرت بیشتری ادامه خواهد داشت.

**تصمیم‌گیری‌ها بدهد، مشکلات اقتصادی رفع می‌شود؟**

هر چه تعامل دولت و بخش خصوصی بیشتر باشد، رشد اقتصادی نیز افزایشی خواهد شد. از آنجا که بخش خصوصی به اصطلاح کف عملیات است و با موضوعات و مشکلات مواجه و درگیر، اگر دولت از بخش خصوصی در امر مشورت‌خواهی کمک بگیرد به نفع هم دولت و هم بخش خصوصی است. اگر کسب‌وکار و اشتغال رونق بگیرد، دولت هم توسعه می‌یابد. در حال حاضر این تعامل کم‌رنگ است، کشورهای پیشرفته از بخش خصوصی توسعه یافته و پیشرفته‌ای برخوردارند، این بخش خصوصی است که می‌تواند به کمک دولت بیاید و اشتغالزایی را افزایش دهد و تولید را تنوع بخشد. اگر فضایی وجود داشته باشد که بخش خصوصی رشد و نمو پیدا کند می‌تواند به درآمذایی بیشتر دولت کمک کند و بهره‌وری را افزایش دهد، مجموع این عوامل است که به توسعه اقتصادی کشور کمک می‌کند.

■ **نظر شما در مورد وضعیت فعلی وزارت صنعت، معدن و تجارت چیست؟ آیا تفکیک حوزه بازرگانی از صنعت و معدن می‌تواند موجب بهبود عملکرد این وزارتخانه شود؟**

در ادغام وزارت صنعت، معدن و تجارت کار کارشناسی شده است، چراکه تولید و تجارت باید از یک مسیر راهبری شود. اگر دوباره تفکیک صورت بگیرد تا دو سال آینده درگیر ساختار، وزیر، مدیرکل، معاون و در استان‌ها اداره کل و ساختمان و سردر و غیره خواهیم بود و عملاً پروسه‌های زمان بر است. این وزارت در گذشته از هم جدا بوده است، حتماً دلیلی داشته که این وزارت را ادغام کرده‌اند. مگر همین مجلس به طور کارشناسی این وزارت را ادغام نکرده است، الان چه اتفاقی افتاده که می‌خواهد دوباره تفکیک کند؟

به باور من یک نفر بهتر می‌تواند بازار تولید داخل و بازار واردات و تنظیم بازار را راهبری کند تا اینکه دو یا سه نفر این امور را بر عهده بگیرند، از طرفی باید سیاست کوچک‌سازی دولت و واگذاری امور به بخش خصوصی را دنبال کنیم و تصدی‌گری را کاهش دهیم. با تفکیک دوباره بوروکراسی جدید ایجاد می‌شود و به نظر من خروجی زیادی نخواهد داشت.

■ **به نظر شما حضور فردی همچون عباس علی‌آبادی در وزارت صمت می‌تواند موجب اصلاح سیاست‌ها و عملکرد این وزارتخانه به نفع تولید شود؟**

نمی‌ماند. اگر از قیمت‌گذاری دستوری فاصله نگیریم، عملاً تولید زمینگیر خواهد شد و نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. مکانیسم بازار باید در سایه نظارت و کنترل، قیمت کالا را تعیین کند. دود تعیین قیمت دستوری هم به چشم مصرف‌کننده می‌رود و هم تولیدکننده؛ مصرف‌کننده کیفیت مناسب را دریافت نمی‌کند و تولیدکننده هم قیمت مناسب را باید یک حد بهینه بین قیمت و کیفیت وجود داشته باشد.

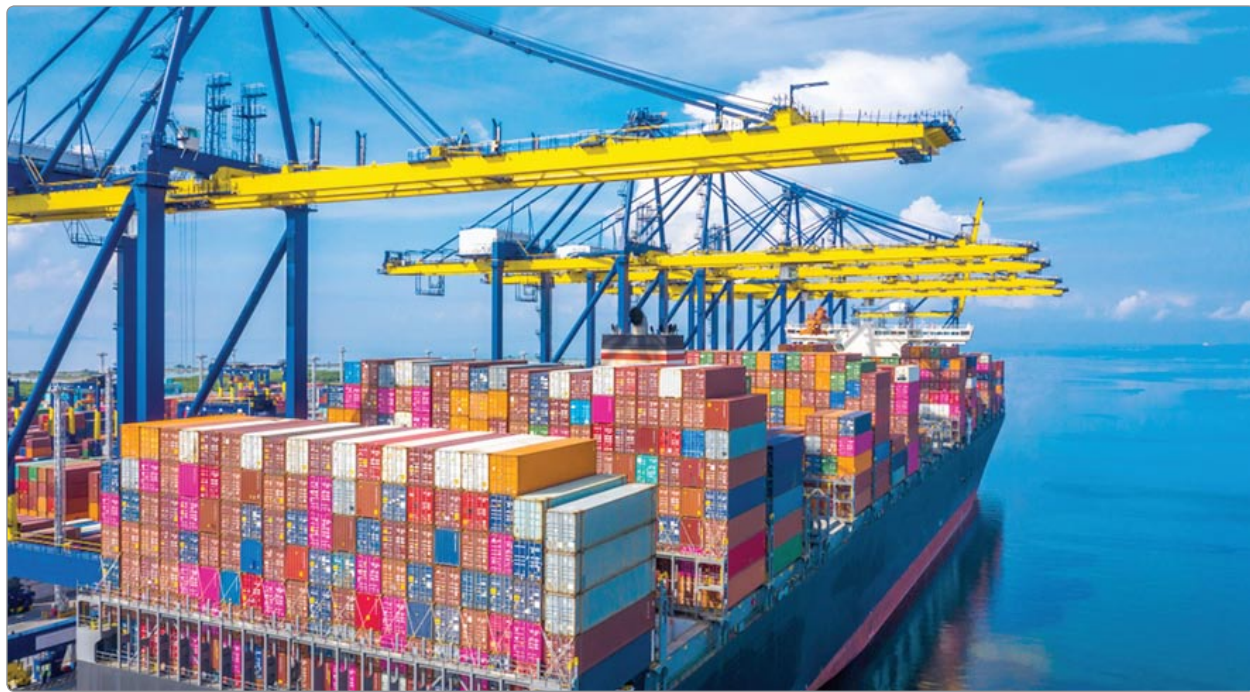
■ **نوسانات و افزایش نرخ ارز تا چه میزان تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی را تحت تاثیر قرار داده است؟ پیشنهاد شما برای حل این مشکل چیست؟**

یکی از مشکلات موجود در حوزه اقتصاد عدم پیش‌بینی‌پذیری آن است که در عرض ۶ ماه نرخ ارز ۵۰ درصد نوسان پیدا می‌کند به طوری که از ۳۰ هزار تومان به مرز ۶۰ هزار تومان رسید. در نتیجه این اتفاق و کاهش ارزش پول، قدرت خرید مردم کاهش پیدا می‌کند و بقای بنگاه‌های کوچک و متوسط به خطر می‌افتد، چراکه سرمایه‌گذاری اولیه زمانی که با یک افزایش قیمت ناگهانی مواجه شود، عملاً از رده خارج و متوقف می‌شود و در واقع توزیع مالی پروژه زیر سوال می‌رود.

■ **شرایط سخت تولید و فشار دستگاه‌های پول‌ستان به واحدهای تولیدی، چه تاثیری در حوزه تعدیل نیرو و کاهش اشتغال در کشور داشته است؟ (به نظر شما برای حمایت از کارآفرینی چه باید کرد؟)**

بانک‌ها هم یک بنگاه اقتصادی هستند و پول چاپ نمی‌کنند و به ناچار مجبورند واحدهای تولیدی را برای بازپرداخت تسهیلات تحت فشار قرار دهند، گردش مالی بانک‌ها نیز از این طریق انجام می‌شود و از طرفی بانک‌ها با توجه به افزایش نرخ بهره نمی‌توانند پاسخگوی نیاز مشتریان خود باشند. در این شرایط برندهای وجود ندارد و همه بازنده‌اند، چراکه اگر تورم به این صورت نبود و گردش مالی وجود داشت بانک هم متضرر نمی‌شد. از آنجا که بانک‌ها عامل توزیع پول هستند و پول را از مردم می‌گیرند و به واحدهای تولیدی و خدماتی تخصیص می‌دهند، زمانی که بازپرداخت بدهی انجام نشود، آنها هم متضرر می‌شوند.

■ **میزان تعامل دولت سیزدهم با بخش خصوصی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما اگر دولت به فعالان بخش خصوصی فضای بیشتری برای ایفای نقش در اقتصاد و**







رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران در گفت‌وگو با «جهان‌صنعت»:

## شبکه بانکی در خدمت تولید نیست

فاطمه رحیمی - رشد تولید در هر اقتصادی مستلزم تجهیز و استفاده درست از عوامل تولید است. سرمایه، نیروی کار، زمین، تکنولوژی و مدیریت از مهم‌ترین عوامل تولید هستند که البته در میان آنها نقش دو عنصر سرمایه و نیروی کار بسیار اساسی است. مهم‌ترین کمبودهایی که اقتصاد ایران با آنها درگیر است، عبارتند از: سرمایه و تکنولوژی. تحریم‌های بین‌المللی نیز این دو عامل را هدف قرار داده‌اند. رونق تولید مستلزم تسهیل شرایط تولید است. اگر تحریم‌های خارجی شرایط تولید را سخت کرده، می‌توان با رفع موانع داخلی در فرآیند تولید گشایش ایجاد کرد. این نکته مهم را باید در نظر داشت که تحریم‌ها تنها عامل عقب‌افتادن اقتصاد ایران نیستند، بلکه عوامل داخلی بنیادینی وجود دارند که حتی در اقتصاد بدون تحریم نیز مانع شکوفایی و توسعه می‌شوند. تسهیل فرآیند تولید، نیازمند اقدامات ایجابی است و لازم است با بعضی اقدامات سلبی دیگر همراه شود. در کنار تشویق فعالیت‌های مولد، باید هزینه‌های فعالیت‌های غیر مولد یا ضدتولید را بالا برد.

و ۶۱/۸ درصد در بخش مسکن و ساختمان بوده است. پس تمام این‌ها به صورت مستقیم در بخش تولید هزینه نشده، بلکه به بخش‌های دیگر اختصاص یافته است. با توجه به اینکه در بخش صنعت و معدن در سال ۱۴۰۱ فقط ۳۷ درصد اختصاص یافته و این رقم در سال ۱۴۰۰ هم نزدیک به ۲۹ درصد بوده، پس به این نتیجه می‌رسیم که سهم بانک‌ها از تولید در بخش صنعت و معدن چندان قابل توجه نبوده و حتی ناچیز بوده است.

### ■ فاصله تسهیلات پرداختی از برنامه ششم توسعه

این فعال اقتصادی در خصوص وظایف بانک‌ها در قبال تولید عنوان کرد: طبق قانون برنامه ششم توسعه، بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار مکلف هستند سیاست‌های پرداخت تسهیلات بانکی را به گونه‌ای تنظیم کنند که سهم بخش صنعت و معدن از بخش تسهیلات پرداختی سالانه حداقل ۴۰ درصد باشد، در صورتی که آمار دو سال اخیر حاکی از آن است که تسهیلات پرداختی از برنامه ششم توسعه و قانون فاصله دارد. البته ناگفته نماند که از درصدی که به بخش صنعت و معدن اختصاص پیدا کرده، ۶۲/۳ درصد آن برای تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی بوده است و تقریباً رقم خوبی محسوب می‌شود. بیش از نیمی از اعطای تسهیلات که در بخش صنعت و معدن اختصاص یافته برای سرمایه در گردش بوده نه برای ایجاد واحدهای جدید.

مولد، فعالیت‌های کارآفرینانه و محصولات مورد نیاز کشور کنند که نه تنها از این موضوعات فاصله گرفته‌ایم، بلکه اقدامات غیرمولد آنها، سفته‌بازی روی دارایی‌های موجودشان و ارائه تسهیلات رابطه‌ای ناسالم، اقتصاد کشور را با خطرات جدی مواجه کرده است. در حال حاضر نقش بانک‌ها در تولید صرفاً معطوف به ارائه تسهیلات بانکی و دریافت نرخ بهره شده است و این زینده نیست که بانک‌ها فقط به دنبال بنگاهداری و روابط ناسالم باشند.

### ■ سهم ناچیز بانک‌ها از تولید در صنعت و معدن

حسین زاهدی در ادامه اضافه کرد: طبق گزارش بانک مرکزی در سال ۱۴۰۱ بیش از ۴۴۴۸ هزار میلیارد تومان وام به گروه‌های هدف اعطا شده که نسبت به سال ۱۴۰۰ رشد ۴۵ درصدی داشته است. ۸۴/۶ درصد از کل این وام‌ها به مبلغ ۳ هزار و ۷۶۲ هزار میلیارد تومان به صاحبان کسب‌وکار اعم از حقوقی و غیرحقوقی پرداخت شده و طبق ادعای بانک‌ها چیزی حدود ۸۵ درصد از کل وام‌ها و تسهیلات پرداختی در سال ۱۴۰۱ در اختیار صاحبان کسب‌وکار قرار گرفته است، اما صاحبان کسب‌وکار فقط شامل بخش مولد و صنعت و معدن در کشور نمی‌شوند؛ با توجه به جزئیات آماری نزدیک به ۳۷ درصد یعنی فقط در حدود ۱۳۹۲ هزار میلیارد تومان به بخش صنعت و معدن در سال ۱۴۰۱ اختصاص پیدا کرده است، ۸/۸ درصد به بخش بازرگانی، ۷ درصد در بخش کشاورزی

در حال حاضر بسیاری از بنگاه‌های تولیدی به دلیل کمبود نقدینگی قادر به تأمین مواد اولیه و ماشین‌آلات مورد نیاز خود نیستند و مجبور به کاهش تولید شده‌اند. برخی از این واحدهای تولیدی برای فرار از هزینه‌های سرسام‌آور یا به ناچار محصول بی‌کیفیت تولید می‌کنند که این امر نارضایتی مصرف‌کننده را در پی خواهد داشت یا اینکه نهایتاً قیمت نهایی را برای مصرف‌کننده افزایش می‌دهند که باز نتیجه برای مصرف‌کننده یکسان است.

در این راستا «جهان‌صنعت» در خصوص چالش‌های بخش تولید و تعطیلی برخی واحدهای تولیدی به دلیل تنگناهای مالی در بازپرداخت تسهیلات به بانک‌ها با حسین زاهدی رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران به گفت‌وگو نشست است که در ادامه می‌خوانید.

### ■ شبکه بانکی در خدمت تولید نیست

رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران در خصوص مهم‌ترین چالش واحدهای تولیدی یعنی کمبود سرمایه در گردش و نقدینگی گفت: شبکه بانکی هنوز در خدمت تولید نیست، برخلاف تأکید همه‌جانبه‌ای که طی سال‌های اخیر بر ضرورت هدایت اعتبارات بانکی به بخش تولید و صنعت می‌شود، رابطه بانک‌ها با بخش تولید نه تنها هنوز به نقطه ایده‌آل نرسیده بلکه با برخی اقدامات نابجا در برخی موارد فاصله هم گرفته است. با وجود این انتظار می‌رفت که بانک‌ها اعتبارشان را صرف تأمین مالی بخش‌های

شبکه بانکی هنوز در خدمت تولید نیست، برخلاف تأکید همه‌جانبه‌ای که طی سال‌های اخیر بر ضرورت هدایت اعتبارات بانکی به بخش تولید و صنعت می‌شود، رابطه بانک‌ها با بخش تولید نه تنها هنوز به نقطه ایده‌آل نرسیده بلکه با برخی اقدامات نابجا در برخی موارد فاصله هم گرفته است

افزایش هزینه‌های تولید و مواد اولیه تاثیر مستقیم بر قیمت تمام‌شده محصولات دارد. اینکه تا چه میزان بهای مواد اولیه افزایش پیدا کرده باید گفت که تمام کالاها و مواد اولیه نهاده‌ها از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا امروز افزایش قیمت داشته‌اند. به طوری که در بخش نهاده‌ها نزدیک به ۶۰۰ درصد افزایش قیمت وجود داشته است

و تامین ارز است تا با قیمت مناسب این مواد اولیه را در اختیار تولیدکنندگان قرار دهند. بخش دیگر به تولیدکنندگان برمی‌گردد که اگر در شرایط فعلی بتوانند فرآیندهای سازمانی خود را مدیریت هزینه کنند، در مجموعه خود زنجیره ارزش ایجاد و بسیاری از فرآیندهای خود را بازمهندسی کنند، می‌توانند تا حدودی فشاری را که از سوی مواد اولیه و بخش‌های دیگر به هزینه تولید وارد می‌شود کنترل کنند.

#### تعطیلی واحدهای تولیدی در پی عدم بازپرداخت تسهیلات

این کارشناس در خصوص شرایط سخت تولید و فشار دستگاه‌های پول‌ستان به واحدهای تولیدی و تاثیر آن در حوزه تعدیل نیرو و کاهش اشتغال در کشور عنوان کرد: یکی از موارد قابل‌تأملی که در نظام بانکی و بخش تولیدی کشور وجود دارد، بحث تملک واحدهای تولیدی از سوی بانک‌هاست. این موضوع از سوی رییس‌جمهوری هم مورد انتقاد قرار گرفت و اقدامات خوبی هم برای رفع تملک واحدهای تولیدی از بانک‌ها در سال گذشته شد، اما بانک‌ها همچنان برای پرداخت تسهیلات به واحدهای تولیدی وثایق و تضامین سنگینی را مطالبه می‌کنند که اگر صاحبان صنایع نتوانند به تعهدات خود عمل کنند، بانک‌ها به راحتی این اسناد را به اجرا گذاشته و کارخانه را تعطیل می‌کنند و مانع فعالیت واحدهای صنعتی می‌شوند. این اقدام بانک‌ها نه تنها منجر به پرداخت مطالبه نمی‌شود، بلکه بیکاری کارگران، نابودی و تخریب دستگاه‌ها و تجهیزات واحدهای تولیدی را هم در پی دارد.

■ **تملک ۱۷۰۰ واحد تولیدی توسط بانک‌ها**  
ایین فعال اقتصادی در پایان با تاکید بر اینکه در سال گذشته بیش از ۱۷۰۰ واحد تولیدی تحت تملک بانک‌ها بود که بخشی از آنها رفع تملک شدند، گفت: همچنان بیش از ۱۴۰۰ واحد تولیدی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی تحت تملک بانک‌ها هستند که بسیاری از این واحدها در حال حاضر فعال بوده و کار می‌کنند. در این موضوع دولت سیزدهم باری‌رسان بوده و به واحدهای تولیدی کمک کرده تا بانک‌ها فشار زیادی را به آنها وارد نکنند و هیچ کارخانه‌ای را به تعطیلی نکشانند، اما با این حال این موضوع همچنان به عنوان یکی از چالش‌های اصلی تولید مطرح است.

عمومی قیمت‌ها کاهش نمی‌یابد. درست است که هدف از اعمال سیاست‌های کنترل قیمت بر کالاها حمایت از مصرف‌کننده است، اما نتیجه‌ای جز به وجود آمدن رانت و فساد در مکانیسم عرضه و تقاضا در بازار ندارد. از سوی دیگر کشوری که می‌خواهد تولید ناخالص داخلی خود را افزایش دهد باید بستری برای لازم برای ظرفیت تولید صنایع داخلی خود را فراهم کند که متأسفانه در سال‌های گذشته این اتفاق رخ نداده است.

#### تاثیر افزایش قیمت مواد اولیه بر قیمت تمام‌شده

رییس خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران در خصوص تاثیر افزایش قیمت نهاده‌های تولید و مواد اولیه بر قیمت تمام‌شده محصولات گفت: افزایش هزینه‌های تولید و مواد اولیه تاثیر مستقیم بر قیمت تمام‌شده محصولات دارد. اینکه تا چه میزان بهای مواد اولیه افزایش پیدا کرده باید گفت که تمام کالاها و مواد اولیه نهاده‌ها از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا امروز افزایش قیمت داشته‌اند، به طوری که در بخش نهاده‌ها نزدیک به ۶۰۰ درصد افزایش قیمت وجود داشته است، به‌طور مثال ذرت در اردیبهشت ۱۴۰۱ از ۱۹۰۰ تومان به ۱۱ هزار و ۳۰۰ تومان رسید، سویا ۳ هزار تومانی به ۱۶ هزار تومان رسید و این افزایش قیمت نشان‌دهنده آن است که در تمام بخش‌ها و حوزه‌ها مواد اولیه افزایش چشمگیر داشته است، اما به این نکته نیز باید توجه کرد که افزایش هزینه‌های تولید و افزایش قیمت تمام‌شده محصولات عوامل مختلفی دارد و این امر فقط مختص مواد اولیه نیست.

#### نقش دولت و تولیدکننده در افزایش بهای مواد اولیه

حسین زاهدی در ادامه اضافه کرد: فشاری که بر تولید وارد می‌شود عوامل و شاخص‌های مختلفی دارد؛ مانند افزایش دستمزد کارگران، افزایش قیمت سامانه‌های حمل‌ونقل و بحث‌های مربوط به لجستیک. تمام این موارد بر تولید و افزایش قیمت تمام‌شده محصول تاثیرگذار است. این افزایش قیمت دوسویه است؛ بخشی از آن به دولت و بخشی دیگر به تولیدکنندگان در بخش خصوصی برمی‌گردد. دولت و نهادهای مسوول وظیفه‌شان کنترل بازار مواد اولیه

#### ارائه محصول بی کیفیت برای فرار از هزینه تولید

این کارشناس در خصوص تبعات قیمت‌گذاری دستوری در اقتصاد و آسیب‌های آن برای فعالان حوزه صنعت و تولیدکنندگان اظهار کرد: اثرپذیری قیمت باید توسط تجارت در بازار آزاد تعیین شود و این امر هم بر اساس عرضه و تقاضا رخ می‌دهد، زمانی که دولت سقف و کف قیمت را تعیین می‌کند باعث می‌شود تعادل بین عرضه و تقاضا از بین برود که این امر تبعاتی را در پی خواهد داشت، از طرفی موجب کمبود کالا و خدمات و از سوی دیگر باعث ایجاد بازارهای زیرزمینی می‌شود که در نهایت کنترل قیمت با این روش به ضرر تولیدکننده تمام خواهد شد. این در حالی است که زمانی که قیمت‌ها پایین نگه داشته شوند شاید در مقطعی رضایت مصرف‌کننده را در پی داشته باشد، اما تولیدکننده‌ها اغلب برای فرار از این مشکل مجبور می‌شوند راهی را برای کاهش هزینه‌های خود پیدا کنند، بعضی از تولیدکننده‌ها ممکن است تولید خود را کاهش دهند یا در نهایت بعضی از آنها محصولات ضعیف‌تری را به بازار عرضه کنند. در واقع کیفیت محصولات خود را کاهش دهند که این عامل باعث نارضایتی جامعه مصرف‌کننده می‌شود. بنابراین کنترل قیمت از طریق دستور نته‌تها موجب رضایت مشتری نمی‌شود، بلکه خرید یک محصول بی کیفیت می‌تواند نارضایتی را در جامعه مصرف‌کننده در پی داشته باشد.

#### از دست رفتن تراز رقابتی تولید

حسین زاهدی با اشاره به اینکه با کاهش درآمدهای تولید، واحدهای تولیدکننده دیگر به فکر تحقیق و توسعه نمی‌افتند و سراغ تولید محصولات جدید و نوآورانه نمی‌روند، تاکید کرد: این موضوع نیز باعث از دست رفتن توان رقابتی تولیدکننده‌ها در بازار می‌شود. متأسفانه دولت فکری می‌کند با کنترل قیمت‌ها می‌تواند وضعیت تجارت و بازار را به صورت نرمال نگه دارد، در حالی که باید توجه کرد که علت تورم بالا در کشور و به تبع آن بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها ناشی از افزایش نقدینگی در جامعه است که علت این افزایش نقدینگی را باید در کسری بودجه دولت جست‌وجو کرد. مطمئناً با اعمال فشار و کنترل قیمت‌ها سطح



گفت‌وگو





امیر حسین نادری با بیان عوامل رشد ارزش بازار تاسیکو مطرح کرد

## فرصت بی نظیر سرمایه‌گذاری در معادن ایران

«جهان‌صنعت» - شرکت سرمایه‌گذاری صدرتامین در سال ۱۳۷۸ تاسیس و در سال ۹۷ با عنوان تاسیکو وارد بورس ایران شد. این شرکت با توجه به سند چشم‌انداز شستا به عنوان مالک تاسیکو جهت‌گیری جدیدی برای هلدینگ صدرتامین تعیین کرد و ورود به حوزه صنعت کانی‌های فلزی و غیر فلزی و کاشی و سرامیک و تکمیل زنجیره ارزش آن را در دستور کار قرار داد. منابع معدنی در کنار پتروشیمی جزو منابع استراتژیک کشور محسوب می‌شوند و به دلیل مزیت نسبی ایران و میزان ذخایر قابل توجه کشور، این صنعت در دسته صنایع برتر و پیشرو در اقتصاد ملی قرار می‌گیرد. معدن و صنایع وابسته به آن حاشیه سود بسیار مناسبی نسبت به سایر صنایع دارد و تداوم رشد آن همواره در ایران و جهان قابل ملاحظه است. در باره برنامه‌های شرکت سرمایه‌گذاری صدرتامین و موضوعاتی از قبیل رشد سهام این شرکت در بازار سهام با امیر حسین نادری مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری صدرتامین گفت‌وگو کردیم که در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

طیس، به عنوان بازیگر اصلی در صدد توسعه این شرکت با هدف تولید ۵ میلیون تن کنسانتره زغال سنگ هستیم. پروژه خرید ست دوم لانگوال جهت عدم کاهش تولید شرکت در زمان اورهال در دستور کار است که امسال ساخت این تجهیزات در کشورهای اروپایی شروع خواهد شد.

همچنین تاسیکو در سایر شرکت‌های زیرمجموعه با استقبال از پروژه‌های توجیه‌پذیر شرکت‌ها و مشارکت در افزایش سرمایه آنها همانند سال‌های گذشته موجب حفظ و رشد سودآوری آنها خواهد بود.

**لطفاً کمی درباره طرح‌های توسعه‌ای صدرتامین توضیح دهید. ظاهر ۱۸ طرح سرمایه‌گذاری در دست اجرا دارد. این طرح‌ها در مجموع چقدر سرمایه جذب کرده‌است و چقدر اشتغال ایجاد می‌کند؟**

هلدینگ صدرتامین ۱۸ طرح سرمایه‌گذاری در حال اجرا به مبلغ سرمایه‌گذاری بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان و اشتغال بیش از ۱۶۰۰ نفر در شرکت‌های زیرمجموعه خود دارد؛ عمده طرح‌های این هلدینگ با دو هدف خلق ارزش افزوده برای سهامداران و توسعه و اشتغال منطقه‌ای خصوصاً مناطق محروم کشور مانند سیستان و بلوچستان، کردستان و ایلام برنامه‌ریزی شدند.

صدرتامین با تعریف اهداف ملی و بین‌المللی در صنایع معدنی و ایجاد زنجیره ارزش آن به طور ویژه سرمایه‌گذاری در معادن زغال سنگ، فولاد، طلا مس و عناصر نادر را در دستور کار خود قرار داده و در همین راستا پروژه‌های توسعه‌ای تعریف شده و در حال پیشرفت است که با تامین مالی و سرمایه‌گذاری‌های جدیدی که توسط تاسیکو انجام می‌شود شاهد شکوفایی بیش از پیش صنایع معدنی و تکمیل زنجیره ارزش باشیم.

همچنین در شرکت مس با هنر در صدد تعریف پروژه‌های توجیه‌پذیر جهت بهسازی و توسعه این شرکت هستیم. در صنعت طلا در دو شرکت طلای کردستان و توسعه معادن پارس تامین سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده‌ایم که در شرکت پارس تامین پیشرفت قابل ملاحظه‌ای را در سال گذشته ثبت کردیم، به طوری که پروژه نیم تن شمش طلای این شرکت در نیمه دوم سال به بهره‌برداری خواهد رسید و محصول شمش طلا به سید محصولات تاسیکو اضافه خواهد شد. پروژه کلان این شرکت تحت عنوان استحصال ۵ تن شمش طلا از سال گذشته آغاز و مجوزهای اولیه اخذ شده و عملیات اجرایی آن نیمه دوم ۱۴۰۲ آغاز می‌شود.

**تامین مالی از طریق بازار بدهی از دیگر اقدامات مجموعه شما بوده‌است. لطفاً فرآیندها را توضیح دهید. سوال دیگر این است که انتشار اوراق به چه میزان انجام شد؟**

تامین مالی از طریق بازار بدهی از دیگر اقدامات ما در سال گذشته بوده که مجوزهای لازم اخذ شده و امسال انتشار اوراق به ارزش ۵۰۰۰ میلیارد تومان و تامین بخشی از هزینه پروژه‌های پارس تامین از این محل انجام خواهد شد و بخش دیگر هزینه‌ها از طریق مشارکت مردمی (عرضه عمومی در بازار سرمایه) تامین خواهد شد. در شرکت طلای کردستان هم پاییز ۱۴۰۱ تنفیذ قرارداد EPC انجام شده و امید است با تدوین برنامه‌های استراتژیک شاهد به بهره‌برداری رسیدن این شرکت در ابتدای سال ۱۴۰۳ باشیم. صنعت زغال سنگ هم از دیگر صنایع مورد توجه صدرتامین بوده که با توجه به در دست داشتن ۴۰ درصد بازار این صنعت با سهامداری در شرکت زغال سنگ پروده

**لطفاً با آمارها و ارقام توضیح دهید که سهام تاسیکو از مدت حضور شما در مجموعه صدر به چه میزان رشد کرده و چه اقداماتی این رشد را رقم زده‌است؟**

از زمان ورود اینجانب به مجموعه تاسیکو ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ تا پایان سال ۱۴۰۱ که در این مجموعه افتخار خدمت داشته‌ام، ارزش بازار تاسیکو با رشد ۱۱۱ درصدی مقام اول بازدهی را در میان رقبا (شرکت‌های شاخص در این صنعت) داشته و در همین دوره رشد شاخص بورس ایران تنها ۴۴ درصد بوده‌است. با توجه به تقسیم سود حداکثری تاسیکو، سهامداران علاوه بر سود نقدی دریافتی از عایدی سرمایه چشمگیری هم بهره‌مند می‌شوند.

این بازدهی تا ۱۴۰۲/۰۲/۳۱ ۱۴۰۲ درصدی رسیده که این هم صعودی بوده و به رشد ۱۵۱ درصدی رسیده که این رشد با برنامه مدون تاسیکو تحت عنوان حمایت از سهام شرکت‌های تابعه از آبان ۱۴۰۱ با هدف نیل به پرتفوی بهینه انجام شده و همچنین پیشبرد حداکثری پروژه‌های بااهمیت هلدینگ در شرکت‌هایی همچون طلای کردستان، پارس تامین، معدنی املاح و روزبه‌روز بر ارزش ذاتی تاسیکو خواهد افزود.

**مجموعه شما جهت افزایش کمی و کیفی حجم سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه‌های دارای بازدهی مناسب چه برنامه‌هایی در دستور کار دارد؟**

ما سرمایه‌گذاری‌های متنوعی را در بازه دارایی‌های مناسب با تمرکز بر صنعت مس، زغال سنگ، طلا و عناصر کمیاب و نادر انجام داده‌ایم. در صنعت مس برنامه افزایش درصد سهامداری در فملی را در دست اقدام داریم که از آبان سال گذشته آغاز شده و در سال جاری هم ادامه خواهیم داد.

هلدینگ صدرتامین ۱۸ طرح سرمایه‌گذاری در حال اجرا به مبلغ سرمایه‌گذاری بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان و اشتغال بیش از ۱۶۰۰ نفر در شرکت‌های زیرمجموعه خود دارد. عمده طرح‌های این هلدینگ با دو هدف خلق ارزش افزوده برای سهامداران و توسعه و اشتغال منطقه‌ای خصوصاً مناطق محروم کشور مانند سیستان و بلوچستان، کردستان و ایلام برنامه‌ریزی شدند



ما بزرگترین معادن خصوصی طلا و برنامهریزی برای رسیدن به ۴۰ درصد از بازار کشور را داریم، تاسیس شرکت سهامی پروژه برای پروژههای طلا و سایر عناصر گرانبها از جمله نقره از مهمترین اقدامات هلدینگ در سال ۱۴۰۲ است

بین صنایع تابعه و دستگاهها و محققین و دانش روز قرار گرفته و با تعامل سازندهای که بین این شرکت و شرکتهای تابعه وجود دارد در راستای افزایش بهره‌وری و حداکثر بازیابی و با شناسایی حلقه‌های طلایی نسبت به ارتقای سطح فنی بر مبنای فعالیت‌های نوآورانه اقدام خواهد کرد.

**با توجه به تخصصی بودن حوزه فعالیت‌های مجموعه متبوع شما چه نظری درباره آموزش نیروی انسانی مورد نیاز برای کار در مجموعه متبوع خود دارید؟**

آموزش کارکنان و مدیران شخصا برای بنده اهمیت زیادی دارد. در صنعت اگر نیروی انسانی به درستی آموزش ببیند و ساخته شود، آن صنعت نیز در مسیر تعالی موفق خواهد شد. نیروی انسانی‌ای که در حرفه خود متخصص و آموزش‌های لازم را دیده باشد به خوبی می‌تواند بحران‌ها را کنترل کند و بر مشکلات فائق آید و موجب سربلندی صنعت خود و کشور عزیزمان ایران خواهد شد. بنابراین به مجموعه‌های متبوع توصیه کرده‌ام که حتما باید آموزش مداوم کارکنان در اولویت برنام‌های شرکت قرار گیرد. موضوع به کارگیری و استخدام نیروهای نخبه و شایسته اهمیت زیادی دارد و چنانچه شرکت نیاز به جذب و استخدام نیروی جدید داشته باشد این استخدام‌ها به شیوه‌ای خواهد بود که جوانان نخبه و شایسته به کار گرفته شوند.

**لطفا به طور خاص کمی درباره افزایش رقابت شرکت‌ها در حوزه فولاد و تولید ورق‌های فولادی توضیح دهید. در حوزه شما چه فعالیت‌هایی برای حضور در این رقابت انجام می‌شود؟**

در عصر جدید نه تنها در کشور بلکه در دنیا و مخصوصا کشورهای حوزه خلیج فارس شرکت‌های متعددی در حوزه فولاد و همچنین ورق‌های فولادی که مشابه آن را فولاد اکسین تولید می‌کند در حال احداث یا بهره‌برداری هستند؛ بنابراین در رقابت با شرکتهای مشابه در عرصه بین‌المللی باید تبدیل به بهترین شویم. از سویی این روزها که در جنگ اقتصادی قرار داریم نیز برای پیروز شدن باید خود را با ارتقای سطح دانش و تلاش مضاعف قوی کنیم. بی‌شک کارکنان زحمتکش فولاد اکسین خوزستان با تولید محصولات با کیفیت و با ارزش افزوده می‌توانند با توکل به خدا و اراده فولادی رقابتی خود را کنار بزنند.

صادرات از آن جهت اهمیت دارد که علاوه بر خودکفایی کشور موجب ارزیابی خواهد شد و از خروج ارز از کشور جلوگیری می‌شود. از سویی ورود محصولات شرکت به بازارهای بین‌المللی می‌تواند موجب افزایش انگیزه و تلاش در بین کارکنان برای تولیدات با کیفیت جهانی شود. با این حال هلدینگ صدر تامین عمدتاً در حوزه داخلی فعالیت دارد و با توجه به رویکردهای اصلی هلدینگ مبنی بر منع خام‌فروشی به ویژه صادرات محصولات و منابع معدنی به خارج از کشور، مصرف‌کننده اصلی ما بازار داخلی است. با این حال در برخی حوزه‌ها از جمله پشم‌شیشه، کاشی و صنعت ساختمان فعالیت‌های رو به توسعه داشته و میزان صادرات ما نسبت به سال گذشته افزایش بیش از ۱۰۰ درصدی داشته است.

**کمی درباره اثر تحریم‌ها بر فعالیت‌های مجموعه‌تان و اقداماتی که این مجموعه برای فعالیت در جنگ اقتصادی انجام داده توضیح دهید. اثر تحریم بر زیرمجموعه شما چگونه مدیریت شده است؟**

بدیهی است اثرات تحریم در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه مالی در کوتاه‌مدت تاثیر گذار خواهد بود ولی در میان‌مدت و کوتاه‌مدت با حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی و فعالیت‌های دانش‌بنیان این تهدید به یک فرصت بسیار مناسب و خوبی در کشور و مجموعه تاسیخو تبدیل شده است. استفاده از فرآیند بومی‌سازی و تولید و تدوین دانش فنی و اعتماد به فن‌آوران حوزه صنعت و معدن در کشور موجب عدم وابستگی فعالیت‌های شرکتهای تابعه تاسیخو به شاخص‌های تحریم شده است.

**لطفا کمی درباره اقدامات تاسیخو در حوزه ارتقای سطح فنی شرکتهای تابعه و توسعه فعالیت‌های نوآورانه و مبتنی بر فناوری توضیح دهید. از چه شیوه‌هایی برای ارتقای سطح فنی شرکتهای تابعه بهره برده‌اید؟**

هلدینگ تاسیخو در راستای ارتقای سطح فنی شرکتهای تابعه به عنوان یک شرکت پروژه پیشرو در این حوزه اقدام به تاسیس یک شرکت دانش‌بنیان به نام شرکت پیشرو تعالی صدر فردا کرده است که این شرکت به عنوان یک مجموعه شتاب‌دهنده حلقه اتصال

**در سه بخش طلا، زغال سنگ و مس و اصلاح ذوب آهن که سه زمینه اصلی فعالیت‌های شماست چه برنامه‌هایی در دستور کار دارید؟**

اتفاقاً همان‌طور که شما هم توضیح دادید اصلی‌ترین تمرکز صدر تامین در همین حوزه‌هاست. ما بزرگ‌ترین معادن خصوصی طلا و برنامهریزی برای رسیدن به ۴۰ درصد از بازار کشور را داریم، تاسیس شرکت سهامی پروژه برای پروژههای طلا و سایر عناصر گرانبها از جمله نقره از مهم‌ترین اقدامات هلدینگ در سال ۱۴۰۲ است. در حوزه زغال افزایش تولید ۵۵ میلیون تن کنسانتره زغال با تملک معادن جدید در مناطق چهارگانه زغال خصوصا در ذخایر زغال سنگ‌های حرارتی کشور از اهداف صدر تامین است. زغال سنگ در کشور به دلایل مختلف از جمله گاز ارزان، قیمت دستوری و عدم توسعه صنایع پایین دست مغفول مانده است و صرفاً در بخش کمی از ظرفیت زغال سنگ‌های کشور برای تامین زغال و کک مورد نیاز ذوب آهن طی این سال‌ها کار شده که با تدوین طرح جامع زغال و شناسایی حلقه‌هایی با ارزش افزوده بالا و کاربردهای مختلف این ماده معدنی می‌توان نقشه راهی ساخت که این کار در مجموعه ما با همکاری دانشگاه شاهرود در حال تدوین است.

در حوزه مس سرمایه‌گذاری در پایین دست و بالادست این صنعت از برنامه‌های آتی هلدینگ است که علاوه بر ایجاد ارزش منجر به کاهش وابستگی شرکت مس باهنر در تامین ماده اولیه و جلوگیری از بازار انحصاری در حلقه کاتد خواهد شد. البته این هلدینگ قصد رقابت با ملی مس را ندارد و صرفاً تامین ماده اولیه مورد نیاز شرکت مس باهنر و جلوگیری از خام‌فروشی مدنظر است.

ذوب آهن اپرشرکتی با مسائل و مشکلاتی هم‌اندازه خود دست‌نیچنه نرم می‌کند که انشاءالله با تکمیل طرح‌های موجود در این شرکت مثل باتری کک‌سازی شماره ۲، بازسازی کوره‌های LF و... و همچنین طرح‌های جدید مثل کلاف الیازی از زبان خراج و وارد روزهای خوش آتی می‌شود.

**شما در حوزه داخلی فعالیت دارید ولی در سال‌های گذشته به خارج از ایران صادرات هم داشته‌اید. لطفا کمی درباره حجم ارز آوری مجموعه خود به داخل کشور توضیح دهید. ارز آوری امسال چقدر نسبت به سال گذشته رشد کرده است؟**

ردیف	نام پروژه	شرکت	ارزش کل پروژه (همت)	IRR پروژه (درصد)
۱	تولید انواع بلوک و پانل سبک گازی و ملات خشک	صنایع خاک چینی ایران	۰/۷۵۰	۳۵/۵۶
۲	توسعه فعالیت‌های اکتشافی و آماده‌سازی معدن و احداث کارخانه استحصال طلا	توسعه معادن طلای کردستان	۱/۲۰۳	۵۵/۶
۳	احداث کارخانه تولید سولفات پتاسیم و کلرید کلسیم	معدنی املاح ایران	۰/۷۵۰	۲۷
۴	احداث کارخانه پشم شیشه ایران	پشم‌شیشه ایران	۱/۴۰۰	۴۹/۳۱
۵	پروژه خرید، نصب و راه‌اندازی ست دوم لانگوال	زغال سنگ پروده طبس	۰/۹۱۴	۵۹/۳۷
۶	تولید سالانه ۵۰۰ هزار تن زغال سنگ خام- بلوک ۶ پروده ۴	زغال سنگ پروده طبس	۳/۹	۴/۲۹
۷	احداث کارخانه کاغذ سنگ	توسعه معادن پارس تامین	۰/۲۱۳	۸/۳۲
۸	آماده‌سازی معدن و احداث کارخانه طلای تفتان	توسعه معادن پارس تامین	۰/۵۳۰	۹۱
۹	احداث کارخانه تولیدی ۵ تن طلا	توسعه معادن پارس تامین	۳۵۰ میلیون دلار	۸/۳۶
۱۰	فاز مطالعاتی کارخانه فرآوری نقره	توسعه معادن پارس تامین	۰/۵۲۷	-
۱۱	طرح توسعه کاشی پولیشی	شرکت کاشی سعدی	۰/۰۷۵	-
۱۲	احداث خط تولید سرامیک مینیاتوری استخری	صنایع کاشی سرام آرا	۰/۰۴۹	۴۵/۲۷
۱۳	تولید پرسلان سایز بزرگ	صنایع کاشی و سرامیک الوند	۰/۴۳۰	۴۲
۱۴	تکمیل و توسعه شرکت اکتشاف و حفاری صدر تامین	اکتشاف و حفاری صدر تامین	۰/۳۱۸	-
۱۵	اصلاح کوره پاتیلی شماره ۱ و احداث کوره پاتیلی شماره ۳	شرکت ذوب آهن اصفهان	۸/۸۱	۷۲
۱۶	احداث پلنت اکسیژن			۳۳
۱۷	خرید پساب فولادشهر، ایمان شهر و روستاهای فلاورجان			-
۱۸	احداث تصفیه‌خانه تکمیلی پساب شهرهای اطراف و پساب صنعتی کارخانه به روش BOT	-	-	
۱۹	بازسازی باتری شماره ۲ کک‌سازی	-	-	۷۸
<b>مجموع</b>				

۳۷/۳۷۰

مجموع

گفت‌وگو





مدیر عامل شرکت زغال سنگ پروده طیس در گفت و گو با «جهان صنعت» انتقاد کرد

## قیمت گذاری دستوری مانع رشد تولید

تعادل قیمتی ایجاد نشود، بخش خصوصی انگیزه توسعه نخواهد داشت

نسترن یوسفبکیان - فعالیت در بخش معدن اگر چه کار آسانی نیست اما این سیاست‌های نسنجیده و غیر کارشناسی دولت‌ها در طول سالیان متمادی است که باعث شده کار در این حوزه هر روز سخت‌تر شود. آن هم با وجود اینکه توجه به معدن یکی از تاکیدات ویژه رهبری برای توسعه کشور و همچنین جایگزینی در آمدهای نفتی است اما متأسفانه سیاست‌های دستوری دولت‌ها مانع از آن شده که ایران به عنوان کشوری غنی از مواد معدنی، بتواند در عرصه‌های جهانی به درستی عرض اندام کند. جالب اینجاست که حتی این سیاست‌های نادرست باعث شده در بخش‌هایی که کشور دارای پتانسیل ویژه‌ای در حوزه ذخایر معدنی و همچنین تولید است، با مشکلاتی روبه‌رو شود که به سمت واردات مواد معدنی با قیمت‌های چندین برابری نسبت به تولید داخل سوق داده شود.

می‌شود، حدود ۱/۵ است، اما اگر این پارامتر را کنار بگذاریم، در سایر پارامترهای زغال تولیدی استرالیا و ایران تفاوت چندانی وجود ندارد در حالی که قیمت ما حدود یک سوم یا یک چهارم قیمت زغال وارداتی است. این در حالی است که این نحوه قیمت گذاری، چالش بزرگی است و به همین دلیل، ما به سختی می‌توانیم پروژه‌های توسعه‌ای خود را دنبال کنیم.

■ **با این شرایط بخش خصوصی انگیزه‌ای برای توسعه ندارد**

این فعال معدنی ادامه داد: بنابراین قیمت زغال باید متعادل شود و اگر واقعا این شرایط ادامه پیدا کند و تعادل قیمتی ایجاد نشود، بخش خصوصی انگیزه‌ای برای توسعه نخواهد داشت و شرکت‌های فعال در این حوزه روز به روز ضعیف‌تر خواهند شد. مگر اینکه خود دولت ورود کند و روی زغال تولیدی، رقمی یارانه بگذارد تا ما بتوانیم کارهای توسعه‌ای را دنبال کنیم.

مدیرعامل شرکت زغال سنگ پروده طیس افزود: از چالش‌های دیگری که وجود دارد، بحث تامین سرمایه است. با اینکه روش‌های زیادی را برای تامین سرمایه امتحان کرده‌ایم اما باید بگوییم که به طور کلی تامین

پروژه طیس در پاسخ به سوال «جهان صنعت» مبنی بر اینکه واحدهای تولید زغال سنگ در کشور در حال حاضر با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستند، گفت: تمامی واحدهای مربوط به تولید زغال در ابتدا زیر نظر شرکت ملی فولاد و دولت فعالیت می‌کردند اما از سال ۹۳ واگذاری‌هایی به بخش خصوصی انجام شد و دو شرکت زغالی طیس و کرمان واگذار شدند. در حالی که متأسفانه با وجود این واگذاری‌ها، هنوز همان دیدگاه دولتی، سیاست‌های دستوری و اعمال قیمت‌گذاری دستوری وجود دارد.

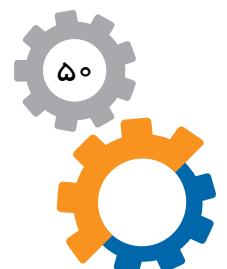
رمضان کریمی‌ثانی با بیان اینکه مهم‌ترین چالش تمام شرکت‌های زغالی بحث قیمت است، اظهار کرد: قیمت خرید زغال سنگ بر مبنای ۲۶/۵ درصد قیمت شمش فولاد خوزستان در بورس کالا در نظر گرفته شده که اصلاً پاسخگوی هزینه‌های بالای تولید نیست و با قیمت‌های جهانی، فاصله قابل ملاحظه‌ای دارد.

وی با اشاره به اینکه زغال سنگ تولیدی ایران با زغال سنگ‌های خارجی تنها در برخی پارامترها متفاوت است و تفاوت چندانی ندارد، افزود: البته گوگرد زغال تولیدی استرالیا ۰/۸ است اما گوگرد زغالی که در پروده و توسط شرکت زغال سنگ پروده طیس تولید

نمونه بارز این مدعا سیاست‌هایی است که دولت در ارتباط با زغال سنگ در دستور کار قرار داده و شرایطی را به لحاظ قیمتی ایجاد کرده است که واحدهای تولیدی در این حوزه به سختی فعالیت می‌کنند و تولید برای آنها صرفه اقتصادی ندارد. این در حالی است که زغال سنگ تولیدی ایران به نسبت کنسائتره زغال تولیدی در کشوری مانند استرالیا، ۴ برابر ارزان‌تر است، اما با این وجود دولت راضی به متعادل کردن قیمت این محصول تولیدی نیست. آن هم در شرایطی که بررسی‌ها نشان می‌دهد عدم افزایش و غیر واقعی بودن قیمت زغال سنگ موجب شده در مناطق کرمان و البرز، تولید سیر نزولی داشته باشد و مشخص نیست با این شرایط وضعیت تولید زغال سنگ در کشور به کدام سمت و سو برود. نکته قابل تأمل اینکه در حال حاضر حتی واحدهای کک‌سازی در کشور که برای تولید نیاز به زغال سنگ دارند با تمام ظرفیت فعالیت نمی‌کنند و نیاز به تامین مواد اولیه دارند، اما دولت نه توان واردات زغال سنگ با قیمت‌های بالا را دارد و نه اینکه برای کمک به واحدهای تولیدی زغال برنامهریزی کرده است.

بر همین اساس مدیرعامل شرکت زغال سنگ

قیمت خرید زغال سنگ  
بر مبنای ۲۶/۵ درصد  
قیمت شمش فولاد  
خوزستان در بورس  
کالا در نظر گرفته شده  
که اصلاً پاسخگوی  
هزینه‌های بالای تولید  
نیست و با قیمت‌های  
جهانی، فاصله  
قابل ملاحظه‌ای دارد



با توجه به قیمت  
۴ برابری  
زغال سنگ  
وارداتی نسبت به  
زغال سنگ تولید  
داخلی، واردات این  
محصول هیچ گونه  
منطق اقتصادی  
ندارد و در صورتی  
که برنامه ریزی فنی  
و اقتصادی دقیقی  
بر پایه واقعی کردن  
قیمت زغال سنگ  
داخلی بر مبنای  
حمایت از تولید،  
داخلی انجام شود،  
علاوه بر گسترش  
تولید و اشتغال،  
موجب جلوگیری از  
خروج ارز از کشور  
خواهد شد

آن نیز در خصوص فرآوری سایر معادن برنامه‌هایی را در دستور کار داشتیم، اما برای سال جاری نیز طرح‌های توسعه‌ای را مد نظر داریم. در این راستا بحث خرید خط دوم یا همان ست دوم مطرح است که مقدمات آن انجام شده و خریداری خواهد شد.

وی ادامه داد: همچنین روی منطقه جدیدی در پروده ۴، بلوک ۶ تمرکز کردیم که دارای ذخیره بالغ بر ۷۸ میلیون تن زغال است و در آنجا اولین دهانه تونل را باز کردیم و طرح توسعه‌ای داریم که برنامه خوبی است و به دنبال آن، نتایج خوبی در آینده نزدیک حاصل خواهد شد. ضمن اینکه در این خصوص برنامه‌ریزی‌های بلندمدت نیز انجام شده است.

#### ■ قیمت ۴ برابری زغال سنگ وارداتی

گفتنی است اخیراً انجمن زغال سنگ ایران با ارسال نامه‌ای به «تی‌آر» سرپرست سابق وزارت صنعت، معدن و تجارت ضمن انتقاد از قیمت ارزان زغال سنگ داخلی اعلام کرد: روزگار نه چندان دور تولید زغال سنگ منطقه کرمان بیش از ۷۰۰ هزار تن بود، اما سال گذشته در این منطقه ۲۵۰ هزار تن زغال سنگ تولید شد که حاصل سیاست پایین نگاه داشتن و غیرواقعی بودن زغال سنگ و اصرار بر عدم دخالت در این حوزه به دلیل انحصار مصرف‌کننده بوده است.

به اعتقاد فعالان زغال سنگ کشور، با توجه به قیمت ۴ برابری زغال سنگ وارداتی نسبت به زغال سنگ تولید داخلی، واردات این محصول هیچ گونه منطق اقتصادی ندارد و در صورتی که برنامه‌ریزی فنی و اقتصادی دقیقی بر پایه واقعی کردن قیمت زغال سنگ داخلی بر مبنای حمایت از تولید داخلی انجام شود، علاوه بر گسترش تولید و اشتغال، موجب جلوگیری از خروج ارز از کشور خواهد شد. ما انتظار افزایش چند صد درصدی قیمت زغال سنگ را نداریم و در صورتی که همانند سایر کشورها نرخ زغال سنگ در برابر شمش فولاد از ۲۶/۵ درصد فعلی به ۳۵ درصد افزایش یابد می‌توانیم برنامه‌ریزی خودکفا شدن در این صنعت را آغاز کنیم.

در بخشی دیگر از این نامه آمده است: کشور ایران با ۱۴ میلیارد تن ذخیره زمین‌شناسی و ۱/۵ میلیارد تن ذخیره قطعی اکتشاف‌شده از نظر ذخایر، یک کشور متوسط محسوب می‌شود و با این میزان ذخیره تولید ۲/۵ میلیون تن در سال زغال سنگ مورد نیاز کشور حداقل کاری است که می‌توانیم در برابر مردم انجام دهیم.

#### ■ سهم ۳۸/۵ درصدی از تولید ملی

مدیرعامل شرکت زغال سنگ پروده طیس در ادامه با بیان اینکه البرز شرقی، غربی، مرکزی، کرمان و طیس، نواحی زغال دار ایران هستند، به «جهان صنعت» گفت: استان کرمان و البرز جزو معادن قدیمی زغال سنگ کشور هستند که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شروع به فعالیت کردند و در حال حاضر ذخایر آنها به عمق رفته است. البته در این بین اکتشافاتی شده و برخی از ذخایر هم به این ۳ ناحیه اضافه شده است اما باید گفت که ناحیه طیس با دیگر مناطق دارای زغال سنگ کشور تفاوت زیادی دارد و ۷۶ درصد زغال کشور را تشکیل می‌دهد.

کریتی‌ثانی اظهار کرد: ما در منطقه طیس ۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تن ذخیره زمین‌شناسی زغالی داریم که ۱/۴ میلیارد تن از آن ذخیره زغالی در منطقه مینو است و بیشتر زغال‌های این منطقه، حرارتی و آنتراسیت (زغال سنگ خشک و خالص) هستند. همچنین ۱/۱ میلیارد تن ذخیره زمین‌شناسی زغال در منطقه پروده است. همچنین در منطقه نایبند نیز دارای ۲۵۰ میلیون تن زغال هستیم.

وی افزود: در منطقه پروده که ما فعالیت می‌کنیم و دارای زغال کک شو است، شرکت زغال سنگ پروده طیس به عنوان تنها معدن مکانیزه کشور از دو روش استخراج جبهه کار بلند (Long Wall Mining) و استخراج اتاق و پایه (Room And Pillar) استفاده می‌کند و به مدرن‌ترین روش‌های استخراج در دنیا مجهز است. این در حالی است که این تجهیزات بیش از ۱۵ سال است که در حال بهره‌برداری است.

این فعال معدنی با بیان اینکه در کل کشور در سال ۱۴۰۱ حدود یک میلیون و ۸۰۰ میلیون تن استخراج زغال انجام شده که یک میلیون و ۱۰۰ هزار تن از این میزان، مربوط به منطقه طیس بود، گفت: عددی که اعلام شد، تنها مربوط به زغال کک شو و کنسانتره زغال است که از این میزان، ۷۰۲ هزار تن در شرکت زغال سنگ طیس استخراج شد. در واقع ما در منطقه طیس حدود ۶۰ درصد تولید کشور را داشتیم و ۳۸/۵ درصد از تولید ملی مربوط به شرکت زغال سنگ پروده طیس بود.

#### ■ جزئیات طرح‌های توسعه‌ای ۱۴۰۲

کریتی‌ثانی در پاسخ به این سوال که برای سال جاری چه برنامه‌های توسعه‌ای در دستور کار دارید، اظهار کرد: هرچند در سال ۱۴۰۱ و در سال‌های قبل از

سرمایه در ایران کار بسیار دشواری است و بانک‌ها نیز در این زمینه با تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی همراهی و همکاری نمی‌کنند.

وی ادامه داد: بانک‌ها تنها از این جهت تمایل دارند با ما کار کنند که مبلغ جاری ما در بانک‌ها باشد و آنها از این منافع استفاده کنند اما وقتی بحث سرمایه‌گذاری پیش می‌آید، شرایطی را ایجاد می‌کنند که بسیار سخت است. به همین دلیل ما تاکنون نتوانستیم از منابع بانکی استفاده کنیم، در حالی که برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در زمینه زغال سنگ، اعداد و ارقام نیز قابل توجه است و باید بانک‌ها همکاری کنند تا سرمایه‌گذاری‌های بزرگی انجام شود.

کریتی‌ثانی تأکید کرد: باید چالش قیمت و سرمایه‌گذاری حل شود تا ما بتوانیم در زمینه زغال کشور سرمایه‌گذاری کنیم.

#### ■ اهمیت تأمین خوراک کک‌سازی‌ها

وی همچنین به اهمیت تأمین خوراک کک‌سازی‌ها در کشور اشاره کرد و افزود: کک‌سازی‌ها در کشور احداث شدند اما باید به این مساله توجه داشت که این واحدها به خوراک یعنی کنسانتره زغال نیاز دارند. به عقیده بنده، ۸۰ درصد مصرف کک‌سازی‌های کشور باید از تولید داخل تأمین شود اما متأسفانه اینطور نیست. به عبارتی نه قدرت و منابع مالی لازم برای واردات کنسانتره زغال با قیمت‌های بالا وجود دارد و نه اینکه برای تأمین نیاز آنها از منابع داخلی فکری می‌شود. به همین دلیل کک‌سازی‌ها در حال حاضر با یک‌سوم ظرفیت کار می‌کنند و یا اینکه تعطیل (خاموش) هستند.

مدیرعامل شرکت زغال سنگ پروده طیس با بیان اینکه ما در کشور به ۵ میلیون تن کنسانتره زغال نیاز داریم، گفت: اگر ۱ میلیون تن از این نیاز هم از طریق واردات تأمین شود، باید ۴ میلیون تن کنسانتره زغال از سوی واحدهای تولیدی کشور تولید شود. این در حالی است که در سال ۱۴۰۱ که بهترین سال ما به لحاظ تولید بود، تنها یک میلیون و ۸۰۰ هزار تن کنسانتره زغال تولید شد. به این معنا که با کسری ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تنی کنسانتره زغال روبه‌رو هستیم.

وی ادامه داد: با این شرایط، لازم است که نگاه حاکمیت به این حوزه نگاه ویژه‌ای باشد تا بخش خصوصی بتواند فعالیت کند و تولیدکنندگان داخلی، نیاز بازار را پوشش دهند. همان‌طور که گفته شد، پتانسیل قابل توجهی در این حوزه وجود دارد اما نیاز به سرمایه‌گذاری است.







دبیر فدراسیون تشکل‌های صنایع غذایی و کشاورزی در گفت‌وگو با «جهان صنعت»:

## به داد تولید برسیم تا محتاج واردات نشدیم!

دولت تمام گناه را به گردن تولیدکننده و فروشنده می‌اندازد

نازنین یوسف‌بکیان - شرایط سخت تولید به جایی رسیده که شواهد نشان می‌دهد با گذشت سه ماه و اندکی از سال جاری، هنوز واحدهای تولیدی کشور به صورت حرفه‌ای با ظرفیت حداکثری کار تولید را آغاز نکرده‌اند، چرا که از یک سو به دلیل سیاست‌های ناگهانی و نوسانات نرخ ارز امکان برنامه‌ریزی ندارند و از سوی دیگر منابع مالی آنان پاسخگوی افزایش هزینه‌های مواد اولیه و حمل‌ونقل و... نیست. از همین رو دبیر فدراسیون تشکل‌های صنایع غذایی و کشاورزی ایران با اعلام چالش‌های بخش تولید در حوزه صنعت غذا به دولت هشدار داد که هر چه زودتر برای رفع موانع تولید اقدامات اساسی انجام دهد تا در آینده نزدیک ناچار نشود تمامی مصارف غذایی مردم را از طریق واردات و با قیمت‌های بالا تامین کند. این موضوع برای کشوری مانند ایران با پتانسیل‌های قابل توجه در حوزه کشاورزی نه تنها مایه آبروریزی است بلکه باعث می‌شود هیچ‌گاه شعارهایی نظیر مہار تورم، افزایش تولید، رشد اشتغال و افزایش رفاه زندگی مردم محقق نشود، اما متأسفانه در شرایط کنونی دولت به جای اینکه در سیاست‌گذاری‌ها، بخش خصوصی و تشکل‌ها را طرف مشورت خود قرار دهد، به صورت یک‌جانبه تصمیم‌گیری می‌کند و تنها انگشت اتهام خود را به سوی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان نشانه گرفته تا تمامی تقصیرها را به گردن آنها بیندازد و آنان را به عنوان مقصران گرانی به مردم معرفی کند.

بازار هستند و نمی‌توانند قیمت‌ها را متعادل کنند، تمام گناه را به گردن تولیدکننده و فروشنده می‌اندازند و می‌گویند اینها گرانفروشی می‌کنند در حالی که چنین چیزی واقعیت ندارد. حال سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا مسوولان امر توانستند شرایط باثباتی را ایجاد کنند که تولیدکننده بتواند مواد اولیه مورد نیاز خود را با قیمت مناسب تهیه کند که در نهایت نیز بتواند کالایی با کیفیت را بدون تغییر قیمت به مصرف‌کننده عرضه کند؟

وی با بیان اینکه کارخانه‌ها قطعا در خصوص تولید برخی اجناس ضرر می‌دهند، گفت: کارخانه‌ای که باید مواد اولیه را لحظه به لحظه با افزایش قیمت تهیه کند و امکان افزایش قیمت محصولات تولیدی خود را هم ندارد، چطور می‌تواند سودآوری داشته باشد و ضرر هم نکند؟

نقاشی افزود: همه سازمان‌ها از جمله سازمان حمایت، تعزیرات و... با هر گونه افزایش قیمت از سوی کارخانه‌ها برخوردار می‌کنند و اجازه نمی‌دهند کالاها با افزایش قیمت فروخته شود، اما با دلالی که مواد اولیه را با قیمت‌های بسیار بالا به تولیدکننده عرضه می‌کند، برخورد نمی‌کنند. در حالی که باید سرنخ کسی که مواد اولیه را به واحد تولیدی گران می‌فروشد دنبال کرد و به عاملان اصلی رسید تا مشخص شود چرا هر ساعت و هر دقیقه قیمت مواد اولیه بالا می‌رود آن هم با وجود اینکه ارزش دولتی به آن تعلق می‌گیرد.

مغازه‌دار که فروش کالاها را انجام می‌دهد از کجا تامین می‌شود و چطور باید هزینه‌های اجاره بهای مغازه و... را پرداخت کند؟

دبیر فدراسیون تشکل‌های صنایع غذایی اظهار کرد: هنوز متأسفانه بسیاری از مسوولان که در زمینه قیمت‌گذاری اعمال نظر می‌کنند، از این مسائل بی‌خبر هستند. شاهد این مدعا نیز صحبت‌های برخی از آنان است که به عنوان مثال در جلسات به ما می‌گویند چطور قیمت هویج X تومان است اما قیمت مربا X+100 تومان؟ این به آن معناست که مسوولان از هزینه‌های جانی تولید و فرآوری مواد غذایی اطلاعی ندارند و برای شرکت‌های پخش و توزیع نیز سهمی قائل نیستند که در قیمت‌گذاری به آن توجه کنند. این در حالی است که از قیمت ۱۰۰ هزار تومانی درج شده روی یک محصول، دست کم ۴۰ درصد به این بخش‌ها تعلق می‌گیرد و در نهایت کارخانه می‌ماند با هزینه‌هایی که همواره به او تحمیل می‌شود.

نقاشی بیان کرد: بنابراین یکی از اقدامات اساسی این است که باید انجام شود این است که در حوزه آموزش این مسائل به سیاستگذاران یادآوری شود تا اطلاعات غلط به مردم داده نشود.

### افزایش قیمت لحظه‌ای مواد اولیه

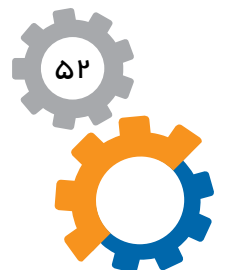
دبیر فدراسیون تشکل‌های صنایع غذایی در ادامه اظهار کرد: در حال حاضر روش و سیاستی که رایج شده این است افرادی که مسوول کنترل و نظارت بر

**اطلاعات غلط به مردم داده نشود**  
در همین راستا دبیر فدراسیون تشکل‌های صنایع غذایی و کشاورزی ایران با انتقاد از قیمت‌گذاری دستوری به «جهان صنعت» گفت: علاوه بر قیمت‌گذاری دستوری که موجب زیاندهی تولید در بخش‌های مختلف می‌شود، مشکل دیگری که در حوزه صنایع غذایی داریم این است که مسوولان اطلاع ندارند قیمتی که روی کالا درج می‌شود، به صورت خالص به دست تولیدکننده نمی‌رسد و زنجیره توزیع نیز در آن سهم دارد.

محسن نقاشی بیان کرد: به عنوان مثال وقتی قیمت ۱۰۰ هزار تومان روی کالایی درج می‌شود، به این معنا نیست که ۱۰۰ هزار تومان مستقیم به جیب کارخانه‌دار می‌رود بلکه بخشی از آن مربوط به واحد پختی است که جنس را از کارخانه خریداری کرده و تحویل مغازه‌دار و واحدهای توزیع می‌دهد. آیا آقایان نمی‌دانند شرکت پخش با امکاناتی نظیر انبار و هزینه‌های پرسنل، بیمه، برق و... جنس تولیدکننده را به صورت رایگان در اختیار مصرف‌کننده قرار نمی‌دهد و قطعا درصدی از قیمت روی کالا، هزینه کاری است که او انجام می‌دهد؟

وی با بیان اینکه معمولا درصد معقولی که به شرکت پخش تعلق می‌گیرد ۲۵ درصد است و مغازه‌دار نیز باید ۲۵ درصد از این زنجیره سود کند تا بتواند زندگی خود را بگذراند، گفت: زندگی

کارخانه‌ای که باید مواد اولیه را لحظه به لحظه با افزایش قیمت تهیه کند و امکان افزایش قیمت محصولات تولیدی خود را هم ندارد، چطور می‌تواند سودآوری داشته باشد و ضرر هم نکند؟



با حذف دلار ۴۲۰۰  
تومانی، شوک  
عظیمی به واحدهای  
تولیدی وارد شد،  
چرا که دولت هیچ  
برنامه‌ریزی‌ای  
برای روزهای  
بعد از اجرای این  
سیاست نداشت که  
واحدهای تولیدی  
بعد از حذف ارز  
۴۲۰۰ تومانی چه  
باید بکنند؟

کمبود منابع مالی و سرمایه در گردش هستند. من واحدهای تولیدی بسیار قوی را می‌شناسم که برند هستند و سال‌ها برای صنایع غذایی کشور زحمت کشیده‌اند و اشتغالزایی کرده‌اند و حتی پرسنل ۱۰ هزار نفری دارند، اما طی ماه‌های اخیر به مشکلات عدیده‌ای برخورد کرده‌اند. این در حالی است که بسیاری از این واحدها به دلیل مسائل عاطفی، تعدیل نیرو نداشتند، اما با توجه به مشکلاتی که وجود دارد و همچنین کاهش فروش در بازار، واحدها توان ادامه فعالیت ندارند و به هر حال ناچار هستند با تعدیل نیرو، هزینه‌های خود را کاهش دهند. نکته قابل تأمل اینکه واحدها روز به روز با ظرفیت کمتری فعالیت می‌کنند.

وی افزود: با اینکه ۳ ماه از سال جاری سپری شده، اما من واحدهایی را می‌شناسم که هنوز به صورت حرفه‌ای و حداکثری تولید خود را آغاز نکرده‌اند و اگر هم شروع به کار کرده‌اند، ناچار بودند خیلی ضعیف فعالیت کنند.

نقاشی بیان کرد: اگر به دنبال رشد تولید، مهار تورم و اشتغالزایی هستیم، دولت حتما باید چاره‌های بیندیشد، چرا که این مشکلات به مرور زمان بیشتر هم خواهد شد. این هشدار را می‌دهیم تا مسوولان اقدامات لازم را انجام دهند و شرایط طوری نشود که به زودی ناچار شویم از کشورهای دیگر مواد غذایی وارد کنیم. وقتی تولید برای واحدهای صنعتی کشور مقرون به‌صرفه نباشد، چنین نتیجه‌هایی نیز دور از انتظار نیست.

وی اظهار کرد: متأسفانه یک‌سری افراد سودجو برنامه‌ریزی کردند که بتوانند از این فرصت استفاده کنند و با تعطیل شدن واحدهای تولیدی، دوباره به همان کار خودشان ادامه دهند و مصارف غذایی را وارد کشور کنند. پس این وضعیت نگران‌کننده است و باید پیشگیری‌های لازم را انجام داد. نباید اجازه دهیم واحدهای تولیدی در کشور تعطیل شوند، چرا که این واحدها سرمایه‌های ملی این کشور هستند. وقتی سال‌ها اعلام می‌شود ما باید از طریق تولید، اقتصاد را نجات دهیم به این معناست که تولید و اقتصاد ماکمل هم هستند و اقتصاد بدون تولید معنا ندارد. پس باید هر چه زودتر واحدهای تولیدی را دریابیم و به آنها کمک کنیم.

می‌کنند، افزود: در شرایطی که واحدهای تولیدی با تمام مشقتها و گرفتاری‌هایی که وجود داشت، کم و بیش به کار خودشان ادامه می‌دادند، به یک باره بحث حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی و جراحی اقتصادی پیش آمد. البته ما هم راغب بودیم دلار تک‌نرخ شود و تکلیف تولید و اقتصاد مشخص، تا اینکه چند نرخ ارز در بازار وجود داشته باشد، اما واقعیت این است که با حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی، شوک عظیمی به واحدهای تولیدی وارد شد، چرا که دولت هیچ برنامه‌ریزی‌ای برای روزهای بعد از اجرای این سیاست نداشت که واحدهای تولیدی بعد از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی چه باید بکنند؟

وی ادامه داد: از آنجا که دولت هیچ تدبیری نیندیشیده بود، واحدهای تولیدی با شوک عظیمی روبه‌رو شدند که همچنان گریبانگیر آنهاست؛ سرمایه در گردش که واحدهای تولیدی برای تأمین مواد اولیه نیاز دارند، ۸ برابر شده است. به عنوان مثال اگر یک واحد تولیدی برای تأمین روغن مجموعه خود ماهی ۱۰۰ میلیارد تومان در نظر می‌گرفت، به یک باره سرمایه در گردش که آن واحد نیازمند آن است، به ۸۰۰ میلیارد تومان تبدیل شد. حالا تصور کنید یک واحد تولیدی با این افزایش چند برابری سرمایه در گردش که نیاز دارد، چطور باید کنار بیاید و به کار خود ادامه دهد. ضمن اینکه سال گذشته همزمان با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی به صورت سرسام آوری حقوق و دستمزد نیز ۵۷ درصد رشد کرد که اصلا در تاریخ سابقه نداشت. آن وقت در چنین شرایطی دولت اصرار دارد کارفرما یا کارآفرین یا کارخانه‌دار، ریالی افزایش قیمت نداشته باشد.

نقاشی با بیان اینکه هیچ تولیدکننده‌ای دست خود را به سوی دولت دراز نکرده که به او کمک کند، گفت: لازم نیست به تولیدکننده کمک کنید اما دست‌کم در تصمیم‌گیری‌ها، نظر بخش خصوصی را جویا شوید و تمام جوانب آن را بررسی کنید.

#### ■ برخی واحدها هنوز تولید را شروع نکرده‌اند

دبیر فدراسیون تشکل‌های صنایع غذایی بیان کرد: به دلایلی که پیش از این اشاره شد، در حال حاضر واحدهای تولیدی به شدت درگیر

دبیر فدراسیون تشکل‌های صنایع غذایی گفت: کارخانه‌دار و تولیدکننده از خدا می‌خواهد مواد اولیه را با قیمت و کیفیت مناسب تهیه کند تا در نهایت بتواند کالای باکیفیت و با قیمت تمام شده پایین هم به مصرف‌کننده عرضه کند و فروش خود را نیز افزایش دهد، اما متأسفانه دولت برای روان‌سازی چرخه تولید و تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به مواد اولیه همکاری لازم را انجام نمی‌دهد و چوب و چماق خود را بالای سر تولیدکننده نگه می‌دارد که او گرانفروشی می‌کند.

#### ■ راه بیراهه

نقاشی با بیان اینکه در حال حاضر بسیاری از ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی مسیر اشتباهی را دنبال می‌کنند، گفت: به عنوان مثال سازمان استاندارد راه بیراهه‌ای را می‌رود و می‌گوید باید حتما وزن خالص کالا را ذکر کنید. در کجای دنیا وزن خالص ذکر می‌کنند؟ مگر چنین چیزی امکان دارد؟ چنین اقدامی غیرممکن است. البته دولت‌مردان این اقدام را با این هدف دنبال می‌کنند تا کسی که کم‌فروشی می‌کند را پیدا کنند، اما این شیوه‌ها پاسخگو نیست.

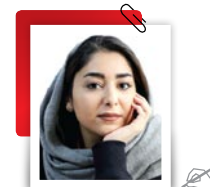
وی با اشاره به افزایش قیمت مواد اولیه که در داخل کشور تولید می‌شود و در دست دولت قرار دارد و همچنین افزایش هزینه‌های انرژی بیان کرد: اولین اقدامی که باید برای مهار تورم انجام شود این است که خود دولت اجناسی را که در اختیار تولیدکننده قرار می‌دهد، گران نکند. مگر می‌شود دولت جنس را گران کند و این مساله در افزایش قیمت تمام‌شده محصولات تولیدی کشور تأثیرگذار نباشد؟ دولت باید امکاناتی را در اختیار تولیدکننده بگذارد اما این کار را که انجام نمی‌دهد هیچ، بلکه اجناس و مواد اولیه را هم گران می‌کند. این در حالی است که نمی‌توانیم به تعزیرات این موضوع را بفهمانیم که به عنوان مثال قیمت برق و گاز طی یک سال ۶ تا ۱۰ برابر شده است و با چنین شرایطی امکان این وجود ندارد که قیمت‌ها ثابت بماند.

#### ■ دولت برنامه‌ریزی نداشت

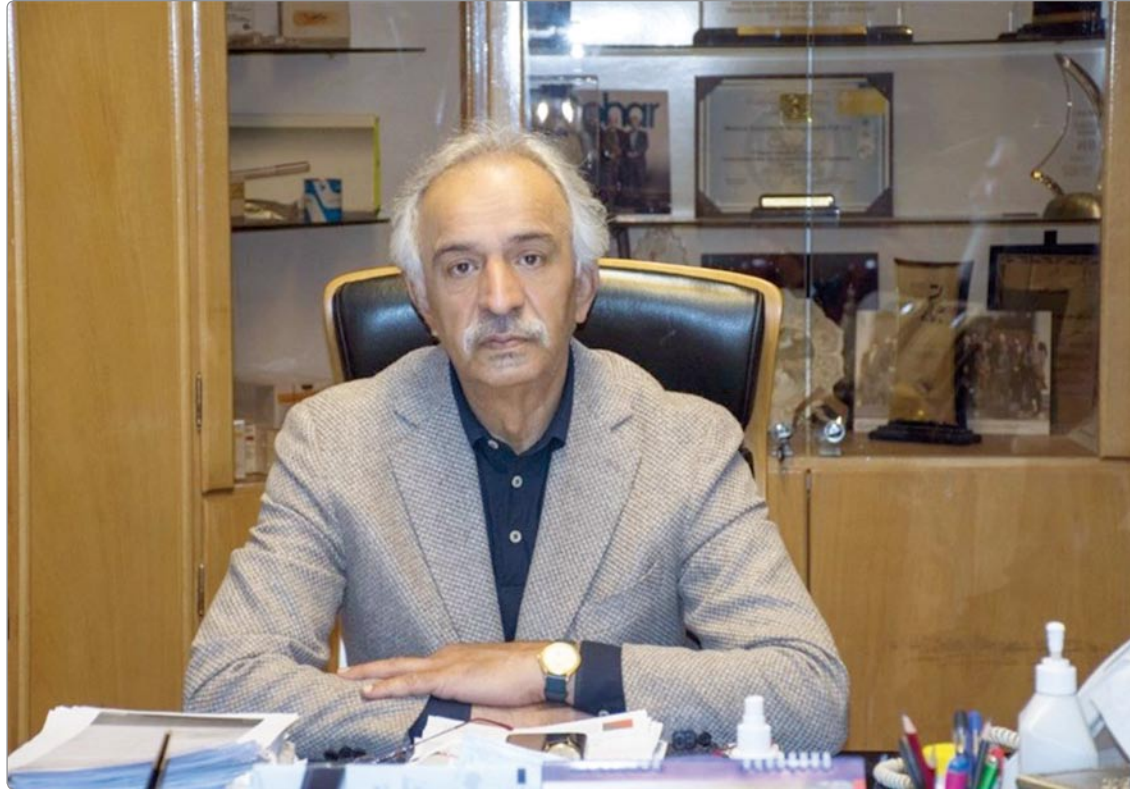
این فعال بخش خصوصی همچنین با اشاره به تبعات حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی که همچنان تولیدکنندگان با آثار ناشی از آن دست و پنجه نرم







مهدیه بهار مست



عضو هیات مدیره اتحادیه بازرگانان تجهیزات پزشکی در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## سوءمدیریت، عامل کمبود تجهیزات پزشکی

بعد از بحران ناشی از کمبود برخی از اقلام دارویی که در پاییز و زمستان گذشته در کشور رخ داد که البته هنوز هم ادامه دارد، اکنون نوبت به کمبود و افزایش بی رویه قیمت تجهیزات پزشکی به ویژه تجهیزات پزشکی مصری که نیاز اولیه بیمارستان‌ها و مراکز درمانی است رسیده، به گونه‌ای که عملکرد مراکز درمانی و فرآیند درمان بیماران در این مراکز با اختلال جدی مواجه شده است. وضعیت به قدری نگران‌کننده است که صدای نمایندگان مجلس نیز در آمده است. «بحران تجهیزات پزشکی حل نشود محضر مقام معظم رهبری نامه خواهد داد»؛ این گویا آخرین هشدار «حسینعلی شهرباری» رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس به وزارت بهداشت بوده است. به استناد گزارش‌های دریا فتی از مجلس هم‌اکنون در بازار تجهیزات و ملزومات پزشکی، از بین ۳۵۰۰ ایندکس، ۶۶۰ ایندکس با کمبود حاد (یعنی دارای ذخیره موجودی کمتر از ۱ ماه) و ۱۸۹ ایندکس با کمبود (یعنی دارای ذخیره موجودی کمتر از ۳ ماه) مواجه است. همچنین برای ۱۹۲ ایندکس در صورت عدم اتخاذ تدابیر مناسب، رخداد کمبود پیش‌بینی می‌شود.

کم‌کاری و عدم تسریع دستگاه‌های دخیل در تجارت خارجی از جمله وزارت صمت، جهاد کشاورزی و وزارت بهداشت است. به عنوان مثال در این خصوص می‌توان به کوتاهی در تهیه و ابلاغ مصوبات و مجوزهای مرتبط با کاهش حقوق ورودی تجهیزات پزشکی از ۴

لازم به ذکر است که مجلس در جلسه مورخ ۱۸ اردیبهشت ماه که فی‌مابین مجلس و دولت، با موضوع رفع مشکلات زنجیره تامین و توزیع اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی برگزار شد به استناد مشروح مذاکرات جلسه تصویب بند (ب) تبصره (۷) قانون بودجه سال ۱۴۰۲ دولت را مکلف به پیگیری کاهش نرخ حقوق گمرکی ملزومات و تجهیزات پزشکی مشمول از ۴ درصد به ۱ درصد کرد. در همین راستا و پیرو اقدامات انجام‌شده در دولت و به ویژه تعاملات موثر سازمان گمرک برای مانع‌زدایی از مسیر ترخیص کالاها از گمرک، نرخ حقوق گمرکی تجهیزات پزشکی مشمول از ۴ درصد به ۱ درصد تقلیل پیدا کرده است، اما تا لحظه تنظیم این گزارش خبری از اجرا نیست. بنابراین برخلاف وعده‌ها به خاطر عدم تعیین تکلیف حقوق ورودی تجهیزات پزشکی شاهد افزایش چشمگیر رسوب این کالاها در محوطه‌های گمرکی هستیم؛ موضوعی که احتمال کمبود تجهیزات پزشکی را در ماه‌های اخیر افزایش می‌دهد. چند روز پیش معاون اول رئیس‌جمهوری فرصت یک ماهه به وزیر اقتصاد برای ساماندهی گمرکات کشور داده بود. این درحالی است که بسیاری از چالش‌های مرتبط با ترخیص کالا ناشی از

کل مبلغ ارز تامین‌شده برای انواع تجهیزات پزشکی در سال ۱۴۰۱، ۱/۴ میلیارد یورو بوده که ۶۴/۵ درصد از این مبلغ سهم مواد و لوازم مصرفی، ۲۰/۵۲ درصد سهم دستگاه یا وسیله پزشکی، ۶/۳۵ درصد سهم مواد اولیه خط تولید، ۳/۳۷ درصد سهم قطعات یدکی، ۲/۰۸ درصد سهم لوازم جانبی، ۱/۹۴ درصد سهم قطعات ساخت دستگاه و ۱/۲۴ درصد سهم ابزار بوده است.

در سال ۱۴۰۱، ۵۶/۷۹ درصد ارز تامین‌شده در حوزه تجهیزات پزشکی از نوع ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی و ۴۳/۲۱ درصد از نوع ارز نیمایی بوده است. برای ثبت سفارش‌های مربوط به سال قبل، ۱۳۰ میلیون یورو (شامل ۴۷ میلیون یورو ارز ترجیحی و ۸۳ میلیون یورو ارز نیمایی) و برای ثبت سفارش‌های مربوط به سال جاری، تنها مبلغ بسیار ناچیز ۳/۵ میلیون یورو ارز نیمایی در حوزه تجهیزات و ملزومات پزشکی طی سه ماه سپری‌شده از سال تامین شده است. همچنین به استناد گزارش‌ها از سازمان گمرک، درحال حاضر بیش از ۳۶۰ تن تجهیزات پزشکی به ارزش ۴۱۱ میلیون دلار به گمرکات کشور رسیده، اما صاحبان کالا به دلیل ابهام در نرخ مازاد حقوق ورودی، از ترخیص آنها امتناع می‌ورزند.



باید مشکلات تجهیزات پزشکی را بپذیرند و در راستای آن گام بردارند، چراکه صنف تجهیزات پزشکی بیشترین ارزش افزوده را برای جامعه دارند و در کنار فعالیت اقتصادی، اقلام حیاتی مردم را وارد می‌کنند

او با اشاره به واردات تجهیزات پزشکی بی کیفیت گفت: طی یکی دو سال گذشته بابت واردات تجهیزات پزشکی بی کیفیت به دلیل محدودیت بودجه و عدم پیش بینی فاصله ریالی ارز دولتی با نیمایی نگرانی‌هایی وجود داشت. اما این روزها با اختصاص محدود ارز دولتی خوشبختانه امر کیفیت به صورت نسبی مورد توجه قرار گرفته است. در حال حاضر نیز وضعیت به همین روال پیش می‌رود. امیدواریم در روزهای آینده هم این موضوع حیاتی با حساسیت جریان داشته باشد. او ادامه داد: در هر صورت نیت مسوولان مربوطه تامین به موقع اقلام حیاتی است، اما این روزها نیت با خروجی سازگار نیست. یس‌گاهی در تضاد است، زیرا ناهماهنگی ارگان‌هایی که در تامین کالا نقش دارند به یک معضل جدی تبدیل شده است. همچنین عدم تجربه لازم برای تصمیمات سرنوشت‌ساز و کلان، عدم استفاده جدی از تجربه بخش خصوصی، عدم اعتنای جدی به مشکلات و رفع مشکلات بخش خصوصی به اضافه محدودیت بودجه چنین سرنوشتی را رقم زده است.

عضو هیات‌مدیره اتحادیه بازرگانان تجهیزات پزشکی در خصوص راهکارهای موجود برای حل مشکلات تجهیزات پزشکی بیان کرد: به نظرم در ابتدای امر دولتمردان و مسوولان مربوطه باید مشکلات تجهیزات پزشکی را بپذیرند و در راستای آن گام بردارند، چراکه صنف تجهیزات پزشکی بیشترین ارزش افزوده را برای جامعه دارند و در کنار فعالیت اقتصادی، اقلام حیاتی مردم را وارد می‌کنند. لذا نباید آنها را دلسرد کرد تا سرمایه خود را از این حوزه به حوزه‌های دیگری منتقل کنند. بنابراین راهکار مناسب اقتصاد خرد نتیجه تجربه فعالان اقتصادی است.

هیات مدیره اتحادیه بازرگانان تجهیزات پزشکی به «جهان صنعت» گفت: به نظرم چالش‌های این حوزه به دو بحث درون‌بخشی و برون‌بخشی تقسیم می‌شود، اما عمده این مشکلات برون‌بخشی است و از عدم هماهنگی مسوولان ذیربط در روند مجوز واردات مواد اولیه و کالای ساخته‌شده نشأت می‌گیرد. به‌طور کلی گمرک، وزارت صمت، بانک مرکزی و وزارت بهداشت بیشترین سهم را در این ناهماهنگی دارند و موجب کمبودهای مقطعی و افزایش هزینه کالا می‌شوند. البته قصد این مراکز قطعاً بروز چنین اتفاقاتی نیست، اما خروجی ناهماهنگی و بعضاً تصمیمات اشتباه است که منجر به افزایش قیمت یا کمبود کالا در بازار می‌شود. این در حالی است که مسوولان تصمیم‌گیر باید ابتدا اهمیت عملکرد اداره کل تجهیزات پزشکی را بدانند.

وی افزود: مشکل کمبود نقدینگی در برخی شرکت‌های تامین‌کننده تجهیزات پزشکی طبیعتاً اثرگذار است، البته این مشکل در روند تامین به موقع و میزان واردات بیشتر نمایان می‌شود.

اگرچه آثار آن در کوتاه‌مدت بیشتر متوجه شرکت‌ها و فعالان اقتصادی این حوزه می‌شود، اما در میان‌مدت و طولانی‌مدت این آثار منفی و مشکلات آن برای مراکز درمانی به وضوح خودش را نشان می‌دهد.

صانعی در پاسخ به اینکه آیا هنوز برخی اقلام تجهیزات پزشکی با ارز ۴۲۰۰ وارد می‌شود، اظهار کرد: تعداد بسیار محدودی از اقلام پزشکی مانند استنت‌های قلبی، ایمپلنت‌های ارتوپدی، اقلام جراحی مغز و اعصاب و قلبی مشمول ارز ۴۲۰۰ تومانی هستند که تقریباً محدوده ۳۵ درصدی از ملزومات را شامل می‌شوند.

به یک درصد اشاره کرد. با اینکه مقرر شده بود ۴ درصد عوارض گمرکی که به دارو و تجهیزات تعلق می‌گیرد به یک درصد کاهش یابد، اما از آنجا که این موضوع هنوز انجام نشده، تجهیزات در گمرک مانده و ترخیص نشده است. از طرفی در مجلس مقرر شد ارز ۴۲۰۰ تومانی به برخی تجهیزات پزشکی تعلق بگیرد. البته آنها یکی از دلایل تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی را برای حفظ قیمت‌ها اعلام کردند، زیرا این کار باعث می‌شود تا هم قیمت مصرف‌کننده افزایش نیابد و هم بیمه‌ها بتوانند این اقلام را پوشش دهند. اگرچه تنها تعداد اندکی از تجهیزات پزشکی با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شود، بنابراین هنوز مابقی با ارز نیمایی و گاه آزاد تهیه می‌شود. این در حالی است که به عقیده کارشناسان این حوزه اگر خرید تجهیزات پزشکی با ارز آزاد انجام شود، بیمارستان‌ها نمی‌توانند قطعات مصرفی دستگاه‌های خود را تعمیر یا تعویض کنند.

در نتیجه به باور کارشناسان این حوزه یکی از مهم‌ترین چالش‌های تجهیزات پزشکی در کشور از عدم هماهنگی مسوولان ذیربط در روند مجوز واردات مواد اولیه و کالای ساخته‌شده نشأت می‌گیرد. به‌طور کلی گمرک، وزارت صمت، بانک مرکزی و وزارت بهداشت بیشترین سهم را در این ناهماهنگی دارند و موجب کمبودهای مقطعی و افزایش هزینه کالا می‌شوند. با این حال برخی از کارشناسان بر این باورند که نیت مسوولان مربوطه تامین به موقع اقلام حیاتی است، اما یس‌گاهی در تضاد است. زیرا ناهماهنگی ارگان‌هایی که در تامین کالا نقش دارند به یک معضل جدی تبدیل شده است.

#### ■ پیامدهای ناهماهنگی مسوولان

در همین رابطه «بوالفتح صانعی» عضو





## اصلاح نگاه و تفکر مسوولان لازمه توسعه پایدار در صنعت و تولید

واقعی، چنین سیستم اقتصادی‌ای به معنای واقعی و صدرصد به ندرت وجود دارد.

امروزه در جوامع پیشرفته و توسعه‌یافته، اقتصادهای سرمایه‌داری سیستم‌های مختلطی هستند که از اجزای بازار آزاد و اقتصاد دستوری تشکیل شده‌اند. لذا با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی کشور لازم است بیش از پیش در خصوص تدوین مدل و سیستم اقتصادی برای تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی کشور اهتمام بورزیم و رویه قیمت‌گذاری دستوری که از سالیان قبل شروع شده است و نتایج منفی آن در میزان تولید و رشد و توسعه صنایع متجلی شد، کنار گذاشته شود. در آمار امسال مشاهده می‌کنیم علی‌رغم توسعه و افزایش ظرفیت‌های تولیدی ما در حوزه صنایع غذایی میزان تولید به نسبت سال گذشته کاهش داشته به طوری که در اسفندماه سال گذشته با کاهش ۸ درصدی تولید نسبت به بهمن‌ماه و کاهش ۶ درصدی تولید نسبت به مدت مشابه سال قبل یعنی اسفندماه ۱۴۰۰ روبه‌رو بودیم. تدوین مدل و الگوی سیستم اقتصادی حامی بازار آزاد رقابتی به صورت ترکیبی از بازار آزاد و اقتصاد دستوری یکی از ضروریات دولت و نهادهای مرتبط است و جهت ایجاد تعادل در بازار و فاصله گرفتن از بازار رقابت کامل و بازار انحصار کامل نیازمند ایجاد تعادل بین آزادسازی و دستورسازی هستیم. دولت با مواجهه تورم فزاینده و کاهش قدرت خرید برخی از اقشار جامعه در جهت کنترل قیمت کالاهای اساسی و محصولات اساسی به جای قیمت‌گذاری دستوری روی محصولات نهایی باید نسبت به تامین مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی با قیمت مناسب و مشخص ترتیبات لازم را انجام دهد و از تغییر و افزایش مستمر مواد اولیه جلوگیری کند.

متأسفانه در قسمت تامین مواد اولیه کارخانه‌ها آزادسازی قیمت‌ها را داریم و در مقابل روی قیمت محصول تولیدی قیمت‌گذاری دستوری اعمال می‌شود که این ناترازی در عمل، به تولید و صنعت ضربه می‌زند. از منظر دیگر ارائه مشوق‌ها و یارانه‌ها برای همه واحدهای تولیدی به صورت عادلانه و رعایت مساوات با توجه به میزان تولید و میزان مصرف آنها، کمک شایانی در جهت حمایت از تولید و کاهش قیمت‌ها است. هر چند در گذشته این مشوق‌ها متعلق به برخی از تولیدکنندگان خاص در نظر گرفته می‌شد که خود باعث از بین رفتن رقابت آزاد بود.

متأسفانه سازمان‌ها و نهادهای قانون‌گذار به چشم مجرم و متخلف به تولیدکننده می‌نگرند و اصل را بر این نکته می‌گذارند که تولیدکننده خطاکار است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود، در حالی که در کشورهای دیگر، اصل بر صداقت تولیدکننده است. برای مثال در ایران، تولیدکنندگان همیشه در مظان اتهام فرار مالیاتی، پرداخت نکردن حق بیمه پرسنل، کم‌فروشی و گرانفروشی، سوداگری، بی‌کیفیتی و... قرار دارند در حالی که این نگاه و تفکر باعث شده با مشکلاتی نظیر تعدد قوانین موازی دست‌وپاگیر و ایجاد سازمان‌ها و نهادهای نظارتی موازی، تولید قوانین و دستورالعمل‌های غیرضروری و بازدارنده برخورد کنیم و فرآیند ایجاد کسب‌وکار و تولید به‌سختی و کندی و با مشقت‌های فراوانی روبه‌رو شود.

نتیجه این نگاه غیرمنصفانه به تولیدکننده در کنار سیاست‌گذاری‌های نادرست، قوانین خلق‌الساعه و... کاهش ۶ الی ۷ درصدی تولید در صنعت غذایی کشور طی سال گذشته بوده است که پیامدهای بیکاری و کاهش اشتغالزایی و عدم رشد اقتصادی در کشور را به‌همراه دارد. یکی از راه‌های رشد و توسعه پایدار در صنعت و تولید، اصلاح نگاه و تفکر مسوولان به تولیدکنندگان و جایگزینی نگاه حمایتی به‌جای نگاه نظارتی و هدایتی و حذف و اصلاح بسیاری از قوانین غیرضروری و دست‌وپاگیر در راستای سهل‌سازی فرآیند تولید و کسب‌وکار است.

قیمت‌گذاری دستوری، قوانین دست‌وپاگیر و شرایط سخت تامین مالی از مشکلات عمده‌ای است که سال‌هاست صنعت غذایی کشور را تحت تاثیر قرار داده و با نقض قوانین حاکم بر بازار آزاد باعث از بین رفتن رقابت آزاد می‌شود.

بازار آزاد یک سیستم اقتصادی مبتنی بر عرضه و تقاضا با کنترل اندک یا بدون کنترل دولت است. اصطلاح «بازار آزاد» یا همان سرمایه‌داری آزاد و سوسیالیسم داوطلبانه یعنی اقتصادی رقابتی، بدون موانع و محدودیت‌ها و تنها براساس معاملات خصوصی بین خریداران و فروشندگان است که ویژگی مهم آن، عدم تحمیل یا محدودیت‌های اجباری در مورد فعالیت اقتصادی است.

در مجموع بازار آزاد نوعی از سیستم اقتصادی است که توسط نیروهای بازار عرضه و تقاضا کنترل می‌شود، برخلاف اقتصاد دستوری یا همان سیستمی که توسط کنترل‌های دولتی تنظیم می‌شود. هر چند در دنیای



دکتر رسول قملاقی  
عضو هیات‌مدیره فدراسیون صنایع غذایی و کشاورزی ایران

در حال حاضر با توجه به رقابت سنگینی که در بازار داخلی وجود دارد، باید اضافه ظرفیت تولید صادر شود. این در حالی است که در تجارت جهانی به‌روز بودن از اصول اولیه صادرات است، اما در شرایط کنونی حتی تولیدکنندگان نمی‌دانند قیمت مواد اولیه چنداست و چه زمانی در دست‌رسان قرار می‌گیرد که باعث از دست دادن مشتریان و سفارشات می‌شود. از قیمت‌گذاری دستوری که مشکلاتی برای تولیدکنندگان صنعت غذا ایجاد کرده تا تامین مواد اولیه باثبات و در دسترس، از مشکلات این صنعت است.

با توجه به اهمیت بازارهای صادراتی برای دولت و تولیدکنندگان، سازمان‌ها و ارگان‌ها باید حامی صنعتگران باشند. در کشور هند قوانین تسهیل صادرات و در گمرکات آن کشور تعرفه ترجیحی و توافقی‌های منطقه‌ای وجود دارد. همچنین در کشور ترکیه محصولاتی با عوارض ۱ درصد به بازار روسیه وارد می‌شود ولی ایران هیچ توافق گمرکی ندارد و با عوارض ۱۰ یا ۱۵ درصد صادرات انجام می‌شود. در این میان بانک‌ها توانایی ارتباط مالی ندارند و ال‌سی با مشکلات زیادی همراه است، با این حال لازم است در بازارهای هدف تدابیری اندیشیده شود تا دچار بعد از صادرات، ارزش خود را به صورت امن بازگردانند.

واقعیت این است که صادرات راهی مطمئن برای گذر از چالش‌هاست و باید به دروازه تجارت جهانی وصل شویم تا تمام افرادی که در صنعت غذا در تلاش هستند، به اهداف خود برسند و با حمایت دولت و سازمان‌های مربوطه هم رشد تولید و هم رشد صادرات داشته باشیم. اما





مدیر عامل شرکت طبیعت زنده در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## نوسانات ارزی بلای جان فعالان صنعتی

افسانه حسینی - صنعت آرایشی و بهداشتی از جمله صنایع چنانشدنی از زندگی روزمره مردم شناخته می‌شود. ارتباط این صنعت با بهبود و تامین سلامتی جامعه موجب شده است که صنعت آرایشی و بهداشتی همواره به پیشرفت لحظه به لحظه برای برآورده‌سازی نیاز جامعه بیندیشد. با وجود وارداتی بودن این صنعت در ایران، خوشبختانه در چند دهه اخیر شاهد شکوفایی صنعت آرایشی و بهداشتی در کشور بوده‌ایم. طی چهار سال گذشته که ورود برندهای آرایشی و بهداشتی خارجی به بازار ممنوع شده است، شرکت‌های ایرانی فرصت معرفی محصولات باکیفیت خود در مقابل کالاهای وارداتی و حضور در بازار رقابتی را پیدا کردند و این امر موجب شد خریداران با استفاده از محصولات ایرانی و درک کیفیت این محصولات، به بازار داخلی رونق بخشند. این در حالی است که حمایت از کالاهای این صنعت تنها معطوف به بازار داخل نیست و امروزه به دلیل کیفیت قابل قبول محصولات آرایشی و بهداشتی بسیاری از محصولات به بیش از ۳۰ کشور در پنج قاره جهان صادر می‌شود. به عنوان مثال انواع صابون‌های آرایشی، بهداشتی و لباسشویی به کشورهای همچون افغانستان، ارمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان در حال صادر شدن است و توانسته جایگاه خوبی در میان این کشورها پیدا کند.

نمی‌توانیم از سیستم بانکی کشور تامین کنیم. همین امر موجب کاهش تولید توسط شرکت‌های تولیدکننده و کاهش سرعت تحقیق و توسعه و تکوین محصولات جدید در آینده خواهد شد.

وی در پاسخ به اینکه دولت چگونه می‌تواند با فعالان صنعت آرایشی و بهداشتی همراهی کند، گفت: به نظرم مهم‌ترین اقداماتی که دولت می‌تواند در این مورد انجام دهد، رفع موانع است.

از آنجا که عمده تولیدکنندگان این صنعت، بخش خصوصی هستند، توانسته‌اند در کنار ایجاد یک بازار به شدت رقابتی، کیفیت و قیمت مناسب را برای مصرف‌کنندگان خود ایجاد کنند. طی سال‌های گذشته حتی در دوره همه‌گیری ویروس کرونا که در بسیاری از کشورها بحران محصولات شوینده ایجاد شده بود، در کشور ما خوشبختانه کوچک‌ترین کسری در بازار ایجاد نشد و این نشان‌دهنده توانایی این صنعت در شرایطی بحرانی است. در هر صورت در حال حاضر موانع مختلفی از جمله روند طولانی فرآیند ثبت سفارش، روند تخصیص ارز توسط بانک مرکزی، عدم امکان ترخیص کالا از گمرک قبل از تخصیص ارز و ... همگی سد راه فعالان این صنعت شده‌اند. برای مثال مواردی وجود دارد که تولیدکننده مواد اولیه را وارد کرده اما به دلیل عدم تخصیص ارز توسط بانک مرکزی، امکان ترخیص آن از گمرک را ندارد.

### ■ امکان حضور پررنگ در کشورهای همسایه

وی در خصوص چشم‌انداز این صنعت توضیح داد: در صورتی که شرایط اقتصادی بهبود پیدا کند و به موازات آن مشکلات نقدینگی نیز مرتفع شود، قطعاً آینده بسیار مطلوبی را به خصوص در حوزه بازارهای صادراتی می‌توان برای این صنعت متصور شد. زیرا تولیدات داخلی به نسبت کالاهای خارجی دارای کیفیت قابل قبول و قیمت‌گذاری مناسب‌تری هستند، بنابراین با توجه به ظرفیت تولید کالاهای ایرانی، فعالان صنعتی می‌توانند در کشورهای همسایه حضور پررنگ‌تری داشته باشند. طبق آمارها تولید داخل بیش از دو برابر نیاز جامعه است، بنابراین با فعال‌تر شدن این واحدها شاهد افزایش صادرات و ورود ارز به کشور خواهیم بود.

عدم محدودیت‌ها به راحتی در شبکه‌های مختلف خارجی تبلیغ می‌کنند. آنها با این روش ذهن مخاطب را نسبت به شناخته‌تر شدن محصول خود جلب می‌کنند. از دیگر چالش‌های موجود در این صنعت، وجود سامانه‌های متعدد جهت امور جاری تولید است که در حال حاضر برای ما به یک دغدغه تبدیل شده است. زیرا بعضاً این سامانه‌ها با کارکردهای مشابه، با یکدیگر ارتباط مستقیم ندارند.

به همین دلیل به خاطر ورود اطلاعات در سامانه‌های مختلف باید افرادی را در مجموعه داشته باشیم. این در حالی است که علیرغم تحمیل هزینه به تولیدکنندگان، منافع آن برای متولیان این صنعت ملموس نیست. به طور مثال علیرغم تاکید فراوان وزارتخانه‌های صمت و بهداشت بابت ورود اطلاعات تولید در سامانه‌های تجارت و تی‌تک بابت رهگیری محصولات و جلوگیری از کالاهای تقلبی و قاچاق، متأسفانه تا کنون شاهد کاهش معنادار قاچاق کالا در سطح بازار نیستیم.

گرچه با اشاره به سهم کالاهای خارجی در بازار ایران بیان کرد: واردات رسمی و قانونی برندهای خارجی طی چهار سال گذشته ممنوع بوده است. بنابراین هیچ کالای خارجی‌ای به صورت قانونی از مبادی رسمی کشور وارد نشده است. به همین دلیل شرکت‌های داخلی با توجه به کیفیت قابل رقابت با محصولات خارجی، توانستند در بسیاری از موارد سهم بازار خود را افزایش دهند. اما به دلیل وجود کالاهای قاچاق به خصوص در حوزه آرایشی همچنان بخش قابل توجهی از نیازهای مردم در این دسته کالا توسط کالاهای قاچاق و تقلبی تامین می‌شود.

گرچه تاکید کرد: مهم‌ترین مشکلی که نوسانات نرخ ارز برای صنایع ایجاد کرده، بحث افزایش نیاز به نقدینگی و سرمایه در گردش است. مضاف بر اینکه در اغلب موارد، افزایش قیمت کاهش مصرف را هم با خود به همراه داشته است. زیرا بخشی از مصرف‌کنندگان ممکن است توان پرداخت مبلغ بالاتر را برای تهیه آن محصول نداشته باشند، اما اگر از این نکته بگذریم، مهم‌ترین ضربه‌ای که در حال حاضر به تولیدکننده‌ها وارد شده، بحث نیاز بیشتر به سرمایه در گردش است، چراکه این نیاز را به راحتی

بنا بر گفته‌های نایب‌رئیس کمیسیون محصولات آرایشی و بهداشتی و عضو هیات‌رئیس اتاق بازرگانی ایران، کانادا و استرالیا، در گذشته اکثر مواد آرایشی پایه از کشورهای همچون ترکیه وارد می‌شدند، اما امروزه با همت تولیدکنندگان و به دست آوردن تکنولوژی لازم، برخی از این مواد به راحتی در کشور تولید می‌شود و ایران را در زمره ده‌ها کشور تولیدکننده و همچنین صادرکننده محصولات آرایشی و بهداشتی قرار داده است. با این حال بزرگ‌ترین رقیب ایران در صنعت آرایشی و بهداشتی، ترکیه است.

این صنعت نیز مانند دیگر صنایع دچار چالش‌های ریز و درشتی است. به گفته مدیرعامل شرکت طبیعت زنده، یکی از عمده چالش‌هایی که فعالان این حوزه با آن دست به گریبان هستند، بحث نقدینگی و پس از آن نوسانات ارزی و ممنوعیت تبلیغات است. همین موضوعات منجر به درگیری مالی تولیدکنندگان محصولات آرایشی و بهداشتی شده است.

### ■ نقدینگی چالش فعالان صنعتی

«علی گرجی» با اشاره به چالش‌های این حوزه به «جهان صنعت» گفت: در حال حاضر ما هم مانند دیگر صنایع کشور چالش‌های فراوانی داریم، اما یکی از عمده چالش‌هایی که همگی با آن دست به گریبان هستیم، بحث نقدینگی است، چراکه به دلیل سیاست‌های انقباضی که از اواسط سال گذشته اعمال شده است، این روزها بسیاری از شرکت‌ها دچار کمبود نقدینگی شده‌اند. با توجه به اینکه در این صنعت دوره گردش عملیات (از زمان خرید مواد اولیه تا تسویه مبلغ به مشتری) طولانی است، نوسانات ارزی می‌تواند مشکلات عدیده‌ای را بابت سرمایه در گردش برای تولیدکنندگان ایجاد کند. اتفاقی که در شش ماهه دوم سال ۱۴۰۱ با افزایش نرخ ارز، برای تولیدکنندگان این صنعت به وقوع پیوست.

وی افزود: یکی دیگر از مشکلاتی که صنعت آرایشی و بهداشتی مخصوصاً حوزه آرایشی با آن روبه‌رو شده، ممنوعیت تبلیغات است. زیرا در حال حاضر تبلیغ عمومی کالای آرایشی رنگی تولید داخل ممنوع است. این در حالی است که برندهای مشابه خارجی به خاطر

گفت‌وگو





هستی عبادی



رئیس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی و آرایشی استان البرز در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## دستورالعمل‌های خلق الساعه عامل سر در گمی صنایع

فراهم کردن زیرساخت‌های مرتبط با حوزه تولید و همچنین روان‌سازی این چرخه از مواردی است که سال‌ها مورد توجه مسوولان بالادست نظام قرار داشته و همچنان هر سال از سوی مقام معظم رهبری مورد تاکید قرار می‌گیرد، اما متأسفانه رویه ثابت دولت‌ها در ارتباط با سیاست‌های دستوری و دخالت در امور اقتصادی مانع از آن شده که صنایع کشور توسعه پیدا کنند. حتی امرار بر مسائلی همچون قیمت‌گذاری دستوری و نظارت‌های بیجا و در مقابل بی‌توجهی به مسائلی مثل نابسامانی نرخ ارز، تصمیم‌گیری بدون مشورت بخش خصوصی و تشکلهای یا واکاوی علل شکست در سیاست‌های اقتصادی، باعث شده که بسیاری از واحدهای تولیدی نام‌دار کشور در حوزه تولید به حاشیه رانده شوند یا اینکه میز آن تولیدات خود را به مرور کاهش دهند. هر چند اغلب صنایع کشور امروزه با چالش‌های یکسانی روبه‌رو هستند، اما صنعت آرایشی و بهداشتی یکی از صنایعی است که این روزها حال و روز خوبی ندارد و علاوه بر اینکه با کاهش قدرت خرید مردم و کمبود تقاضا در بازار داخل روبه‌رو است، از فرصت‌های تجاری در بازارهای بین‌المللی نیز نمی‌تواند به خوبی استفاده کند، چراکه تامین مواد اولیه برای تولیدکنندگان کشور به سختی انجام می‌شود و توان رقابت بین تولیدکنندگان ایرانی و خارجی وجود ندارد.

بهداشتی، آرایشی و دارویی فعال باشند که به نظر من اولویت اول وزارت بهداشت است، چراکه مسوول حفظ سلامت مردم است. به این ترتیب موسسه استاندارد در جایگاه خود می‌تواند بقیه نیازهای کشور را اصلاح کند. به طور مثال موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران می‌تواند عیار طلا و جواهری را که در بازار عرضه می‌شود صحت‌سنجی کند تا کلاه سر مردم نرود. همچنین در هر فضایی که به کار تحقیق نیاز باشد، موسسه استاندارد می‌تواند پیشقدم شود.

### چالش قیمت‌گذاری دستوری

رئیس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی و آرایشی استان البرز با بیان اینکه ما در این صنعت چند مشکل اساسی داریم، اظهار کرد: همان‌طور که پیش از این هم گفته شد، یک مشکل اساسی مقررات خلق الساعه است که چه وزارت صمت، چه وزارت بهداشت و چه موسسات وابسته به آنها هر روز به شیوه‌ای صنعت ما را درگیر می‌کنند. البته در سطح استان البرز با همت مدیران استانی، اتاق بازرگانی، خانه صنعت و معدن و استانداری استان البرز مشکلات تا حد زیادی حل شده و امیدوارم این مشکلات در سطح ملی هم مرتفع شوند تا صنعت

صنعت را دچار سردرگمی کرده است، در حالی که وظیفه مدیران اداره‌کننده صنعت و تجارت کشور، روان‌سازی و کاهش هزینه‌هاست.

دکتر مهدی کامکار اظهار کرد: موسسه‌ای به نام موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران داریم که این موسسه باید بخش تحقیقات خود را بر مبنای اطلاعات و آگاهی‌هایی که از دنیا و کشور کسب می‌کند به صورت آموزشی در صنایع مختلف مستقر کند و ارائه دهد و در توسعه کشور همراهی و همکاری داشته باشد، اما عملکرد این مجموعه به این بسنده شده که یک مهر استاندارد داشته باشند و به عنوان مثال اگر کسی در صنعت شوینده، مایع ظرفشویی تولید کرد، محصول او مهر استاندارد داشته باشد. به این ترتیب موسسه استاندارد و آزمایشگاه‌های طرف قراردادش هزینه‌هایی را از تولیدکننده دریافت می‌کنند که از نظر من بیشتر شبیه یک مزاحمت است، چراکه وزارت بهداشت نیز به موازات همین کار را انجام می‌دهد، در حالی که باید در این وضعیت تجدیدنظر شود.

وی ادامه داد: به عنوان مثال یکی از مجموعه‌هایی که موازی کاری انجام می‌دهند، باید به عنوان محور کنترل و نظارت بر تولیدات فرآورده‌های غذایی،

در همین خصوص با دکتر محمد مهدی کامکار رئیس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی و آرایشی استان البرز و مدیرعامل شرکت عطراکین به گفت‌وگو نشستیم تا در خصوص چالش‌های فعلی این صنعت و راهکارهای روان‌سازی چرخه تولید در این حوزه هرچه بیشتر آگاهی پیدا کنیم. بر اساس آنچه این تولیدکننده که از پایه‌گذاران انجمن ملی صنایع شوینده، بهداشتی و آرایشی ایران است می‌گوید، دستورالعمل‌های خلق الساعه موجب سردرگمی صنایع شده، در حالی که دولت می‌تواند با مشورت با بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها، مانع از اتخاذ سیاست‌هایی شود که به تولید ضربه می‌زند.

### موازی کاری ارگان‌ها

رئیس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی و آرایشی استان البرز در گفت‌وگو با «جهان صنعت» به چالش‌های این صنعت اشاره کرد و گفت: چالش‌های صنعت ما جدا از بقیه صنایع کشور نیست. متأسفانه مقررات خلق الساعه‌ای که به صورت دستورالعمل‌های گوناگون با تغییر مدیران تدوین و ارائه می‌شود و همین‌طور شیوه عملکرد مدیران نظارتی که خصوصاً در استان‌ها مستقر هستند،

موسسه استاندارد و آزمایشگاه‌های طرف قراردادش هزینه‌هایی را از تولیدکننده دریافت می‌کنند که از نظر من بیشتر شبیه یک مزاحمت است، چراکه وزارت بهداشت نیز به موازات همین کار را انجام می‌دهد، در حالی که باید در این وضعیت تجدیدنظر شود



عرضه و تقاضای  
که قیمت‌ها را  
تعیین می‌کند.  
وقتی ۲۰۰۰ یا ۳۰۰۰  
تولیدکننده یک  
کالای خاص را تولید  
می‌کنند، دیگر  
نمی‌شود نام آن را  
انحصار گذاشت. به  
طوری که هر کدام  
از آنها سعی می‌کنند  
با عرضه فراوان‌تر،  
کیفیت بهتر و قیمت  
مغول‌تر جامعه را  
به سمت خود جذب  
کنند

تولیدکننده کالای تولیدی خود را به فروشگاه‌های زنجیره‌ای می‌دهد و اینها به دلیل حجم وسیع و ارتباط گسترده‌ای که دارند، می‌توانند امکانات بیشتری در اختیار مشتریان قرار دهند. مردم نیز بر این باورند که با خرید از این فروشگاه‌ها با قیمت ارزان‌تر، سود می‌کنند. تولیدکننده نیز بر این باور است که محصولش را تولید کرده و به فروشگاه تحویل می‌دهد و حداکثر در عرض یک هفته با فروش محصولش پول را به او برمی‌گرداند و مجبور نیست برای اخذ تسهیلات، بهره بانکی خیلی بالا به بانک‌ها بدهد.

کامکار گفت: اما در حال حاضر این شیوه به شکلی شده که فروشگاه‌ها هیچ‌کدام پاسخگوی تولید نیستند و به این صورت صنایع کوچک و متوسط کشور به سرعت در حال ذوب شدن و از بین رفتن هستند. در حالی که این وضعیت خلاف فرمان مقام معظم رهبری و شعارهای سالانه کشور است که گفته می‌شود روان‌سازی کنیم، مشکلات را از پیش پای تولید برداریم، اشتغال ایجاد کنیم و قیمت‌ها را اصلاح کنیم.

#### ■ مردم توان خرید ندارند

رییس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی و آرایشی استان البرز افزود: به دلیل تدابیر غیرمغول و غیرمنطقی، مدام هزینه‌های تولید بالا می‌رود و مردم هم توان خرید ندارند؛ یعنی شرایطی شده که حقوق و مزایای کارگر، کارمند و بازنشسته اصلاً جبران‌کننده هزینه‌های جاری او نیست. هر کدام از اینها جایگاه خود را دارد که باید دولت به آنها توجه کند و به جای اینکه به شاخ و برگ توجه کند، ریشه‌ها و علت این مسائل را واکاوی کند.

کامکار اظهار کرد: یکی دیگر از مسائل و گرفتاری‌های ما به نرخ ارز برمی‌گردد. در حال حاضر واقعا نمی‌دانیم درآمد ارزی کشور چقدر است و چه بخشی از آن به صنعت و تولید تعلق می‌گیرد. تغییر قیمت‌های روزانه در صنعت یک گمراهی بسیار بزرگ و گسترده در سطح تولید به وجود آورده است. به این ترتیب در آغاز هر سال ناگزیریم علاوه بر محاسبه قیمت‌های مواد اولیه و... قیمت تمام‌شده را محاسبه کنیم، در حالی که با نوسان نرخ ارز تمامی این محاسبات به هم می‌خورد. این در حالی است که اگر خودمان متولی قیمت‌گذاری بودیم، قیمت مناسب را با حداقل سود به طوری که به نفع تولید و مصرف‌کننده باشد، محاسبه می‌کردیم.

وی با بیان اینکه در گذشته شرایط ارزی کشور به این شکل نبود و ثبات چندین ساله وجود داشت، گفت: در حال حاضر ارز هیچ ثباتی ندارد و به عنوان مثال دولت به یک باره با افزایش ۵۷ درصدی حقوق‌ها موافقت می‌کند و برای اینکه

داشتیم، به طور هفتگی دو تن تا دو و نیم تن مواد اولیه خریداری می‌کردیم، به طوری که نقدینگی ما چندان کاهش پیدا نمی‌کرد و محصول به سلامت به دستمان می‌رسید.

وی افزود: همچنین به انبار، انباردار، نگهبان و ابزارآلات کمتری نیاز داشتیم و در نهایت محصولاتی از جمله کرم، شامپو، رژ لب و عطر و ادکلن با کمترین هزینه و به راحتی و با فراوانی تولید می‌شد و مهم‌تر از آن اینکه قیمت محصول به مراتب نسبت به الان معقول‌تر و منطقی‌تر بود.

کامکار اظهار کرد: اما متأسفانه دستورالعمل‌های اداری این‌روال را از بین بردند. البته نمی‌توان اینطور اعلام کرد که وزارت صمت مقصر تمامی این سیاست‌های نسنجیده است، بلکه وزارت بهداشت نیز در این زمینه مقصر بود، چراکه سازمان غذا و دارو نیز همکاری‌های لازم را انجام نمی‌داد. به جای اینکه نظارت بر کار تولیدکننده در ارتباط با محصول نهایی داشته باشند، از بدو ورود آنها را کنترل و رصد می‌کردند و یک بار برایشان کد بهره‌وری صادر می‌کردند و خریداران هم بر اساس تاییدیه وزارت بهداشت آن را می‌خریدند، اما اکنون اگر ۳۰۰ کارخانه مختلف تولید مواد شوینده، بهداشتی و آرایشی فعال در کشور داریم، هر کدام به تنهایی مجبورند آزمایشگاه‌های مستقل، هزینه‌ها و کنترل‌های گوناگون را انجام دهند. در حالی که یکی از گلگاه‌های ما همین مقررات غیرضرور است.

#### ■ عرضه و تقاضا باید قیمت را تعیین کند

کامکار با بیان اینکه در هیچ جای دنیا قیمت‌ها را سازمان‌ها یا نهادهای دولتی تعیین نمی‌کنند، افزود: عرضه و تقاضاست که قیمت‌ها را تعیین می‌کند. وقتی ۲۰۰ یا ۳۰۰ تولیدکننده یک کالای خاص را تولید می‌کنند، دیگر نمی‌شود نام آن را انحصار گذاشت. به طوری که هر کدام از آنها سعی می‌کنند با عرضه فراوان‌تر، کیفیت بهتر و قیمت مغول‌تر جامعه را به سمت خود جذب کنند، اما اکنون شرایط اینطور نیست و یک گره کور داریم و تا زمانی که این گره کور باز نشود، صنایع کشور سامان نخواهند گرفت.

رییس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی و آرایشی استان البرز ادامه داد: به روش کنونی صنعت زیانده است، به طوری که با تداوم این شرایط، هر روز حجم بسیاری از صنایع از نظر تنوع تولید کمتر و کمتری می‌شود. مشکل اساسی دیگری که داریم فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای هستند که این فروشگاه‌ها قبل از انقلاب هم وجود داشتند و بعد از انقلاب توسعه یافتند؛ به خصوص در دهه ۷۰ با این باور که با شکل‌گیری و توسعه این فروشگاه‌های زنجیره‌ای، واسطه‌ها و دلالان از بین می‌روند. یعنی

بتواند با کمترین هزینه و تولید بیشتر روان‌سازی داشته باشد و رسالت خود را در اشتغال فراتر از چیزی که تا به حال داشته انجام دهد.

وی ادامه داد: اما یک مشکل اساسی دیگر قیمت‌گذاری است. در هیچ جای دنیا به خصوص در مورد کالاهای آرایشی و بهداشتی به شیوه‌ای که در ایران در حوزه قیمت‌گذاری اقدام می‌شود، عمل نمی‌کنند، چراکه قیمت‌گذاری به این شکل هم به ضرر مصرف‌کننده و هم به ضرر تولیدکننده است. سال گذشته تورم بالای ۵۰ درصد داشتیم و بعد از بحث و گفت‌وگو بسیار زیاد انجمن صنایع شوینده بهداشتی و آرایشی ایران و سازمان حمایت، توافق بر سر افزایش قیمت ۴۰ درصدی انجام شد، در حالی که این شیوه قیمت‌گذاری غیرمغول و غیرمنطقی است، زیرا ممکن است یک کالا صددرصد افزایش قیمت لازم داشته باشد و کالای دیگر ۱۰ درصد. در واقع ممکن است منابع تامین مواد اولیه یک کالا در داخل کشور وجود داشته باشد، سرعت عمل در تولیدش خیلی فراهم‌تر یا اینکه دانش فنی و امکاناتش در ایران موجود باشد. بنابراین ضرورتی ندارد به یک باره ۵۰ یا ۱۰۰ درصد یا همان ۴۰ درصد افزایش قیمت در خصوص این کالا اعمال شود.

کامکار افزود: وقتی این روش قیمت‌گذاری را باب می‌کنند، باعث می‌شود در این شرایط سخت، تولید زیانده شود و بسیاری از کارخانه‌ها از گردونه تولید حذف شوند. به عنوان مثال شما دیگر محصولات موبان شرکت عطراگین را در مراکز عرضه در سطح ملی نمی‌بینید، در حالی که زمانی تمام شلف‌های فروشگاه‌های بزرگ، سوپرمارکت‌ها و داروخانه‌ها پر از این محصول بود، ولی امروز دیگر تولید این محصول مقرون به صرفه نیست و نمی‌توان تولید کرد، زیرا عوامل و امکانات توزیع ما به خود شرکت وابسته نیست.

#### ■ مقررات سخت گمرکی

کامکار در ادامه بیان کرد: از آغاز انقلاب به بعد به اشتباه به شرکت‌های تولیدی گفته شد که باید کار بازرگانی، تحقیقات، صادرات و واردات را خودشان انجام دهند که این خلاف واقعیت‌هاست. بر اساس این سیاست، وقتی می‌خواهیم مواد اولیه را وارد کنیم به فرض اینکه شرایط مناسب باشد، ناچاریم به طور انبوه وارد کنیم، اما این کار به سرمایه در گردش نیاز دارد و خواب سرمایه خواهیم داشت. برای این کار همچنین انبارهای بزرگ نیاز است که به مرور باعث می‌شود مواد اولیه اثر و کیفیت خود را از دست بدهند و دیگر قابل استفاده نباشند، اما بیشتر گرفتاری ما به دلیل مقررات سخت گمرکی و عدم امکان باز کردن ال‌سی است که دولت خواسته یا ناخواسته در مسیر تولید قرار داده است.

رییس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی و آرایشی استان البرز ادامه داد: در گذشته این طور بود که اگر شرکت تولیدی به ۳۰۰ تن اسید استتاریک در سال نیاز داشت، این ۳۰۰ تن را از بازرگانی تامین می‌کرد که سالی ۵۰ هزار تن و با قیمت‌های مناسب از کشورهای جنوب شرقی آسیا مثل مالزی، سنگاپور، اندونزی و... وارد می‌شد. به این ترتیب لازم نبود یک شرکت هزینه بازرگانی پرداخت کند یا هزینه بسته‌بندی بدهد و کانتینر به کانتینر جنس وارد ایران کند. در واقع در گذشته مواد اولیه ما به صورت حمل بزرگ توسط شرکت‌های بازرگانی وارد می‌شد و وقتی به مواد اولیه نیاز





تولیدکننده بتواند خودش را با شرایط جدید وفق دهد نیز برنامه‌ریزی ندارد.

### ■ قوانین ما اشکال دارد

رییس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی و آرایشی استان البرز با بیان اینکه «قوانین ما اشکال دارد»، تأکید کرد: امروز نه کارگر و نه کارمند نمی‌توانند خود را اداره کنند و همه مانده‌اند که چه کار کنند. دولت هم در سال‌های گذشته و مخصوصاً در سال جاری تلاش می‌کند از طریق یارانه یا کمک‌های غیرمستقیم، وضعیت بحرانی معیشتی را حل کند. اگر سیاست‌گذاری‌های ما بر اساس برنامه مدون اقتصادی باشد و از استعدادهایمان درست استفاده کنیم، این مشکلات پیش نمی‌آید.

وی با بیان اینکه در گذشته وضعیت به این شکل نبود و می‌توانستیم به موقع پاسخگوی نیاز بازار و همچنین نیاز طرف خارجی خود باشیم، گفت: قیمت‌های ارز انفجاری شد و تعادل به هم خورد که این یکی از مشکلاتی است که اکنون با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم.

کامکار با اشاره به دشواری تامین مواد اولیه، ادامه داد: کشورهایی از جمله پاکستان، ترکیه و امارات برای تولید یک رنگ موی آرایشی، بالافاصله مواد اولیه مورد نیاز خود را تامین می‌کنند و پروسه تولید آنها زمان کمی طول می‌کشد، اما در ایران اخذ مجوزهای قانونی و همچنین مشکلاتی که در حوزه بین‌الملل وجود دارد آنقدر طولانی می‌شود که عملاً ما نمی‌توانیم کالا را به موقع تولید کنیم یا اینکه در بازارهای جهانی حرفی برای گفتن داشته باشیم.

وی اظهار کرد: در حوزه فعالیت ما، تا یک تولیدکننده بخواهد مجوز واردات مواد اولیه و همچنین پیچ و خم‌های اداری را طی کند، عملاً آن جنس از مد می‌افتد. در تمام دنیا و کشورهایی که این صنعت وجود دارد، تولیدکننده بر اساس ضوابط قانونی که به او اعلام می‌شود، محصول را فرموله و وارد بازار می‌کند و در نهایت در سایه‌ها ثبت می‌شود که مثلاً این محصول مربوط به شرکت X است. به این ترتیب اگر محصولی که وارد بازار شده آسیبی به سلامتی مردم وارد کند، با تولیدکننده، کارشناسان و متخصصان برخورد سختی می‌شود.

### ■ چالش مسوولان فنی

رییس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی

و آرایشی استان البرز همچنین با اشاره به وجود مسوولان فنی در این حوزه گفت: بعضاً نمایندگان در کشور ما به عنوان مسوول فنی به اجبار به استخدام تولیدکننده درمی‌آیند و حقوق می‌گیرند که در اصل نماینده دولت هستند. این موضوع هم یکی از مشکلات اساسی دیگر ماست که امیدواریم سازمان غذا و داروی کشور با تجدینظر در این سیستم و نحوه ارائه مجوزهای قانونی به اضافه دانشگاه‌های علوم پزشکی در این رابطه گام‌های سریع و صحیحی بردارند و صنعت ما را از این مشکل نجات دهند.

وی اضافه کرد: نکته دیگری که اخیراً مد شده، ثبت محصول تولیدی یا واردشده در سامانه‌های مختلف نظیر سامانه وزارت صمت یا وزارت بهداشت است، در حالی که در گذشته این آمار به یک مجموعه اعلام می‌شد. در حال حاضر هر شرکت متناسب با تولیدی که دارد باید تعدادی پرسنل و نیروی متخصص استخدام کند تا آنها کار ثبت را انجام بدهند و بتوانند در ارتباط با اقدامات دیگر، مجوز بگیرند. این در حالی است که این اقدامات مشکلی از مردم حل نمی‌کند و تنها هزینه‌ها را بالا می‌برد.

کامکار با بیان اینکه یکی دیگر از مشکلاتی که در این صنعت وجود دارد، عدم آشنایی مردم با نحوه مصرف لوازم آرایشی یا بهداشتی است، گفت: به عنوان مثال در ارتباط با ضدآفتاب‌ها باید آموزش‌های لازم از طریق رسانه‌ها و صداوسیما به مردم داده شود تا آنها در شرایط مختلف از این پوشش فیزیکی استفاده کنند. همان طور که به روغن نباتی یا نان یارانه داده می‌شود، باید برای ضدآفتاب هم یارانه در نظر گرفته شود تا مردم از عوارض نور خورشید مصون بمانند.

رییس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی و آرایشی استان البرز ادامه داد: کسی که مسوول سلامت و بهداشت مردم است، باید به فراوانی محصول را در اختیار مردم بگذارد.

وی با بیان اینکه در اوایل انقلاب هفته‌ای یک بار در صداوسیما درباره باورهای پزشکی و دارویی برای مردم صحبت می‌کردیم و به آنها آموزش‌های لازم داده می‌شد، افزود: حتی در آن زمان مبلغی به عنوان هزینه مشاوره به کارشناس داده می‌شد، اما اکنون اگر بخواهیم چنین آموزش‌هایی به مردم بدهیم و

به آنها بگوییم چطور از شوینده‌ها استفاده کنند تا پوست آنها آسیب نبیند، صداوسیما درخواست پول هم دارد. در حالی که باید از انجمن‌های تخصصی در این حوزه‌ها کمک بگیرد تا آنها در جهت افزایش سلامتی مردم، به آنها آموزش دهند.

### ■ ضرورت تشویق تولیدکنندگان

کامکار با تأکید بر تشویق تولیدکنندگان از سوی دولت اظهار کرد: اگر به اشتغال جوانان اهمیت می‌دهیم، باید به تولیدکننده یا کارآفرینی که در این شرایط سخت ریسک کرده و کار ایجاد کرده کمک کنیم و سیاست‌هایی را در دستور کار قرار دهیم که هزینه‌های او کاهش پیدا کند.

رییس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی و آرایشی استان البرز در ادامه افزود: در حال حاضر بسیاری از محصولاتی که طی سالیان مختلف تولید می‌کردیم، دیگر قابل تولید نیستند و تولید در طول زمان هر روز افت می‌کند، چراکه از تولید فقط در شعارها حمایت می‌شود. این در حالی است که بنده با توجه به اینکه امروزه در این شرایط سخت قرار گرفته‌ام، نمی‌توانم نیروی چندین و چند ساله خود را که مانند فرزندم است اخراج کنم، اما وقتی دولت سیاست‌هایی را در دستور کار قرار می‌دهد که فشار هر روز روی تولیدکننده بیشتر می‌شود، چطور باید نیروهای خود را حفظ کنیم؟

وی بیان کرد: هزینه‌های تولید روزبه‌روز بالا می‌رود و قدرت خرید مردم نیز هرچه بیشتر کاهش پیدا می‌کند. بنابراین در حال حاضر حتی تولیدکننده قدیمی مثل شرکت عطرآگین منابع مالی برای تبلیغات را در اختیار ندارد و نمی‌تواند توجه مصرف‌کننده را جلب کند. در این میان اما برخی از شرکت‌های بازرگانی یا تولیدکنندگان با تمرکز بر حوزه تبلیغات، سهم زیادی از بازار را به دست می‌آورند.

رییس انجمن صنایع همگن شوینده، بهداشتی و آرایشی استان البرز در انتها بیان کرد: ایران یک کشور منحصر به فرد در دنیاست و خدا هر چه که توانسته به ما داده است، اما باید سیاست‌هایی در دستور کار قرار گیرد که بتوانیم به صورت بهینه از این پتانسیل‌ها استفاده کنیم و آنها را رشد دهیم. همچنین مسوولان در سیستمی شفاف و به نفع منافع ملی کار کنند و مهم‌تر اینکه از مدیران متخصص استفاده شود.



هزینه‌های تولید روزبه‌روز بالا می‌رود و قدرت خرید مردم نیز هرچه بیشتر کاهش پیدا می‌کند. بنابراین در حال حاضر حتی تولیدکننده قدیمی مثل شرکت عطرآگین منابع مالی برای تبلیغات را در اختیار ندارد و نمی‌تواند توجه مصرف‌کننده را جلب کند



**رئیس هیات امنای خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران در گفت‌وگو با «جهان صنعت» مطرح کرد**

## عدم توفیق توسعه صنعتی با تشکیل وزارت بازرگانی

«جهان صنعت» - طی سال‌های اخیر تفکیک و ادغام وزارت بازرگانی بارها اتفاق افتاده است، حال پس از گذشت ۲ سال از واگذاری قانون انتزاع به وزارت جهاد کشاورزی و تصویب شورای قیمت‌گذاری در مجلس یازدهم، دولت معتقد است که علت اصلی نوسانات بازار به نبود وزارت بازرگانی باز می‌گردد. عمدتاً مخالفان تشکیل وزارت یا سازمان بازرگانی نگران بی‌توجهی به تولید و رونق واردات در پی تفکیک وزارت صمت هستند. همچنین برخی مخالفان این طرح به این موضوع استناد می‌کنند که در اکثر کشورها سیاست‌گذاری برای تولید و تجارت یکپارچه است. در مقابل موافقان طرح بر این باورند که در حال حاضر تجارت خارجی و همچنین وضعیت تنظیم بازار مورد توجه کافی نیست.

این در حالی است که چندی پیش مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با اعلام مخالفت خود با کلیات لایحه تشکیل وزارت بازرگانی، ایجاد این وزارتخانه را به ضرر بخش تولید دانست. به باور بسیاری از کارشناسان این وزارتخانه قرار است با واردات کالاهای خارجی بازار را به آرامش برساند؛ حال آنکه جدی‌ترین نیاز کشور در حال حاضر تولید است. هدف اصلی تفکیک بخش بازرگانی از وزارت صمت و تشکیل یک وزارتخانه مجزا برای این امر تنظیم بازار داخلی از طریق واردات است که در نهایت به تضعیف تولید و افزایش قیمت‌ها در بلندمدت منجر می‌شود.

### عدم توان رقابت تولید داخلی با محصولات خارجی

سیدعلی صدیقی در ادامه اضافه کرد: نکته دیگری را هم که باید در نظر گرفت این است که محصولات خارجی به مراتب جذاب‌تر از تولیدات داخل هستند و برای تولیدکننده داخلی ایجاد تنوع با توجه به اینکه فقط بخواهد بازار داخلی را پوشش دهد، مقرون به صرفه نیست؛ به این معنا که شرکت‌های داخلی با توجه به فشارهایی که از بخش‌های مختلف به ویژه در خصوص افزایش هزینه‌ها به آنها وارد می‌شود، مسلماً به فکر محصولات جدید و جذاب‌تر و خلاقانه‌تر نیستند، به همین دلیل در بخشی از موارد با محصولات خارجی توان رقابتی پیدا نمی‌کنند.

### تشکیل وزارت بازرگانی، بازگشت به پروژه‌های شکست خورده

این فعال اقتصادی در خصوص تفکیک حوزه بازرگانی از صنعت و معدن عنوان کرد: تشکیل وزارت بازرگانی عقب‌گرد به پروژه‌های شکست خورده در گذشته است. ممکن است تشکیل وزارت بازرگانی در جهت تنظیم بازار نتایج موقتی داشته باشد، اما مطمئناً قربانی این تفکیک در بلندمدت توسعه صنعتی کشور خواهد بود، چراکه رابطه مستقیمی بین عدم رشد صنعت و مداخلات دولت در اقتصاد و صنعت وجود دارد که این نگرانی با احیای وزارت بازرگانی و تکرار همان سیاست‌های نادرست تنظیم بازار موجب می‌شود صنعت کشور از این موضوع آسیب ببیند، چراکه با تفکیک وزارت بازرگانی، عدم یکپارچگی و عدم هماهنگی در امور ایجاد خواهد شد، در این صورت کل زنجیره‌های تولید و توزیع در کشور رخ خواهد داد. با توجه به شرایط اقتصادی کشور، افزایش نرخ ارز و روند افزایشی تورم زمان مناسبی برای تشکیل وزارت بازرگانی نیست. در این صورت ممکن است بخشی از وظایف وزارت کشاورزی به وزارتخانه جدید منتقل شود و هماهنگی بین این وزارتخانه‌ها قطعاً در شرایط مدیریتی کشور با چالش مواجه خواهد شد و این کار زمان‌بر خواهد بود و حتی ممکن است مشکلات جاری را هم افزایش دهد.

از آنجا که دسترسی به بازار یکی از پایه‌های اصلی تولیدات قوی است، بنابراین تنظیم بازار با کالاهای وارداتی هر چند در کوتاه‌مدت به ظاهر مشکلات بازار و تلاطم‌های آن را کاهش می‌دهد، اما با کوتاه‌شدن دست تولیدکنندگان از بازار ضرر بزرگی متوجه تولید و اقتصاد کشور می‌شود. در این راستا «جهان صنعت» در گفت‌وگو با رئیس هیات امنای خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران در خصوص عملکرد وزارت صمت و چالش‌های تشکیل وزارت بازرگانی به گفت‌وگو نشست که در ادامه می‌خوانید.

### تولید مقرون به صرفه نیست

رئیس هیات امنای خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران در خصوص مقرون به صرفه نبودن تولید در کشور و تاثیر آن بر واحدهای کوچک و متوسط گفت: در برخی بخش‌ها تولید در اقتصاد ایران مقرون به صرفه نیست، چراکه سود آن کم و سود واردات زیاد است. سیاست دولت‌های گذشته نیز واردات محور بوده است؛ مسلماً سود خرید و فروش و همین‌طور سود کالای احتکار شده زیاد بوده و واردات ارزان است. این موضوع تولیدکننده‌ها را ورشکست خواهد کرد و نتیجه آن جز نابسامانی نیست. در دولت روحانی ۳۰۰ میلیارد دلار واردات کالا و خدمات داشتیم که باید حدود ۱۵ تا ۳۰ میلیون شغل ایجاد می‌کرد، اما تعداد شغل‌هایی که ایجاد شد قطعاً کمتر بود و به همین دلیل امروز بنگاه‌های اقتصادی به مشکل خورده‌اند. مشکل دیگر بالا بودن قیمت تمام‌شده کالا در ایران است که دلیل آن افزایش قیمت تمام‌شده است. این بهای تمام‌شده باز هم به عواملی چون حامل‌های انرژی، مسائل حمل‌ونقل و لجستیکی، دستمزد کارگران، افزایش قیمت مواد اولیه و موارد دیگری که در تولید تاثیر دارند، مرتبط است. از طرفی این امر باعث شده که قیمت تمام‌شده کالای ایرانی بالا برود بنابراین اگر تولیدکننده داخلی حمایت نشود، ممکن است کالاهای وارداتی نسبت به کالاهای تولید داخل ارزان‌تر تمام شوند و تولیدکننده داخلی نتواند با آن رقابت کند.

### کاهش بهره‌وری به دنبال محدودیت انرژی

این کارشناس در خصوص محدودیت‌های انرژی و خسارتی که به صنایع وارد می‌کند، اظهار کرد: طی سال‌های اخیر روند تامین انرژی فعالان صنعت با چالش و محدودیت‌های جدی مواجه شده است و همواره در روزهای گرم سال با محدودیت‌های برق و در روزهای سرد سال با محدودیت‌های گاز مواجه می‌شوند که تاثیر مستقیمی بر صنعت دارد. در چنین شرایطی بسیاری از تولیدکننده‌ها در بخش‌های مختلف ناچار به محدود کردن تولید خود هستند. این محدودیت‌ها از میزان تولید در صنایع می‌کاهد و این افت تولید به منزله کاهش بهره‌وری و همزمان افزایش قیمت تمام‌شده محصولاتشان است. محدودیت‌های ایجاد شده ناشی از ناترازی میزان تولید و مصرف گاز و برق در کشور است، لذا دولت باید یک فکر کلان برای این موضوع داشته باشد. این محدودیت‌ها در صنایع مختلف تاثیر خود را می‌گذارد. به عنوان مثال در صنعت فولاد محدودیت‌هایی که مربوط به آب یا گاز می‌شود، علاوه بر آسیب‌های مستقیم بر کوره‌های ذوب و تجهیزات صنایع فولاد باعث می‌شود بهره‌وری و راندمان کاری پایین بیاید و در نتیجه نوسانات چشمگیری نیز در بازار فولاد ایجاد کند.

### تحول در وزارت صمت با انتصاب وزیر جدید

رئیس هیات امنای خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران در خصوص وزیر جدید صمت اظهار کرد: خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران از عباس علی‌آبادی وزیر جدید صمت در جهت برنامه‌های اقتصادی کشور حمایت می‌کند. علی‌آبادی فردی رو به جلو، آگاه به سیاست‌های کسب‌وکار و صنعتی کشور است. من نظر مثبتی نسبت به ایشان دارم و امیدوارم با حضور چنین فردی در وزارتخانه، برنامه توسعه‌ای در کشور در بخش‌های مختلف در جریان قرار گیرد و همین‌طور توجهی که علی‌آبادی نسبت به بخش‌های بالادستی دارد، احتمالاً در بخش صنایع بالادستی و مجتمع‌های تولیدی‌ای که مولد هستند، تحول خوبی در این وزارت ایجاد خواهد شد.

گفت‌وگو



دبیر انجمن صنایع شوینده، بهداشتی و آرایشی در گفت‌وگو با «جهان صنعت» مطرح کرد

# آغاز کاهش تولید در برخی از واحدهای تولیدی

## افت نرخ تشکیل سرمایه در صنعت شوینده

نسترن یوسف‌جکیان - درست در سالی که با عنوان مهار تورم و رشد تولید نامگذاری شده است، شاهد کاهش یا حتی توقف تولید در برخی واحدهای صنعتی کشور هستیم. البته به دلیل معضلاتی همچون قیمت‌گذاری دستوری و دخالت بی‌رویه دولت در امور اقتصادی، سال‌هاست که با زیانده شدن تولید در برخی حوزه‌ها با تعطیل شدن کارخانه‌های تولیدی یکی پس از دیگری مواجه هستیم، اما با توجه به اینکه مقام معظم رهبری چندین سال است با نامگذاری شعار سال با محور تولید، سعی در حل مشکلات صنعتگران کشور دارند و بارها در صحبت‌های خود نیز به اهمیت خصوصی‌سازی و کاهش تصدیگری دولت اشاره کرده‌اند، انتظار می‌رفت نحوه تعامل مسئولان دولتی با تولیدکنندگان به خصوص فعالان بخش خصوصی تغییر کند.



این در حالی است که متاسفانه تداوم سیاست‌گذاری‌ها به روال گذشته و همچنین ضعف در ایجاد ثبات و اطمینان در اقتصاد باعث شده نقدینگی‌های سرگردان در جامعه به سمت و سویی غیر از بخش‌های مولد هدایت شوند. به همین دلیل صنایع کشور این روزها با کمبود منابع مالی و سرمایه در گردش روبه‌رو هستند و مواد اولیه خود را به سختی تأمین می‌کنند. نکته تاسف‌بارتر اینکه به دلیل کاهش قدرت خرید مردم در بخش عرضه و فروش نیز استقبال چندانی از تولیدات نمی‌شود. موضوعی که باعث شده نرخ تشکیل سرمایه در صنعتی مثل صنعت شوینده همانند بسیاری از صنایع دیگر کشور منفی شود و بسیاری از شرکت‌های تولیدی در صنعت به صورت زیانده به تولید خود ادامه دهند. بر همین اساس حتی شاهد آغاز کاهش تولید در برخی از واحدهای تولیدی هستیم. در همین راستا با دبیر انجمن صنایع شوینده، بهداشتی و آرایشی ایران به گفت‌وگو نشستیم تا از حال و روز بخش تولید و چگونگی حل مشکلات در حوزه فعالیت وی به عنوان یکی از صنایع مهم و کارآمد کشور آگاه شویم. در ادامه مصاحبه «جهان صنعت» با مهندس حسام بیگلر را می‌خوانید.

عدم ثبات قیمت مواد اولیه پتروشیمی به عنوان ورودی اصلی و سیاست‌های چندگانه موجود در این حوزه موجب شده تا پیش‌بینی قیمت‌های تمام‌شده محصولات در صنعت در عمل غیرممکن شود و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت از واحدهای تولیدی تا حدی کاسته شود

شرایط موجب شده است شرکت‌ها نسبت به خرید مواد اولیه تمایل کمتری نشان دهند و همچنین عرضه برخی از محصولات خود را کاهش دهند یا متوقف کنند. به‌طور کلی قیمت‌گذاری دستوری در تمام

کرده و مشکلات جدی در روند زمان‌بندی تأمین و تولید را به همراه داشته است. از طرفی قاچاق محصولات مشابه تولید داخلی و برخی از برندهای معروف، رقابت‌پذیری تولیدات داخلی را تحت‌تأثیر قرار داده است. تغییرات اخیر در رویه تأییدات وزارت صمت در پروسه ثبت سفارش کالاهای وارداتی، شرکت‌های تولیدی را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. این تغییرات باعث سردرگمی و مراجعه دائمی شرکت‌ها به وزارت صمت شده و پروسه واردات را بسیار طولانی‌تر و سخت‌تر از قبل کرده است، به‌طوری که واحدهای تولیدی بعضاً با کسری مواد مواجه هستند.

با توجه به اینکه نهادهای تولید روزبه‌روز گران‌تر می‌شود و تولیدکنندگان ناچار به ارائه محصولاتشان با همان قیمت‌های دستوری قبلی هستند، صاحبان بنگاه‌های تولیدی در حال حاضر چه شرایطی را تجربه می‌کنند؟ در حال حاضر به دلیل کاهش قدرت خرید مردم، الگوی مصرف محصولات شوینده، آرایشی و بهداشتی نزولی شده و متاثر از شرایط قیمت‌گذاری دستوری از یک سو و افزایش هزینه‌های تولید از سوی دیگر، بسیاری از شرکت‌های تولیدی در صنعت به صورت زیانده به تولید خود ادامه می‌دهند. اگر چه همین

### ■ در حال حاضر فعالان صنعت شوینده با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستند؟

واقعیت این است که در حال حاضر به دلیل کنترل قیمت از سوی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، نرخ تشکیل سرمایه در صنعت همانند بسیاری از صنایع دیگر کشور منفی شده است. مضاف بر اینکه افزایش هزینه‌های تولید به دلیل عواملی چون افزایش قیمت حامل‌های انرژی، نیروی انسانی و تجهیزات به شدت بر نتایج نامطلوب کنترل قیمت‌ها دامن می‌زنند.

عدم ثبات قیمت مواد اولیه پتروشیمی به عنوان ورودی اصلی و سیاست‌های چندگانه موجود در این حوزه موجب شده تا پیش‌بینی قیمت‌های تمام‌شده محصولات در صنعت در عمل غیرممکن شود و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت از واحدهای تولید تا حدی کاسته شود. عدم تخصیص به موقع ارز به میزان کافی برای فعالان این صنف به ویژه در سال جاری، محدودیت‌هایی در دسترسی به مواد اولیه ایجاد



تحقق هر شعاری  
نیازمند برنامه‌ریزی،  
اجرا و نظارت  
دقیق است و به  
دلیل عدم پایش  
مداوم این مراحل  
در سیاست‌های  
اعلام‌شده، شعارها  
در عمل به واقعیت  
نمی‌پیوندند.  
در کشور ما نیز  
سیاست‌ها همواره  
با شعارزدگی برخی  
مقامات اجرایی  
همراه بوده بدون  
آنکه ایشان خود  
را پاسخگو به عدم  
تحقق شعارها  
بینند

بوده بدون آنکه ایشان خود را پاسخگو به عدم تحقق شعارها بینند. برای رشد تولید باید راهکارهایی همچون حرکت دولت و سیاست‌های کلان کشور به سمت ثبات سیاسی و اقتصادی و تحقق اصلاحات ساختاری، پایش و نظارت و نیز ارائه تسهیلات حمایتی تولیدی همچون حمایت از صادرات چه به لحاظ قانونگذاری و چه به لحاظ ایجاد تعرفه‌های ترجیحی در کشورهای مقصد صادراتی در دستور کار قرار گیرند.

**■ نظر شما در مورد وضعیت فعلی وزارت صنعت، معدن و تجارت چیست؟ آیا تفکیک حوزه بازرگانی از صنعت و معدن می‌تواند موجب بهبود عملکرد این وزارتخانه شود؟**

در حال حاضر فعالان اقتصادی در انتظار استقرار وزیر جدید صمت و نوع مواجهه او با چالش‌های فعلی صنعت هستند تا فضای مهیمن موجود در وضعیت این نهاد تا حدودی مشخص شود.

اما در رابطه با تفکیک حوزه بازرگانی از حوزه صنعت و معدن قطعا تخصصی کردن حوزه بازرگانی به نفع شرکت‌های تولیدی و بازرگانی خواهد بود، به شرطی که در فرآیند تفکیک، مواردی از جمله تخصیص منابع لازم به منظور کاهش چالش‌های تغییر ساختار و جلوگیری از ایجاد خلل در فرآیندهای جاری شرکت‌ها، افزایش تعاملات بین‌المللی، پررنگ‌تر کردن نقش بخش خصوصی در تعاملات با دولت و همچنین ارائه برنامه‌های حمایتی از شرکت‌های تولیدی در دستور کار قرار گیرد.

**■ به عنوان کلام آخر اگر صحبتی دارید بفرمایید**

صنفت شوینده، آرایشی و بهداشتی از خصوصی‌ترین صنایع کشور است که علی‌رغم چالش‌های فراوان توانسته تاکنون عملکرد ویژه‌ای داشته باشد. به‌طور قطع می‌توان گفت اگر اقدامات لازم در خصوص رفع چالش‌های موجود در این صنعت شود، فعالان این حوزه می‌توانند مسیر رشد و توسعه را به سرعت طی کنند و به ویژه در حوزه صادرات موفقیت‌های قابل توجهی را رقم بزنند.

آرایشی و بهداشتی هستند که پایین نگه داشتن قیمت این محصولات با این روش، اثر خود را در این صنایع به اندازه سهم خود می‌گذارد. ولی در بحث فروش در بازارهای داخلی، افزایش بقیه عوامل تاثیرگذار بر قیمت تمام‌شده به حدی زیاد است که عملا اثر پایین نگه‌داشتن قیمت‌های پتروشیمی را بی‌اثر می‌کند و از طرف دیگر در بحث صادرات مشکلات موجود از قبیل تحریم‌ها، مشکلات انتقال پول و نداشتن تعرفه‌های ترجیحی در کشورهای مقصد صادراتی به نسبت سایر رقبای، مزیت رقابتی که قیمت‌های پتروشیمی ایجاد کرده را بی‌اثر یا کم‌اثر می‌کند.

**■ شرایط سخت تولید و فشار دستگاه‌های پول‌ستان به واحدهای تولیدی چه تاثیری در حوزه تعدیل نیرو و کاهش اشتغال در کشور داشته است؟**

تولید و صنعت، قطب اصلی ایجاد اشتغال در کشور است. این در حالی است که فشارهای موجود بر تولیدکنندگان مانند افزایش نرخ ارز، عدم تخصیص ارز نیمایی، قیمت‌گذاری دستوری و...، آثار خود را در کاهش سرمایه‌گذاری‌های جدید و تولید نمایان کرده و ضمن کاهش تولید و نرخ رشد اقتصادی، موجب کاهش اشتغال شده است. تعطیلی واحدهای صنعتی و ایجاد موج بیکاری نیز از مواردی است که در صورت تشدید این وضعیت ممکن است اتفاق بیفتد.

**■ به نظر شما عدم تحقق شعارهای سال که همگی طی سال‌های اخیر بر محور تولید و حل چالش‌های آن بوده به چه دلیل است و دولتمردان در سال جاری برای مهار تورم و رشد تولید باید چه اقداماتی را در دستور کار قرار دهند؟**

تحقق هر شعاری نیازمند برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت دقیق است و به دلیل عدم پایش مداوم این مراحل در سیاست‌های اعلام‌شده، شعارها در عمل به واقعیت نمی‌پیوندند. در کشور ما نیز سیاست‌ها همواره با شعارزدگی برخی مقامات اجرایی همراه

صنایع به روند تولید و تجارت آسیب می‌زند اما این آسیب در صنایعی مانند صنعت شوینده و بهداشتی که ظرفیت تولیدشان بیش از میزان مصرف در کشور است، بسیار زیانبارتر خواهد بود. از تبعات این موضوع می‌توان به مواردی همچون عدم توجیه اقتصادی تولید در بسیاری از واحدها و نیز کاهش میزان تولیدات و همچنین احتمال تحت‌تاثیر قرار گرفتن کیفیت برخی از کالاها و مهم‌تر از آن عدم تعادل در عرضه و تقاضا اشاره کرد.

بر این اساس در حال حاضر اخبار صنعت حاکی از آغاز کاهش تولید در برخی از واحدهای تولیدی است. این وضعیت البته از سال گذشته قابل پیش‌بینی بود و هشدارهای بسیاری نیز در این زمینه به مسوولان داده شده بود اما توجهی به آنها نشد.

**■ نوسانات و افزایش نرخ ارز تا چه میزان تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی را تحت تاثیر قرار داده است؟ پیشنهاد شما برای حل این مشکل چیست؟**

نوسان نرخ ارز موجب عدم امکان برنامه‌ریزی در بخش خرید مواد اولیه و نیز فروش محصولات یا صادرات می‌شود. همچنین تاثیرات غیرمستقیم این نوسانات بر روی سایر هزینه‌های تولید به خوبی قابل مشاهده است.

در بخش تقاضا نیز می‌توان گفت که پرش ارزی سال گذشته موجب کاهش قدرت خرید مردم شده و در نتیجه سرانه مصرف محصولات بهداشتی کاهش یافته است. این در حالی است که افزایش تولید داخلی و رفع وابستگی به صادرات نفت و حمایت از صادرات غیرنفتی از مهم‌ترین راهکارهای رفع مشکلات ارزی در کشور است.

**■ محاسبه قیمت‌های پایه پتروشیمی براساس ارز ۲۸۵۰۰ تومانی چه تاثیری بر صنعت شوینده دارد؟**

محصولات پتروشیمی یکی از چندین نهادهای مورد نیاز تولید در صنایع شوینده



گفت‌وگو





منیر حضوری



کارشناس ارشد بازار سنگ آهن و فولاد در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## آزیر خطر کمبود مواد اولیه

### درد فرسودگی ماشین آلات

بحث از مشکلات حاکم بر بخش معدن و منابع معدنی ما را به بررسی وضعیت ماشین آلات و تجهیزات معدنی می‌کشاند؛ بحثی تکراری که سال‌هاست از آن می‌گذرد، اما برایش کمتر اقدامی متناسب با نیازهای کشور و درخواست معدنی‌ها شده است. امروز بخش معدن به دلیل تحریم‌ها و سیاست‌های متناقض در راستای واردات ماشین‌آلات، زمین‌گیر شده است؛ ماشین‌آلاتی که از عمرشان بیش از ۲۰ سال می‌گذرد و نیاز به جایگزینی دارند. درحالی که گفته می‌شود برای حل این مشکل به توجه خاص دولت نیاز است و دولت هم در سخن بر حمایت از تولیدکنندگان داخلی تاکید داشته و با اینکه هر از چندگاهی درباره واردات ماشین‌آلات صحبت شده، اما هنوز برای حل این مشکل اقدام چشمگیری نشده است.

ماشین‌آلات خارجی و حتی بیشتر هم می‌رسد، همچنین با توجه به سود عوارض گمرکی و مشکل تامین قطعات عملاً نمی‌توان از پس حل مشکلات برآمد.

#### درد ماشین‌آلات فرسوده

جعفری‌طهرانی با اظهار اینکه ماشین‌آلات هر چه قدیمی‌تر باشند مصرف قطعات بدکی‌شان هم بیشتر خواهد بود، ابراز کرد: امروز ماشین‌دامپ تراک متعلق به سال ۲۰۱۷ است که در معادن بزرگ دولتی فعالیت دارد و با ۳۰ هزار ساعت کار همچنان روی پاست، چراکه سرویس، تعمیر و نگهداری آن طبق برنامه اجرا شده است و این ماشین تا ۱۰۰ هزار ساعت نیز همچنان به خوبی کار می‌کند.

او ادامه داد: البته ما ماشین‌آلات ۱۵ سال قبل هم داریم که با ساعت زیاد کار می‌کنند، اما مساله این است که هر چه ساعت کار کرد ماشین‌آلات بیشتر باشد، مصرف قطعات‌شان و هزینه تعمیر و نگهداری‌شان هم بالاتر می‌رود. او ادامه داد: مساله دیگر اینکه حتی اگر ساعت کارکرد ماشین‌آلات معدنی و راهسازی زیاد نباشد و از ماشین‌آلات معدنی استفاده هم نشود به دلیل استهلاک در سیستم هیدرولیک نیاز به تعمیر دارند و باید ماشین‌آلات نو جایگزین آنها شوند.

تنها به واحدهای تولیدکننده در این بخش فشار زیادی وارد کرده، بلکه موجب به روزرسانی نشدن فناوری این واحدها شده است. کارشناس ارشد بازار سنگ آهن و صنعت فولاد با بیان این مطلب گفت که اگر بخواهیم بخش معدن توسعه پیدا کند به‌طور حتم نیازمند ماشین‌آلات جدید هستیم.

کیوان جعفری‌طهرانی با بیان اینکه هر چند معافیت گمرکی ماشین‌آلات معدنی برداشته شده، اما مساله این است که این موضوع به هیچ وجه خبر خوبی نبود. وی درباره چرایی دلایل آن گفت: ماشین‌آلات موجود در کشور چه در زمینه استخراج و چه در حوزه حمل‌ونقل اکثراً قدیمی و با عمری بیش از ۲۰ سال هستند. بنابراین نیاز است با ماشین‌آلات جدید جایگزین شوند که برای حل این مشکل به سرمایه زیاد و توجه خاص دولت نیاز است.

او تاکید کرد: باید با اعمال معافیت‌های خاص در زمینه واردات ماشین‌آلات معدنی و راهسازی بتوانیم ماشین‌آلات نو و به‌روز وارد کشور کنیم. در غیر این صورت نمی‌توان انتظار داشت بخش معدن نقش جایگزینی برای نفت ایفا کند.

این کارشناس ارشد بازار سنگ آهن و صنعت فولاد خاطر نشان کرد: امروز با قیمت‌های سرسام‌آور ماشین‌آلات داخل کشور که گاهی تا چهار برابر

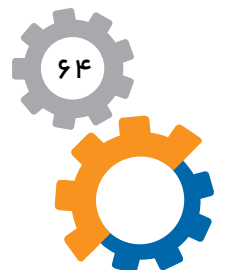
البته مدتی صحبت از واردات ماشین‌آلات دست دوم چینی شده، اما گفته شد که شرط واردات ماشین‌آلات دست‌چندم چین این است که ماشین‌آلات ایرانی به چین صادر شود. سوال این است که آیا با وجود تحریم‌ها ما امکان تولید ماشین‌آلات معدنی را داشته‌ایم که بخواهیم حالا دست به صادراتش بزنیم؟! همچنین اگر توانایی ساخت ماشین‌آلات را داشتیم که دیگر فعالیت معادن کشور با مشکل روبه‌رو نبود!

به گفته کارشناسان سیاست‌گذاری‌های اشتباه باعث شده که هزینه تولید در کشور افزایش یابد و در نهایت هم روند تولید کاهش می‌یابد. اما آنچه پیامد چنین تصمیماتی است، تقابل هر چه بیشتر میان بخش خصوصی با دولت است. از آنجا که فعالان معدنی با تحریم‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند و با چنین موانعی روبه‌رو هستند، انتظار می‌رود که دولت کمی محتاط‌تر عمل کند و نگرش حمایتی تری نسبت به تولیدکننده‌ها داشته باشد. در این خصوص «جهان صنعت» با کیوان جعفری‌طهرانی کارشناس ارشد بازار سنگ آهن و صنعت فولاد گفت‌وگو کرده است.

#### نیازمند ماشین‌آلات نو

بر کسی پوشیده نیست که بنگاه‌های فعال در بخش معدن، ماشین‌آلات به‌روز و مناسبی در اختیار ندارند. قدیمی بودن ماشین‌آلات و تجهیزات معدن کاران نه

ماشین‌آلات موجود در کشور چه در زمینه استخراج و چه در حوزه حمل‌ونقل اکثراً قدیمی و با عمری بیش از ۲۰ سال هستند. بنابراین نیاز است با ماشین‌آلات جدید جایگزین شوند که برای حل این مشکل به سرمایه زیاد و توجه خاص دولت نیاز است



در مقطع فعلی ورود به فاز اکتشاف و استخراج عمقی یک مساله اجباری است و بی توجهی به آن چالش‌های بسیاری از جمله چالش تامین خوراک صنایع فولاد را به کشور تحمیل خواهد کرد. بر این مینا به دلیل کمبود برخی از مواد اولیه از جمله سنگ آهن، ورود به حوزه‌های استخراج زیرزمینی ضروری است

شود؛ انقلابی که بتواند به سرریز ماشین آلات و ادوات فنی مورد نیاز به بخش معدن و صنایع معدنی کشور منجر شود، تنها از طریق جدی گرفتن ابعاد مشکلات و اتخاذ تصمیمات قاطع ممکن است. در کنار این اقدامات، بستنای مکمل برای حلقه‌های بازار ماشین‌آلات معدنی یعنی معدن کارانی که از این ادوات استفاده می‌کنند و نه تاجران و دلالان باید تدارک دیده شود تا خرید دستگاه و واردات فناوری به کشور تسهیل شود.

■ چشم‌انداز پیش روی بازار فلزات غیر آهنی در ادامه این کارشناس به فراز و نشیب‌های قیمتی، تحولات تولید و تغییرات تقاضا در بازار فلزات غیر آهنی پرداخت وی با اشاره به سرمایه‌گذاری هنگفت کشورهای حاشیه خلیج فارس در حوزه معدن به وضعیت بازار آلومینیوم اشاره کرد و گفت: تصور من این است که حجم تقاضای این فلز صعودی خواهد بود. این بازار طبق برآوردها تا قی ۲۰۳۰ با عددی در حد ۲۷۰ میلیارد دلار پیدا می‌کند و به‌طور میانگین شانس رشد تقاضای سالانه ۴/۷ درصدی را دارد.

جعفری طهرانی با اشاره به برخی شواهد عینی از بازار جهانی به ویژه بازار فلزات لندن تاکید کرد: به نظر می‌رسد با توجه به جمع‌جهت می‌توان افزایش قیمت آلومینیوم را پیش‌بینی کرد. البته میزان این افزایش مشخص نیست، موسسه فیچ معتقد است این افزایش تا سطح ۲۶۰۰ دلار در هر تن خواهد بود، اما گلدمن ساکس رشد قیمت را تا ابعاد بالاتری پیش‌بینی کرده که برای هر تن در پایان سال حدود ۳۱۲۵ دلار است.

کارشناس ارشد بازار سنگ آهن و صنعت فولاد با اشاره به احتمال افزایش تولید آلومینیوم، قیمت این فلز را تا پایان سال ۲۰۲۳ صعودی پیش‌بینی کرد و گفت: آلومینیوم به ویژه با کاهش محدودیت‌های ناشی از کووید-۱۹ در چین، بر محدودیت‌های عرضه و افزایش تقاضا غلبه خواهد کرد. از آنجا که مشکلات انرژی بر تولید آلومینیوم فشار وارد می‌کند و هزینه‌های انرژی همچنان بالاست، فشارهای ادامه‌دار بر تولید چین و اروپا، حمایت بیشتر از قیمت‌های این فلز را به همراه خواهد داشت. به گفته جعفری طهرانی، چین، هند، روسیه، کانادا، امارات، بحرین، استرالیا، نروژ، ایالات متحده آمریکا و ایسلند برترین تولیدکنندگان آلومینیوم در جهان هستند که فاصله چین با بقیه رقبای بسیار زیاد است.

وی در ادامه با اشاره به افت بازار کامودیتی‌ها در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به دلیل روی کار آمدن شی جین پینگ در چین گفت: چین امروز نیز با سخت‌گیری بر بخش معدن سعی دارد از رشد تلفات معدنی و تخریب زیست‌محیطی جلوگیری کند که این موضوع بر استخراج طلا در این کشور که عموماً از استخراج‌های عمیق است، اثر می‌گذارد. وی سپس به تحلیل بازار طلا در سال ۲۰۲۲ و آینده آن پرداخت و گفت: طلا در فصل اول ۲۰۲۳ بهترین دوره رشد قیمت فصلی خود را در تاریخ تجربه کرد.

## ■ وضعیت قوانین

کارشناس ارشد بازار سنگ آهن و صنعت فولاد یادآور شد: اگر این مسیر به اعطای امتیاز به افراد یا گروه‌های خاص تقلیل پیدا کند، دردی از بخش معدن دوانمی شود. نگاهی به قوانین مربوط به استهلاک و عمر ماشین‌آلات نشان می‌دهد وضعیت در بخش معدن به سمتی متمایل شده که میانگین سن ماشین‌آلات معدنی به بیش از ۲۵ سال رسیده است.

او با تاکید بر اینکه بخشی از معضلات کنونی به قوانین و فهمی که از مسائل ارائه می‌دهند، برمی‌گردد، تصریح کرد: در نظام قانونی درست و پویا باید مسیر به سمتی حرکت کند که اجازه به‌روزرسانی ماشین‌آلات صادر شود. طبیعتاً در شرایطی که اجازه واردات ماشین‌آلات جدید به هر دلیل صادر نمی‌شود، تاکید بر این موضوع که صرفاً سن ماشین‌آلات وارداتی باید کمتر از چند سال باشد، موضعی سختگیرانه و به دور از واقعیت‌های اقتصاد ایران است. جعفری طهرانی با اشاره به استهلاک ماشین‌آلات گفت: امروز در نتیجه همین رویه، بسیاری از ماشین‌آلات و دستگاه‌هایی که به کشور وارد شده‌اند، به دلیل عدم ترخیص از گمرک، رو به استهلاک هستند و بسیاری از آنها به واسطه افزایش سن، دیگر امکان ورود به کشور را پیدا نمی‌کنند. بنابراین فراتر از واردات لازم است شرایط استفاده از تکنولوژی روز برای صنایع معدنی و بخش معدن تسهیل شود. او با اشاره به اهمیت نقش سیاستگذاران نیز گفت: اگر سیاستگذار به دنبال ایجاد شرایطی معقول در بخش معدن و صنایع معدنی است، لازم است دسترسی به نگاه‌های جدیدترین تکنولوژی‌های روز جهان در حوزه اکتشاف، فرآوری، بارگیری، استخراج و حمل‌ونقل زمینی را فراهم کند. در بررسی برخی از ذخایر مواد معدنی کشور، نکته حیاتی که نیازمند توجه است، وضعیتی است که بر آنها از نظر اکتشاف حاکم است. دسترسی به این ذخایر نیازمند اکتشافات عمقی است و این مهم جز به مدد استفاده از تکنولوژی‌های روز و هم‌راستا با این مقوله امکان‌پذیر نیست.

کارشناس ارشد بازار سنگ آهن و صنعت فولاد تاکید کرد: در مقطع فعلی ورود به فاز اکتشاف و استخراج عمقی یک مساله اجباری است و بی توجهی به آن چالش‌های بسیاری از جمله چالش تامین خوراک صنایع فولاد را به کشور تحمیل خواهد کرد. بر این مینا به دلیل کمبود برخی از مواد اولیه از جمله سنگ آهن، ورود به حوزه‌های استخراج زیرزمینی ضروری است. آژیر خطر کمبود مواد اولیه و ذخایر معدنی کشور، به‌ویژه در بخش سنگ آهن سال‌های متمادی است که به‌صدا آمده و ضرورت دارد سیاستگذار، از این دریچه به مقوله کمبود ماشین‌آلات در کشور نگاه کند.

او با اشاره به راهکارهای حل این معضل خاطر نشان کرد: راهکار جز در گرو جدی گرفتن مساله نبوده و ضروری است با کنار گذاشتن بحث، اقداماتی مشخص در راستای حل و فصل مشکلات بخش معدن انجام

## ■ معدن نیازمند توجه بیشتر

کارشناس ارشد بازار سنگ آهن و صنعت فولاد با بیان اینکه بخش معدن نیازمند توجه است، گفت: اگر بخواهیم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند، نتواند جایگزین درآمدهای نفتی شود، نیازمند توجه است. به‌طور حتم بدون سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه در این حوزه این انتظار دور از ذهن خواهد بود و راه به جایی نمی‌بریم.

کیوان جعفری طهرانی با ابراز تاسف از اینکه امروز متأسفانه شرایط برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی مهیا نیست، ادامه داد: با توجه به تحریم‌ها و مشکلاتی که قدرت‌های بزرگ برای اقتصاد ایران به وجود آورده‌اند، هزینه‌های خرید ماشین‌آلات و تامین قطعات خود به خود چند برابر شده است و دیگر نباید با بخشنامه‌های جدید جلوی واردات ماشین‌آلات نورا به نام حمایت از تولید داخلی بگیریم.

## ■ لزوم بازنگری در ناوگان ماشین‌سازی کشور

کارشناس ارشد بازار سنگ آهن و صنعت فولاد درباره وضعیت درخواست برای ماشین‌آلات چینی گفت: عمده فعالان بخش معدن به علت قیمت بسیار زیاد تکنولوژی‌های اروپایی، آمریکایی، ژاپنی و حتی کره‌ای، طی سال‌های گذشته به دنبال استفاده از محصولات ادواتی هستند که ساخت چین بوده، چرا که قیمت نسبتاً کمتری دارند. برخی از ماشین‌آلاتی که طی سال‌های اخیر در بخش معدن بارها سازی از این کشور به ایران وارد شده‌اند، نه تنها کیفیت نزولی داشتند، بلکه حتی به خوبی از آزمون فعالیت در ایران بیرون آمده‌اند. در عین حال، در موارد متعددی (از جمله بولدورهای چینی) ناتوانی این ماشین‌آلات حین فعالیت در بخش معدن مشهود بوده است. در چنین وضعیتی، معدن کاران چاره‌ای جز استفاده از این ماشین‌آلات ندارند.

## ■ وضعیت حمل‌ونقل

جعفری طهرانی همچنین به وضعیت نامناسب ناوگان حمل‌ونقل زمینی کشور اشاره و بیان کرد: این حوزه بسیار قدیمی است. فهم ابعاد این موضوع هم نیاز چندانی به تحقیق ندارد؛ چرا که کافی است در یکی از مسیرهای بین‌شهری سفر کنید تا از نزدیک با این موضوع روبرو شوید. امروز در درصد زیادی از ناوگان حمل‌ونقل مواد و بار که در بین شهرها فعال هستند، سن بالایی دارند و با ظرفیت پایین به جابه‌جایی بار مشغولند.

او تصریح کرد: این موارد همه از ظرفیت پایین بخش ماشین‌آلات مورد استفاده در کشور حکایت دارد. از آنجا که امکان ادامه وضعیت با چارچوب‌های کنونی ممکن نیست، لازم است همه مدیران این بخش با اجماع نظر در خصوص نحوه عبور از چالش ماشین‌آلات، به توافق جامع و مناسب دست یابند تا امکان تحول در بخش ماشین‌آلات معدنی فراهم شود.







عضو هیات مدیره سندیکای تولیدکنندگان لوله و پروفیل ایران مطرح کرد

## لزوم به کارگیری دانش و تکنولوژی روز برای رقابت در بازار

«جهان صنعت» - با توجه به هدفگذاری تولید ۵۵ میلیون تن فولاد در افق ۱۴۰۴، یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند زمینه تحقق چنین مهمی را فراهم کند، توسعه سرمایه‌گذاری در سراسر زنجیره فولاد اعم از صنایع بالادستی مانند گندله و کنسانتره تا صنایع پایین‌دستی همچون لوله و پروفیل فولادی است. در حال حاضر با توجه به عدم تامین ورق مورد نیاز تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی از یک سو و ظرفیت‌سازی مازاد نیاز داخل لوله و پروفیل از سوی دیگر، بسیاری از واحدهای کوچک‌مقیاس فعال در این صنعت در مرز تعطیلی یا ورشکستگی قرار گرفته‌اند. همچنین تمایل شرکت‌های بزرگ فولادی به سرمایه‌گذاری در تولید گندله، کنسانتره و آهن اسفنجی، بسیار بیشتر از تولید لوله و پروفیل است و بر همین اساس شاهد هدر رفت سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در صنعت لوله و پروفیل هستیم؛ این در حالی است که دولت می‌تواند ضمن همکاری متقابل و سازنده با فعالان بخش خصوصی، زمینه سرمایه‌گذاری و تولید محصولات جدید و خاص فولادی را فراهم و از واردات نمونه مشابه خارجی آنها و همچنین خروج ارز از کشور جلوگیری کند که متأسفانه آن‌طور که باید به این مساله طی سالیان اخیر توجه نشده است.

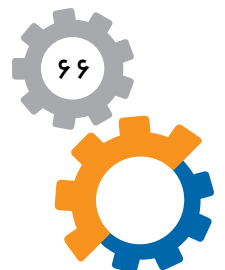
روی افزایش کیفیت محصولات تمرکز کرده‌ایم، در حالی که استانداردهای محدودی برای صنعت لوله و پروفیل کشور در نظر گرفته شده بود، نسبت به تدوین ۶ استاندارد ملی این صنعت اقدام کردیم و عامل پیشرفت و بقا در صنعت لوله و پروفیل فولادی را کیفیت برتر تولیدات خود می‌دانیم. **تولیدکنندگان لوله و پروفیل با چه چالش‌هایی در زمینه تامین مواد اولیه روبه‌رو هستند؟**

واقعیت امر این است که علی‌رغم تولید محدود لوله و پروفیل فولادی در کشور، فعالان این صنعت باز هم با معضل تامین مواد اولیه مواجه هستند، زیرا به دلیل نوسان نرخ ارز و شرایط دشوار واردات، هیچ توجیه اقتصادی‌ای برای واردات ورق گرم وجود ندارد و عملاً از کفایت نیز به واردات مواد اولیه تخصیص نمی‌یابد. تامین ورق گرم در داخل، محدود به سه شرکت فولاد مبارک اصفهان، فولاد گیلان و نورد و لوله اهواز شده است که ورق تولیدی فولاد مبارک در تناژ بالا، در تالار صنعتی بورس عرضه می‌شود و ورق تولیدی شرکت‌های نورد و لوله اهواز و فولاد گیلان در تناژ کم، در بازار آزاد به

خدمات مطلوب به این صنایع هستیم. چهار شرکت معدنی زیرمجموعه گروه مهر سهند همچون شرکت معدن کاران کانی مهر سهند در زمینه اکتشاف، استخراج و فرآوری مشغول فعالیت هستند که در حال حاضر یکی از معادن آنها در آستانه بهره‌برداری است. در حوزه حمل‌ونقل و لجستیک، شرکت رسا سپهر و در حوزه بازرگانی، شرکت فولاد سلین والا به عنوان سایر زیرمجموعه‌های گروه مهر سهند در حال فعالیت هستند. دو شرکت در زمینه فرآوری قراضه مورد نیاز گروه و همچنین ارائه خدمات به مشتریان مختلف در تهران، اصفهان و تبریز مشغول به کار هستند. اشتغالزایی مستقیم گروه بالغ بر هزار نفر است و در استان‌هایی همچون تهران و کردستان در حال فعالیت هستیم. توسعه صادرات، از جمله اهداف مهم و بلندمدت گروه مهر سهند بوده و تولیدات ما به کشورهای منطقه از جمله عراق، آذربایجان، ارمنستان و حاشیه خلیج فارس صادر می‌شود؛ ضمن اینکه در سال گذشته موفق به صادرات برخی محصولات خاص به میزان محدود به کشورهای آفریقایی و اروپایی مانند دانمارک شدیم. از ابتدای فعالیت شرکت فولاد مهر سهند، بیشتر

در همین راستا «جهان صنعت» گفت‌وگویی با مسعود محجل‌امامی، مدیرعامل شرکت صنایع ریخته‌گری سهند آذین، یکی از شرکت‌های زیرمجموعه گروه مهر سهند تدارک دیده است که متن کامل آن را در ادامه می‌خوانید. **در خصوص تاریخچه و مزایای محصولات گروه مهر سهند توضیحاتی ارائه بفرمایید.**  
گروه مهر سهند با شروع فعالیت شرکت فولاد مهر سهند در سال ۱۳۸۶ و با ظرفیت تولید ۳۲۰ هزار تن انواع لوله، پروفیل و مقاطع فولادی، در استان آذربایجان شرقی آغاز به کار کرد. در ادامه ضمن برنامه‌ریزی‌های دقیق و به‌کارگیری از توان مهندسی بالا و نیروی انسانی متخصص و متعهد، شرکت‌های تولیدی و بازرگانی به زیرمجموعه گروه اضافه شدند. شرکت صنایع ریخته‌گری سهند آذین، یکی از شرکت‌های زیرمجموعه این گروه است که سهام آن در حدود چهار سال قبل با هدف تولید انواع قطعات چدنی و فولادی مورد نیاز صنعت خودروسازی (سواری و تجاری)، ماشین‌آلات کشاورزی و تراکتور، جرثقیل، آب، برق، راه‌آهن و... خریداری شد و هم‌اکنون در حال ارائه

علی‌رغم تولید محدود لوله و پروفیل فولادی در کشور، فعالان این صنعت باز هم با معضل تامین مواد اولیه مواجه هستند، زیرا به دلیل نوسان نرخ ارز و شرایط دشوار واردات، هیچ توجیه اقتصادی‌ای برای واردات ورق گرم وجود ندارد و عملاً از کفایت نیز به واردات مواد اولیه تخصیص نمی‌یابد



چالش قطعی برق تنها مختص به تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی نیست و تمامی فعالان صنعتی با این مشکل در قبال تابستان دست و پنجه نرم می‌کنند، در حالی که طبق قرارداد، دولت موظف به تامین برق پایدار شهرک‌های صنعتی است و نباید هیچ گونه وقفه‌ای در تولید شرکت‌های فعال در این شهرک‌ها به دنبال قطعی برق رخ دهد، اما متاسفانه شاهد تکرار این معضل در روزهای گرم هر سال هستیم

شود را پذیرفته‌اند و تنها توقع آنها از دولت و بخش‌های ذی‌ربط این است که قطعی برق کاملاً برنامهریزی و زمان‌بندی شده باشد. در همین راستا کارشناسان سازمان‌های مرتبط باید هماهنگی‌های لازم با تشکلهای مربوطه را داشته باشند تا مشکل کمتری متوجه صنایع مختلف به ویژه فولاد شود. برای مثال، سال پیش اعلام شد که صنایع فولادی مجاز به فعالیت با ۵۰ درصد ظرفیت خود هستند. باید توجه داشت که تولید با ۵۰ درصد ظرفیت در یک روز معنا ندارد و شما می‌توانید کل روز را تولید کنید یا ناچار به توقف فعالیت خود در آن روز هستید. بنابراین اینکه تولید در یک روز مشخص کاری متوقف شود، به‌صرفه‌تر و معقولانه‌تر از تولید با ۵۰ درصد ظرفیت است. بر همین اساس شرکت‌های فعال در شهرک‌های صنعتی استان آذربایجان شرقی یک روز کامل کاری در یک هفته در تابستان سال گذشته را تعطیل کردند و خوشبختانه با درایت بخش خصوصی و تشکلهای مرتبط، مشکل چندانی متوجه آنها نشد، البته انتقاداتی نسبت به قیمت‌گذاری برق نیز وجود دارد و شرکت‌هایی که میزان مصرف آنها بالاست، با مشکلاتی در این زمینه مواجه‌اند. از طرفی، نه تنها قیمت برق بلکه قیمت سوخت نیز ثبات نداشته و مشخص نیست، برای مثال، سال گذشته نسبت به خرید سوخت (گازوییل) لیفتراک با توجه به سهمیه و قیمت مصوب اقدام و محصول خود را تولید کردیم و به فروش رساندیم، اما در کمال تعجب ۹ ماه بعد ابلاغ شد که بر اساس تصویب هیات دولت، شما موظف به تسویه با قیمتی چند برابر آن هستید. پیگیری‌های لازم جهت رفع این مشکل را در ستاد تسهیل استان انجام دادیم، اما متاسفانه علی‌رغم تعجب همگان، به نتیجه مد نظر دست پیدا نکردیم و ناچار به پرداخت مابه‌التفاوت آن پس از ۹ ماه شدیم!

#### توقع شما به عنوان یک فعال بخش خصوصی از دولت چیست؟

استان آذربایجان شرقی، پایتخت فعالان بخش خصوصی در سطح کشور بوده و بیش از ۹۹ درصد صنعت استان، به بخش خصوصی واگذار شده است. انتظار ما از دولت این است که در برخی حوزه‌ها اصلاً ورود نکند و تنها به عنوان کاتالیزور و تنظیم‌گر در این بخش‌ها حضور داشته باشد. نه تنها خواسته‌ها بلکه تمامی فعالان بخش خصوصی طی سالیان اخیر این بوده که دولت، هیچ دخالتی در امور مرتبط با این بخش نداشته باشد و اجازه دهد بخش خصوصی مسیر خود را طی کند، اما کو گوش شنوا و متاسفانه همچنان شاهد تصدی‌گری دولت در تمامی بخش‌ها به ویژه بخش خصوصی هستیم.

#### چشم‌انداز صنعت لوله و پروفیل فولادی در کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر تغییرات بنیادین و اساسی در فرهنگ مصرف و همچنین به‌کارگیری دانش و تکنولوژی روز تولید ایجاد نشود، شرکت‌های کوچک‌مقیاس در آینده نزدیک از عرصه رقابت خارج خواهند شد و عملاً تولید لوله و پروفیل فولادی محدود به چند شرکت بزرگ می‌شود. از طرفی، این شرکت‌ها بیشتر به دنبال سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های زنجیره اعم از گندله، کنسانتره و نورد گرم هستند، بر همین اساس نمی‌توان آینده روشنی برای صنعت لوله و پروفیل فولادی متصور شد.

آسیب را می‌بیند. لازم به ذکر است شرایطی در صنعت لوله و پروفیل فولادی حاکم شده که برخی محصولات از چرخه تولید خارج شده‌اند. برای مثال با توجه به سلیقه مشتری و کاربردهای متنوع، «UPVC» و در و پنجره آلومینیومی جایگزین در و پنجره فولادی که طی سال‌های گذشته بسیار رایج بود، شده است. از طرفی، هزینه‌های مرتبط با ساخت‌وساز به قدری طی سالیان اخیر افزایش یافته که استفاده از در و پنجره آهنی مقرون به صرفه نیست؛ ضمن اینکه متاسفانه فرهنگ‌سازی لازم در زمینه مصرف انواع محصولات به ویژه لوله و پروفیل نشده است. همچنین میزان مصرف لوله و پروفیل در کشور به دلیل صنعتی نشدن برخی از ساخت‌وسازها و توقف فعالیت‌های عمرانی در کشور کاهش یافته است. برای مثال، صادرات لوله و پروفیل ساخت داخل به کشور قطر در راستای ساخت و بهره‌برداری از ورزشگاه‌های جدید در زمان برگزاری جام جهانی فوتبال افزایش یافت. حال این سوال مطرح است که آیا ورزشگاه جدیدی طی چند سال اخیر در کشور ما به بهره‌برداری رسیده است؟ آیا فرودگاه جدیدی در سطح کشور تجهیز یا راه‌اندازی شده است؟ در حالت کلی باید اظهار کرد که شرکت‌های بزرگ و قدیمی که از تجربه، دانش و تکنولوژی لازم و کافی در این صنعت برخوردارند، به درستی مسیر خود را طی کرده و در حال فعالیت هستند اما شرکت‌های جدید که حداقل به یک بازه زمانی سه تا چهار ساله برای ثبات در بازار نیازمندند، نه تنها طی این مدت به سودآوری دست پیدا نمی‌کنند بلکه عملکرد شرکت‌های قدیمی را هم تحت تاثیر قرار می‌دهند و در نهایت تعطیل یا ورشکسته می‌شوند. متاسفانه این دوره تسلسل دائماً در حال تکرار است و هیچ‌گوشی هم شنوای این معضلات نبوده و سرمایه‌گذاری‌های جدید در این عرصه نیز هدر می‌رود، این در حالی است که صنایع جدید و نوپای فراوانی در کشور وجود دارد که می‌توان نسبت به سرمایه‌گذاری در آنها و ایجاد ارزش افزوده و جلوگیری از واردات نمونه مشابه خارجی و در نهایت خروج ارز از کشور اقدام کرد. ریل آسانسور و لوله و پروفیل استیل، از جمله محصولات هستند که می‌توان سرمایه‌گذاری‌های لازم جهت تولید آنها در داخل را انجام داد که متاسفانه هنوز اقدامات کارشناسانه در این زمینه انجام نشده و زمینه سرمایه‌گذاری آن توسط سیاستگذار که همان دولت است، فراهم نشده است.

#### با توجه به فرارسیدن روزهای گرم سال و آغاز سهمیه‌بندی برق صنایع، با چه مشکلاتی در این زمینه مواجه هستید؟

چالش قطعی برق تنها مختص به تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی نیست و تمامی فعالان صنعتی با این مشکل در قبال تابستان دست و پنجه نرم می‌کنند، در حالی که طبق قرارداد، دولت موظف به تامین برق پایدار شهرک‌های صنعتی است و نباید هیچ گونه وقفه‌ای در تولید شرکت‌های فعال در این شهرک‌ها به دنبال قطعی برق رخ دهد، اما متاسفانه شاهد تکرار این معضل در روزهای گرم هر سال هستیم. فعالان صنعتی و تولیدکنندگان بخش خصوصی این موضوع که کشور با کمبود برق مواجه است و بر همین اساس برق صنایع باید در فصل تابستان سهمیه‌بندی

فروش می‌رسند. عرضه مواد اولیه در بورس کالای ایران، همواره با مشکلاتی برای تامین‌کنندگان و تولیدکنندگان همراه بوده است که از جمله آنها می‌توان به عدم مهندسی قیمت، قیمت‌گذاری غیرکارشناسانه و همچنین ایجاد رقابت بالای ۵۰ درصد که منجر به افزایش قیمت نهایی مواد اولیه می‌شود، اشاره کرد. مدتی طولانی است که پیگیر خروج عرضه ورق از بورس کالای ایران و خرید مستقیم از شرکت فولاد مبارک مطابق سالیان قبل هستیم، اما متاسفانه هنوز به نتیجه مطلوب دست پیدا نکرده‌ایم و بعید است سیاستگذار با این درخواست موافقت کند.

#### تحلیل و ارزیابی شما از وضعیت کنونی صنعت لوله و پروفیل فولادی در کشور چیست؟

شرایط صنعت لوله و پروفیل فولادی را می‌توان به باتلاق تشبیه کرد؛ گویی که اگر از دور نگاه کنیم، همه چیز مناسب و وفق مراد به نظر می‌رسد، اما زمانی که به آن نزدیک می‌شویم و خود را درگیر آن می‌کنیم، متوجه عمق فاجعه که ریشه در تصدی‌گری دولت دارد، می‌شویم. طبق آمار تا سال ۱۴۰۰، ظرفیت تولید لوله و پروفیل در کشور دو میلیون تن برآورد شده، در حالی که ظرفیت‌سازی آن تا سال ۱۴۰۰ حدود پنج میلیون تن بوده است. هم‌اکنون حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ شرکت در زمینه تولید لوله و پروفیل فولادی مشغول فعالیت هستند که با توجه به میزان نیاز به این محصولات، رقم بسیار بالایی محسوب می‌شود. با توجه به تعدد و افزایش چشمگیر تولیدکنندگان لوله و پروفیل، رقابت منفی ایجاد شده شرایط را بیش از پیش دشوار کرده است، بر همین اساس از طریق سندیکای تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی ایران تلاش کرده‌ایم وزارت صمت را مجاب به عدم صدور مجوز راه‌اندازی واحدهای جدید تولید لوله و پروفیل فولادی کنیم، اما متاسفانه نتیجه مدنظر حاصل نشده و از آنجایی که سیاستگذار اعلام کرده که نمی‌تواند مانع سرمایه‌گذاری برای راه‌اندازی واحدهای جدید شود و با سایر بخش‌های مرتبط مانند سندیکا نیز در این زمینه مشورت نمی‌کند، متاسفانه شاهد هدررفت سرمایه‌های هنگفتی در این زمینه هستیم.

#### چه عاملی سبب افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه تولید لوله و پروفیل فولادی شده است؟

در حال حاضر حدود ۹۹ درصد تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی را فعالان بخش خصوصی تشکیل می‌دهند. رانتی که دولت به اشتباه در برخی صنایع طی یک بازه زمانی کوتاه‌مدت ایجاد می‌کند، باعث ایجاد جذابیت مقطعی شده و سرمایه‌گذاران تصور می‌کنند که این جذابیت دائمی و در بلندمدت برقرار خواهد بود، در حالی که تجربه ثابت کرده واقعیت چیزی غیر از این است. برای مثال زمانی که دولت به‌طور مستقیم در قیمت‌گذاری مواد اولیه مورد نیاز تولید محصولات فولادی دخالت می‌کند، سرمایه‌گذار حتی اگر مواد اولیه را خریداری و بدون تولید محصول و ایجاد ارزش افزوده نسبت به فروش مستقیم آن اقدام کند، باز هم به سود هنگفتی دست پیدا خواهد کرد، بنابراین در این میان تنها چرخه تولید مختل شده و این تولیدکننده واقعی است که از ایجاد رانت موقتی آن هم در کوتاه‌مدت بیشترین





رئیس خانه معدن ایران در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## معدن نیازمند تربیت مدیران شایسته و حرفه‌ای

منیر حضوری- ایران با داشتن یک درصد وسعت و ۷ درصد ذخایر معدنی جهانی، یک کشور معدنی محسوب می‌شود. در واقع کشور ما جزو ۱۰ کشور مزیت‌دار معدنی در جهان است. این حوزه توانسته در شرایط خاص و با محدودیت‌های متعدد بخشی از نیاز ارزی کشور را تامین کند. با توجه به اهمیت بخش معدن اگر در این عرصه برنامه‌ریزی نشود، شاهد هدررفت منابع عظیم معدنی خواهیم بود. حال امروز فعالان بخش معدن به اهمیت برنامه‌ریزی برای ۳۰ تا ۵۰ سال آینده اشاره و تاکید دارند که سیاست‌ها باید در این حوزه جهت‌گذاری شوند. به این ترتیب مسوولان معدنی باید بر اساس آینده‌نگری پیش بروند تا بتوانیم برنامه‌های چندین سال آینده را نه تنها برای خود بلکه برای منطقه تعریف کنیم. محمدرضا بهرامن با بیان اینکه معدن، ثروت و موهبتی است که خداوند در اختیار کشورمان قرار داده و باید بتوانیم با نگاه به‌روز به این بخش، در مسیر توسعه کشور گام برداریم به «جهان صنعت» گفت: ایران ساختار معدنی و زمین‌شناسی ویژه‌ای دارد که بر مبنای آن می‌توان خوراک و مواد اولیه بسیاری از صنایع داخلی را تامین کرد. در این بین اگر خود را با اتفاقات روز این حوزه، پیشرفت‌ها و فناوری‌ها هماهنگ نکنیم، نمی‌توانیم در بازارهای رقابت جهانی نقش قابل‌توجهی ایفا کنیم. وی خاطر نشان کرد: اکنون جوانان کشور اقدامات خوبی را در این راستا آغاز کرده‌اند و اگر ما مسوولان این فرصت را غنیمت ندانیم، کفران نعمت کرده‌ایم.

و محصولات معدنی با معارض جدی یعنی محیط‌زیست مواجه شده است. حال آنکه به علت سیاست‌گذاری‌های غلط نمی‌توان معادن و صنعت معدن را نابود کرد، چراکه این نعمت خدادادی است و هیچ‌کس نمی‌تواند درخصوص نابودی منابع طبیعی اظهار نظر کند.

### ■ مشکلات بخش معدن

رئیس خانه معدن ایران با اشاره به اینکه این عرصه با مشکلات زیادی روبه‌رو است، ادامه داد: ضعف ثبات در مقررات، ایجاد هزینه‌های سربار تولید، نبود حمایت کافی در حوزه‌های مختلف از سرمایه‌گذار و همچنین تبلیغات جهت‌دار ضد اقتصاد معدنی و معارضان محلی به این بخش آسیب زده‌اند.

او با بیان اینکه متأسفانه برای حل مشکلات صنعت معدنکاری برنامه‌ریزی صحیحی وجود ندارد، اظهار کرد: صنعت معدنکاری در کشورمان یک مزیت محسوب می‌شود، ضمن اینکه امروز نگاه‌ها به سمت و سوی این صنعت تغییر کرده است. بنابراین حوزه معدن نیازمند چشم‌انداز ۵۰ ساله‌ای است که در طولانی‌مدت بتواند کشور را به توسعه برساند.

بهرامن گفت: ذخایر معدنی، ثروت و مزیت و حتی بیش از سایر کشورهایی که دارای ذخایر

صادرات تولیدات مازاد بر نیاز داخلی، نه تنها منابع محدود ارزی کشور را تقویت می‌کند، بلکه با ایجاد وابستگی بازار، اهرمی برای تعمیق امنیت ملی کشور است.

### ■ نیازمند عزم سیاست‌گذاران هستیم

رئیس خانه معدن ایران با تاکید بر اهمیت نوع مدیریت در بخش معدن خاطر نشان کرد: ظرفیت‌های معدنی کشور همواره به عنوان اهرم قابل اتکا و زیربنای تولید، اشتغال، ارزآوری و ارزش آفرینی کشور شناخته می‌شود، اما به‌کارگیری این ظرفیت‌ها در مسیر ایجاد ارزش افزوده نیازمند مدیریت جسورانه، هوشمند و توسعه‌ای در جهت تامین زیرساخت، رفع موانع، ایجاد حمایت قانونی و در یک کلام عزم سیاست‌گذار برای توسعه اقتصاد معدنی در کشور است. او با اشاره به اینکه سیاست‌های بخش معدن نیازمند به‌روزرسانی است، خاطر نشان کرد: البته معدنکاری با نگاه توسعه پایدار و همچنین معدنکاری بر مبنای آمایش سرزمینی و توسعه پایدار مورد تاکید است.

بهرامن با اشاره به برخی از ساخت‌وسازهای شهرها در کنار معادن و به خطر افتادن حیات آنها گفت: به علت هجوم شهرنشینی در کنار معادن امروز صنعت استخراج معدن

رئیس خانه معدن ایران با اشاره به اهمیت وجود معادن کشور و با انتقاد از برخی کج‌سلیقگی‌ها و نگاه‌های غیرمنطقی گفت: نمی‌توانیم صنعت معدن را حذف کنیم، چراکه با کنار گذاشتن این حوزه مهم ضمن نابودی منابع خدادادی بخش اعظمی از اشتغالزایی نیز از بین خواهد رفت، اما باید نگاهمان بر مبنای آمایش سرزمینی و توجه به سایر بخش‌ها از جمله محیط‌زیست، منابع طبیعی و غیره باشد. در واقع در این شرایط است که می‌توان انتظار داشت بخش معدن در رشد و توسعه اقتصادی کشور تاثیر چشمگیری بگذارد. این در حالی است که متأسفانه برخی از صنایع معدنی بدون آمایش سرزمینی و مطالعات دستخوش تغییرات شده‌اند که این مهم برای آینده اتفاق خوبی نیست.

او تصریح کرد: تقویت اقتصاد معدنی در کشور یک نقطه کلیدی است، چراکه به ازای هر شغل در بخش معدن ۱۷ شغل وابسته در زنجیره ایجاد خواهد شد و این مهم نقطه عطفی در ارتقای اشتغالزایی کشور است. ایجاد هر شغل در بخش معدن می‌تواند تا بیش از ۱۷ برابر آن به شکل غیرمستقیم اشتغال ایجاد کند که علاوه بر تامین مواد اولیه صنایع داخلی کشورمان و

صنعت معدنکاری در کشورمان یک مزیت محسوب می‌شود، ضمن اینکه امروز نگاه‌ها به سمت و سوی این صنعت تغییر کرده است. بنابراین حوزه معدن نیازمند چشم‌انداز ۵۰ ساله‌ای است که در طولانی‌مدت بتواند کشور را به توسعه برساند



کشورهای منطقه و کشورهای همپوش آمریکا، روسیه و چین در حال حرکت به سمت جلو هستند و نیاز به مواد اولیه دارند و ذخایر و منابع آنها در حال کاهش است. بر همین اساس، ایران باید در این مسیر با برنامه حرکت کند و با تکنولوژی و فناوری روز همراه شود که در این مسیر نیازمند تربیت مدیران شایسته هستیم

علمی کشور تصریح کرد: ارتباط تنگاتنگ میان معدن و دانشگاه‌ها در حل بسیاری از مشکلات و چالش‌های این حوزه موثر است.

**ل‌زوم اصلاح نگاه سنتی به بخش معدن**

رییس خانه معدن ایران با بیان اینکه نگاه سنتی به بخش معدن باید اصلاح شود، گفت: بخش معدن کشور نیازمند استقلال و متولی مستقل است. در این بین ادغام بخش بازرگانی با بخش تولیدی به سیاستگذاری در این بخش ضربه زده است.

بهرامن همچنین عنوان کرد: معدنکاری بدون توجه به مولفه‌های محیط‌زیستی، موفق نخواهد بود و این موضوع نیاز به آموزش دارد. از طرفی فعالان بخش محیط‌زیست هم باید بدانند که عملیات اکتشافی معادن لزوماً مخرب نیست و در سراسر کشور انجام می‌شود. حال برای توسعه بخش معدن نیازمند برنامه و استراتژی هستیم و در کنار این مهم سرمایه‌گذاری روی منابع انسانی در بخش معدن و افزایش سهم دانشگاه‌ها در توسعه نیروهای مورد نیاز باید مدنظر باشد. همچنین انتظار می‌رود همه سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از هر نظر برای اجرا شدن اهداف توسعه‌ای بخش معدن که امروز یک بخش کاملاً استراتژیک در اقتصاد کشور است با سیاست‌های برنامه‌ای متولی بخش معدن همگام باشند تا بیش از پیش شاهد توسعه اقتصادی در کشور باشیم.

ناوگان معدنی در سال‌های گذشته به صورت منظم انجام می‌شد، امروز با شرایط نامطلوب در این حوزه مواجه نبودیم. هر چند باید بتوانیم تا حد امکان در زمینه بهبود کمی و کیفی تولیدات داخلی کار کنیم تا بدین وسیله نیاز به واردات را به حداقل برسانیم، اما در عین حال وقتی نمی‌توانیم تامین‌کننده نیاز صنعت معدنکاری کشور باشیم، باید با سهل‌ترین شیوه‌های ممکن نسبت به تامین نیازها اقدام کنیم.

رییس خانه معدن ایران تصریح کرد: اکنون باید برای سال ۲۰۵۰ برنامه‌ریزی کرد، چراکه کشورهای منطقه و کشورهای همپوش آمریکا، روسیه و چین در حال حرکت به سمت جلو هستند و نیاز به مواد اولیه دارند و ذخایر و منابع آنها در حال کاهش است. بر همین اساس، ایران باید در این مسیر با برنامه حرکت کند و با تکنولوژی و فناوری روز همراه شود که در این مسیر نیازمند تربیت مدیران شایسته هستیم. بهرامن با اشاره به لزوم بهره‌گیری از ظرفیت‌های دانش‌بنیان‌ها گفت: با توجه به شرایط رقابتی امروز بازارهای جهانی، عدم استفاده از زیرساخت‌های دانش‌بنیان شرکت‌ها را محکوم به شکست می‌کند. مواد معدنی از جمله طلا، مس، فولاد و شن و ماسه تجدیدنپذیر هستند و اگر نتوانیم با نگاه‌های نوین آنها را به بهره‌وری بیشتر برسانیم، کفر نعمت کرده‌ایم. وی همچنین با اشاره به میزان ارتباط صنعت و معدن با بخش پژوهشی و

معدنی هستند، برای ایران مفید است. بنابراین این شانس را نباید دست‌کم گرفت و باید همراه با برنامه‌ریزی این زنجیره را تا انتها دید.

**نگاه ویژه دولت به بخش معدن**

رییس خانه معدن ایران با اشاره به اینکه انتظار این است که دولت سیزدهم نگاه ویژه‌ای به بخش معدن داشته باشد، تاکید کرد: رسیدگی و رفع مشکلات و مسائل معدن و صنعت معدنکاری توسط دولت‌مردان به عنوان یک مزیت در آینده نه تنها منجر به ارتقای آن خواهد شد، بلکه شرایط را برای حضور پررنگ ایران در بازارهای هدف به خصوص منطقه فراهم خواهد کرد.

بهرامن به طور مثال گفت: تامین ماشین‌آلات یکی از مسائلی است که باید در سیاستگذاری‌های حوزه معدن مدنظر قرار گیرد. آنچه مسلم است توسعه بخش معدن بدون زیرساخت‌های لازم از جمله تامین ماشین‌آلات مورد نیاز این بخش مهم در اقتصاد امروز کشور ممکن نیست. مشکل چگونگی تامین ماشین‌آلات معدنی به‌ویژه در دو سال و نیم گذشته به نحوی بوده که خطر کمبود شدید برای توسعه و حتی حفظ وضعیت موجود تولید را به دنبال داشته است. البته این موضوع با درایت مسوولان در حال پیگیری است و در این زمینه نگاه‌ها به سمت حفظ تولید داخل و گسترش تولید است و خوشبختانه می‌توان گفت که مشکل تقریباً تا حد زیادی حل شده است.

او با ابراز تاسف تصریح کرد: اگر نوسازی

گفت‌وگو







دبیر انجمن سنگ آهن ایران در گفت و گو با «جهان صنعت»:

## نمی توان حکم واحدی برای همه کالاها صادر کرد

منیر حضوری - قیمت گذاری دستوری یکی از چالش برانگیزترین مشکلات زنجیره فولاد شناخته می شود. سیاستی که فعالان این عرصه را به شدت معترض کرده است و بر اساس پیش بینی ها به طور حتم شکست خواهد خورد، اما مساله این است که در نهایت تولیدکننده ضرر می کند و دلال سودا هزینهای که معلوم نیست در آینده چگونه از سوی دولت جبران خواهد شد و چه کسی قرار است ضررهای بخش خصوصی را متحمل شود.

در حالی که انتظار بخش خصوصی این است که رویکرد بخش دولتی در چارچوب مکانیسم بازار و عرضه و تقاضا باشد، اما مسیرها به گونه ای دیگر پیش می رود. در این خصوص کارشناسان باور دارند که دخالت دولت در زنجیره فولاد باعث شده که زمینه حضور دلالان تا جایی پیش برود که به عنوان بازیگر اصلی ایفای نقش کنند. مطرح می شود که بخشنامه های متعدد و تصمیم گیری های لحظه ای باعث شده که فرمت برای فرمت طلبان هر چه بیشتر شود. این در حالی است که اگر روال قیمت گذاری بر اساس عرضه و تقاضا بود و بورس کالا می توانست به شکلی واقعی ایفای نقش کند، بدون شک حضور واسطه ها کم رنگ و شراب برای تولیدکننده هم بیشتر فراموش می شد.

تولیدکننده اغلب دچار ضرر و زیان می شود، چرا که در این شرایط فضای رقابتی و عرضه و تقاضا در نقطه متعادلی قرار نگرفته است. در واقع برای مازاد عرضه تعیین تکلیف نشده که این فرد چه کار باید کند. بنابراین تا وقتی که شرایط درست شود باید یک کف با میزان سود مشخص برای تولیدکننده قائل شد. همچنین باید در داخل تعادل عرضه و تقاضا برقرار شود و اینها به یکدیگر نزدیک شوند. ضمن اینکه فضا هم برای عرضه خارجی و استقبال از تقاضای خارجی ایجاد شود.

### ■ قیمت گذاری فعلی وصل به قیمت های

#### جهانی

عسکرزاده در ارتباط با قیمت گذاری در زنجیره آهن و فولاد گفت: قیمت گذاری فعلی بر اساس آنچه در بورس کالا اتفاق می افتد به شکل پورنگی به قیمت های جهانی وصل است. در این بین طبیعی است در جاهایی که قیمت ها افت پیدا می کند، دولتمردان از آن استقبال و به آن در قالب عامل موفقیت خود اشاره و تاکید کنند که در این خصوص ما تلاش کرده ایم قیمت فلان کالا را به شکل قابل توجهی پایین آوریم. در صورتی که وقتی قیمت ها وصل به قیمت های خارجی هستند در اصل افت قیمت های خارجی باعث می شود که قیمت کالاهای داخلی هم کاهش می شود. این در

برخی از موارد حتی می توان گفت که اقتصاد دستوری خوب است. تا جایی که اطلاع دارم مداخله دولت در کالاهایی که به صورت انحصاری هستند، در قانون پیش بینی شده و به نظر خوب هم می رسد. تاکید می شود در جاهایی که انحصار وجود دارد از جمله واحدهای تولیدی باید نظارتی از سوی دولت اعمال شود. در مورد برخی از کالاها به هر دلیلی که شرایط برای تقاضای خارجی آنها محدود شده (چه این محدودیت داخلی باشد مثل بخشنامه ها و قوانین یا خارجی باشد که تحت تاثیر تحریم خاصی است)، در نتیجه نمی توان از فرمول بازار آزاد پیروی کرد. از طرفی وقتی عرضه های هم در بازارهای خارجی وجود نداشته باشد، حتی اگر میزان عرضه از تقاضا بیشتر باشد باز فرمول تعیین قیمت نمی تواند الزاما همان بازار آزاد باشد.

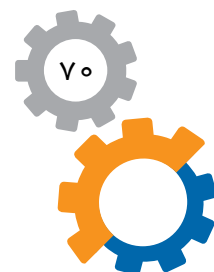
### ■ ضرر و زیان تولیدکننده

دبیر انجمن سنگ آهن ایران با اشاره به حالت اول تصریح کرد: در حالت نخست، اگر قیمت ها را برای کالاهای انحصاری باز بگذاریم، به دلیل اینکه صرفاً از سمت یک مجموعه عرضه و کنترل می شود، طبیعی است که می تواند با دست بردن بر فضای بازار وضعیت را به ضرر مردم نامناسب کند، اما در حالت دوم که عرضه بیش از تقاضاست و شرایط تقاضای خارجی دچار خلل شده،

برخی از کارشناسان باور دارند که باید وضعیت را از جوانب دیگر بررسی کرد. به گونه ای که گفته می شود نمی توان حکمی واحد برای تمامی کالاها صادر کرد و برخی مواقع شرایط ایجاد می کند که قیمت گذاری دستوری داشته باشیم. در واقع گفته می شود در جاهایی که انحصار وجود دارد - از جمله واحدهای تولیدی - باید نظارت از سوی دولت انجام شود. همچنین گفته می شود گاهی باید جوانب مختلف را در نظر گرفت، به این صورت که برخی مواقع قیمت ها به قیمت های جهانی وصل هستند؛ در نتیجه افت قیمت کالاهای خارجی باعث می شود که قیمت کالاهای داخلی هم کاهش می شود. این در حالی است که وقتی قیمت ها افزایش می شوند، سر و صدای همه درمی آید که این چه وضعی است!

در این خصوص دبیر انجمن سنگ آهن ایران با بیان اینکه نمی توان حکم واحدی برای همه کالاها صادر کرد به «جهان صنعت» گفت: در بحث تعیین قیمت، قیمت گذاری دستوری و رقابتی، توجه به فرمول ها و فواید بازار و عرضه و تقاضا مهم است. بنابراین باید گفت که اینها موضوعاتی هستند که نمی توان حکم واحدی برایشان صادر کرد. سعید عسکرزاده با بیان اینکه نسبت به شرایط وضعیت هم متفاوت می شود، تصریح کرد: در

قیمت گذاری فعلی بر اساس آنچه در بورس کالا اتفاق می افتد به شکل پورنگی به قیمت های جهانی وصل است. در این بین طبیعی است در جاهایی که قیمت ها افت پیدا می کند، دولتمردان از آن استقبال و به آن در قالب عامل موفقیت خود اشاره و تاکید کنند که در این خصوص ما تلاش کرده ایم قیمت فلان کالا را به شکل قابل توجهی پایین آوریم





دولت باید میزان تقاضای داخلی را در محصولات نهایی مشخص کند. آن بخش از محصولات نهایی که در فضای تقاضای داخلی به اصلاح نیاز دارد با مدیریت و نه دخالت دولت مورد پاسخ قرار گیرد. در واقع عرضه و نحوه تعیین قیمت‌ها به مولف‌های مختلفی می‌تواند وابسته باشد، اما در این روند دولت باید از ثبات قیمت در محصولات نهایی استقبال کند

است، گفت: بخش عمده فضای کسب‌وکار در همه زمینه‌ها و محصولات بحث تجارت و بازرگانی است. در این روند بهترین کاری که توانستیم انجام دهیم، مدیریت بازار بود. همه کارشناسان تایید کرده‌اند که مدیریت به صورت قابل قبول و به خوبی اتفاق افتاده است. در این روند خریدار و فروشنده از آن راضی بوده‌اند، موضوعی که به شدت می‌تواند در بقیه بخش‌های زنجیره هم تکرار شود.

عسکرزاده تصریح کرد: تجارت بخشی عمده از مباحث کسب‌وکار است. در بخش تولید هم موضوعات معدن و صنایع معدنی با هم متفاوت هستند. همان‌طور که بارها تاکید شده در بخش تولید، مشکلات معدن بیشتر به موضوع تامین ماشین‌آلات، برنامه‌ریزی برای اکتشاف و حقوق دولتی برمی‌گردد، اما در صنایع معدنی بیشتر موضوعات ناشی از قیمت‌های انرژی، کمبود مواد اولیه و هزینه حمل‌ونقل است که در زنجیره آهن و فولاد نقش خود را پررنگ کرده و نقش زیادی در هزینه تمام‌شده دارد.

او با اشاره به تلاش‌های انجمن سنگ‌آهن ایران گفت: برای تک‌تک موضوعاتی که مطرح کردیم تلاش کرده‌ایم که به دنبال راه‌حل باشیم. از آنجا که موضوعات بیشتر کیفی بوده و کمی نیستند؛ در نتیجه دقیق نمی‌توان عدد و رقم گذاشت و کماکان با تصمیم‌گیران گفت‌وگو کرد و کمیته تخصصی تشکیل داد. او تاکید کرد: مدت‌هاست که موضوعات را به مناظره و جلسات هم‌اندیشی سپرده‌ایم. حال امیدواریم مسوولان به نتایج کارشناسی موضوعاتی که منافع ملی در آن نقش اول را دارد، توجه کنند.

می‌رود که این نهاد این بخش را به صورت کاملاً مشخص در رینگ صادراتی عرضه کند؛ عرض‌های که می‌تواند به صورت واقعی و مبادله دلار نباشد، اما در آن قیمت‌ها به دلار باشند. به این معنی که محصول کنسائتره‌ای که قرار است در داخل استفاده شود در رینگ داخلی عرضه و محصول کنسائتره‌ای که در نهایت قرار است صادر شود در رینگ صادراتی عرضه شود.

عسکرزاده ادامه داد: انتظار می‌رود که تا انتهای زنجیره کنسائتره به قیمت دلاری مبادله و به گندله تبدیل شود و دوباره در رینگ صادراتی فروخته و تبدیل به آهن اسفنجی شود. در انتها باید گفت که محصولات فولادی و شمش‌های که صادر می‌شود برای کشور ارزآوری ایجاد می‌کند. با این حساب ما هزینه‌های چندباره برای صادرات و بازگردان ارز نمی‌دهیم، بلکه مکلف می‌شویم عین همان اتفاقی را که در بازار داخل، وزارتخانه دنبالش بود (که اوراق گام را جایگزین کند) شاهد باشیم. عین همین اتفاق را می‌توان در بحث صادراتی پیش‌بینی کرد. مساله‌ای که از جمله مهم‌ترین و بهترین شرایط پیشنهادی خواهد بود. در این روند همه تلاش خواهند کرد که تحریم‌ها از بین برود و بهترین قیمت در سطح جهانی فروخته شود. او تصریح کرد: انتظار می‌رود که با قیمت‌های بالاتری کالا را در سطح جهانی بفروشند به این دلیل که ربطی به داخل ندارد و در این روند می‌توان شرایط آرام قیمتی و ثبات نسبی را تجربه کرد.

#### ■ پیشنهاد بهبود زنجیره آهن و فولاد

دبیر انجمن سنگ‌آهن ایران درخصوص این پرسش که مشکلات سنگ‌آهن در چه حوزه‌هایی

حالی است که وقتی قیمت‌ها افزایشی می‌شود سرورصدای همه درمی‌آید که این چه وضعی است و کسی بلد نیست مساله را کنترل کند و نظارت درستی در این عرصه داشته باشد.

او با بیان اینکه ما باید نظارت‌ها و تنبیهات را بیشتر کنیم و جلوی تخلفات را بگیریم، خاطرنشان کرد: البته این روند متأسفانه غلط است. در واقع وقتی فرمول‌ها به قیمت‌های جهانی وصل هستند در نتیجه از این اتفاقات هم خواهد افتاد و چیز عجیبی نیست. در نتیجه می‌توان گفت که قیمت‌ها چندان متاثر از وضعیت داخلی نیستند.

#### ■ مهم‌ترین اقدام دولت

دبیر انجمن سنگ‌آهن ایران در پاسخ به این سوال که مهم‌ترین کاری که دولت می‌تواند در زنجیره آهن و فولاد انجام دهد چیست، گفت: دولت باید میزان تقاضای داخلی را در محصولات نهایی مشخص کند. آن بخش از محصولات نهایی که در فضای تقاضای داخلی به اصلاح نیاز دارد با مدیریت و نه دخالت دولت مورد پاسخ قرار گیرد. در واقع عرضه و نحوه تعیین قیمت‌ها به مولف‌های مختلفی می‌تواند وابسته باشد، اما در این روند دولت باید از ثبات قیمت در محصولات نهایی استقبال کند.

او تصریح کرد: اگر دولت این کار را انجام دهد، طبیعی است به همان نسبتی که در بورس داخلی عرضه می‌شود، می‌تواند مواد اولیه را هم متناسب با میزان نیاز بخش داخلی مشخص کند و توافقاتی انجام شود و قیمت‌های رینگ داخلی را به این صورت تعیین کند. در ادامه دولت باید هر آنچه را که در کل زنجیره تولید مازاد است (چیزی حدود ۵۰ درصد) با توجه به افق ۱۴۰۴ پیش ببرد. انتظار

گفت‌وگو





## پیشنهاد همکاری با جوانان کار آفرین به وزیر جدید صمت

پیش‌بینی و برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای فعالان اقتصادی از بین خواهد رفت. به عنوان مثال وقتی یک فعال حوزه تجارت، پس از انعقاد قرارداد با کشور خارجی جهت صادرات یا واردات، با بخشنامه‌ای روبه‌رو می‌شود که خروج و ورود آن کالا را ممنوع کرده است، باید انتظار داشت که لطمات جبران‌ناپذیری به تجارت خارجی کشور وارد شود.

از طرفی متأسفانه مشاهده می‌شود که بدون توجه به مصائب و مشکلات عدیده فعالیت‌های تولیدی و شرایط کلان ویژه اقتصادی کشور، نسبت به افزایش تعرفه‌ها، عوارض و حقوق دولتی و نرخ‌های مالیاتی اقدام می‌کنند که مطمئناً مرگ تولید و تجارت در کشور را در پی خواهد داشت.

متولیان بخش‌های دولتی تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز باید توجه داشته باشند که صرف توجه به افزایش نرخ‌ها در جهت جبران کسری بودجه دولت، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که هدف دولت اخذ بخشی از درآمد و سود فعالان اقتصادی است و هیچ‌گونه حمایت و مشوقی جهت حمایت از فعالان اقتصادی وجود ندارد.

پیشنهاد به وزیر جدید صنعت، معدن و تجارت به عنوان سکندار اصلی تولید و تجارت در کشورمان، این است که با نظر خواهی از تشکل‌ها و نخبگان، برنامه‌ریزی بهتری به منظور پیشرفت داشته باشند و از حضور جوانان کار آفرین و تولیدکننده حمایت‌های بیشتری شود.

- عدم تامین مالی صحیح در بخش‌های تولیدی  
- عدم توجه و حمایت کافی از تولید داخل به خصوص محصولات دانش‌بنیان  
- بوروکراسی پیچیده اداری  
- تصمیمات غیر کارشناسی  
به طور مثال بخشی از کارگاه‌های تولیدی کشور به دلیل فناوری‌های قدیمی و ناکارآمد عملاً با تعطیلی مواجه شده‌اند یا بهره‌وری لازم جهت توسعه را ندارند.

از طرفی با توجه به عدم جذابیت بخش‌های تولیدی، بسیاری از سرمایه‌های سرگردان در کشور به سمت بازارهای غیرمولد مانند دلار و ارز رفته است، این در حالی است که بسیاری از بخش‌های تولیدی به دلیل مشکلات مالی متوقف شده‌اند که می‌توانند با هدایت این سرمایه‌های سرگردان، رشد و رونق یابند.

در خصوص فرآیندهای پیچیده اداری نیز به طور مثال با وجود راه‌اندازی درگاه یکپارچه ملی مجوزها، هنوز هم بسیاری از مجوزها فرآیند صدور پیچیده و زمان‌بری دارند.

باید توجه داشت که سوءمدیریت بخش‌های دولتی و تصمیمات غیر کارشناسی در حوزه‌های مختلف، لطمات جبران‌ناپذیری به بدنه تولید خواهد زد. به طور مثال افزایش گاه‌وبیگاه نرخ عوارض گمرکی، عملاً امکان همکاری طولانی‌مدت تولیدکنندگان و تامین‌کنندگان کشور را با کشورهای دیگر منوط کرده است، چراکه وقتی چندین مرتبه این نرخ‌ها تغییر یابد، عملاً امکان



زبانکو عطایی‌پور  
معاون امور معدن و صنایع معدنی خانه صمت جوانان کشور

در سال‌های گذشته، با افزایش فشارهای اقتصادی بین‌المللی و همچنین تصمیمات غیر کارشناسی و سوءمدیریت دولتی در بخش‌های اقتصادی، شاهد آن بوده‌ایم که بسیاری از فعالان تولید و تجارت بخش خصوصی کشور، عملاً با کاهش چشمگیر درآمدهای بنگاه‌های اقتصادی و در نتیجه تعدیل نیرو، تعطیلی کارگاه، کوچک شدن کسب‌وکارها و... مواجه بوده‌اند.

از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی تولید و تجارت و موانع کسب‌وکارها در کشور می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- عدم بر خورداری از تکنولوژی روز دنیا با توجه به مسائل بین‌المللی



# ظرفیت‌ها و چالش‌های تولید فولاد سبز در منطقه منا

سرمایه‌گذاری‌های لازم جهت استفاده از H<sub>2</sub> در فرآیند تولید فولاد انجام پذیرد

## پتانسیل تولید هیدروژن با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر

طی ۱۰ سال گذشته هزینه تولید برق از خورشید کاهش ۸۵ درصدی داشته و از ۰/۳۸۱ kwh/US\$ در سال ۲۰۱۰ به ۰/۰۵۷ kwh/US\$ در سال ۲۰۲۰ کاهش یافته است. استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در تولید برق به‌رغم اینکه منطقه منا ظرفیت بالایی برای تولید برق از انرژی خورشید دارد، ولی سهم این انرژی در تولیدات فولاد بسیار کم است. براساس گزارش بانک جهانی، منطقه منا بیشترین ظرفیت تولید برق با استفاده از انرژی خورشیدی را دارد. (شکل ۲)

به‌طور تقریبی هزینه سرمایه‌گذاری تولید انرژی الکتریکی از خورشید در سال ۲۰۲۰ در قطر به ۰/۱۳۵ kwh/US\$ در امسارات به ۰/۱۳۵ kwh/US\$ و در عربستان به ۰/۱۵۰ kwh/US\$ کاهش یافته است. آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر پیش‌بینی کرده است که این عدد در منطقه خاورمیانه می‌تواند تا ۰/۱۱ kwh/US\$ کاهش یابد. از طرفی طبق پیش‌بینی‌ها طی ۵ سال (۲۰۲۱-۲۰۲۶) ظرفیت تولید انرژی الکتریکی از خورشید در این منطقه از ۱۵ GW به ۳۲ GW افزایش خواهد یافت.

شکل ۳، وضعیت تولید انرژی در منطقه منا در سال ۲۰۵۰ را نشان می‌دهد. طبق این مطالعات ۳۳۴ GW انرژی خورشیدی و ۸۳ GW انرژی بادی در سال ۲۰۵۰

## ظرفیت تولید و صادرات فولاد سبز در منطقه منا

براساس برنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) در سال ۲۰۵۰ تولید فولاد جهان با استفاده از هیدروژن باید به ۳۹ درصد افزایش یابد. در حال حاضر حدود ۵ درصد فولاد جهان با استفاده از روش DRI-EAF تولید می‌شوند که این بیانگر آینده روشن استفاده از این تکنولوژی است، بالاخص در منطقه منا که مزیت گاز را دارند.

بر مبنای گزارش IEA میزان تولید CO<sub>2</sub> در روش BF-BOF ۲/۲ تن به ازای هر تن تولید فولاد است در حالی که در روش DRI-EAF به ۱/۴ تن به ازای هر تن فولاد تقلیل می‌یابد. دلیل این موضوع هم وجود مولکول هیدروژن در گاز طبیعی است که در فرآیند احیا استفاده می‌شود.

طبق توافقات انجام شده شرکت‌های خودروساز ولوو، این مرسدس، بی‌امو، ژنرال موتور و فولکس واگن تا سال ۲۰۳۰ از تولیدکنندگان فولاد سبز ورق‌های مورد نیاز خود را خریداری خواهند کرد. در حالی است که از سال ۲۰۲۶، واردکنندگان فولاد در اروپا ملزم به خرید فولاد از تولیدکنندگانی هستند که لایسنس CBAM را دارا هستند. اتحادیه اروپا قوانینی را تصویب کرده است که واردکنندگان فولاد به اروپا ملزم به ارائه گزارش میزان تولید (CO<sub>2</sub>) به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در فرآیند تولید فولاد هستند. از آنجا که روش احیای مستقیم میزان تولید CO<sub>2</sub> کمتری دارد، لذا زمینه صادرات از این منطقه بیشتر فراهم است. این موضوع زمانی اجرایی می‌شود که



علیرضا رحیم  
مدیرعامل آهن و فولاد سرمد ابرکوه

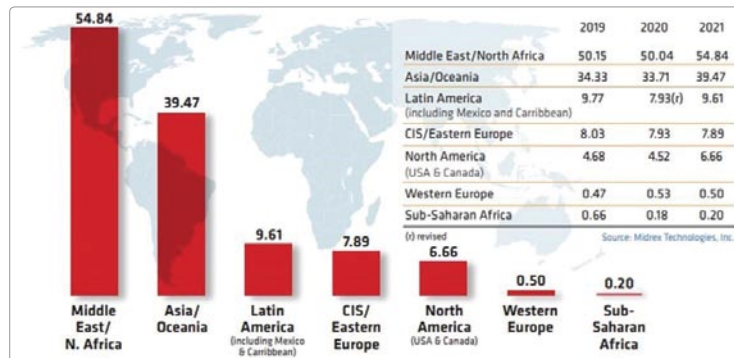
حدود ۷ درصد از آلایندگی دی‌اکسید کربن در جهان را صنعت فولاد تولید می‌کند. اگر کل تولید CO<sub>2</sub> توسط شرکت‌های تولیدکننده فولاد یک کشور فرض شود، بعد از چین و آمریکا بیشترین آلایندگی دی‌اکسید کربن مربوط به کشورهای تولیدکننده فولاد است. با سختگیرانه‌تر شدن قوانین مرتبط با آلودگی و مالیات‌های کربنی، حرکت به سمت تولید فولاد سبز برای بقای این صنعت و حضور در بازارهای بین‌المللی ضروری است. استراتژی شرکت‌های مطرح خودروساز در اروپا جهت استفاده از فولاد سبز تا سال ۲۰۳۰ و همچنین قوانین بازدارنده صادرات فولاد به اروپا لزوم حرکت در راستای تولید فولاد سبز را دو چندان کرده است. در سالیان گذشته روش‌های مختلفی جهت کاهش میزان دی‌اکسید کربن مورد بررسی قرار گرفته است، اما استفاده از هیدروژن در تولید فولاد به عنوان یکی از اصلی‌ترین روش‌های حذف CO<sub>2</sub> معرفی شده است. در این روش سوخت فسیلی حذف و سایر منابع انرژی جایگزین می‌شود. استفاده از گاز هیدروژن در فرآیند احیای مستقیم (DRI) در کوره‌های قوس الکتریکی (EAF) و تامین انرژی الکتریکی کارخانه تولید فولاد از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر خورشیدی و بادی راه‌حل تولید فولاد سبز است. در این مقاله ضمن بررسی کشورهای منطقه منا به لحاظ تولید فولاد، پتانسیل‌ها و چالش‌های این منطقه جهت تولید فولاد سبز مورد بررسی قرار داده می‌شود.

## وضعیت تولید فولاد در منطقه منا

در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) عمده تولید فولاد با استفاده از روش احیای مستقیم است. در سال ۲۰۲۱، حدود ۵۰ درصد تولید فولاد جهان با استفاده از روش DRI در این منطقه تولید شده است. به دلیل کم بودن کک مناسب در این منطقه و وجود ذخایر گاز طبیعی مناسب تنها حدود ۳ درصد از فولاد در این منطقه با استفاده از روش‌هایی غیر از روش احیای مستقیم بوده است. همانطور که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود ۵۵ میلیون تن تولید فولاد در این منطقه با روش احیای مستقیم است. ایران، عربستان سعودی و مصر به عنوان اصلی‌ترین تولیدکنندگان در منطقه هستند که ۸۰ درصد تولید این منطقه را پوشش می‌دهند. در جدول ۲۰۲۱ میزان تولید فولاد خام در کشورهای منطقه آورده شده است.

از آنجا که این کشورها از روش احیای مستقیم برای تولید فولاد استفاده می‌کنند، یک گام نسبت به سایر کشورهای جهان جلوتر برای تولید فولاد سبز هستند، چرا که به جای استفاده از عامل احیای گاز، امکان استفاده از هیدروژن در تولید فولاد را دارند. (شکل یک)

شکل ۱- مقایسه میزان تولید فولاد با استفاده از روش احیای مستقیم در جهان



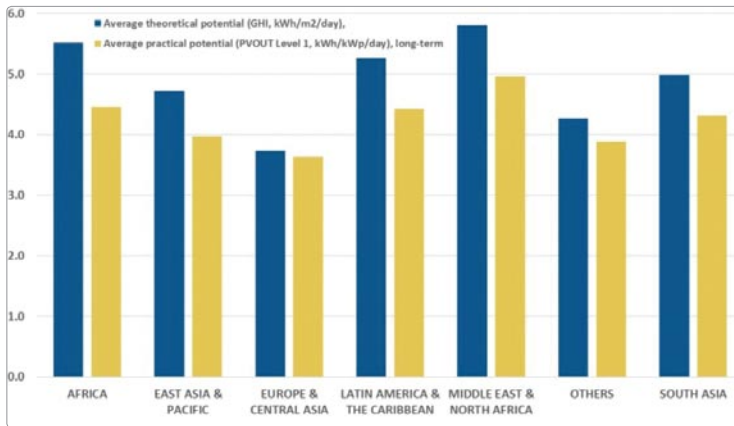
جدول ۱- میزان تولید فولاد خام و سهم روش‌های تولید در کشورهای منطقه (میلیون تن)

Country	Crude Steel Production	Share of Electric Furnace (%)	Share of Basic Oxygen Furnace (%)	DRI Production*
Iran	۲۸/۵	۹۰/۳	۹/۷	۳۱/۸۵
Saudi Arabia	۸/۷	۱۰۰	-	۶/۱۳
Egypt	۱۰/۳	۱۰۰	-	۵/۲۳
UAE	۳/۰	۱۰۰	-	۳/۶۶
Algeria	۳/۵	۸۷/۵ (۲۰۲۰)	۱۲/۵ (۲۰۲۰)	۳/۰۸
Oman	۲/۰	۱۰۰	-	۱/۷۰
Bahrain	۰/۷	۱۰۰	-	۱/۵۱
Libya	۰/۵	۱۰۰	-	۰/۸۸
Qatar	۱/۲	۱۰۰	-	۰/۷۹

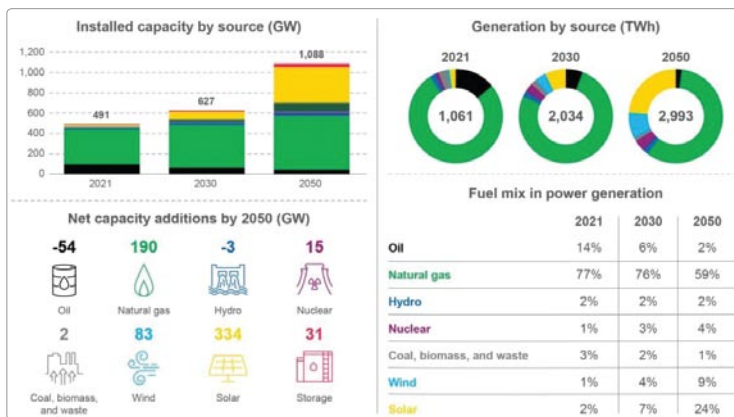
Source: World Steel Association and Midrex\*



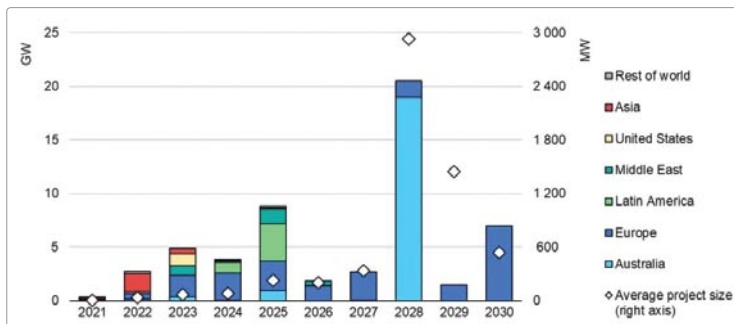
شکل ۲- مقایسه پتانسیل تولید برق از منابع خورشیدی



شکل ۳- وضعیت تولید انرژی در منطقه منا تا سال ۲۰۵۰



شکل ۴- ظرفیت‌های الکتروولایزرها تا سال ۲۰۳۰ بر اساس پلنت‌های نصب‌شده و برنامه‌ریزی‌شده



جدول ۲- مقایسه هزینه‌های تولید در کشورهای تونس و رومانی و نمایش اثر موقعیت جغرافیایی در کاهش هزینه‌ها

Item	Romania	Tunisia
PV installed power (GW)	۶/۴	۴/۴
PV LCOE (€/MWh)	۴۴	۲۹
Electrolysis power (GW)	۴/۵	۳/۳
Hydrogen LCOH (€/MWh)	۴	۲/۹
Required storage (t)	۴۷/۰۰۰	۲۰/۵۰۰
Storage cost (€/kg)	۰/۹	۰/۳۶
H <sub>2</sub> delivery price (€/kg)	۵/۳	۳/۷

Source: Hydrogen Europe, Steel from Solar Energy.

در این منطقه اضافه خواهد شد که سهم انرژی بادی از ۱ درصد به ۹ درصد و انرژی خورشیدی از ۲ درصد به ۲۴ درصد افزایش خواهد یافت.

از بین تمام منابع انرژی پایدار هیدروژن بالاترین پتانسیل را در بخش‌های تولید حرارت، حمل و نقل، تولید انرژی و صنعت دارد. با توجه به توسعه انتقال انرژی به سمت انرژی‌های نو، تولید هیدروژن به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها در بخش انرژی است. IEA پیش‌بینی کرده است که در سال ۲۰۳۰ ظرفیت‌های نصب‌شده الکتروولایزر به ۵۴ GW خواهد رسید و این عدد در خاورمیانه به ۳ GW خواهد رسید (شکل ۴)

ظرفیت صادرات هیدروژن در منطقه منا با توجه به مصرف کم داخلی بسیار بالاتر نسبت به سایر مناطق است. طبق پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۵۰ عربستان و مراکش به عنوان اصلی‌ترین تولیدکنندگان هیدروژن در منطقه هستند در حال حاضر سرمایه‌گذاری‌های متعددی در منطقه خاورمیانه برای تولید هیدروژن انجام شده است. در سال ۲۰۲۶ عربستان سعودی در نامه پهر برداری از اولین پلنت تولید هیدروژن با ظرفیت ۶۵۰ تن در روز با سرمایه‌گذاری بالغ بر ۵ میلیارد دلار دارد که در نوع خود یکی از بزرگ‌ترین‌ها در دنیا است. انرژی این پلنت از نیروگاه‌های خورشیدی و بادی با ظرفیت ۴GW تولید می‌شود. در عین حال این کشور با هدف اینکه بزرگ‌ترین تولیدکننده هیدروژن تا سال ۲۰۵۰ در دنیا شود سرمایه‌گذاری بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار برای تولید هیدروژن آبی (Blue Hydrogen) از مخازن گازی را انجام داده است. در اگوست ۲۰۲۱ توافقنامه‌ای در امارات با حضور سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای احداث اولین کارخانه فولاد سبز امضا شده است.

اولین سرمایه‌گذاری در بخش تولید هیدروژن در کشور مصر توسط Fortescue با احداث نیروگاه بادی و خورشیدی با ظرفیت ۹۲ GW آغاز شده است. علاوه بر اینها سرمایه‌گذاری‌های دیگری از طریق کنسرسیوم‌های مختلفی از کشورهای هنگ کنگ و امارات، شرکت‌های نفت و گاز عمان و کویت با سرمایه‌گذاری‌های بیش از ۳۰ میلیارد دلار در حال انجام است.

**چرا فولاد سبز در کانون توجه قرار دارد؟**

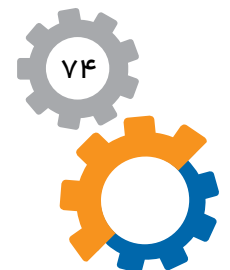
دسترسی به منابع انرژی خورشیدی ارزان و زمین منطقه منا را به یکی از مهم‌ترین پتانسیل‌ها برای توسعه صنعت هیدروژن در آینده تبدیل کرده است. برآوردها نشان می‌دهد برای تولید ۴Mt فولاد سبز حداقل ۱/۳ - ۱/۲ GW برق برای واحد الکتروولایزر جهت تولید هیدروژن مورد نیاز است.

جدول ۲ مقایسه بین دو منطقه، یکی در اروپا و دیگری در شمال آفریقا را جهت تغییر تکنولوژی از تولید فولاد براساس روش‌های معمولی به تولید فولاد براساس HYDRI-EAF نشان می‌دهد. براساس این محاسبات تونس با توجه به دسترسی به منابع انرژی ارزان تجدیدپذیر ۳۱ درصد ظرفیت کمتر انرژی خورشید نسبت به رومانی نیاز دارد که این باعث کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری در این منطقه می‌شود.

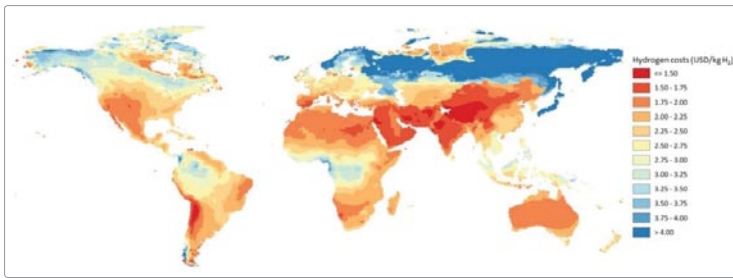
**هزینه‌های تولید هیدروژن**

هزینه تولید هیدروژن به عنوان یکی از گلوگاه‌ها در تولید فولاد سبز است با این حال اکنون هزینه تولید هیدروژن (green hydrogen) از روش الکتروولایز پایین‌تر از تولید blue hydrogen در منطقه خاورمیانه است.

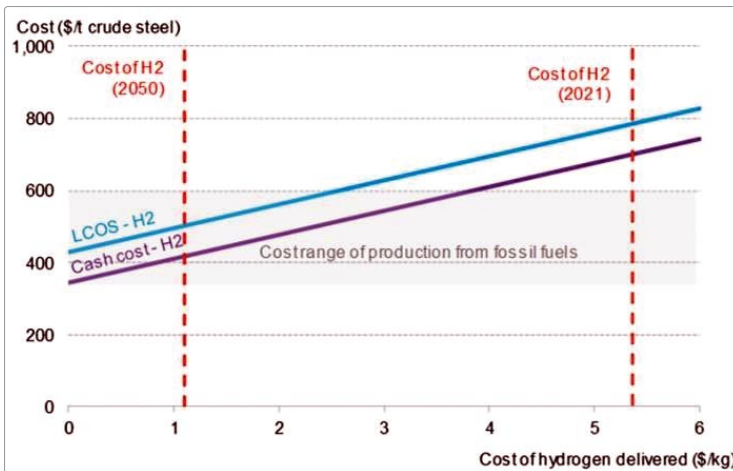
در جولای ۲۰۲۲ هزینه الکتروولایز آلکالی (alkaline electrolysis) در قطر ۵۹۲ kg/US\$، در عربستان سعودی ۲۳ kg/US\$، در عمان ۵۵۳ kg/US\$ و در امارات ۱۴۵ kg/US\$ بوده است. این هزینه برای تولید هیدروژن با روش الکتروولایز (PEM) حدود ۱ kg/US\$ بالاتر از تکنولوژی آلکالی است. این در حالی است که هزینه تولید blue hydrogen که با استفاده از تکنولوژی‌های SMR و CCR تولید می‌شود، ۷ kg/US\$ در خاورمیانه است. (شکل ۵)



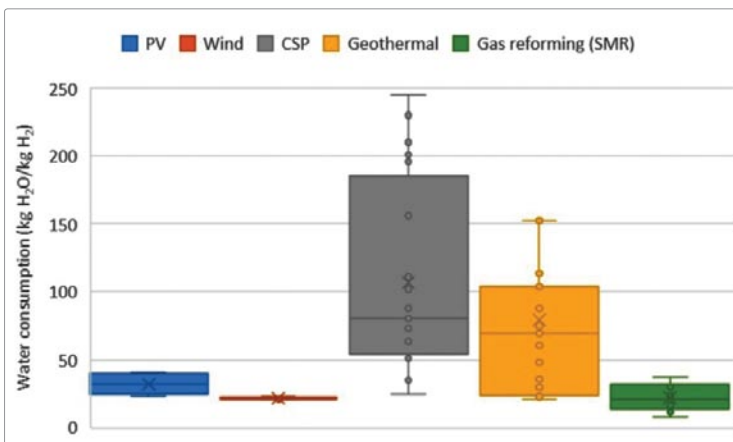
شکل ۵- حدود بر آورد هزینه تولید هیدروژن در جهان با توجه به دسترسی به انرژی های خورشیدی و روش های تولید هیدروژن



شکل ۶- پیش بینی قیمت تولید هیدروژن ۲۰۵۰ و اثر آن بر قیمت تولید فولاد



شکل ۷- مقایسه میزان مصرف آب در تولید هیدروژن با استفاده از منابع انرژی مختلف



سبز باشد، اما کشورهای توسعه یافته در تولید فولاد سبز پیشران هستند منطقه منا ظرفیت تولید هیدروژن برای مصرف داخلی و همچنین صادرات آن را دارد. مساله تولید برق از محل انرژی های تجدیدپذیر چالشی در منطقه منا نیست، اما در برخی از کشورهای منا این ظرفیت وجود ندارد. منطقه منا می تواند ۳۰ درصد از ظرفیت گاز طبیعی در تولید فولاد را با هیدروژن بدون اصلاحات اساسی در فرایند تولید به کار گیرد و در فاز بعدی این رقم را به ۱۰۰ درصد ارتقا بخشد. مساله تامین خوراک سنگ آهن مناسب نه تنها در منطقه منا بلکه در کل دنیا به عنوان یک مساله جدی مطرح است. در نهایت باید به این نکته توجه شود که برای تولید ۱ MT فولاد سبز حداقل به ۱ GW انرژی تجدیدپذیر و ۶۰۰۰-۸۰۰۰ هکتار زمین نیاز است.

کشاورزی، صنعتی ۲/۷۶۹/۷۶۸ و در مصرف شهری ۴۶۴ میلیارد متر مکعب است، در حالی که مصرف آب برای الکترولیز ۲۵ میلیارد متر مکعب است. با این حال با توجه به کمبود آب در منطقه منا تامین این موضوع در منا سخت است. بیشترین حجم آب شیرین کن ها در منطقه منا است. حدود ۵۰ درصد از آب شیرین کن های دنیا در این منطقه واقع شده است. آژانس انرژی (IEA) استفاده از آب شیرین کن برای تولید آب ۰/۰۲ - ۰/۰۱ kg/US\$ هزینه تولید هیدروژن را افزایش می دهد که این عدد بسیار ناچیز است. این افزایش هزینه در گزارش دیگری توسط IRENA حدود ۰/۰۵ kg/US\$ محاسبه شده است. **تولید فولاد سبز تنها یک راهکار ندارد** بدیهی است تنها یک راهکار برای تولید فولاد سبز وجود ندارد بلکه هر کشوری متناسب با ظرفیت های خود می تواند راه حل خود را جهت حذف دی اکسید کربن داشته باشد. به رغم اینکه منطقه منا، پتانسیل تولید هیدروژن را دارد و می تواند به عنوان اولین کشورها در تولید فولاد

طبق پیش بینی Bloomberg NEF در سال ۲۰۵۰ با رسیدن قیمت تولید هیدروژن به زیر ۱/۵ kg/ us استفاده از تکنولوژی HyDRI-EAF کاملاً رقابت پذیر خواهد بود. (شکل ۶)

از طرف دیگر در منطقه منا به دلیل وجود زیرساخت های لازم جهت انتقال گاز، هزینه های انتقال و جابه جایی هیدروژن نیز کاهش می یابد و این نیز خود باعث کاهش هزینه های جابه جایی می شود.

**چالش های پیش رو در منطقه منا برای تولید فولاد سبز**

در منطقه منا حجم بالایی از گندله با استفاده از ذخایر معدنی موجود در کشورها تولید می شود. در این منطقه ایران به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان گندله است. از جمله دیگر تولیدکنندگان اصلی گندله در این منطقه کشورهای بحرین و عمان هستند. با توجه به ذخایر گازی ارزان در این منطقه شرکت های بزرگ معدنی سرمایه گذاری های کلانی در بخش تولید گندله و آهن اسفنجی در این منطقه انجام داده اند. از جمله این سرمایه گذاری ها می توان به سرمایه گذاری شرکت واله برزیل به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان سنگ آهن و گندله در جهان، در عمان نام برد که در سال ۲۰۲۱، ۸۲ MT گندله تولید کرده است، اما نکته ای که حائز اهمیت است دسترسی به ذخایر معدنی مناسب برای تامین خوراک پایدار برای این واحدهای تولیدی در منطقه است. برای دستیابی به اهداف سال ۲۰۵۰ تامین گندله مورد نیاز به عنوان یکی از چالش های اساسی است، زیرا ذخایر معدنی به لحاظ عیاری رو به کاهش بوده و تامین خوراک با عیار مناسب یک مساله جدی است.

حمایت دولت از پیوستن به توافقات بین المللی برخی از کشورهای منطقه به موافقتنامه پاریس ملحق شده اند. عربستان سعودی یکی از این کشورهاست که برنامه حذف CO2 را در سال ۲۰۶۰ دارد. امارات متحده عربی که میزبان همایش COP28 در سال ۲۰۲۳ است اولین کشور در خاورمیانه است که برنامه کاهش تا ۲۰۵۰ را دارد و برنامه کاهش ۲۳/۵ درصدی تا پایان این دهه را دنبال می کند. عمان نیز تا ۲۰۵۰ و بحرین تا ۲۰۶۰ برنامه های حذف دی اکسید کربن را هدفگذاری کرده اند. ایران به عنوان بزرگترین تولیدکننده آهن براساس تکنولوژی احیای مستقیم تاکنون به موافقتنامه پاریس ملحق نشده است.

یکی از مهم ترین چالش ها در منطقه منا در بخش دولت ها پشتیبانی و حمایت دولت ها است. دولت ها ترجیح می دهند با استفاده از اعتبارات و تسهیلات بین المللی نسبت به اجرای طرح های فوق اقدام کنند که این موضوع باعث کاهش سرعت سرمایه گذاری ها می شود.

برای دستیابی یک میلیون تن فولاد سبز بر مبنای تکنولوژی HyDRI-EAF مزرعه خورشیدی با ظرفیت ۱ GW سه ساله مورد نیاز است، همچنین برای تولید ۱ GW بیش از ۸۰۰۰-۶۰۰۰ هکتار زمین نیاز است.

**تامین آب**

علاوه بر مسائل تکنیکی در استفاده از هیدروژن برای استفاده در DRI در مقیاس های بزرگ، مساله تامین گندله در آینده، سرمایه گذاری و توسعه نیروگاه های خورشیدی و تجدیدپذیر و مساله مهم تر در منطقه منا کمبود آب است.

۱۲ کشور از ۱۷ کشور منطقه منا با کمبود جدی آب مواجه هستند. برای تولید یک کیلوگرم هیدروژن سبز از طریق انرژی خورشیدی ۳۲kg و از طریق باد ۲۲kg آب نیاز است. شکل ۷ مقایسه میزان مصرف آب در تولید هیدروژن با استفاده از منابع انرژی مختلف را نشان می دهد.

به رغم مشکلات تصاعدی مصرف آب در الکترولیزها، ولی همچنان مصرف آب در الکترولیزها به مراتب پایین تر از سایر بخش ها است. در سال ۲۰۵۰ مصرف آب در صنایع





شرفی‌یزی روانشناس اجتماعی، پیامدهای مشکلات اقتصادی را در گفت‌وگو با «جهان‌صنعت» بررسی کرد

## رواج ناامیدی در جوانان

مهديه بهارمست - «در آمدمان كفاف هزینه روزمره را نمی‌دهد، چه برسد به ازدواج!» این سخن نیمی از جوانان فارغ‌التحصیل کشور است. البته وضعیت جوانانی که از همان ابتدا تحصیلات را رها کرده و راهی بازار کار شده‌اند هم دست کمی از آنها ندارد. در هر صورت امروزه تورم از نسل جوان گرفته تا مسن‌ترین افراد را دچار آسیب‌های روحی و روانی کرده است. از همین رو طبق آمارهای رسمی، تورم مردم را ناامیدتر از گذشته کرده است. براساس آمار در سال ۹۶ نزدیک به ۵۴۴ هزار نزاع در سازمان پزشکی قانونی ثبت شده است. اما ۴ سال بعد این آمار به بیش از ۵۸۶ هزار مورد رسیده است. آمار پزشکی قانونی نیز گفته بود در بهار سال گذشته میزان دعاوا ۸ درصد نسبت به بهار ۱۴۰۰ بالاتر بوده است. در حالی که از سال ۹۲ تا ۹۶ آمار نزاع ثبت‌شده در پزشکی قانونی از ۶۰۷ هزار به ۵۴۴ هزار مورد کاهش پیدا کرده بود. به باور بسیاری از روانشناسان اجتماعی عوامل زیادی موجب چنین اتفاقی شده، اما بخش بزرگی از آنها را باید در شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر تورم دید. نرخ تورم از سال ۹۲ تا ۹۶ روند کاهشی داشت و از حدود ۳۳ درصد به ۹ درصد رسید، اما از سال ۹۶ روند افزایشی به نرخ تورم برگشت تا اینکه امسال به بیش از ۵۵ درصد رسیده است.

جوانان گسترش فقر، بی‌انگیزگی، بی‌حوصلگی، بلاتکلیفی، پرخاشگری، احساس ناتوانی، نداشتن عزت نفس و هزاران مشکل دیگر است. قیمت مسکن هم از این گرانی‌ها و تورم شدید بی‌نصیب نمانده است. افزایش قیمت مسکن در شهرهای بزرگ و کوچک کشور بار دیگری است که بر دوش خانواده‌ها سنگینی می‌کند. هزینه‌های زیاد مسکن برخی خانواده‌ها را مجبور به زندگی در حاشیه شهرها کرده است. این در حالی است که به عقیده برخی از جامعه‌شناسان تورم موجب شده تا اثرات ناگوار زیادی بر زندگی جوانان ایجاد شود. از نظر آنها، تورم باعث بحران انگیزه، عطش پول، غلتیدن در ابهام و روزمرگی، عادی‌پنداری، قناعت‌پیشگی و ناهنجاری‌های تعاملی در بزرگسالی زودرس شده است.

### نتایج تورم در کوتاه‌مدت و بلندمدت

بدیهی‌ترین نتیجه تورم، عدم ثبات در قیمت‌ها و قابل‌پیش‌بینی نبودن اقتصاد حتی برای آینده‌ای نزدیک است. همین عامل باعث می‌شود جوانان نتوانند برای سرمایه‌گذاری تصمیم بگیرند، چراکه پیش‌بینی‌ای از آینده ندارند و قدرت خرید پول امروزشان کفاف زندگی ساده را هم نمی‌دهد. این پول است که ملکه ذهن جوانان شده، شاید بی‌تقصیر هم نباشند، چراکه به گمان آنها این پول است که می‌تواند آنها را در این شرایط اسفبار به هر

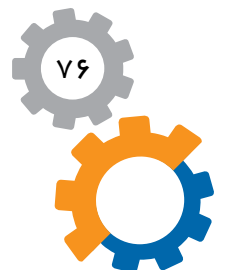
جمعیت کشور ناشی از عدم امکان تحقق تشکیل خانواده توسط قشر جوان تنها بخش کوچکی از این چرخه هستند. این روزها به خاطر تورم افسارگسیخته بذر ناامیدی در دل جوانان کاشته شده است. بسیاری از آنها حتی دیگر خرید یک پراید را هم در خوابشان می‌بینند. آنها به دلیل گرانی‌های ناشی از تورم توان اداره امور زندگی خود را هم ندارند. ناگفته نماند که این ناتوانی، از بیکاری یا دریافت حقوق پایین نشأت می‌گیرد. به همین دلیل به باور بسیاری از کارشناسان یکی از تبعات روانی - اجتماعی گسترش فقر در جوانان مرگ خودخواسته و گسترش اعتیاد در میان آنها است. به همین ترتیب هم فساد در جامعه گسترش پیدا می‌کند. تورم روزافزون، گرانی‌ها و ناتوانی در عدم تشکیل زندگی بر عمیق‌ترین لایه‌های زندگی جوانان تاثیر منفی می‌گذارد. این مشکلات تمامی عواطف و هیجانات جوانان را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است. کوچک‌تر شدن روزبه‌روز سبد غذایی خانواده ایرانی از تبعات خانوادگی - فرهنگی افزایش نرخ تورم بر مردم کشور است. تامین هزینه‌های سرسام‌آور زندگی سبب شده تا پدر و مادر هردو شاغل باشند. همین موضوع باعث شده تا اعضای خانواده از یکدیگر فاصله بگیرند و والدین برای تربیت فرزندان خود وقت و انرژی کافی نداشته باشند. از تبعات روانی - اجتماعی مشکلات اقتصادی

براساس محاسبات هر یک درصد افزایش تورم، موارد نزاع را ۱۲۰۰ مورد بالا می‌برد؛ یعنی اگر تورم در یک بازه زمانی ۱۰ درصد رشد کند موارد نزاع ۱۲ هزار مورد بیشتر می‌شود. با این حال نزاع فقط یکی از آسیب‌های اجتماعی است که با تورم بالا تشدید می‌شود، در حالی که ده‌ها مورد دیگر از جمله اعتیاد، کودک‌همسری، سرقت و غیره را می‌توان به این فهرست اضافه کرد.

مشکلات اقتصادی در جامعه‌امروزی با خود پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه داشته و دارد، اما با وجود وعده و وعیدهای بسیار هنوز مسوولان مربوطه نتوانسته‌اند گرهی از مشکلات اقتصادی باز کنند و با توجه به وضعیت گویا برنامه‌ای هم درخصوص آن ندارند. دولت ریسی با ادعای ریشه‌کن کردن فقر بر سر کار آمد، اما نه تنها فقری ریشه‌کن نشد که طبق آمارهای رسمی نیمی از طبقه متوسط هم به طبقه پایین سقوط کردند. دولت ریسی حتی زیر بار تورم بیش از ۷۰ درصدی هم نمی‌رود. چند روز پیش رییس‌جمهوری در گفت‌وگو با مردم در رسانه از کاهش تورم ۲۰ درصدی در ۶ ماهه گذشته خبر داد. همین بحث واکنش‌های زیادی را برانگیخت، اما در اصل تمامی این مسائل مانند چرخ‌های به یکدیگر وصل هستند و بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند.

گرانی ناشی از تورم، هزینه‌های سرسام‌آور زندگی ناشی از گرانی، کاهش نرخ باروری و

این روزها به خاطر تورم افسارگسیخته بذر ناامیدی در دل جوانان کاشته شده است. بسیاری از آنها حتی دیگر خرید یک پراید را هم در خوابشان می‌بینند. آنها به دلیل گرانی‌های ناشی از تورم توان اداره امور زندگی خود را هم ندارند



جوانان امروزی  
به خاطر مشکلات  
اقتصادی نه تنها  
تمایلی به ایجاد  
کسب‌وکار ندارند،  
بلکه قید ازدواج  
و به تبع آن  
فرزندآوری را هم  
زده‌اند. از قضا  
مراجعه‌کننده‌ای  
داشتم که با درآمد  
ماهانه ۲۵ میلیون  
تومانی هم امیدی  
به بهبود کیفیت  
زندگی‌اش نداشت

جوانان دلسرد و بی‌انگیزه‌الگوی نوجوانان هستند. وقتی نوجوانان، جوانان دیگر را می‌بینند که این‌گونه دچار یأس و ناامیدی هستند، دیگر به دنبال کسب تحصیل هم نمی‌روند. وقتی این زنجیره در جامعه به یک رویه تبدیل شود، نیروی فعال جامعه از دایره شغلی و خانواده خارج می‌شود. از اول انقلاب تاکنون میزان ارزش پول ملی نسبت به دلار یک به هشت هزار شده است. به عبارتی قیمت دلار هشت هزار برابر و طلا ۷۱ هزار برابر افزایش پیدا کرده است. تولید ما ۲/۲ درصد شده اما از طرفی نقدینگی بیش از ۱۲۰ هزار درصد افزایش پیدا کرده است. چنین موضوعی یعنی اقتصاد ایران ورشکسته شده و دارای چشم‌انداز ناامیدکننده‌ای است.

این در حالی است که آقایان مسوول تلاشی درخصوص بهبود وضعیت اقتصادی نمی‌کنند. تنها دل جوانان را با وعده و وعیده‌های توخالی برای لحظاتی خوش می‌کنند. اما درک و فهم جوانان امروزی بیش از این وعده‌ها است، آنها بازگشایی بی‌چون و چرای اقتصادی می‌خواهند.

شریفی‌یزدی درخصوص راهکارهای موجود برای گذر از این شرایط گفت: به نظر راهکار به خوبی مشخص است، اما گوش شنوایی پیدا نمی‌شود. این راهکار در گام اول آشتی با جهان است. از این برج عاجی که داخلش نشسته‌ایم و مدام با کشورهای پیشرفته دیگر مقابله می‌کنیم، خارج شویم و به صورت واقع‌بینانه به موقعیت نگاه کنیم. تنها راه برون‌رفت از این شرایط تنش‌زدایی و جذب سرمایه‌های خارجی است. به نظر شایسته‌سالاری و روی کار آمدن مدیران کارآمد نیز یکی از راهکارهای بهبود وضعیت اقتصادی در کشور است. اینکه به جای مدیران ورزیده و خبره از همان افراد همیشگی دایره ۴۰۰ نفره در ساختار استفاده می‌شود، یک معضل جدی است. آن آقایانی که درصدد جراحی اقتصادی بود، اقتصاد را سلاخی کرد. حال باید برای بهبود شرایط از جوانان خبره که اتفاقاً کم هم نداریم استفاده کنیم. قطعاً در این ۸۵ میلیون جمعیت ۵ هزار جوان باتجربه و کارآمد وجود دارد. اما مسوولان صندلی مدیریتی را رها نمی‌کنند. بنابراین موضوع مدیریتی یکی از راهکارهایی است که بعید می‌دانم به نتیجه مطلوب برسد.

جوان دارد. چراکه در برخی مواقع جوانان به دلیل سرخوردگی ناشی از مشکلات اقتصادی به مصرف مواد مخدر روی می‌آورند. به همین دلیل بنیاد برخی از خانواده‌ها نابود شده است.

### ■ رواج دلسردی در جوانان

دکتر «علیرضا شریفی‌یزدی» روانشناس اجتماعی درخصوص پیامدهای مشکلات اقتصادی بر جوانان به «جهان‌صنعت» گفت: به نظر باید جوانان را با توجه به تحصیلات اعم از دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری طبقه‌بندی کرد. چراکه در ایران مقوله تورم تنها معضل نیست، تورم با بیکاری همراه است. بنابراین اولین تاثیر تورم و مشکلات روزافزون اقتصادی بر جوانان ناامیدی است. در وضعیت عادی اگر جوانی نسبت به آینده خود افق روشنی داشته باشد، حتی اگر از بسیاری از همسالان خود عقب باشد، باز هم امید دارد تا ۵ سال آینده با درآمدی که کسب می‌کند خودرور یا حتی خانه تهیه کند. این در حالی است که امروز براساس آمار رسمی، تورم به بیش از ۶۰ درصد رسیده است، بنابراین یک جوان ایرانی با درآمد وزارت کاری، دچار ناامیدی می‌شود. بسیاری از جوانان دیگر برای افزایش کیفیت زندگی خود تلاش نمی‌کنند. در نتیجه در حال حاضر بانسل جوانی مواجه هستیم که به دلیل تورم زیاد، دچار دلسردی شده‌اند.

وی افزود: جوانان امروزی به خاطر مشکلات اقتصادی نه تنها تمایلی به ایجاد کسب‌وکار ندارند، بلکه قید ازدواج و به تبع آن فرزندآوری را هم زده‌اند. از قضا مراجعه‌کننده‌ای داشتم که با درآمد ماهانه ۲۵ میلیون تومانی هم امیدی به بهبود کیفیت زندگی‌اش نداشت. او بر این عقیده بود که با سالی ۲۵۰ میلیون تومان نه پس‌اندازی دارد و نه می‌تواند صاحب خانه یا خودرویی شود. بنابراین همین جوان دچار ضربه‌های روحی و روانی زیادی شده است. این روانشناس اجتماعی با اشاره به اقدامات دولت‌ها بیان کرد: طی ۱۵ سال اخیر اقدامات موثری در راستای حل مشکلات اقتصادی انجام نشده است. بنابراین این روزها گروهی از جوانان به خاطر همین مشکلات از کشور مهاجرت می‌کنند. بنابراین یکی از مهم‌ترین پیامدهای تورم افسارگسیخته بر جوانان افزایش ناامیدی نسبت به آینده و دیگری بهبود نیافتن کیفیت زندگی است. این در حالی است که همین

خواسته‌های که می‌خواهند برسانند. این روزها خرید یک پراید هم برای بسیاری از جوانان به یک آرزو تبدیل شده است؛ آرزویی که با توجه به تورم بیش از ۷۰ درصد، شاید طی ۲۰ سال دیگر هم به آن نرسند. به همین دلیل برخی جامعه‌شناسان که معتقدند جوانان امروزی دچار یأس و ناامیدی‌اند، کاملاً صحیح است.

### ■ موج سواری تورم در زندگی جوانان

به باور برخی از کارشناسان متولدین دهه هفتاد، با تجربه دست‌کم دو موج تورمی در انتهای دهه ۸۰ و نیمه دهه ۹۰، حساسیت خود را نسبت به تورم و گرانی از دست داده‌اند. این نسل، تورم و گرانی را امری عادی می‌پندارند، چراکه تولد در شرایط تورمی و تجربه موج‌های متعدد گرانی موجب شده است که برای این وضعیت راه‌حلی جز بی‌تفاوتی وجود نداشته باشد. آنها سعی می‌کنند با این وضعیت کنار بیایند و به آن عادت کنند و بدون تعجب از نوسان قیمت‌ها، به زندگی در این شرایط ادامه می‌دهند. بنابراین افزایش قیمت‌ها و نوسانات پیش‌بینی‌ناپذیر در برخی مواقع سبب سهیم شدن و مشارکت جوانان در مخارج خانواده‌ها شده است. جوانان ضمن رویارویی با زندگی شخصی خود، تلاش می‌کنند بخشی از هزینه خانواده را تأمین کنند. از این رو به‌ناچار از خواسته‌های جوانی خود چشم‌پوشی می‌کنند تا بتوانند باری از دوش والدین خود بردارند. جوانان به خاطر تورم از ازدواج و علایق شخصی هم صرف‌نظر می‌کنند. البته وضعیت دهه هشتادی‌ها نیز از این امر مستثنی نیست. این روزها دهه هشتادی‌ها هم آثار گرانی و تورم را به خوبی لمس می‌کنند. این روزها جوانان ۲۰ ساله زیادی بعد از دانشگاه برای تأمین هزینه‌های شخصی و شهریه دانشگاه در کافه‌های سطح شهر مشغول به کار شده‌اند. بنابراین این روزها دیگر گرانی سن و سال نمی‌شناسد و همگان با آن درگیر هستند.

### ■ آثار مخرب تورم در زندگی

تورم فقط یک پدیده اقتصادی نیست، تورم بر اجتماع، فرهنگ و خانوار هم اثر می‌گذارد، وقتی مشکلات معیشتی ناشی از تورم بر روابط خانوادها غلبه کند اثرش را با دور شدن افراد از یکدیگر و اعضای خانواده نشان می‌دهد. طبق این تحقیقات تورم، گرانی، رکود و ناپایداری اقتصادی، تأثیرات عمیق بر جنبه‌های فردی و فرهنگی نسل



گفت‌وگو





## چرا جهان هنوز به تجارت نیاز دارد؟

فاطمه رحیمی- فصلنامه آمریکایی «فانز» در مقاله‌ای به ضرورت تجارت و جهانی‌سازی مجدد پرداخته و می‌گوید که در جهان مدرن همکاری تجاری یک ضرورت است که نمی‌توان با رقابت استراتژیک از آن چشم‌پوشی کرد. در ادامه بخشی از این مطلب را می‌خوانید.  
معماری اقتصادی بین‌المللی که پس از سال ۱۹۴۵ بنا نهاده شد بر اساس یک ایده قدرتمند شکل گرفت: «اگرچه وابستگی متقابل اقتصادی کافی نیست، اما برای صلح و رفاه جهانی امری بسیار حیاتی است.» صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سلف سازمان تجارت جهانی در واکنش به سه دهه بی‌ثباتی بی‌پایان، زمانی که جهان توسط دو جنگ جهانی، رکود بزرگ و افراط‌گرایی سیاسی ویران شده بود، تاسیس شدند. همچنین در دوره جهانی‌زدایی بود که کشورها به سمت بلوک‌های تجاری منزوی عقب‌نشینی کردند. در ویرانه‌های جنگ جهانی دوم، دولت‌ها به دنبال ایجاد سیستم جدیدی بودند که با پیوند دادن کشورها در شبکه‌ای مترکم از روابط اقتصادی، چنین هرج‌ومرج و تقسیم‌بندی‌ای را به تاریخ منتقل کنند.

بالاترین سطح خود یعنی ۶۹۱ میلیارد دلار رسید که ۲۴ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۹ است. سهم نهادهای واسطه -کالاهایی که برای تولید کالاهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند- در جهان صادرات تقریباً ثابت باقی می‌ماند که نشان می‌دهد هیچ تجدید انبوهی در زنجیره‌های تامین بین‌المللی وجود نداشته است. شرکت‌ها هنوز هم بر اساس ملاحظات هزینه و کیفیت در مورد منابع تصمیم می‌گیرند. اقدامات سیاستی هنوز می‌تواند این محاسبات را تغییر دهد، اما نه یک شبه.

تجربه کووید-۱۹ همچنین قدرت تجارت بین‌المللی را به عنوان یک ضربه‌گیر نمایان کرد. در اوایل همه‌گیری، با افزایش تقاضا برای محصولات پزشکی مانند ماسک، دستکش و... برخی از اختلالات به دلیل محدودیت‌های صادراتی برای چنین کالاهایی بدتر شد. حتی با کاهش نزدیک به هشت درصدی ارزش تجارت جهانی کالا در سال ۲۰۲۰، تجارت محصولات پزشکی ۱۶ درصد رشد کرد. تجارت ماسک‌های پارچه‌ای تقریباً پنج برابر شد. پس از تولید واکسن‌های کووید-۱۹، میلیاردها دوز در زنجیره‌های تامین که در ۱۹ کشور جهان وجود دارد، تولید شد. بدون تجارت، بهبودی از همه‌گیری -هم از بحران فوری بهداشت عمومی و هم از بحران اقتصادی ناشی از آن- بسیار کندتر می‌شد.

**وابستگی ۳۰ درصدی کل تولید جهانی به تجارت**

به عبارت دیگر، با وجود جنبش رو به رشد برای از بین بردن سیستم زیربنای جهانی شدن، مردم و مشاغل بیش از هر زمان دیگری به آن متکی هستند.

است که با وجود تداوم لفاظی‌های مخالف، کشورها و مردم در این عصر «چندبحرانی» بیش از هر زمان دیگری به تجارت متکی هستند. علاوه بر این، همکاری بین‌المللی، از جمله در زمینه تجارت، برای رویارویی با چالش‌های مشترک جهانی، مانند تغییرات آب و هوا، نابرابری و همه‌گیری‌ها ضروری است. جهانی شدن تمام نشده و کسی نباید آرزو کند که تمام شود، اما نیاز به بهبود و تجسم مجدد برای عصر آینده دارد.

### پایان یک عصر؟

دور شدن از یکپارچگی اقتصادی، سیاست تجاری را حتی قبل از کووید-۱۹ تغییر شکل داد. افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی بین دو اقتصاد بزرگ جهان، ایالات متحده و چین، شاهد اعمال تعرفه‌های متقابل بود، اما وقایع چند سال گذشته این روند را تقویت کرده است. همه‌گیری و جنگ در اوکراین آسیب‌پذیری‌های واقعی را در تجارت جهانی آشکار کرد و باعث کمبود محصول و گلوگاه‌های عرضه شد که به کسب‌وکارها و خانواده‌ها آسیب می‌رساند. صحبت از جداسازی گسترده شد. اخیراً، دولت‌ها محدودیت‌های صادراتی فزاینده‌ای را اعمال کرده‌اند، به‌ویژه برای کالاهایی که از نظر استراتژیک مهم تلقی می‌شوند، مانند نیمه‌رساناها و مواد معدنی حیاتی. آنها همچنین سیاست‌های صنعتی را با اهداف ارتقای تولید داخلی احیا کرده‌اند.

گفته می‌شود، صحبت از جهانی‌زدایی همچنان با داده‌های تجاری در تضاد است. در واقع، تجارت کالاهای جهانی در سال ۲۰۲۲ به سطوح بی‌سابقه‌ای رسید. بر اساس داده‌های وزارت بازرگانی ایالات متحده، کل تجارت بین آمریکا و چین در سال ۲۰۲۲ به

در بیشتر ۷۵ سال گذشته، سیاستگذاران از سراسر جهان به قدرت وابستگی متقابل اقتصادی پی بردند. کشورها موانع تجاری را از پیش‌رو برداشتند و درهای اقتصاد خود را به روی یکدیگر باز کردند. در کل، رکورد آنها قابل توجه بود. یکپارچگی اقتصادی نزدیک‌تر با افزایش رفاه جهانی، کاهش بی‌سابقه فقر و دوره طولانی غیرمعمول صلح قدرتمند بزرگ همراه بود. از سال ۱۹۹۰، سهم جمعیت جهان در فقر شدید سه‌چهارم کاهش یافته است. در مرکز این جهش بزرگ در رفاه بشر، افزایش ۲۰ برابری حجم تجارت بین‌المللی بود که به افزایش ۲۷ برابری درآمد سرانه در شش دهه گذشته کمک کرد.

این چشم‌انداز اقتصادی اکنون مورد حمله قرار گرفته و دستاوردهای آن در معرض خطر است. مجموعه‌ای از شوک‌ها در طول ۱۵ سال -ابتدا بحران مالی جهانی، سپس همه‌گیری کووید-۱۹ و اکنون جنگ در اوکراین- روایتی جایگزین درباره جهانی شدن ایجاد کرده است. این تفکر جدید به دور از قدرتمندتر کردن کشورها از نظر اقتصادی، جهانی شدن آنها را در معرض خطرات بیش از حدی قرار می‌دهد. در حال حاضر وابستگی متقابل اقتصادی دیگر به عنوان یک حسن تلقی نمی‌شود، بلکه به یک نقص انگاشته می‌شود. شعار جدید این است که آنچه کشورها به آن نیاز دارند وابستگی متقابل نیست؛ بلکه استقلال است، با ادغام در بهترین حالت محدود به دایره کوچکی از کشورهای دوست.

### عصر چندبحرانی

برچیدن جهانی‌سازی اقتصادی و ساختارهایی که از آن حمایت می‌کنند اشتباه خواهد بود. دلایل این

صحبت از جهانی‌زدایی همچنان با داده‌های تجاری در تضاد است. در واقع، تجارت کالاهای جهانی در سال ۲۰۲۲ به سطوح بی‌سابقه‌ای رسید. بر اساس داده‌های وزارت بازرگانی ایالات متحده، کل تجارت بین آمریکا و چین در سال ۲۰۲۲ به بالاترین سطح خود یعنی ۶۹۱ میلیارد دلار رسید که ۲۴ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۹ است.



**بدون تجارت جهانی  
بازگرداندن توسعه  
و کاهش فقر  
غیرممکن خواهد  
بود، اما جهان به نوع  
متفاوتی از تجارت  
نیاز دارد، زیرا همه  
کشورها به اندازه  
کافی در پیشرفت  
دهه‌های اخیر سهیم  
نیوده‌اند**

کشورهای فقیر و ثروتمند برای اولین بار از زمان انقلاب صنعتی در ۲۰۰ سال قبل، شروع به کاهش کرد.

### ■ جهان نیازمند نوع متفاوتی از تجارت

این روندها اکنون برعکس شده‌اند. بانک جهانی تخمین زده است که همه‌گیری و جنگ در اوکراین ۹۰ میلیون نفر را به فقر شدید کشانده است. اقتصادهای ثروتمند که از دسترسی زودهنگام به واکنش‌ها و منابع نجات اقتصاد خود از طریق بسته‌های محرک مالی بزرگ برخوردار بودند، بار دیگر کشورهای فقیر را پشت سر گذاشتند. بدون تجارت جهانی، بازگرداندن توسعه و کاهش فقر غیرممکن خواهد بود، اما جهان به نوع متفاوتی از تجارت نیاز دارد، زیرا همه کشورها به اندازه کافی در پیشرفت دهه‌های اخیر سهیم نبوده‌اند. اگرچه روندهای کلی چشمگیر بودند، اما اعداد و ارقام اصلی داستان تاریک‌تری را پنهان می‌کردند. بسیاری از کشورهای فقیر به ویژه در آفریقا از همتایان خود در جاهای دیگر عقب ماندند، حتی در دوران همگرایی پیش از همه‌گیری. بسیاری از مردم و مناطق فقیر در کشورهای ثروتمند نیز عقب مانده‌اند، زیرا فرصت‌های ایجادشده از طریق دسترسی بهتر به بازارهای بین‌المللی همیشه یا اغلب در همان مناطق یا بخش‌هایی نبوده که توسط رقابت وارداتی متضرر شده است.

حتی با کاهش نابرابری اقتصادی بین کشورها و در کل جمعیت جهان، نابرابری در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته افزایش یافت. تجارت یکی از چندین عامل در این بازی بود، از جمله تغییرات تکنولوژیکی که به نفع کارگران ماهر بود و بسیاری از مشاغل تولیدی را با ماشین‌آلات جایگزین کرد. انتخاب سیاست‌های مالیاتی، نیروی کار و ضدانحصار نیز این تغییرات را شکل دادند، به همین دلیل است که نابرابری در برخی کشورها بسیار بیشتر از کشورهای دیگر افزایش یافت. زمانی که بحران مالی و بهبود آهسته بازار کار که به دنبال آن افراط‌گرایی پوپولیستی را تغذیه کرد، تجارت و مهاجران تبدیل به قربانیان آسانی شدند. نابسامانی‌های سیاسی سال‌های اخیر بر اهمیت کاهش اثرات تجارت و تغییرات تکنولوژیکی بر زندگی و معیشت مردم تأکید می‌کند. با معرفی سیاست‌های فعال بازار کار و اجتماعی، دولت‌ها می‌توانند اطمینان حاصل کنند که منافع حاصل از تجارت و فناوری به طور گسترده به اشتراک گذاشته می‌شود و در عین حال اثرات مخرب آنها کاهش می‌یابد. مطمئناً زمینه برای ورود افراد و مکان‌های بیشتری از حاشیه شبکه‌های تولید و تجارت جهانی

خود برای باز نگه داشتن بازارها پایبند باشند. تا اوایل ماه می سال ۲۰۲۳، حدود ۶۳ مورد از ۱۰۰ اقدام محدودکننده صادراتی که کشورها از زمان آغاز جنگ در مورد غذا، خوراک و کودهای شیمیایی اعمال کرده بودند، هنوز پابرجا بودند. اگرچه فضای زیادی برای پیشرفت وجود دارد، اما همه چیز در مسیر درستی پیش می‌رود.

ضرورت وجودی تغییرات آب و هوایی حوزه دیگری است که تجارت می‌تواند و باید بخشی از راه‌حل باشد. جهان بدون تجارت نمی‌تواند کربن‌زدایی کند. این یک کانال ضروری است که از طریق آن می‌توان فناوری‌های سبز را منتشر کرد و کشورها می‌توانند به کالاهای و خدمات مورد نیاز خود برای بازبانی از رویدادهای شدید آب و هوایی و سازگاری با آب و هوای متغیر دسترسی داشته باشند. رقابت و کارایی مقیاس که توسط تجارت بین‌المللی و زنجیره‌های ارزش امکان‌پذیر شده است، برای کاهش هزینه‌های فناوری‌های انرژی‌های تجدیدپذیر و تسریع پیشرفت به سمت هدف انتشار خالص صفر، حیاتی هستند. تجارت می‌تواند به جهان در دستیابی به اهداف زیست‌محیطی از راه‌های دیگر نیز کمک کند. بسیاری از اعضای سازمان تجارت جهانی به دنبال اصلاح و کاهش یارانه‌هایی هستند که دولت‌ها به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سوخت‌های فسیلی می‌دهند و برخی نیز کاهش موانع تجاری برای کالاهای و خدمات زیست‌محیطی مانند فناوری‌ها برای مدیریت آلودگی هوا و آب را در نظر دارند. به موازات این تلاش‌ها، برخی از اعضا گام‌های جسورانه‌ای برای تشویق سرمایه‌گذاری در فناوری سبز برمی‌دارند.

### ■ بستن شکاف طبقاتی

تجارت از دیرباز نیروی قدرتمندی برای کاهش فقر نیز بوده است. این به کشورهایی با بازارهای داخلی کوچک یا ضعیف اجازه می‌دهد تا از تقاضای خارجی برای انتقال افراد و منابع از فعالیت‌های معیشتی به سمت کارهای مولدتر در تولید، خدمات و کشاورزی استفاده کنند.

در دهه‌های قبل از همه‌گیری کووید-۱۹، تجارت نقش مهمی در رهایی بیش از یک میلیارد نفر از فقر شدید داشت. این فقط داستان صعود اقتصادی چین نبود. سهم جمعیت جهان که با کمتر از ۱/۹۰ دلار در روز زندگی می‌کنند از ۲۶ درصد در سال ۱۹۹۰ به حدود ۹ درصد در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است. در ربع قرن منتهی به سال ۲۰۱۹، شکاف درآمد در

طرفداران جهانی‌زدایی عملاً خواستار برهم‌زدن تقریباً ۳۰ درصد از کل تولید جهانی هستند که به تجارت وابسته است، حرکتی که تنها به فشار نزولی بر قدرت خرید مردم در سراسر جهان می‌افزاید. با توجه به بازگشت قوی در تجارت که به بهبود اقتصادها کمک و اکثر کمبودهای ناشی از بیماری همه‌گیر را موقتی کرد، واضح است که مشکل اساسی به خودی خود وابستگی متقابل نیست، بلکه تمرکز بیش از حد برخی از روابط تجاری برای برخی محصولات حیاتی است.

### ■ جهانی‌سازی مجدد

زنجیره‌های تأمین جهانی عمیق‌تر، غیرمتمرکز و متنوع‌تر - آنچه که در سازمان تجارت جهانی «جهانی‌سازی مجدد» نامیده می‌شود - راهی برای وابستگی متقابل بدون وابستگی بیش از حد ارائه می‌کند. مشکلاتی که طی سه سال گذشته آشکار شده را می‌توان به فرصتی تبدیل کرد تا به کشورها و جوامعی که تاکنون از زنجیره ارزش جهانی حذف شده‌اند، راهی برای ورود داده شود.

محققان سازمان تجارت جهانی تخمین زده‌اند که اگر جهان به دو بلوک اقتصادی جداگانه تقسیم شود، کاهش تجارت بین‌الملل و کاهش بهره‌وری ناشی از تخصص‌ها و اقتصادهای مقیاس، درآمد واقعی را در بلندمدت به طور متوسط حداقل پنج درصد نسبت به درآمد فعلی کاهش می‌دهد. زبان تولید بسیار بیشتر از زبان‌های ناشی از بحران مالی جهانی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ خواهد بود. کشورهای کم‌درآمد شاهد کاهش درآمد واقعی تا ۱۲ درصد خواهند بود که ضربه بزرگی به چشم‌انداز توسعه آنها وارد می‌کند.

علاوه بر این، بازسازی در مقیاس بزرگ می‌تواند با انعطاف‌پذیری کمتر نتیجه معکوس داشته باشد. شوک‌های منفی عرضه، احتمالاً در سال‌های آتی بیشتر می‌شوند. بسته شدن درهای تجارت باعث افزایش قرار گرفتن کشورها در برابر چنین شوک‌هایی می‌شود. در مقابل، اقتصاد جهانی مجدداً به کشورها گزینه‌های بیشتری برای عرضه خارجی و در نتیجه انعطاف‌پذیری بیشتری ارائه می‌دهد.

در سال ۲۰۲۲ زمانی که ایالات متحده با کمبود شیر خشک مواجه شد، به طور آشکارا متوجه شد که تولید داخلی به تنهایی نمی‌تواند انعطاف‌پذیری عرضه را تضمین کند. تقریباً تمام فرمول‌هایی که در ایالات متحده ارائه می‌شد در داخل کشور تولید می‌شد و زمانی که یکی از چهار تولیدکننده بزرگ مجبور شد تولید در یکی از کارخانه‌های خود را به دلیل آلودگی باکتریایی متوقف کند، کمبودهای وحشتناک در بازار شیر خشک ایجاد شد. آنچه در نهایت بحران را کاهش داد تجارت بود: سازمان غذا و دارو اجازه واردات شیر خشک را به صورت اضطراری داد.

### ■ تجارت سبز

اما موضوع «جهانی‌سازی مجدد» فراتر از این گونه موارد عملی است. این امر از این واقعیت ناشی می‌شود که جهان برای غلبه بر مبرم‌ترین چالش‌های روز مانند تغییرات آب و هوایی، فقر، نابرابری و جنگ به تجارت بین‌المللی نیاز دارد. اغلب گفته می‌شود که مشکلات جهانی راه‌حل‌های جهانی می‌طلبند. با این حال، اغلب، همکاری در تجارت از فهرست این راه‌حل‌ها حذف می‌شود.

«سازمان تجارت جهانی» در حال انجام وظیفه خود برای اصلاح این نقص است. زمانی که جنگ در اوکراین عرضه غذا، خوراک و کود را مختل کرد، سازمان تجارت جهانی نظارت بر سیاست‌های تجاری مرتبط را تشدید کرد و از اعضا خواست تا به تعهدات



ترجمه



به جریان اصلی وجود دارد. این رخداد در حال حاضر در شرف وقوع است. شرکت‌های چندملیتی به دنبال صرفه‌جویی در هزینه‌ها و مدیریت ریسک بهتر، پایگاه‌های تأمین کنندگان خود را متنوع می‌کنند. بنگلادش، کامبوج، مراکش و ویتنام مشارکت خود را در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی گسترش می‌دهند. از باربادوس گرفته تا بالی و اوهايو، خدمات از راه دور فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند و جان تازه‌ای به جوامع در حال مبارزه می‌بخشد.

پیش بردن این فرآیند جهانی‌سازی مجدد برای احاطه کردن مکان‌های بیشتر و جذب بیشتر مشاغل کوچک و زنان، سود قابل توجهی را به همراه خواهد داشت. این امر باعث رشد اقتصادی و کاهش فقر در بخش‌هایی از آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین می‌شود که دارای محیط‌های کلان اقتصادی و تجاری خوب هستند، اما ارتباطات ضعیفی با پویاترین بخش‌های اقتصاد جهانی دارند. این امر منجر به شمول اجتماعی-اقتصادی بیشتری برای بخش‌هایی از جامعه می‌شود که معمولاً نرخ‌های بالاتری از فقر و بیکاری را ثبت می‌کنند و عمق، امنیت و انعطاف‌پذیری زنجیره‌های تأمین را افزایش می‌دهند.

### ■ خدمات، محرک تجارت

یک سیستم تجاری قوی، باز و چندجانبه برای این موج بعدی بالقوه رشد تجارت‌محور ضروری است. اما جهانی‌سازی مجدد با صنعتی‌سازی صادراتی که آسیای شرقی را متحول کرد، متفاوت به نظر می‌رسد. با پیشرفت‌هایی که در اتوماسیون ایجاد شده است که تولید را به موتور ضعیف‌تری نسبت به گذشته برای ایجاد شغل تبدیل می‌کند، خدمات باید در کنار تولید و فرآوری کشاورزی نقش مهمی ایفا کنند. خدمات به طور فزاینده‌ای محرک‌های مهم رشد و تجارت هستند و سریع‌تر از تجارت کالاها گسترش می‌یابند. این امر به ویژه برای خدماتی که به صورت دیجیتال ارائه می‌شوند صادق است. تجارت فرامرزی در این خدمات بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۲ به طور متوسط ۸/۱ درصد رشد داشته است، در حالی که این رقم برای کالاها ۵/۶ درصد بوده است. در سال ۲۰۲۲، صادرات خدمات دیجیتال به ارزش ۳/۸ تریلیون دلار رسید که معادل ۱۲ درصد کل تجارت کالاها و خدمات است که در مقایسه با هشت درصد یک دهه قبل از آن افزایش یافته است.

### ■ ترویج تجارت دیجیتال

برای حمایت از این فرآیند جهانی‌سازی مجدد، رژیم تجارت بین‌الملل باید با وضع قوانین واضح در تجارت دیجیتال و ترویج همکاری عمیق‌تر در تجارت خدمات سازگار شود. شکاف در قوانین تجاری موجود یافقدان قوانین مشترک جهانی منجر به عدم اطمینان و هزینه‌های مبادله‌ای می‌شود که بیشترین وزن را بر مشاغل کوچک‌تر وارد می‌کند. اعضای سازمان تجارت جهانی گام‌هایی را در جهت درست برداشته‌اند. در سال ۲۰۲۱، گروهی از اعضا که بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی خدمات را به خود اختصاص داده‌اند، توافقی را در مورد کاهش موانع نظارتی برای تجارت خدمات منعقد کردند و نزدیک به ۹۰ عضو، از جمله چین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا، در حال حاضر در حال مذاکره بر سر یک موضوع اساسی هستند. مجموعه قوانین جهانی برای تجارت دیجیتال ابتکارات منطقه‌ای برای کاهش موانع تجاری و ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی، مانند منطقه تجارت آزاد قاره آفریقا نیز مفید است.

در نهایت، حفظ صلح و امنیت این روزها به ویژه برجسته است. تسلیح‌سازی فزاینده روابط تجاری و سیاست در این گزاره دیرینه مبنی بر اینکه تجارت صلح را به ارمغان می‌آورد، تردید ایجاد کرده است. کشورها به طور قابل درکی نگران وابستگی به دشمنان بالقوه برای کالاهای حیاتی هستند. اما همان‌طور که مشخص شد، محدود کردن تجارت به چند شریک با هزینه‌های فرصت از جمله قیمت‌های بالاتر، گزینه‌های صادراتی کاهش یافته، تخصیص منابع تولیدی کمتر و انواع جدیدی از آسیب‌پذیری‌های عرضه همراه است.

در همین حال، بازارهای عمیق و متنوع، با کاهش وابستگی کشورها به هر منبع عرضه، تسلیح کردن تجارت بین‌المللی را دشوارتر می‌کند. زمانی که جنگ در اوکراین تقریباً تمام واردات گندم ایتالیایی از آن کشور را قطع کرد، ایتالیایی توانست این شکاف را با واردات از آرژانتین و ایالات متحده پر کند. اروپا از دست دادن گاز روسیه را با واردات گاز طبیعی مایع از منابع دیگر جبران کرده است. یکی از پیش‌نیازهای جهانی شدن مجدد، یک اقتصاد جهانی کاملاً باز و قابل پیش‌بینی است که در یک سیستم تجاری چندجانبه قوی و مبتنی بر قوانین لنگر انداخته باشد.

### ■ نیروی برای صلح

تجارت بین‌الملل نه گلوله نقره‌ای است که بتواند همه مشکلات امنیتی را حل کند و نه پاشنه آشیل معماری کنونی امنیتی. چشم‌پوشی از مزایای بسیاری که تجارت بین‌المللی به همراه دارد، احمقانه خواهد بود. مشکلات واقعی در سیستم تجاری فعلی وجود دارد، اما سناریوی خلاف واقع تقریباً بدتر است: دشوار است باور کنیم که امنیت بین‌الملل بهتر تأمین می‌شود، اگر قدرت‌های پیشرو هیچ سهم اقتصادی در ثبات و رفاه یکدیگر و هیچ نهاد مشترکی نداشته باشند. تجارت بین ایالات متحده و چین برای مردم و مشاغل در هر دو کشور بسیار سودمند است و ابرقدرت‌ها را چه به صورت دوجانبه و چه در مجامع بین‌المللی به هم پیوند می‌دهد و انگیزه‌ای برای همکاری در صورت امکان و اجتناب از درگیری ایجاد می‌کند.

رقابت استراتژیک، واقعیت دنیای مدرن است و این جهان بدون همکاری استراتژیک غیرقابل سکونت خواهد بود. در سه ربع قرن از زمانی که جهان برای اولین بار همکاری چندجانبه در تجارت را پذیرفت، سیستم تجاری و زیربنای رونق جهانی رو به افزایش بوده است. این کشور به هدف اولیه خود یعنی کمک به دولت‌ها در باز نگه داشتن بازارها در زمان‌های آشفتنه دست یافته است. در مواجهه با شوک‌های بزرگ، از بحران مالی جهانی تا همه‌گیری، جهان ماریج حمایت‌گرایی و افسردگی دهه ۱۹۳۰ را تکرار نکرد، در عوض اجازه داد تقاضا و عرضه فرامرزی موتوری برای بهبود باشد.

امروزه، سیستم تجاری چندجانبه بخشی از راه‌حل چالش‌های بزرگ جهانی، از تغییرات آب‌وهوایی گرفته تا درگیری و آمادگی برای همه‌گیری است و یک سازمان تجارت جهانی اصلاح‌شده، متناسب با قرن بیست‌ویکم، اکنون بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز است؛ با قوانینی که ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و باز بودن سیستم تجارت جهانی را پایه‌ریزی می‌کند. اگر ۱۵ سال گذشته نکته‌ای به ما آموخته باشد، این است که بحران‌های پیش‌بینی‌نشده مطمئناً در راه است و بدون نیروی تثبیت‌کننده تجارت، جهان تقریباً به طور قطع کمتر قادر به مقابله با آنها خواهد بود.

منبع: فارن‌افرز

